

اجبار به حجاب در فقه شیعه بر اساس آراء ۴۱ نفر از مراجع تقلید معاصر

گزارش پژوهشی

شهریور ۱۴۰۱

ویراست ۱.۵

میراث
گروه بررسی‌های راهبردی



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

قال مولانا امیر المؤمنین (علیه السلام) ثابروا علی صلاح المؤمنین و المتقین غرر الحکم

گزارش پژوهشی

اجبار به حجاب در فقه شیعه

بر اساس آراء ۴۱ نفر از مراجع تقلید معاصر

شهریور ۱۴۰۱

ویراست ۱,۵

تهیه شده توسط گروه بررسی های راهبردی میراث
(وابسته به انجمن میراث اسلامی)

مدیر گروه: امیرمهدی مناقبی، Managhebi@mssint.com

مدیر پژوهشی: علیرضا رحمانی، Rahmani@mssint.com

همکاران

پژوهش: علیرضا دهقانی

ویراستاری: سید محمدحسین میرفخرایی

صفحه آرایی: علی اکبر محمدخانی

اطلاعات تماس

۰۲۱-۲۶۴۰۸۰۴۷

www.mssinst.com


Contact@mssint.com





گروه بررسی های راهبردی

برای دریافت گزارش ها و اطلاع از فعالیت های گروه می توانید
علاوه بر سایت در شبکه های اجتماعی ما را دنبال کنید:

 [mssinst](https://www.facebook.com/mssinst)

 [mssinst](https://www.telegram.com/mssinst)

 [mss.inst](https://www.instagram.com/mss.inst)

 [mssinst](https://www.twitter.com/mssinst)

معرفی گروه

مأموریت گروه بررسی های راهبردی میراث، گفت و گو، تحلیل و پژوهش هدفمند پیرامون مسائل اجتماعی- فرهنگی شیعیان ایران و تدوین و ترویج راهکارهای جدید برای سیاست گذاران، نخبگان و مردم است. ما در این راستا در سایه بهره مندی از دانش خبرگان و تجربه کنشگران به ارائه پیشنهادات کاربردی در سطح سیاست گذاری و مسائل راهبردی خواهیم پرداخت؛ به عبارت دیگر از دل دانش و تجربه، پیشنهادهایی کاربردی برای مسائل راهبردی به دست خواهیم داد.

اهداف ما عبارتند از:

۱. ارائه تصویری روشن از آینده، مسائل و راهکارها؛
۲. افزایش آگاهی عمومی به مسائل راهبردی؛
۳. رایزنی و تلاش در جهت تحقق راهکارهای مطرح شده.

بیانیه مسئولیت

گزارش پیش رو بر اساس روش های علمی تهیه شده است و ما مسئول کیفیت آن هستیم. شایان ذکر است که محتوای گزارش صرفاً بازتاب نظر جمعی از خبرگان است که الزاماً بیانگر دیدگاه های رسمی گروه نمی باشد.

تقدیر

از یکایک بزرگواران و یاورانی که ما را در تهیه این گزارش همراهی و هم یاری کردند، کمال تقدیر و تشکر را داریم: مشاوران حامی، واسطه های ارزشمند ارتباطی و حامیان مالی نیکوکار.

تقاضا

از جمله اهداف این گزارش، توسعه گفت و گو پیرامون مسئله حجاب است. از مخاطبان محترم صمیمانه خواستاریم نقدها و نظرات خود را پیرامون محتوای این پژوهش با ما و سایر علاقه مندان به صورت عمومی به اشتراک بگذارند. نقد این گزارش از بهترین بازخوردها برای ما خواهد بود.

فهرست

۱۷	۱. محمد علی اراکی	۸	هدف گزارش
۱۷	تبیین اجمالی دیدگاه	۸	سوالات گزارش
۱۷	مستندات	۹	درآمد
۱۹	۲. سید حسین طباطبایی بروجردی	۹	مجتهد کیست و چه می‌کند؟
۱۹	تبیین اجمالی دیدگاه	۱۱	مسأله حجاب
۱۹	مستندات		دسته‌بندی نظرات فقیهان شیعه درباره الزام بر انجام واجبات و دوری از محرمات
۲۰	۳. محمد تقی بهجت	۱۱	الف: دسته‌ای که الزام مردم به اندازه جراحی را بدون نیاز به اذن مجتهد جامع شرایط واجب یا جایز می‌دانند.
۲۰	تبیین اجمالی دیدگاه		ب: دسته‌ای دیگر از فقیهان، الزام مردم حتی در سطح ایجاد ضرب را تنها در صورت اذن مجتهد جامع شرایط و صلاح‌دید وی جایز می‌دانند (در صورت ورود جراحی یا کشتن، اذن وی را لازم می‌دانند).
۲۰	مستندات	۱۲	ج: دسته‌ای دیگر از فقیهان، الزام مردم را مطلقاً چه در صورت اذن و چه عدم اذن حاکم شرع و چه در صورتی که منجر به جرح یا قتل شود و چه نشود، حرام می‌دانند.
۲۲	۴. میرزا جواد تبریزی:		و ادراک‌کردن غیر مسلمانان به رعایت حجاب؛
۲۲	تبیین اجمالی دیدگاه		مشکلات پژوهش حاضر
۲۲	مستندات		محدودیت‌های پژوهش
۲۴	۵. عبدالله جوادی آملی:		محدوده پژوهش؛ چرا مراجع تقلید، آن هم برخی‌شان؟
۲۴	تبیین اجمالی دیدگاه	۱۲	
۲۴	مستندات	۱۳	
۲۵	۶. سید محسن طباطبایی حکیم:		
۲۵	تبیین اجمالی دیدگاه	۱۴	
۲۵	مستندات	۱۴	
۲۶	۷. سید محمد سعید طباطبایی حکیم:		
۲۶	تبیین اجمالی دیدگاه	۱۵	
۲۶	مستندات	۱۵	

بیان مسأله

حجاب در اسلام از مسائلی است که در قرآن و احادیث فریقین مورد تأکید بوده است. در قرآن کریم ۲۳ آیه به حجاب و پوشش زنان پرداخته است که نشان از اهمیت آن برای شارع مقدس دارد. احکام و توصیه‌های مرتبط با حجاب، پوشش، زینت و حضور زنان در جامعه بخش قابل توجهی از میراث حدیثی اسلامی را تشکیل می‌دهد. این احادیث بیشتر در دو باب فقهی صلاة و نکاح به مناسبت بیان وظایف زنان درباره پوشش در نماز، پوشش در جامعه، ازدواج و روابط خانوادگی مطرح شده است. افزون بر دو منبع قرآن و سنت، مسلمانان در دوره‌های مختلف، در ضرورت حجاب به مثابه یک حکم مسلم که دین اسلام آن را تشریح و مقرر کرده است، تردید نداشته و به عبارتی اصل وجود حجاب را ضروری دین می‌دانند، هرچند در کیفیت پوشش و جزئیات حجاب در میان مذاهب اسلامی اختلافاتی وجود دارد که در آثار فقهی به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. شیعیان امامی مذهب نیز از زمان حضور امامان (ع) به این موضوع توجه داشته‌اند. در دوره غیبت امام زمان (عج)، فقیهان امامیه هم‌سو با مذاهب مختلف در آثار خود کوشش‌های فراوانی درباره حجاب داشته و با استفاده از منابع معتبر دینی (عموماً آیات قرآن و نیز روایات مندرج در کتب اربعه) این حکم را اثبات و مقررات آن را به صورت مستدل و با استفاده از ضوابط دقیق فقه‌الحدیثی بیان کرده‌اند. به‌ویژه این آثار در دوره پیدایش مکتب حله و تألیفات فقهی علامه حلی چشم‌گیر شد و پس از آن، با مهاجرت علمای جبل عامل به ایران در عصر صفویان، تدوین رشته‌ای از مکتوبات فقهی مبسوط را رقم زد، به گونه‌ای که در چهار سده اخیر رساله‌هایی با موضوع

حجاب تألیف گردید.^۱ در دوره معاصر نیز با تلاش فقیهان در حوزه‌های علمیة قم و نجف این موضوع شرح و بسط بیشتری یافت. افزون بر وجوب شرعی حجاب، با ملاحظه مکتوبات فقهی مشخص می‌شود به‌ویژه از دوره صفویان به این سو و با بسط ید فقیهان، اجرای برخی احکام اسلامی در جامعه به استناد وجوب شرعی مرتبه سوم از امر به معروف و نهی از منکر و نیز اختیارات حاکم یا مجتهد در تعزیر مرتکبین محرمات، موضوع ابعاد تازه‌ای به خود می‌گیرد. در نتیجه این بحث مطرح می‌شود که تخلف از رعایت حجاب به مثابه حرام شرعی می‌تواند مورد مجازات و تنبیه قرار گیرد یا خیر. در این مسأله نظرات متفاوتی توسط مراجع تقلید معاصر ابراز شده است؛ برخی به استناد اختیار حاکم در تحقق مرتبه سوم از امر به معروف و نهی از منکر و همچنین قواعدی چون «التعزیر لکل عمل محرم» فتوا به جواز یا وجوب تعزیر زنان فاقد حجاب شرعی داده‌اند و برخی دیگر این استدلال‌ها را نقد کرده و الزام شرعی یا قانونی بر رعایت حجاب را ناموجه دانسته‌اند. این جستار می‌کوشد تا گزارشی از دیدگاه مراجع تقلید معاصر به‌ویژه نیم قرن اخیر پیرامون حجاب اجباری و علت اختلاف فتاوا در این مسأله را برای توضیح به مخاطب عمومی ارائه دهد. در این گزارش فتاوا و نظرات فقها با استفاده از منابعی که در دسترس باشد دسته‌بندی شده است. در صورت عدم تصریح فقیه موردنظر به نظرش، با استفاده از قواعد و عمومات فقهی نظر وی برداشت می‌شود که انتساب آن به وی همراه با احتمال و گمان خواهد بود.

۱. نک: جعفریان، رسول (۱۳۸۰). رسائل حجابیه، قم: انتشارات دلیل

هدف گزارش

گزارش حاضر پیرامون آرای مراجع تقلید معاصر در مسأله اجبار به حجاب می‌کوشد موضع فقها را در این باره تبیین کند تا عموم مخاطبان گزارش بتوانند تصویر بهتری از نظرات و دلایل مراجع داشته باشند و با نگاه درون‌دینی جامعه متدین و دغدغه‌مند نسبت به حجاب آشنا شوند. به هر حال یکی از تصورات مخاطب عام ممکن است این باشد که اجبار به حجاب فقط به دلیل حکومت اسلامی و ولایت فقیه مشروعیت می‌یابد؛ در حالی که این پژوهش نشان می‌دهد دلایل به‌سود مشروعیت اجبار به حجاب از دیدگاه فقیهان، منحصر به ولایت فقیه نیست. در نتیجه ممکن است فقیهی داشته باشیم که ولایت فقیه را نمی‌پذیرد، ولی به دلیل پذیرش نهی از منکر عملی یا قاعده عام تعزیرات، حجاب اجباری را مشروع بدانند. به علاوه سبب می‌شود متشرعان به تحولات اجتماعی و تغییر نگرش شهروندان ایرانی به حجاب توجه داشته باشند. در این راستا ای‌بسا بتوان با مشورت پژوهشگران حوزه‌های مختلف علوم انسانی، موضوع‌شناسی دقیق‌تری از این مسأله برای فقها و فضایی حوزه‌وی ارائه کرد.

اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در پی الزامی شدن مراعات حجاب و شئون اسلامی در اداره‌ها و مراکز دولتی، حجاب اجباری به دغدغه بخشی از جامعه تبدیل شد؛ به گونه‌ای که نخستین تظاهرات زنان و فعالان مدنی پس از انقلاب در تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ در اعتراض به این امر بود. از آغاز دهه شصت بود که الزام از مراکز دولتی به تمام جامعه گسترش یافت و نهادهای انقلابی به‌ویژه کمیته‌ها اجرای حجاب را در دستورکار خود قرار دادند. به نظر می‌رسد قانونی شدن حجاب و تبدیل آن به امر حقوقی هم‌زمان با تدوین کتاب پنجم از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ اتفاق افتاد. تبصره ماده ۶۳۸ این قانون، ظاهر شدن زنان در انظار و اماکن عمومی بدون حجاب شرعی را جرم تلقی کرده و مجازات حبس از ده روز تا دو ماه یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی را برای آن پیش‌بینی کرده است. از اواخر دهه هفتاد نیروی انتظامی با حمایت قوه قضائیه به این امر اهتمام پیدا کرد و تأسیس گشت ارشاد و ارجاع شهروندان به دادرسی ارشاد و تشکیل پرونده‌های قضایی در این زمینه، موجب افزایش تنش میان حاکمیت و زنان گردید.

سوالات گزارش

۱. دیدگاه مراجع تقلید معاصر (به‌ویژه نیم قرن اخیر) درباره جواز یا وجوب نهی از منکر عملی یا تعزیرات زنانی که حجاب شرعی ندارند، چیست؟
۲. مبانی و استدلال‌های فقهای موافق و مخالف در این زمینه به‌صورت مختصر چیست؟

روش‌شناسی و منبع‌شناسی گزارش

تهیه این گزارش با استفاده از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی انجام می‌شود. در این راستا، آثار فقهی فقیه و مرجع تقلید موردنظر، اعم از آثار فتوایی یا استدلالی، در قالب تألیفات شخص فقیه، تقریرات شاگردان وی و استفتانات موجود از دفاتر، در اولویت این گزارش خواهد بود. در صورت دسترسی، بازتاب نظرات عمومی وی در قالب مصاحبه یا سخنرانی در این زمینه با ذکر منابع خبری نیز مورد توجه خواهد بود.

درآمد

■ مجتهد کیست و چه می‌کند؟

۱. پس از این‌که خداوند رحمان و رحیم ما را از روی حکمت و رحمت و لطف آفرید و فهمیدیم از خودمان، ما را بهتر و دقیق‌تر می‌شناسد، متوجه شدیم برای رسیدن به سعادت حقیقی، احکامی را برایمان مقرر کرده و بر آن‌ها نام «شریعت» نهاده است. ما نیز برای نزدیک‌تر شدن به خداوند، این احکام را انجام می‌دهیم. حال پرسش این‌جاست: احکام شریعت را از کجا بشناسیم؟ این احکام چه ویژگی‌هایی دارند؟

۲. نظر رایجی در الهیات شیعه امامیه وجود دارد که می‌گوید خداوند در آن دین که به پیامبر تعلیم داده، برای هر موضوعی حکمی قرار داده است. این موضوع در دین موجود نزد ما هم به شکل دیگری وجود دارد که در نتیجه می‌گوید هیچ واقعه‌ای خالی از حکم شرعی نیست. حکم در این‌جا می‌تواند وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه باشد. وجوب حکمی است که باید انجامش داد و در صورت نافرمانی، خداوند در قیامت می‌تواند شخص نافرمان را مجازات کند. حرمت حکمی است که نباید انجامش داد و در صورت نافرمانی، خداوند می‌تواند در قیامت به حساب نافرمان رسیدگی کند. استحباب حکمی است که بهتر است انجام داده شود، ولی انجام‌ندادنش مجازاتی در آخرت ندارد. برعکس آن، کراهت حکمی است که بهتر است انجام نشود، ولی انجام‌دادنش مجازات ندارد. اباحه پنجمین و آخرین حکمی است که وجود دارد و انجام‌دادن و انجام‌ندادنش مجازات ندارد و اصلاً فلسفه‌اش همین است؛ خداوند به عنوان آزادی و رخصت دین‌داران قرارش داده است.^۲

۱. برخی مطالبی که در این بخش خواهد آمد احتمالاً از دیدگاه متدینان و متشرعان بدیهی بوده یا در نظر برخی مورد اختلاف باشد، اما ذکر آن مبنی بر آرای مشهور و به‌گستره مخاطبان این گزارش، ضروری به نظر می‌رسد.

۲. میان فقیهان و اصولیان امامیه در حکم بودن اباحه و این‌که اباحه از سوی شارع وضع شده یا نشده، اختلاف نظر وجود دارد. در این‌جا نظر رایج‌تر را نوشته‌ایم که اباحه حکم شرعی بوده و شارع آن را به عنوان

۳. از سوی دیگر، می‌دانیم فقه دینی است که احکام شرعی را با دلیلش به ما نشان می‌دهد؛ برای مثال می‌گوید که نماز خواندن در وقت‌های پنج‌گانه بر کسانی که مکلف باشند واجب است و غیبت مؤمنان را کردن حرام است. تشخیص این‌که هر موضوعی در فقه اسلامی چه حکمی دارد، کار دشوار و طاقت‌فرسایی است. همان‌گونه که پزشکان، مهندسان، هنرمندان، حقوق‌دانان و متخصصان دیگر رشته‌ها، در رشته تحصیلی موردعلاقه‌شان سال‌ها زحمت کشیده‌اند تا بتوانند نظر دهند، فقه نیز بیرون از این قاعده نیست. به کسی که عمر خود را پای شناخت احکام رفتاری دین می‌گذارد، مجتهد می‌گویند. مجتهد توانایی استنباط احکام شرعی از ادله را دارد؛ یعنی می‌تواند با استدلال‌های معتبری که پیش‌تر آن را مشخص کرده است، بگوید با توجه به اسناد و مدارکی که در اختیار دارد و تلاشی که کرده، موضوعات حلال و موضوعات حرام کدام‌اند، انجام چه کاری حلال است و انجام کدام یک حرام.

۴. قبلاً گفتیم خداوند احکامی دارد و ما هم لازم است آن را بشناسیم و برای رعایت حال دینی خودمان، به آن‌ها عمل کنیم. از طرفی موضوعاتی که در شریعت وجود دارد، بسیار است و احکام همه آن‌ها یکسان نیست؛ چون برخی واجب‌اند، برخی حرام، برخی مستحب، برخی مکروه و برخی مباح. طبیعی است نمی‌توانیم کاری را بدون دلیل انجام دهیم، چون هم عقل ما و هم قرآن و احادیث، تخمین‌زدن در شناخت دین را شایسته نمی‌دانند. در نتیجه لازم است هرکدام از ما تک‌تک به سراغ منابع دینی برویم و بفهمیم حکم هر مسأله‌ای چیست؛ نماز خواندن، روزه گرفتن، زکات دادن، غیبت کردن، رشوه‌دادن و رشوه‌گرفتن و ده‌ها مسأله دیگر. اصلاً اول باید ببینیم چه چیزی دلیل معتبر است و چه چیزی نیست تا بعد به سراغ اثبات هر یک از احکام برویم. آیا می‌توانیم هرکداممان به‌تنهایی این کار را انجام دهیم؟ پاسخ روشن است؛ خیر! مجتهد شدن تک‌تک ما آدم‌ها یعنی تعطیل کردن تحصیل در رشته‌های دیگر. دیگر نمی‌توانیم دانش دیگری را به صورت تخصصی و آکادمیک فراگیریم؛ چون شناخت احکام کاری تمام‌وقت است. از طرفی در بیش‌تر موقعیت‌های زندگی، عملاً نمی‌توانیم احتیاط کنیم و دست‌به‌عصا راه برویم؛ چرا که همین کار حکم در کنار چهار حکم دیگر، قرار داده است.

زندگی مان را مختل می‌کند. در هر کاری باید یقین پیدا کنیم که صد درصد وظیفه شرعی مان را انجام داده‌ایم! از طرفی همیشه عقلاً هم در موارد بسیاری نمی‌توانیم احتیاط کنیم؛ چون برخی کارها حرام‌اند و برخی دیگر واجب و چون واجب و حرام متضاد یکدیگرند، نمی‌توانیم هر دو را انجام دهیم یا هر دو را انجام ندهیم. پس چه کار کنیم؟

۵. این جاست که تقلید کردن به کارمان می‌آید؛ تقلید یعنی کسی که متخصص نیست، به کسی مراجعه کند که متخصص است و کارهای شرعی اش را مطابق نظر وی انجام دهد تا در مقابل خداوند دلیل داشته باشد که وظیفه اش را به خوبی انجام داده است. از این جا می‌فهمیم تقلید کردن، پیروی کورکورانه نیست؛ چون در زمینه‌هایی که خودمان متخصص نیستیم، به مجتهد مراجعه می‌کنیم. در ضمن، در اصول اعتقادی جای تقلید کردن نیست و باید هر کدام استدلال خودمان را داشته باشیم. اما وقتی به منابع دینی نگاه می‌کنیم، ده‌ها حکم وجود دارد که از آن‌ها سردر نمی‌آوریم و مجتهد با تخصص خود آن را دریافته و نتیجه پژوهش‌ها و یافته‌هایش را در اختیار ما قرار می‌دهد.

۶. مجتهد چه می‌کند؟ مجتهد در ابتدا منابعی را که دین آن را به رسمیت می‌شناسد، با دلیل و برهان اثبات می‌کند. بعد به سراغ هر یک از موضوعات فقهی و شرعی می‌رود و دلیل هر کدام را از قرآن و احادیث معتبر به دست می‌آورد و صحت و سقم آن را به لحاظ سند و محتوا ارزیابی می‌کند که کاری دشوار و عمدتاً تخصصی است. اگر عقل سلیم در آن زمینه نظری داشت یا فقیهان دوره نزدیک به حضور معصومین (ع) نظر واحدی داشتند، آن را کشف می‌کند و در کنار بقیه دلایل قرار می‌دهد و همه را با هم می‌سنجد. اگر در این زمینه، منابع دینی تعارض داشتند، مشخص می‌کند تعارض از چه نوعی است و آن را حل و فصل می‌کند. سپس اگر مجتهد با دلایلی که از چهار منبع گفتیم، به نتیجه قطعی یا اطمینانی نرسید، به سراغ «اصول عملیه» می‌رود که چهار موردند: استصحاب، برائت، تخییر و احتیاط. در این جا با تعریف این اصول کاری نداریم، فقط می‌خواهیم بدانیم این اصول، وظیفه مکلف را در جایی که شک داشته باشد و به قول معروف، قضیه برایش «پنجاه-پنجاه» باشد، روشن می‌کند. مجتهد از این اصول در جایی که شرایطش باشد، استفاده می‌کند.

۷. آن چنان که بسیاری از فقها بنا بر دلایل شرعی و حکم عقل استدلال کرده‌اند، ما از میان مجتهدان از کسی لازم است تقلید کنیم که از همه در شناخت احکام تواناتر و

متخصص‌تر باشد که به او «اعلم» می‌گویند. اگر چند مجتهد در یک سطح بودند و نتوانستیم اعلم را بشناسیم، به سراغ آن یکی می‌رویم که عادل‌تر و خدا ترس‌تر باشد. اگر آن هم نشد، از هر یک می‌توانیم تقلید کنیم. اهل بیت پیامبر (ص) به‌ویژه در زمان‌هایی که شیعیان توانستند راحت‌تر و آزادانه‌تر به تبلیغ مذهب خود پردازند، شیعیان را به کسانی ارجاع می‌دادند که از بقیه استادتر و باتقواتر باشند. وقتی در زمان حضور و زندگی معصومان چنین رفتاری از آن‌ها می‌بینیم، در نتیجه به طریق اولی، وقتی که امام زمان (عج) در میان ما نباشد و در پس پرده غیبت قرار گیرد، همین وظیفه وجود دارد و باید برای درست انجام دادن وظیفه مان، به متخصص‌ترین و باتقواترین فقیهان مراجعه کنیم. شیعیان از دوران غیبت صغری که از طریق چهار نایب خاص با امام زمان (عج) ارتباط داشتند، همین کار را می‌کردند. پس از آغاز دوران غیبت کبری که دسترسی به امام زمان (عج) برای تعیین تکلیف وظایف دینی از بین رفت، شیعیان به فقهای جامع‌الشرایط-یعنی دارندگان همه شرایط برای مرجع تقلید بودن-مراجعه می‌کردند. این کار تا امروز ادامه دارد.

■ مسأله حجاب

۸. یکی از مسائلی که منابع دینی درباره اش سخن گفته‌اند، حجاب است. با مراجعه به منابع دینی معتبر باخبر می‌شویم که اصل رعایت حجاب زنان، یکی از احکام مسلم اسلام است که دستور خداوند به پیامبر (ص) بوده است و مسلمانان با هر مذهب و آیینی، آن را انجام می‌دادند و در زمان پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) نیز رعایت می‌شده است. هر چند در کمیت و کیفیت حجاب مانند جزئیات بسیاری از احکام شرعی دیگر، اختلاف نظر وجود دارد، ولی در اصل رعایت پوشش اکثر سر و گردن و بدن اختلافی نیست.^۳ فتوای رایج فقیهان شیعه از ده قرن پیش تا امروز، واجب بودن پوشش تمام بدن زن به جز گردی صورت و دست‌ها تا مچ است. این فتوا، مستند به روایات متعدد و معتبری است که در منابع حدیثی

^۳ اختلاف نظرها راجع به جزئیات پوشش زنان در نماز و حج با پوشش در جامعه و در مقابل نامحرمان است که در کتاب‌های فقهی امامیه مفصلاً درباره اش بحث شده است.

مراجع، مفهوم «قانون» پررنگ می‌شود؛ یعنی با استفاده از این‌که قانون باید مراعات شود و از جایی که مسأله حجاب در قانون آمده است، حجاب اجباری را با عنوان حجاب قانونی موجه می‌دانند.

دسته‌بندی نظرات فقیهان شیعه درباره الزام بر انجام واجبات و دوری از محرمات

۱۰. فقیهان شیعه در مسأله ملزم کردن مردم بر انجام واجبات و دوری از محرمات به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف: دسته‌ای که الزام مردم حتی در سطح ایجاب جرح است را بدون نیاز به اذن مجتهد جامع‌الشرایط واجب یا جایز می‌دانند.

این دسته می‌گویند در صورتی که تذکر زبانی مؤثر واقع نشد و همچنان شرایط امر به معروف و نهی از منکر (احتمال تأثیر امر و نهی در فاعل منکر یا تارک معروف) وجود داشت، می‌توان با استفاده از زور، او را وادار کرد واجب را انجام دهد یا از حرام دست بردارد و اذن مجتهد جامع‌الشرایط را حتی در حالتی که به ضرب و جرح برسد، لازم نمی‌دانند. این دسته برای اثبات نظرشان، عمدتاً چهار دلیل دارند:

۱. صدق عنوان امر به معروف و نهی از منکر بر انکار عملی: این گروه می‌گویند از لفظ «امر به معروف و نهی از منکر» می‌توان دریافت که امر به معروف و نهی از منکر، منحصر در نفرت قلبی از ارتکاب گناه یا تذکر زبانی به گناهکار نیست. به عبارت دیگر، عنوان امر به معروف و نهی از منکر بر تذکر عملی و با استفاده از زور و اجبار نیز صدق می‌کند.

۲. ادله لفظی امر به معروف و نهی از منکر از حیث اذن و عدم اذن حاکم شرع: این دسته می‌گویند از آیات و روایات مانند «ولتکن منکم أمة یدعون إلى الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» (آل عمران (۳): ۱۰۴) این چنین برداشت می‌شود که اذن مجتهد جامع‌الشرایط شرط نیست که بخواهد حتماً با اجازه وی مرتبه عملی نهی از منکر جایز شود.

کهن و مورد اعتماد نقل شده و تاریخ‌گذاری احادیثش به نیمه اول قرن دوم هجری می‌رسد. در چندین گزارش و با طریق‌های نقل متفاوت و معتبر، احکام و شرایط حجاب به صورت کامل توسط ائمه (ع)، به ویژه امام باقر (ع)، امام صادق (ع)، امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) به اصحابشان توضیح داده شده است.

۹. افزون بر وجوب شرعی حجاب بر زنان، الزام کردن زنان به رعایت حجاب شرعی از موضوعاتی است که مورد بحث میان فقیهان قرار گرفته است. در واقع بررسی این موضوع، در پرسش بزرگتری ریشه دارد: الزام مکلفین بر رعایت احکام شرعی چه حکمی دارد؟ برای مثال، اجبار کردن زنان فاقد حجاب شرعی بر رعایت آن یا اجبار کردن مردان بر پوشیدن انگشتر طلا چه حکمی دارد؟ به عبارت دیگر، در صورتی که هریک از زنان و مردان مسلمان، به صورت علنی و در ملاء عام، حکمی از احکام شرعی را رعایت نکنند، آیا مردم می‌توانند او را مجازات کنند؟ فقیهان امامیه در این مسأله با یکدیگر اختلاف نظر دارند؛^۴ عمده دلایل مورد بحث در زمینه مشروعیت اجبار بر حجاب، اثبات مرتبه عملی نهی از منکر،^۵ قاعده عمومی تعزیرات و ولایت فقیه است. خلاصه این‌که اگر فقهی مرتبه عملی نهی از منکر یا ولایت فقیه را قبول داشت یا دست‌کم تعزیر در هر عمل حرامی را قبول داشت، حجاب اجباری را می‌تواند موجه بداند. بیشتر مراجع معاصر از پیروان مکتب فقهی قم و مکتب فقهی نجف، نهی از منکر عملی را قبول دارند و در نتیجه علی‌القاعده حجاب اجباری را می‌پذیرند؛ البته مکتب قم ولایت فقیه و تعزیرات را نیز افزون بر مرتبه عملی نهی از منکر قبول دارد، هرچند برخی از مکتب قم شرط می‌کنند در شرایطی که جامعه توانایی اجرای آن را ندارد و باعث دین‌زدگی مردم می‌شود، باید متوقف شود. همچنین در مکتب قم مشاهده می‌شود بیشتر مراجع تقلید معاصر قم، وظیفه نهی از منکر عملی را از مکلفان برداشته و بر دوش حکومت گذاشته‌اند. در این‌جا برای این گروه از

۴. این موضوع در میان فقیهان اهل سنت نیز مورد بحث قرار گرفته، ولی به دلیل محدودیت عنوان این پژوهش به مراجع تقلید شیعه معاصر، صرفاً نظرات آنان به صورت گزارش توصیف شده است.

۵. برخی فقیهان از مرحله عملی که آخرین مرحله است، به مرتبه سوم و برخی دیگر به مرتبه چهارم نهی از منکر تعبیر کرده‌اند.

۳. روایت‌های عام در مسأله اجبار گناهکار بر ترک گناه: در برخی روایات تصریح شده است خداوند بسط ید داده است (کلینی، الکافی (ط-الإسلامية): ۵/۵۵). در روایت دیگری که صحیح‌ه داود بن فرقد است، خداوند برای کسی که از هریک از حدود الهی تعدی کند، حدی قرار داده است (الکافی (ط-الإسلامية): ۷/۱۷۶).

۴. روایت‌های خاص بر ترک گناه یا انجام واجب: برای مثال در روایتی برای روزه‌خوار (حلال‌شمرنده حرمت روزه‌خواری) مجازات بیست و پنج ضربه شلاق تعیین شده است (الکافی (ط-الإسلامية): ۴/۱۰۴). همچنین در روایتی پیامبر (ص) به کسی که مادرش زناکار است، اجازه داده تا او را حبس کند و بر او سخت گیرد (طوسی، تهذیب الأحكام: ۵۹/۱۰).

ب: دسته‌ای دیگر از فقیهان، الزام مردم به اندازه ضرب را تنها در صورت اذن مجتهد جامع‌الشرایط و صلاح‌دید وی جایز می‌دانند و در صورت ورود جراحت یا کشتن، اذن وی را لازم می‌دانند.

این دسته در فرضی که نهی از منکر عملی منجر به ورود جرح یا قتل شود منوط به اذن حاکم شرع دانسته‌اند. باری، این دسته، پنج دلیل بر اثبات مدعای خود دارند که سه دلیل مشابه دسته قبل است:

۱. تقیید اطلاق ادله به اذن حاکم شرع و مجتهد جامع‌الشرایط: این دسته می‌گویند نمی‌توان برای ادله امر به معروف و نهی از منکر اطلاق در نظر گرفت، بلکه با روایاتی می‌توان نشان داد مرتبه آخر نهی از منکر که نیاز به استفاده از قدرت دارد، منوط به اذن حاکم شرع است. همچنین عقلاً نمی‌توان حکم کرد همه مردم می‌توانند نهی از منکر عملی کنند؛ زیرا مستلزم اختلال در نظام اجتماعی و ایجاد هرج و مرج است.

۲. قاعده عام در تعزیرات به نام «التعزیر لکل عمل محرّم»: این قاعده در روایات به صورت مشخص نیامده است، ولی فقیهان از طریق نمونه‌های متعددی که در آن وارد شده ائمه (ع) برای مرتکبین عمل حرام مجازات‌هایی قرار داده‌اند، این قاعده را استخراج کرده‌اند که در هر عمل حرامی که از راه شرعی معتبر نزد حاکم شرع ثابت

شود، می‌توان مرتکب را تعزیر کرد، البته تعزیر در این صورت با صلاح‌دید حاکم است که به آن قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» گفته می‌شود.

۳. ادله ولایت عامه و مطلقه یا مقیده فقیه: این گروه ولایت مطلقه را برای فقیه قابل اثبات می‌دانند یا دست‌کم ولایت مقیده را اثبات می‌کنند؛ به این صورت که فقیه می‌تواند برای اجرای احکام اسلامی از جمله حدود و تعزیرات و نهی از منکر عملی، حکومت تشکیل دهد، هر چند محدودیت‌هایی دارد. از سوی دیگر برخی نیز ولایت مطلقه را قبول ندارند، ولی دایره امور حسبه را توسعه می‌دهند تا امور اجتماعی از قبیل نهی از منکر عملی را شامل شود.

۴. نقد استدلال به سیره معصومین (ع) بر عدم مشروعیت اجبار بر واجبات و اجرای شریعت: مواردی وجود دارد که در حکومت پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) قضاوت صورت گرفته و آنان، افراد را به دلیل رعایت نکردن واجبات مجازات کرده‌اند که برخی از آنان حد شرعی بوده و برخی دیگر، تعزیر شرعی منصوص. حتی اگر این رفتارها ثبت و ضبط نمی‌شد، دلیل سیره و فعل معصومین (ع)، اصطلاحاً لَبّی و غیرلفظی است، یعنی نوشته شده نیست؛ در نتیجه ابهاماتی در جوانب مختلف دارد و نمی‌توان برای آن همچون دلایل لفظی، عموم و اطلاق در نظر گرفت. آنچه مهم‌تر است، دلیل لفظی است و چون دلیل لفظی بر صلاحیت حاکم شرع برای نهی از منکر عملی و اجرای حدود و تعزیرات در اختیار داریم، جواز نهی از منکر عملی اثبات می‌شود.

۵. در فرض ورود جرح و قتل از آنجا که مخالف اصل عدم ولایت است، دلیل کافی برای اقدام همه مردم نداریم؛ در نتیجه لازم است برای این حد از اقدام، مجتهد جامع‌الشرایط اذن دهد؛ از باب «إقامة الحدود إلى من إليه الحکم» یا ادله ولایت فقیه به صورت مطلق یا مقید.

ج: دسته‌ای دیگر از فقیهان، الزام مردم را مطلقاً چه در صورت اذن و چه عدم اذن حاکم شرع و چه در صورتی که منجر به جرح یا قتل شود و چه نشود، حرام می‌دانند.

این دسته بر ادعای خود هفت دلیل دارند:

۱. عدم صدق عنوان امر به معروف و نهی از منکر بر انکار عملی: این گروه می‌گویند از لفظ «امر به معروف

و نهی از منکر» می‌توان دریافت که امر به معروف و نهی از منکر، از سنخ امر و نهی است که با زبان یا ابزارهای انشاکنده محقق می‌شود؛ در نتیجه بر الزام و اجبار نمی‌توان نام امر و نهی نهاد.

۲. نقد روایت‌های عام اجبار گناهکار: این دسته معتقدند روایت‌هایی که به آن استناد شده، از حیث سند یا محتوا ضعیف‌اند؛ از جمله درباره حدیثی از ابن‌ابی عمیر از یحیی الطویل^۱، به نظرشان می‌رسد که او توثیق نشده است و تمام مشایخ ابن‌ابی عمیر نیز معلوم نیست ثقه و معتبر باشند. همچنین پیرامون روایتی از داود بن فرقد^۲ باید توجه داشت مشخص نیست حد به معنای مطلق و شامل حد و تعزیر باشد. در صورتی که چنین باشد، به آن حدود الهی دسترسی نداریم و این مقررات در آن دین که امروز در دسترس ماست، وجود ندارد.

۳. نقد روایت‌های خاص بر ترک گناه یا انجام واجب: این گروه بر این باورند روایت‌هایی که طرفداران اشاره کرده‌اند، مخصوص چند حرام مشخص مانند روزه‌خواری است، آن هم در صورتی که حاکم تشخیص دهد؛ در نتیجه نمی‌توان از آن‌ها الغای خصوصیت کرد و قائل شد در همه محرمات همه‌کس می‌توانند نهی از منکر عملی کنند. افزون بر این که اساساً معلوم نیست از باب نهی از منکر باشد؛ بلکه تعزیر باید از نهی از منکر جدا شود.

۶. روایت پیش‌گفته به این صورت نقل شده است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ يَحْيَى الطَّوِيلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بَسْطَ اللِّسَانِ وَ كَفَّ الأَيْدِ وَ لَكِن جَعَلَهُمَا يُبْسَطَانِ مَعًا وَ يُكْفَانِ مَعًا» (تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۱۶۹).

۷. روایت داود بن فرقد چنین است: «الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ فَصَالَةَ بِنِ أَيْتُوبَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «إِنَّ أَصْحَابَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالُوا لِسَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَرَأَيْتَ لَوْ وَجَدْتَ عَلَى بَطْنِ إِمْرَأَتِكَ رَجُلًا مَا كُنْتَ صَانِعًا قَالَ كُنْتُ أَضْرِبُهُ بِالسَّيْفِ قَالَ فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ «مَاذَا يَا سَعْدُ» قَالَ سَعْدٌ قَالُوا لَوْ وَجَدْتَ عَلَى بَطْنِ إِمْرَأَتِكَ رَجُلًا مَا كُنْتَ تَصْنَعُ بِهِ فَقُلْتُ أَضْرِبُهُ بِالسَّيْفِ فَقَالَ «يَا سَعْدُ فَكَيْفَ بِالْأُبْعَةِ الشُّهُودِ» فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ بَعْدَ رَأْيِ عَيْنِي وَ عِلْمِ اللَّهِ أَنْ قَدْ فَعَلْتُ فَقَالَ إِي وَ اللَّهُ بَعْدَ رَأْيِ عَيْنِكَ وَ عِلْمِ اللَّهِ أَنْ قَدْ فَعَلْتُ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حُدًّا وَ جَعَلَ لِكُلِّ مَنْ يَتَعَدَّى ذَلِكَ حُدًّا» (تهذیب الأحكام، ج ۱۰، ص ۳).

۴. نقد قاعده عام در تعزیرات به نام «التعزیر لکل عمل محرّم»: این قاعده در روایات به صورت مشخص نیامده است و نمی‌توان تعزیر را برای همه حرام‌ها و واجب‌ها اثبات کرد. در صورت اثبات هم ضروری است حاکم شرع، شرایط زمانی و مکانی برای اثبات گناه مرتکب و سپس تعزیر وی را ملاحظه کند.

۵. نقد ادله ولایت مطلقه فقیه یا مقیده: این دسته از محققان معتقدند دست‌کم ولایت مطلقه فقیه دلیلی ندارد. همچنین به نظرشان می‌رسد که اجرای شریعت را نمی‌توان از امور حسبیه تلقی کرد.

۶. ادله آزادی اشخاص در رعایت احکام و نفی اجبار در دین؛ مانند آیه «لا إكراه في الدين» (بقره ۲: ۲۵۶) که نفی اکراه و اجبار به صورت مطلق آمده است و تمام حوزه‌های اعتقادات و اعمال را دربر می‌گیرد.

۷. سیره معصومین (ع) بر عدم اجبار: به نظر این گروه چنین می‌رسد که درست است پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) در دوران حکومت‌شان، افزون بر حدود به معنای خاص (مثل حد زنا و شراب‌خواری)، تعزیرات منصوص شرعی را نیز اجرا می‌کرده‌اند (از جمله نک: حمیری، قرب الإسناد، ص ۱۰۴)، ولی دلیلی وجود ندارد که مردم را در صورت ترک واجبات غالباً اجتماعی مانند حجاب، در ملاء عام مجازات می‌کرده‌اند.

۱۱. همین بحث که به صورت کلی درباره حرام‌های شرعی بیان شد، پیرامون حجاب شرعی به صورت خاص و ویژه قابل بررسی است؛ به عبارت دیگر، می‌توان همین دسته‌بندی سه‌گانه پیش‌گفته را درباره نهی از منکر عملی یا تعزیر کسی که حجاب شرعی را رعایت نمی‌کند، بیان کرد و اجمالاً می‌توان به فقیهان شیعه به‌ویژه مراجع تقلید معاصر نسبت داد؛ در نتیجه، برخی فقیهان مطابق نظر دسته اول، نهی از منکر عملی را در صورت جمع شدن شرایط و حتی در صورت ایجاد جراحت یا کشته شدن تارک واجب و فاعل منکر، بر هر کسی واجب یا دست‌کم جایز می‌دانند. برخی دیگر مطابق نظر دسته دوم، نهی از منکر عملی را در صورت جمع شدن شرایط و در فرضی که منجر به جراحت یا کشته شدن نشود بر آمر و ناهی واجب می‌دانند و در فرضی که به جراحت یا کشته شدن منجر شود، تنها با اذن حاکم شرع به‌عنوان نایب عام

جایز می‌دانند. در آخر مطابق نظر سوم، برخی فقیهان الزام مردم را مطلقاً حرام می‌دانند؛ یعنی چه در صورت شرط بودن اذن و چه شرط نبودن اذن حاکم شرع و چه در صورت ایجاد شدن یا نشدن جراحت یا قتل، حرام است.

■ وادار کردن غیر مسلمانان به رعایت حجاب؛ وادار کردن مسلمانان به رعایت نکردن حجاب

۱۲. یکی از فرعی‌های مسأله حجاب اجباری، اجبار غیر مسلمانان در ممالک اسلامی بر رعایت حجاب و اجبار مسلمانان در ممالک غیر اسلامی بر عدم رعایت حجاب است. در فرضی که حکومت زنان مسلمان را مطابق قانون اجبار کند که حجاب را رعایت نکنند، اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی فقیهان معتقدند نمی‌توان به این قانون ملتزم بود و باید حجاب شرعی را همچنان حفظ کرد و برخی دیگر از باب تراحم و تقدم اهم بر مهم، در صورتی که اصل دین‌داری به خطر نمی‌افتد، کنار گذاشتن حجاب را تجویز کرده‌اند؛ از جمله استفتائی از آیت‌الله مکارم شیرازی پیرامون کنار گذاشتن حجاب برای اجازه تحصیل در کشورهای غربی به نظر دوم اشاره می‌کند.^۸ در فرض اجبار غیر مسلمانان بر رعایت حجاب در ممالک اسلامی، این مسأله را فقیهان در بحث «قاعده جواز تکلیف کفار به فروع» مطرح کرده‌اند؛ به این معنا که اگر بتوان از دلایل قرآنی و حدیثی و عقلی ثابت کرد غیر مسلمانان را همانند مسلمانان می‌توان بر انجام تکالیف شرعی اسلامی مجبور کرد، غیر مسلمانان نیز باید رعایت کنند. اگر چنین قاعده‌ای ثابت نشد، نمی‌توان غیر مسلمانان را ملزم به رعایت حجاب کرد. فقیهانی که اصل حجاب اجباری را قبول ندارند، آن را بر مسلمان و غیر مسلمان روا نمی‌دانند و فقیهانی که این قاعده خاص را نمی‌پذیرند، اجبار بر غیر مسلمانان را نفی می‌کنند.

■ مشکلات پژوهش حاضر

۱۳. عمده مشکلات گزارش توصیفی حاضر، به دو مورد باز می‌گردد:

۱. کمبود منابع فقهی: منابع پژوهشی درباره امر به معروف و نهی از منکر، تعزیرات و ولایت فقیه که توسط مراجع مؤثر

۸. نک:

<https://makarem.ir/main.aspx?typeino=4&lid=0&mid=394272>

و شاخص معاصر نوشته شده باشد، بسیار اندک است؛ برای همین جستجوی نگارنده بسیار دشوار می‌شد و در نتیجه نیاز بود افزون بر منابع دیجیتال، به منابع کاغذی نیز مراجعه شود که این امر تا حد ممکن انجام شد.

۲. حساسیت مسأله حجاب اجباری: موضوع پژوهش حاضر به دلیل رخدادهای یک دهه اخیر که از طرفی در اثر عملکرد گشت ارشاد و از طرف دیگر در پی جنبش‌ها و اعتراضات زنان فعال مدنی ایجاد شد، با حساسیت زیادی همراه شده است که علاوه بر حساسیت‌های اجتماعی، سیاسی و امنیتی، حساسیت مراجع تقلید و عموم روحانیون را برانگیخته است. در پی این پدیده، برخی مراجع به سختی و قاطعانه در برابر پدیده کشف حجاب زنان در معابر عمومی و خودروها واکنش نشان داده‌اند (از جمله بنگرید به: واکنش‌های آیات سیدعلی خامنه‌ای و ناصر مکارم شیرازی) و برخی دیگر از مراجع در این زمینه به شیوه اجرای نهی از منکر توسط نیروی انتظامی یا حساسیت بیش از حد بر حجاب انتقاد کرده‌اند (از جمله بنگرید به: واکنش‌های آیت‌الله سید محمد جواد علوی بروجردی). در نتیجه با وجود دسترسی به دفاتر مراجع تقلید، برخی مراجع از پاسخ به استفتائات نویسنده درباره حجاب اجباری خودداری می‌کردند.

■ محدودیت‌های پژوهش

۱۴. در این پژوهش محدودیت زیادی برای دسترسی به رساله توضیح المسائل برخی مراجع تقلید وجود داشت که با تلاش‌های صورت گرفته عمدتاً به موفقیت منجر شد. درباره دو تن از مراجع چنین توفیقی حاصل نشد. نگارنده متأسفانه اساساً نتوانست به هیچ اثر فقهی از آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری دست یابد. همچنین به‌رغم مکاتبه با بیت و دفتر آیت‌الله سید عبدالله شیرازی و فرزندش آیت‌الله سید محمد علی شیرازی، امکان دسترسی به آثار آیت‌الله سید عبدالله شیرازی، از جمله رساله توضیح المسائل فارسی و عربی وی فراهم نشد. نویسنده از میان آثار ایشان، تنها حاشیه ایشان بر العروة الوثقی را دارد که در آن چیزی راجع به امر به معروف و نهی از منکر یا تعزیرات ذکر نشده است.

۱۵. یکی دیگر از محدودیت‌ها به حساسیت موضوع حجاب اجباری باز می‌گردد که باعث می‌شد دفتر برخی مراجع تقلید از اظهار نظر صریح خودداری کنند. نگارنده

■ محدوده پژوهش؛ چرا مراجع تقلید، آن هم برخی شان؟

۱۷. در پژوهش حاضر، آرای همه فقها یا فضلاء حوزوی معاصر که به تدریس خارج فقه می‌پردازند، بررسی نشده است. هرچند برخی مانند آقایان سیدمصطفی محقق داماد، محمد سروش محلاتی و حیدر حب‌الله درباره حجاب اجباری آثاری دارند؛ ولی با توجه به جنبه اجتماعی مسأله و تأکید بر شاخص اثرگذاری اجتماعی و علمی توأمان، به آن دسته از مراجع تقلید که در فضای جامعه ایران اثرگذارند، بسنده شد و افرادی همچون آقایان سیدعبدالاعلی سبزواری، سیدمحمدحسین فضل‌الله و سیدکمال حیدری که مرجعیت‌شان بیرون از ایران مطرح بوده است، در این پژوهش بررسی نشده‌اند؛ لذا به مراجع پیرو اسلوب فقه سنتی اکتفا شده است.

۱۸. گزارش حاضر سعی کرده است به زبان فقهی صحبت کند و به ساختارهای تبیین فقهی پایبند باشد، ولی با ادبیاتی که مخاطب نخبه عام بتواند با آن ارتباط بگیرد. نمی‌توان این خرده را برگزارش گرفت که از اصطلاحات فقهی تا حد ممکن پیچیده پرهیز کرده است؛ چرا که مخاطبان نخبه که دانش‌آموخته رشته‌های علمی دیگر به‌جز الهیات و فقه و حقوق‌اند نیز می‌بایست برای تبادل فکری و تعامل علمی در این زمینه با نخبگان دینی و فضلاء حوزوی، از نظرات مراجع و خلاصه استدلال‌شان آگاه شوند. امید است این پژوهش بتواند قدمی در راستای تعامل فکری راه‌گشا و تبادل نظر دوجانبه میان نخبگان علوم انسانی با مراجع و فقها و فضلاء حوزوی بردارد.

است؟ فقیه ولایت دارد یا نه؟ این سیر تعریف‌شده‌ی درس است؛ اما ایشان این درس را چند سالی که مطرح می‌کردند می‌گفتند: «این قسمت را ما مطرح نمی‌کنیم» و سراغ مسائل بعدی می‌رفتند. منبع: «حجت‌الاسلام والمسلمین سروش محلاتی در همایش وضعیت فکر سیاسی در ایران معاصر: تقلیل در: «تنوع آراء»، «شجاعت بیان» و «پویایی نظر»، عوامل اصلی رکود تفکر سیاسی در حوزه»، سایت مباحثات، به‌نشانی:

۱۳۶۷۸/https://mobahesat.ir

در ۱۴۰۰/۸/۲۲ از سایت دفتر آیت‌الله علوی بروجردی و در ۱۴۰۰/۹/۱۵ از طریق تماس تلفنی با دفتر وی پیرامون نهی از منکر عملی و الزام بر حجاب استفتاء کرد، ولی در هیچ‌کدام پاسخی دریافت نشد. همچنین نگارنده طی تماس تلفنی که با حجت‌الاسلام ترابی مسئول دفتر آیت‌الله علوی بروجردی در ساعت ۱۹:۳۰ ۱۴۰۰/۹/۲۶ داشت، موفق به کسب اجازه جهت انتشار نظر نهایی ایشان نشد.

۱۶. در بند قبل به محدودیت ناظر به حساسیت‌های دفاتر مراجع تقلید برای اظهارنظر در موضوع حجاب اجباری توجه و برای نمونه از دفتر آیت‌الله علوی بروجردی نام برده شد. افزون بر آن، در صفحه ۶۰ گزارش حاضر، از «سیره و منش سیاسی و اجتماعی آیت‌الله شبیری زنجانی و گزارش شفاهی شاگردان برجسته ایشان» یاد شده که نشان‌دهنده نفی ولایت مطلقه فقیه است. این موضوع در صفحه ۱۰۵ و اطلاع‌نگارنده از «شاگردان، هیأت استفتاء و مقرران دروس آیت‌الله وحید خراسانی» نیز به همین شکل و بدون ذکر مستند مکتوب آمده است. لازم به ذکر است اظهارات شفاهی و گزارش مطلعان موثق از نظرات آیات وحید خراسانی و شبیری زنجانی درباره ولایت فقیه قابل انتشار نبود؛ چرا که نمی‌توانستیم صحبت‌های مطلعان موثق را بانام منتشر کنیم. البته گزارش‌هایی راجع به این موضوع و در تأیید آنچه نوشته‌ایم، در اینترنت وجود دارد.^۹

۹. ر.ک: (۱) گزارش آقای سروش محلاتی، مدرس خارج فقه در حوزه علمیه قم: «ما ۱۵ سال محضر آیت‌الله شبیری زنجانی بودیم، ایشان در این ۱۵ سال ابواب مختلفی را بحث کردند، ولی ایشان حتی یک‌جا هم نظرش را در مورد ولایت فقیه مطرح نکرد. ایشان هیچ‌کجا نظری ابراز نکردند.» منبع: «رکود نظری در فقه سیاسی»، پورتال شخصی سروش محلاتی، به‌نشانی:

<http://soroosh-mahallati.com/fa/82>

(۲) گزارش دیگری از آقای سروش محلاتی: «آیت‌الله وحید خراسانی - یکی از علما و مراجع بزرگوار معاصر - چند سال پیش در مسجد اعظم کتاب بیع را درس می‌دادند؛ وقتی می‌رسند به بحث اولیاء و این‌که چه کسانی دارای ولایت هستند، به این‌جا که رسیدند این بحث را حذف کردند؛ در حالی‌که نظم طبیعی بحث فقهی اقتضا می‌کند که در بحث اولیای امور این بحث مطرح شود که چه کسی دارای ولایت



تبیین اجمالی دیدگاه‌های ۴۱ نفر از مراجع تقلید معاصر
درباره اجبار به حجاب و تعزیر فاقد حجاب شرعی
به ترتیب نام خانوادگی

در جای دیگری از این کتاب، تصریح می کند هر معروفی مستلزم امر به معروف است، ولی برای متصدی آن که هر کس می تواند باشد، یا اینکه امر قائم به شخص است و بسته به اطلاق و تقیید ادله ای چون «السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» متفاوت است. با توجه به استدلال بر حکم با آیه اجرای حد سرقت و طرح موضوع تصدی، موضوع در مرتبه لسانی امر و نهی نیست، بلکه بحث مرتبه اقدامات قهرآمیز است. آیت الله اراکی در بحث شرط فعل از کتابی که در موضوع خیارات نوشته است، پس از سخن گفتن درباره وجوب تکلیفی وفای به شرط، از جواز اجبار در صورت امتناع مشروط علیه سخن گفته است. ایشان می گوید اگر صرف وجوب تکلیفی باشد وجهی برای اجبار نیست ولی امر به معروف هر چند با ضرب و مانند آن واجب است. اگر در کنار وجوب تکلیفی، حکم وضعی و حق هم مطرح باشد، اجبار ممکن است.

مستندات

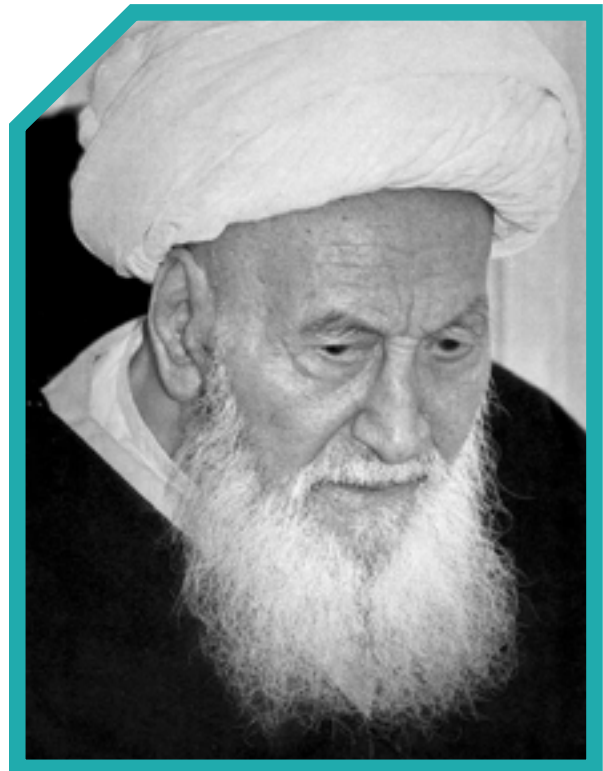
نعم ما كان شأننا للفقهاء الجامع للشرائط هو إجراء الحدود و الإفتاء و القضاء و الولاية على الغيب و القصر، و أين ذلك من تصدّي حفظ ثغور المسلمين عن تعدي أيدي الفسقة و الكفرة و إدارة أمر معاشهم و حفظ حوزتهم و رفع أيدي الكفرة عن رؤوسهم.

اراکي، محمدعلی، **المكاسب المحرمة**، قم: مؤسسه در راه حق، ۱۴۱۳ق، ص ۹۴.

کتاب البیع تقریرات آیت الله اراکی از درس بیع آیت الله حائری یزدی بوده که با حواشی مقرر همراه است. بحث مربوط به ولایت فقیه ناقص مانده است. طبق تحقیق محسن کدیور، مصحح کتاب (رضا استادی) آن را حذف کرده و ناگهان به ولایت عدول مؤمنین پرش کرده است. کدیور بخش محذوف را تصحیح و منتشر کرده که در آن ولایت مطلقه فقیه نفی شده است.

نک: <https://kadivar.com/15840>

و أمّا صورة مباشرة الولي لتمام خصوصيات المعاملة و إذن الصبي لمجرد إجراء الصيغة، فمما لا مانع منها، إذ لا دليل على مسلوبيّة عبارة الصبي و عدم ترتيب أثر عليها أصلاً، كيف و عبارته في الصلاة مؤثرة على ما مرّ من كون العبادة مستحبة في حقّه، و كذا فحشه موجب لتعزيره، بل على هذا لا مانع من توكيل الغير إياه في مجرد إجراء الصيغة للمعاملة المتعلقة بهذا الغير، من دون



محمدعلی اراکی

۱

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت الله اراکی در بحث مکاسب محرمه، ولایت مطلقه فقیه را نفی می کند، ولی اجرای حدود و افتاء را برای فقیه جامع الشرائط ثابت می داند.

آیت الله اراکی در تقریراتی که از درس بیع استادش آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی نوشته است، اشاره می کند که اگر صبی فحش بدهد مستوجب تعزیر است؛ گویی تعزیر را قاعده ای عمومی ارزیابی می کند که در همه محرمات می تواند اجرا شود.

همچنین آیت الله اراکی ظاهراً مرتبه عملی امر به معروف و نهی از منکر را پذیرفته است. در یک استفتا پیرامون عمل به وصیت تصریح می کند اجبار ممتنع، از باب امر به معروف جایز است. در اثر تألیفی خود در مکاسب محرمه در بحث رشوه می گوید در صورت امتناع تأدیه اجرت مستحق، می توان از باب امر به معروف ممتنع را مجبور کرد. آیت الله اراکی در تقریرات بیع تصریح می کند مرتبه اجبار در امر به معروف وجود دارد.

اراکى، محمدعلى، كتاب البيع، تقرير درس عبدالكريم حائرى يزدي، قم: انتشارات اسماعيليان، ۱۴۱۵ق.، ۲/۲۰.

الثانية: في شرط الفعل بعد القول بالوجوب التكليفي، هل يجوز الإجبار لو امتنع أو لا؟ التحقيق أن يقال: المسألة مبتنية على أنه هل يستفاد في شرط الفعل وضع أعني: حقاً أو ملكاً للمشروط له على عهدة المشروط عليه بالنسبة إلى الفعل المشروط، أو ليس إلا صرف التكليف؟ فإن كان الثاني فلا وجه للإجبار وإنما يجب الأمر بالمعروف ولو كان بالضرب ونحوه. وإن كان الأول فلا وجه لعدم القول به، إذ هو حينئذ كنفس الثمن والمثمن وسائر الحقوق المالية التي تكون لأحد على ذمة آخر حيث يطالبه الغريم، فإن امتنع بجبره الحاكم، والفرق بين الإجبار هنا وفي مسألة الأمر بالمعروف أنه لا يجوز هناك الأخذ من ماله لو امتنع بعد الإجبار أيضاً، وأما هنا فللحاكم أن يأخذ من ماله شيئاً ويعطيه خيوطاً آخر حتى يخييط الثوب بأجرة من مال المشروط عليه، وقد عرفت سابقاً تقوية الوجه الأول. والحاصل: المدرك في المقام مع سائر المقامات متحد، فإما أن نقول بعدم الإجبار في الكل، وإما نقول به في الكل والتفكيك لا وجه له، نعم إن أخذ في متعلق الحق حصول الفعل بطيب نفس الفاعل كان حينئذ عدم الإجبار لأجل عدم الموضوع، وأما بعد إطلاقه بحيث يكون ما جاء بالإجبار عين متعلق الحق فلا وجه للعدم، وكذا لو جعل أحد الأمرين إما الخياطة وإما الفسخ فكذلك، وأما بعد جعل الحق متعلقاً بالخياطة واستظهار انعقاده من الشارع أيضاً بدليل «أوفوا» «المؤمنون». فلا وجه للتفكيك، هذا حاصل الكلام في الإجبار.

اراکى، محمدعلى، الخيارات، قم: مؤسسه در راه حق، ۱۴۱۴ق.، ۵۰۰-۵۰۱.

س: شخصی وصیت به ثلث کرده، بعضی از ورثه نسبت به سهم خود از عمل به وصیت امتناع می کند، آیا برای سایر ورثه جایز است او را اجبار کرده و از سهم او برداشته و به مصرف وصیت برسانند؟

ج: ارث بعد از عمل به وصیت است، اگر تولیت یا اجرای وصیت با آحاد ورثه بوده هر کسی در سهم خود عمل به وصیت می کند و اجبار ممتنع جایز نیست مگر از باب امر به معروف و نهی از منکر و اگر تولیت عمل به وصیت با مجموع ورثه باشد اجازه ممتنع شرط است.

اراکى، محمدعلى، توضیح المسائل، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱ش.، ۵۹۱-۵۹۲.

حاجة إلى إذن وليه هنا. نعم في إجراء الصيغة لمعاملة نفسه يحتاج إلى إذنه حتى يصح استناد المعاملة إلى الولي.

اراکى، محمدعلى، كتاب البيع، تقرير درس عبدالكريم حائرى يزدي، قم: انتشارات اسماعيليان، ۱۴۱۵ق.، ۱/۲۴۹.

فنقول: الحق أن مطلق الوجوب ولو كان عينياً تعيينياً لا ينافي جواز أخذ الأجرة ولا يكون أكل المال في مقابله أكلاً بالباطل كما يقال إن الواجب العيني التعييني يكون الإنسان مقهوراً على فعله، ولو امتنع يجوز إجباره من باب الأمر بالمعروف، فلا يتوقف استيفاء العمل على طيب نفسه فلا يكون مخيراً فيكون أكل المال بإذنه أكلاً بالباطل.

اراکى، محمدعلى، المكاسب المحرمة، قم: مؤسسه در راه حق، ۱۴۱۳ق.، ص ۵۰.

ثم على القول الآخر، أعني: تحقق الطيب مع الإكراه لا وجه لتخصيص الإجبار بالحاكم بما هو حاكم وصاحب ولاية، فإن معنى ولايته أنه يقوم مقام من هو وليه كالصغير والغائب أو الممتنع، غاية الأمر هما قاصران وهذا مقصّر، فيفعل الحاكم ما كان فعلاً للمولى عليه، وهذا غير متحقق هنا، نعم من باب الأمر بالمعروف جاز أن يجبره ولكن هذا ليس شأنه من حيث هو حاكم كما هو واضح. ويجري هذا الكلام في باب الشروط الفعلية أيضاً إذا امتنع المشروط عليه عن الوفاء، حيث يفتون بإجبار الحاكم، فإنه يرد أيضاً أنه إن كان من باب الولاية فليس هذا محلها، لأن محلها تصديقه فعل المولى عليه القاصر أو المقصّر، وإن كان من باب الأمر بالمعروف فليس وظيفة للحاكم بما هو حاكم، إلا أن يقال: وجه الاختصاص به أنه ذو قوة واقتدار وتمكن من الإجبار دون غيره بحسب الغالب.

اراکى، محمدعلى، كتاب البيع، تقرير درس عبدالكريم حائرى يزدي، قم: انتشارات اسماعيليان، ۱۴۱۵ق.، ۱/۳۵۰-۳۵۱.

إذا عرفت هذا فلا بدّ أولاً من تأسيس الأصل فنقول: كل معروف علم من الشارع إرادة وجوده في الخارج، فإن علم أنه وظيفة شخص خاص كولاية الأب على مال ولده الصغير، أو صنف خاص كالقضاء والإفتاء أو كل من يقدر على القيام به كالأمر بالمعروف، فلا إشكال في شيء من ذلك، وإن لم يعلم ذلك واحتمل كونه مشروطاً في وجوده أو وجوده بنظر شخص خاص، فإن كان للدليل هذا التصرف إطلاق في جوازه لكل أحد من دون اشتراط إذن أحد، كما لو كان على سبيل المثال لآية السارق و السارقة فاقطعوا أيديهما إطلاق، أو علم من دليله التقييد باذن شخص خاص فهو المتبوع، وإلا فلا إشكال أنه لو كان هنا أثر شرعي مرتب على الولاية بأحد الوجهين فأصالة عدم الولاية جارية لنفي ذلك الأثر، وكذلك لنفي نفس الولاية - حيث إنها من مجعولات الشرع - ولكن لا يثبت بهذا الأصل جواز تصدي كل أحد.

را در آخر رساله ضمن عنوان «احکام حدی که برای بعضی از گناهان مقرر شده» آورده است. به نظر می‌رسد آیت‌الله بروجردی «قاعده‌ی تعزیر لکل عمل محرم» را علی‌المبنی می‌پذیرد.

مستندات

... ولذا عامه و خاصه در این ابواب همه ذکر مرجعیت حاکم را نموده‌اند، و نیز عبارت: «الحاکم ولی الممتنع» و «السلطان ولی من لاولی له» - که ظاهراً تعبیر فقهاست، نه حدیث - مربوط به همان باب است که محل تسالم فریقین است و مربوط به عموم ولایت فقیه که استدلال به آن‌ها برای این مطلب فرموده‌اید نیست.

بروجردی، سیدحسین، استفتائات، قم: مؤسسه آیت‌الله العظمی بروجردی، ۱۳۸۸ ش، ۲/۴۷۵-۴۷۶.

س ۵ - زیدی پسری دارد در سن بیست سالگی، در این مدت آن‌چه لازمه تکلیف شرعی پدر بوده از حیث تربیت و سواد و امر به معروف و نهی از منکر کوشش خود را نموده و کوتاهی نکرده، فعلاً پسر از تبلی و کاهلی نماز نمی‌خواند، پدر مکرراً او را نصیحت نموده و او را زده است فائده‌ای نکرده، و در خانه کج خلقی می‌کند و پدر را اذیت می‌کند، آیا پدر می‌تواند او را از خانه بیرون کند؟ و بیرون کردن او داخل در قطع رحم نیست؟ ج - بیرون کند او را لعل متنبه شده نماز بخواند و دین دار شود، و قطع رحم هم نشده، بلکه اعانت درباره اوست.

بروجردی، سیدحسین، استفتائات، قم: مؤسسه آیت‌الله العظمی بروجردی، ۱۳۸۸ ش، ۱/۴۳۶.

و بما ذکرناه یظهر أن مراده علیه السلام بقوله في المقبولة: «حاکما» هو الذي يرجع إليه في جميع الأمور العامة الاجتماعية التي لا تكون من وظائف الأفراد ولا يرضى الشارع أيضاً باهمالها - و لو في عصر الغيبة و عدم التمكن من الأئمة عليهم السلام - و منها القضاء و فصل الخصومات. و لم یرد به خصوص القاضي، و لو سلم فنقول: إن المترائی من بعض الأخبار أنه كان شغل القضاء ملازماً عرفاً لتصدی سائر الأمور العامة البلوی كما في خبر إسماعیل بن سعد عن الرضا علیه السلام: «و عن الرجل یموت بغير وصية و له ورثة صغار و كبار، أ یحل شراء خدمه و متاعه من غیر أن یتولی القاضي بیع ذلك؟» و بالجمله كون الفقیه العادل منصوباً من قبل الأئمة عليهم السلام لمثل تلك الأمور العامة المهمة التي یتولی بها العامة مما لا إشکال فيه إجمالاً بعد ما بیناه، و لا نحتاج في إثباته إلى مقبولة ابن حنظلة، غاية الأمر كونها أيضاً من الشواهد، فتدبر.

منتظری، حسینعلی، البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر، تقریر درس سیدحسین بروجردی، قم: مکتب آیه‌الله العظمی المنتظری، ۱۴۱۶ ق، ۷۹.



سیدحسین طباطبایی بروجردی

۲

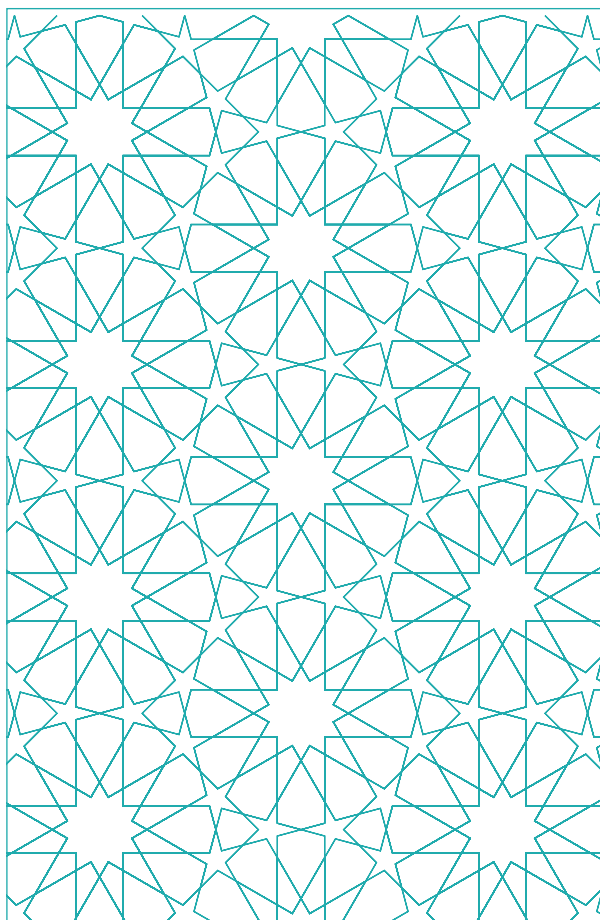
تبیین اجمالی دیدگاه

آیت‌الله بروجردی در استفتائی که نظر وی درباره ولایت فقیه از جمله ولایت مطلقه فقیه را می‌پرسند، ولایت مطلقه را به دلیل ضعف سندی و دلالتی روایات و مشهور نبودن آن به صورت شهرت فتوائی نزد فقهای متقدم قابل اثبات نمی‌داند. در کتاب البدر الزاهر اصل ولایت فقیه در امور عامه که همان حسبیه باشد را پذیرفته، ولی از محدوده آن سخنی به میان نیاورده است که حکومت را شامل می‌شود یا نمی‌شود.

درباره نهی از منکر عملی نظر روشنی از آیت‌الله بروجردی موجود نیست؛ زیرا رساله توضیح المسائل آیت‌الله بروجردی در سایت منسوب به ایشان^۱ و نیز در نرم‌افزار جامع فقه اهل بیت (ع) اصلاً باب امر به معروف و نهی از منکر را ندارد. در استفتائات نیز به موضوعاتی همانند مرتبه سوم نهی از منکر و بحث تعزیر نپرداخته است، به جز اینکه تعزیرات منصوص شرعی

۱. نک:

<http://ayatollahbroujerdi.ir/%da%a9%d8%aa%d8%-a7%d8%a8-%d8%b1%d8%b3%d8%a7%d9%84%d9%87-%d8%aa%d9%88%d8%b6%db%8c%d8%ad-%d8%a7%d9%84%d9%85%d8%b3%d8%a7%d8%a6%d9%84/>



محمد تقی بهجت

۳

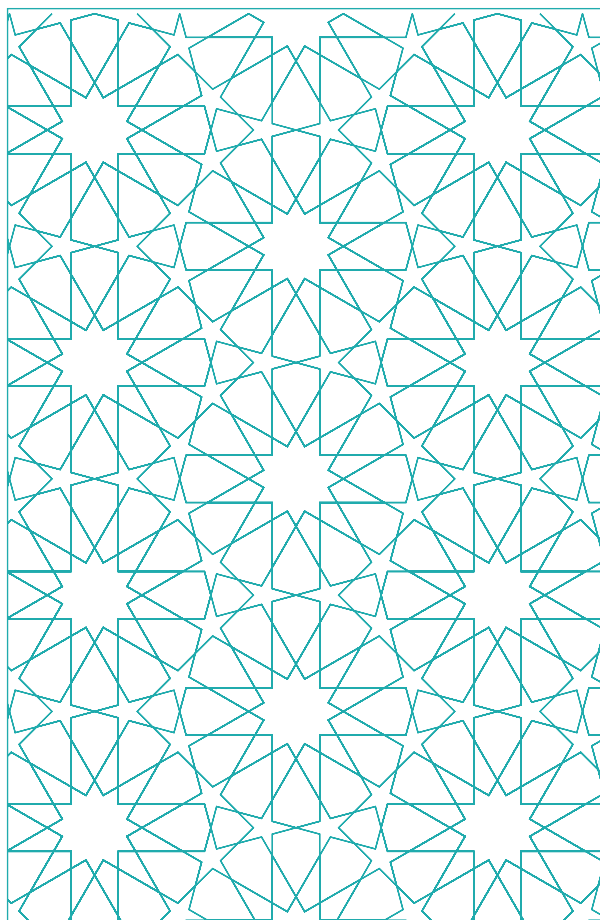
مستندات

«۱۶۱۰» امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد: اول: انکار قلبی می‌باشد، دوم: اظهار کردن به زبان، سوم: متألم کردن معصیت کار به قدری از زدن، که تفصیل مراتب در مسئله بعد خواهد آمد. بنا بر این اگر انسان بدون گفتن، به هر وسیله دیگر ناراحتی قلبی خود را به معصیت کار نشان دهد و این کار موجب ترك معصیت شود، لازم نیست با زبان امر به معروف و یا نهی از منکر بنماید، البته در صورتی که هیچ گونه اشکال شرعی دیگری در این کار نباشد، و اگر چاره‌ای در این کار بجز اظهار زبانی نیست، باز باید درجات خفیف‌تر را در انجام این کار ملاحظه نماید. «۱۶۱۱» اگر انسان بداند در صورتی که بخواهد جلوگیری از معصیتی بنماید منجر به ایجاد جرح و یا قتل خواهد شد، بنا بر اظهار بدون اجازه امام معصوم علیه السلام یا کسی که از طرف آن حضرت مستقیماً نایب مخصوص است، نباید این کار را بکند. و آیا با اجازه

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت‌الله بهجت مرتبه سوم امر به معروف و نهی از منکر (مستلزم ضرب و جرح) را در صورتی که اجازه از شخص امام معصوم (ع) یا نایب خاص آن حضرت داشته باشد، مجاز می‌داند و در مجتهد جامع‌الشرایط تأمل می‌کند؛ در نتیجه فتوا نمی‌دهد و صرفاً احتیاط واجب می‌کند. در استفتانات ایشان نیز به همین مطلب اشاره شده است. در خصوص تعزیر نیز ذیل استفتائی درباره غاصب، به صورت مطلق در گناه کبیره تعزیر را به تشخیص حاکم شرع ثابت می‌داند.

نگارنده هیچ گزارش مکتوبی از آیت‌الله بهجت نیافت که نظرش را درباره ولایت فقیه نوشته باشد. شاگردان آیت‌الله بهجت درباره ولایت فقیه از ایشان نقل قول‌هایی کرده‌اند که به دلیل اختلافات جدی در گزارش‌ها از ذکر آن‌ها صرف‌نظر می‌شود.



مجتهد جامع شرایط می‌تواند این کار را انجام دهد؟ مورد تأمل است؛ ولی اگر نمی‌داند که این کار منجر به مجروح کردن و یا قتل می‌شود ولی احتمال این را می‌دهد، بنا بر احتیاط واجب باید مستقیماً از طرف امام معصوم علیه السلام و یا نایب مخصوص آن حضرت و یا از طرف مجتهد جامع شرایط اجازه داشته باشد.

بهجت، محمدتقی، توضیح المسائل، قم: دفتر آیت‌الله العظمی بهجت، ۱۳۸۶ ش، ۳۱۴.

بهجت، محمدتقی، استفتانات، قم: دفتر آیت‌الله العظمی بهجت، ۱۳۸۶ ش، ۳/۱۴۲-۱۴۳.

«۱۶۱۰» امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد:

اول: انکار قلبی می‌باشد؛

دوم: اظهار کردن به زبان؛

سوم: متآلم کردن معصیت‌کار به قدری از زدن، که تفصیل مراتب در مسئله بعد خواهد آمد.

بنابراین اگر انسان بدون گفتن، به هر وسیله دیگر ناراحتی قلبی خود را به معصیت‌کار نشان دهد و این کار موجب ترک معصیت شود، لازم نیست با زبان امر به معروف و یا نهی از منکر بنماید، البته در صورتی که هیچ‌گونه اشکال شرعی دیگری در این کار نباشد، و اگر چاره‌ای در این کار به جز اظهار زبانی نیست، باز باید درجات خفیف‌تر را در انجام این کار ملاحظه نماید.

«۱۶۱۱» اگر انسان بداند در صورتی که بخواهد جلوگیری از

معصیتی بنماید منجر به ایجاد جرح و یا قتل خواهد شد، بنا بر اظهار بدون اجازه امام معصوم علیه السلام یا کسی که از طرف آن حضرت مستقیماً نایب مخصوص است، نباید این کار را بکند. و آیا با اجازه مجتهد جامع شرایط می‌تواند این کار را انجام دهد؟ مورد تأمل است، ولی اگر نمی‌داند که این کار منجر به مجروح کردن و یا قتل می‌شود ولی احتمال این را می‌دهد، بنا بر احتیاط واجب باید مستقیماً از طرف امام معصوم علیه السلام و یا نایب مخصوص آن حضرت و یا از طرف مجتهد جامع شرایط اجازه داشته باشد.

بهجت، محمدتقی، «رساله توضیح المسائل»، سایت رسمی، شناسه ۶۳۷۰.

۳۸۶۳. آیا نهی از منکر با منکری دیگر - مثل دروغ،

تهدید و ارباب یا... جایز است؟

ج. اگر منکر دیگر بر وجه محرم است، خیر، جایز نیست.

بهجت، محمدتقی، «استفتانات»، سایت رسمی، شناسه ۶۳۹۸.

۳۸۵۵. گشت‌زنی و نظارت در اماکن عمومی، به عنوان مبارزه و برخورد با مفسد اجتماعی برای بسیجیان یا غیر آن‌ها، چه حکمی دارد؟

ج. برای ردع از منکرات با وجود شرایط مانعی ندارد.

بهجت، محمدتقی، «استفتانات»، سایت رسمی، شناسه ۶۳۹۰.

۵۶۵۷. غاصب که با علم و عمد مرتکب غصب شده، آیا باید تعزیر شود؟

ج. تعزیر در گناه کبیره و با تشخیص حاکم شرع است.

بهجت، محمدتقی، استفتانات، قم: دفتر آیت‌الله العظمی بهجت، ۱۳۸۶ ش، ۴/۳۱۴.

مستندات

للأمر بالمعروف والنهي عن المنكر مراتب:

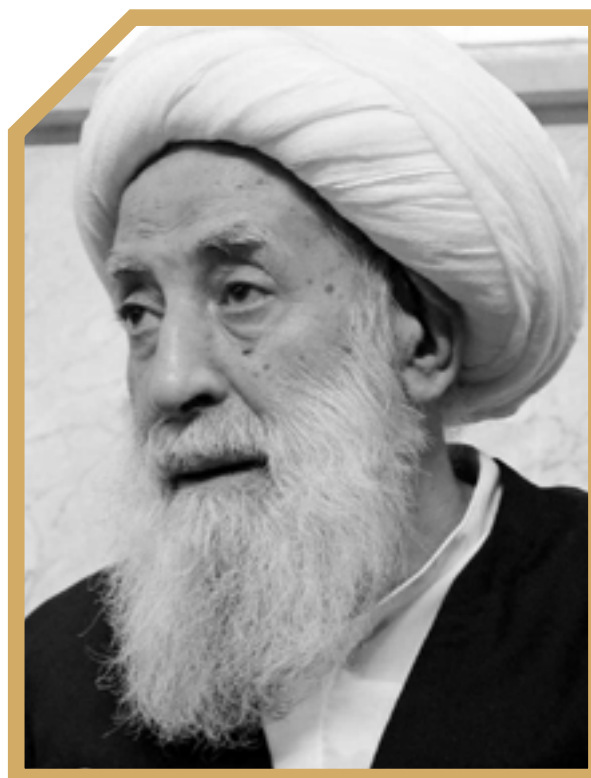
الأولى: الإنكار باللسان والقول بأن يعظه وينصحه ويذكر له ما أعد الله سبحانه للعاصين من العقاب الأليم والعذاب في الجحيم أو يذكر له ما أعد الله تعالى للمطيعين من الثواب الجسيم والفوز في جنات النعيم.

الثانية: الإنكار بالقلب بمعنى إظهار كراهة المنكر أو ترك المعروف إمّا بإظهار الانزعاج من الفاعل أو الاعراض والصدّ عنه أو ترك الكلام معه أو نحو ذلك من فعل أو ترك يدل على كراهة ما وقع منه.

الثالثة: الإنكار باليد بالضرب المؤلم الرادع عن المعصية، ولكل واحدة من هذه المراتب مراتب أخف وأشد، والمشهور الترتيب بين هذه المراتب مع تقديم المرتبة الثانية على الأولى، فإن كان إظهار الإنكار القلبي كافياً في الزجر اقتصر عليه، وإلا أنكر باللسان، فإن لم يكف ذلك أنكره بيده، ولكن الظاهر تقديم الإنكار باللسان على الإنكار القلبي كما تقدم، وقد يلزم الجمع بينهما. وأما القسم الثالث فهو مترتب على عدم تأثير الأولين، بل الأحوط في هذا القسم بجميع مراتبه الاستيذان من الحاكم الشرعي وإلا ففي كونه من الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر إشكال. (مسألة ۱۲۷۳): إذا لم تكف المراتب المذكورة في ردع الفاعل ففي جواز الانتقال إلى الجرح والقتل وجهان، بل قولان أقواهما العدم، وكذا إذا توقف على كسر عضو من يد أو رجل أو غيرهما، أو إعاقة عضو كشلل أو عوجاج أو نحوهما، فإن الأقوى عدم جواز ذلك، وإذا أدى الضرب إلى ذلك - خطأ أو عمداً - فالأقوى الضمان. فتجري عليه أحكام الجنابة العمدية، إن كان عمداً، والخطائية إن كان خطأ. نعم يجوز للإمام والحاكم الشرعي ذلك إذا كان يترتب على معصية الفاعل مفسدة أهم من جرحه أو قتله، وحينئذ لا ضمان عليه.

تبریزی، جواد، **منهاج الصالحين**، قم: مدین، ۱۴۲۶ق، ۱/۳۶۲.

سؤال [۱۶۹۴] إذا كان ضرب الأخوة والاقارب من شأنه أن يصلح حالهم، ويمنعهم من ارتكاب المنكرات، أو دفعهم نحو الواجبات الشرعية، فهل يجوز خاصة إذا كان أباًؤهم لا يلتفتون إلى هذه النواحي، ولا يمانعون في قيامي بذلك؟ الخوئي؛ لا يجوز ضرب القاصرين للمصلحة إلا بإذن أوليائهم، وأما البالغون فلا بأس بما يرجى به ردعهم، ما



میرزا جواد تبریزی

۴

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت الله تبریزی به مرتبه سوم با رعایت مراتب و عدم تأثیر مرتبه اول و دوم در صورت استیذان از حاکم شرع فتوا می دهد، هر چند در اینکه این مرحله مصداق امر به معروف و نهی از منکر باشد اشکال می کند. آیت الله تبریزی نهی از منکر در صورتی که مستلزم جرح یا قتل باشد را جایز نمی داند و در صورت جرح، چه عمدی باشد و چه غیر عمدی، ضمان را ثابت می داند. البته اگر بر معصیت فاعل چیزی مهم تر از جان او مترتب شود، در اینجا امام (ع) و حاکم شرعی جایز است ایراد جرح کنند و در این صورت ضمان نیز منتفی می شود. به نظر ایشان هتک حرمت و ریختن خون برای نهی از منکر خود حرام است، مگر اینکه باب تراحم اقتضاء کند. ظاهراً آیت الله تبریزی در باب تعزیرات، قاعده فقهی «التعزیر لكل عمل محرّم» را می پذیرد. به نظر وی، ولایت فقیه به صورت مقیده و در امور حسبیه قابل اثبات است؛ به این عنوان که دایره مصداق امور حسبیه توسعه یافته و حکومت نیز جزئی از آن است.

۱۳۸۷ ش.، ۱/ ۶۹؛ همو، أسس القضاء و الشهادة، قم: دار الصديقة الشهيدة، ۱۳۸۷ ش.، ۶۷.

سؤال [۶۰۹]

۱. هل يجوز للأب ضرب ابنه إذا كان ابنه وصل سنّ البلوغ؟
 ۲. هل يعاقب الابن إذا كان يطيع والديه ولا يعقهما ولكن لا يوجد في قلبه حبّ لهما ولا يكنّ لهما أي مشاعر؟ بسمه تعالی؛ إذا توقف النهي عن المنكر على الضرب وجب الضرب على الأب بما يُحتمل تحقق النهي عن المنكر من الضرب، وأما المحبة القلبية للوالد أو الوالدة ليست واجبة، وإنما الواجب هو المعاشرة معهما بالمعروف، واللّه العالم.
 تبریزی، جواد، صراط النجاة، قم: دار الصديقة الشهيدة، ۱۳۹۱ ش.، ۶ / ۲۱۹.

فإنّه يحتمل أن يكون مراده رواية (لبيّ الواجد تحل عقوبته)، بدعوى أنّها تعمّ واجد الجواب أيضاً، وقد تقدم في بحث حكم الممتنع عن أداء الدين ولو بدعوى الاعسار أنّ ظاهرها واجد المال، وقيل: إنّ الزامه بالجواب بعد عناده يكون للأمر... بالمعروف والنهي عن المنكر بمراتبهما ولو بالانتفاء إلى الضرب والاهانة، ويدخل فيهما حبسه.
 تبریزی، جواد، تنقيح مباني الأحكام، قم: دار الصديقة الشهيدة، ۱۳۸۷ ش.، ۱ / ۱۸۰.

وعلى ذلك فينبغي الكلام في موضعين - الأول ما إذا تصدى أمر المسلمين من ليس أهلاً له كما في غالب بلاد المسلمين في عصرنا الحاضر الثاني - ما إذا أراد التصدى لأمر المسلمين من يكون صالحاً للتصدي لتنظيم أمورهم ورعاية مصالحهم اما المقام الأول فما لا ينبغي الريب فيه ان الشارع لا يرضى بتصدي الظالم الفاسق لأمر المسلمين لا سيما إذا كان ذلك الظالم آلة بيد الكفار في تضعيف الإسلام وأهل الايمان وترويج الفسق والفجور ليلحق المسلمين ولو تدريجاً بركب الكفار في رسومهم وعاداتهم وهدم ما أتعب النبي (ص) و الأئمة عليهم السلام والصالحين والشهداء من المسلمين في تشييد أركان الدين وتطبيق أحكامه على نظم بلادهم.

تبریزی، جواد، إرشاد الطالب إلى تعليق المكاسب، قم: مطبعة مهر، ۱۳۹۹ ش.، ۳ / ۳۶-۳۸.

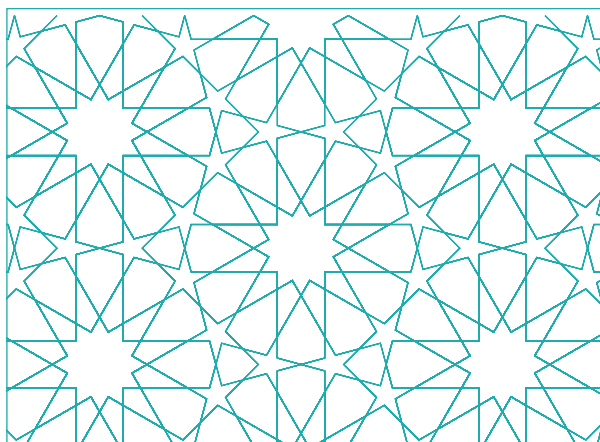
لم يكن ضرباً مبرحاً موجباً للدية، إذا لم يرتدعوا بغير الضرب من كلام خشن، واللّه العالم. التبريزي؛ يضاف إلى جوابه قدس سره: وأما ضرب البالغين فيحتاج إلى اذن من الحاكم الشرعي في موارد على الاحوط، حيث ان دخول الضرب في الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر غير ظاهر. تبریزی، جواد، صراط النجاة، قم: دار الصديقة الشهيدة، ۱۳۹۱ ش.، ۳ / ۵۴۱.

سؤال [۱۷۰۴] هل يجوز الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر إذا كانا يستوجبان سفك الدماء المحرمة، وانتهاك الحرمات؟ بسمه تعالی؛ إنما يجب الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر إذا لم يكن في البين محذور شرعي آخر، واللّه العالم.
 تبریزی، جواد، صراط النجاة، قم: دار الصديقة الشهيدة، ۱۳۹۱ ش.، ۳ / ۵۴۵.

سؤال [۱۶۹۱] لو توقف الأمر أو النهي على ارتكاب محرم أو ترك واجب، فهل يجب حينئذ الخوئي؛ هذا داخل في باب التزاحم، كما لو كان الأمر بالمعروف أو النهي عن المنكر أهم من الواجب أو المحرام، كما إذا توقف النهي عن قتل النفس المحترمة على التصرف في مال الغير، واللّه العالم.
 تبریزی، جواد، صراط النجاة، قم: دار الصديقة الشهيدة، ۱۳۹۱ ش.، ۳ / ۵۴۰.

لو تعدى أحد الخصمين أو الغرماء سنن الشرع عرّفه الحاكم خطأ برفق فإن عاد زجره فإن عاد أدبه بحسب حاله مقتضراً على ما يوجب النمط. أقول: لو كان التعدي بارتكاب ما لا يجوز شرعاً بأن ينسب إلى الشاهد الكذب عمداً أو إلى القاضي الجور والميل عن الحق، أو كان فعله اهانة وايداءً لخصمه أو الشاهد أو القاضي وغير ذلك، فإن كان ذلك لجهله بعدم جواز ذلك شرعاً أو احتمال الجهل في حقه عرّفه الحاكم خطأ؛ لأنّ ذلك يدخل في تعليم الجاهل، فإن عاد إليه بعد التعريف زجره حيث يدخل الزجر في عنوان النهي عن المنكر ولو عاد أدبه فإنّ التاديب يدخل في عنوان المنع عن المنكر عنه عملاً أو يكون من التعزير على ما ارتكبه من المحرام. ولكن ذكرنا في بحث الأمر بالمعروف أنّ النهي عملاً وإن بعد من مراتب الأمر بالمعروف إلاّ أنّه لا يدخل في الواجب الكفائي.

تبریزی، جواد، تنقيح مباني الأحكام، قم: دار الصديقة الشهيدة،



۱. بی‌حجابی عمدی به طوری که علناً در معرض نامحرمان قرار گیرد گناه بزرگ است.
 ۲. اگر با نهی از منکر، بی‌اعتنایی به حکم شرعی حجاب ادامه یافت، حکومت اسلامی می‌تواند تعزیر نماید.
- جوادی آملی، عبدالله، توضیح المسائل، انتشار الکترونیکی در سایت رسمی، ۶۴۶.

آیا حاکم شرع می‌تواند زنانی را که در اجتماع یا انظار عمومی موی سرشان پیداست یا زنانی که پوشش نامناسب دارند یا زنانی که آرایش کرده باشند کیفر نماید؟ اگر پاسخ مثبت است بنا به چه ادله فقهی، زنان مورد سؤال را حاکم شرع می‌تواند کیفر نماید؟

۱. حکومت اسلامی برای افرادی که عمداً احکام شرعی را ترک می‌کنند حد یا تعزیر قرار داده است.
 ۲. تعلیم احکام، تنبه دادن غافل، موعظت و ارشاد و سپس امر به معروف و نهی از منکر باید رعایت شود. ۳. اجرای حد یا تعزیر نباید مزاحم با حکم شرعی مهم یا اهم باشد.
- جوادی آملی، عبدالله، توضیح المسائل، انتشار الکترونیکی در سایت رسمی، ۶۴۷.

ضدیت با نظام اسلامی که در رأس آن فقیهی قرار دارد که به تأیید و انتخاب فقهاء جامع‌الشرایط منصوب شده چه حکمی دارد؟ آیا این ضدیت و مخل عدالت هم هست؟ جایز نیست. نقد برخی از کارها از بعضی مسئولان ضدیت با نظام محسوب نمی‌شود.

- جوادی آملی، عبدالله، توضیح المسائل، انتشار الکترونیکی در سایت رسمی، ۶۴۸.
- برای توضیح بیشتر نظر ایشان: ر.ک. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه ولایت فقاها و عدالت، سرتاسر.



عبدالله جوادی آملی

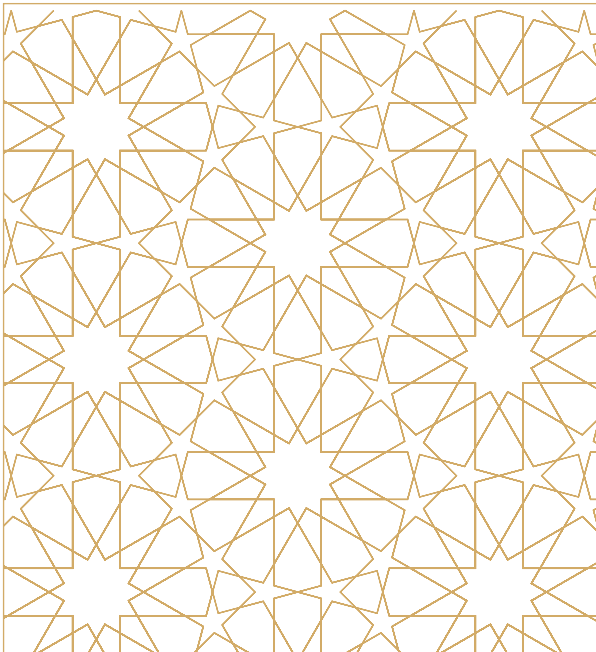
۵

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت‌الله جوادی آملی تصریح می‌کند با نهی از منکر نیز اگر بی‌اعتنایی به حکم شرعی ادامه یافت، حکومت اسلامی می‌تواند تعزیر کند. آیت‌الله جوادی آملی در استفتاء دیگری درباره تعزیر تارک حجاب می‌گوید حکومت اسلامی برای افرادی که عمداً احکام شرعی را ترک می‌کنند حد یا تعزیر قرار داده است؛ زیرا مراتب تعلیم احکام، تنبه دادن غافل، موعظه‌کردن، ارشاد و سپس امر به معروف و نهی از منکر باید رعایت شود. ایشان قائل به ولایت مطلقه فقیه است.

مستندات

آیا رعایت نکردن حجاب مقرر شرعی گناه محسوب می‌شود؟ اگر گناه می‌باشد گناه کبیر است یا صغیره؟ در هر فرضی (کبیره یا صغیره بوده) آیا قابل تعزیر است؟

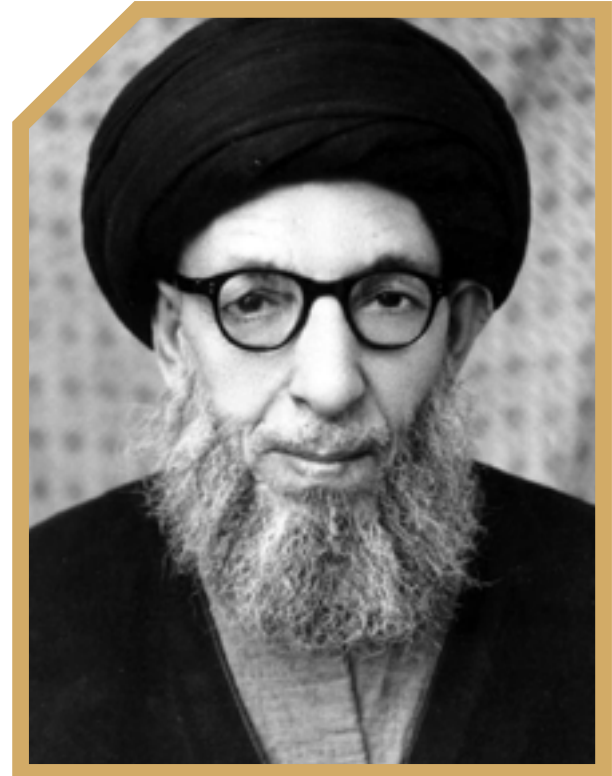


واحدة من هذه المراتب مراتب أخف و أشد، و المشهور الترتيب بين هذه المراتب فان كان إظهار الإنكار القلبي كافيا في الزجر اقتصر عليه، و إلا أنكر باللسان فان لم يكف ذلك أنكره بيده، بل المشهور الترتيب بين مراتب كل واحدة، فلا ينتقل إلى الأشد في كل مرتبة إلا إذا لم يكف الأخر و هو أحوط.

مسألة ۷. إذا لم تكف المراتب المذكورة في ردع الفاعل: ففي جواز الانتقال الى الجرح و القتل و جهان، بل قولان أقواهما العدم، و كذا إذا توقف على كسر عضو من يد أو رجل أو غيرهما، أو أعابه عضو كشلل أو إعوجاج أو نحوهما، فإن الأقوى عدم جواز ذلك، و إذا أدى الضرب إلى ذلك خطأ أو عمدا فالأقوى ضمان الأمر و الناهي لذلك فتجري عليه أحكام الجناية العمدية ان كان عمدا، و الخطأية إن كان خطأ. نعم يجوز للإمام و نائبه ذلك إذا كان يترتب على معصية الفاعل مفسدة أهم من جرحه أو قتله و حينئذ لا ضمان عليه.

حكيم، سيدمحسن، **منهاج الصالحين**، نسخة ديجيتالی سایت کتابخانه مدرسه فقاها، ۱/ ۴۹۰.

ثم انه قد اشتهر في الألسن و تداول في بعض الكتب كما في كلام شيخنا الأعظم (ره) بل نسبت روايته عن النبي «ص» الى كتب الخاصة و العامة: السلطان ولي من لا ولي له، و الظاهر منه ثبوت الولاية للسلطان في كل ما يحتاج إلى ولي و الاستدلال به لما نحن فيه من ثبوت الولاية للفقيه في ذلك موقوف على عموم النيابة و قد عرفت أنه غير ثابت. حكيم، سيدمحسن، **نهج الفقاهة**، قم: نشر ۲۲ بهمن، بی تا، ۳۰۳.



سيدمحسن طباطبائي حكيم

۶

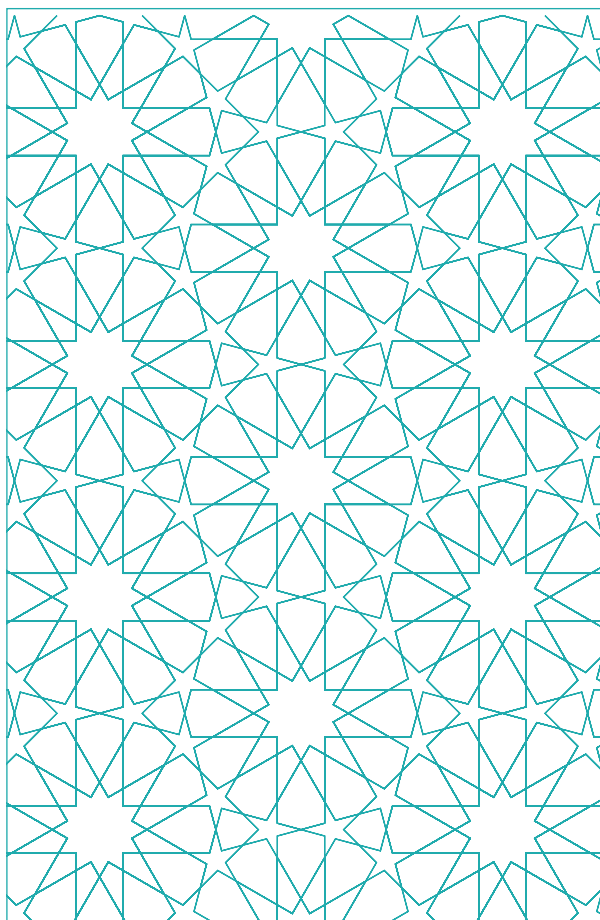
تبیین اجمالی دیدگاه

آیت الله سيدمحسن حکيم مرحله نهی از منکر با استفاده از ضرب دردناکی که بازدارنده از معصیت باشد را مرحله سوم نهی از منکر محسوب کرده است که باید تناسب آن رعایت شود و در صورتی که خفیف تر کافی بود جایز نیست از مراحل شدیدتر استفاده کرد. در صورتی که ضرب منجر به جرح یا قتل شود، اقوی عدم جواز است و در این صورت، چه عمدی باشد و چه غیرعمدی، ضارب ضامن است، مگر اینکه امام (ع) و نایب او مفسده ارتکاب حرام را اهم از مفسده جرح یا قتل او تشخیص دهند که در این حالت، ضمان ساقط می شود.

همچنین ایشان ولایت فقیه حتی در حد امور حسبه را نمی پذیرد و تنها به جواز تصرفات فقیه از باب قدر متیقن قائل است.

مستندات

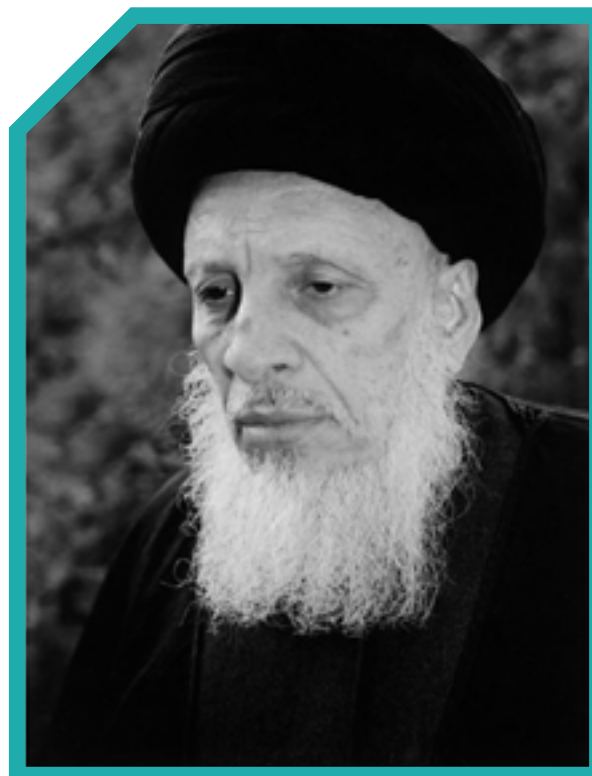
الثالث: الإنكار باليد بالضرب المؤلم الرادع عن المعصية: و لكل



مستندات

وله مراتب: الأولى: التغيير الصامت، بظهور الغضب والتألم من العاصي والاعراض بالوجه عنه والهجر له في المعاشرة وقطع الاحسان عنه ونحو ذلك. الثانية: التغيير بالقول، بالامر والنهي والوعظ والتذكير بثواب الله تعالى وعقابه ونحو ذلك. الثالثة: التغيير العملي، بالعقاب على المعصية عند القيام بها بالضرب والحبس والجرح ونحوها. حكيم، سيد محمد سعيد، **منهاج الصالحين**، قم: دار الهلال، ۱۴۳۳ق، ۱/ ۴۵۰.

(مسألة ۱): إذا تحقق الشرطان المذكوران وجب الامر بالمعروف والنهي عن المنكر بالمرتبة الأولى والثانية، ويختار المكلف منهما ما هو الاجدى بنظره، مع الحذر من العنف إذا كان موجبا للتغيير من الدعوة للخير، وقد تكرر الحث في الكتاب الكريم والسنة الشريفة على الدعوة لله تعالى بالحكمة والموعظة الحسنة وعلى الرفق في الأمور، كما أن القطيعة والمهاجرة قد لا تحسن إذا كان في المواصلة أمل في صلاح حال فاعل المنكر، لأنها تكون سببا للحديث معه ونصيحته. وأما المرتبة الثالثة فلا يجوز الاقدام عليها إلا بالرجوع للحاكم الشرعي، ومع عدم

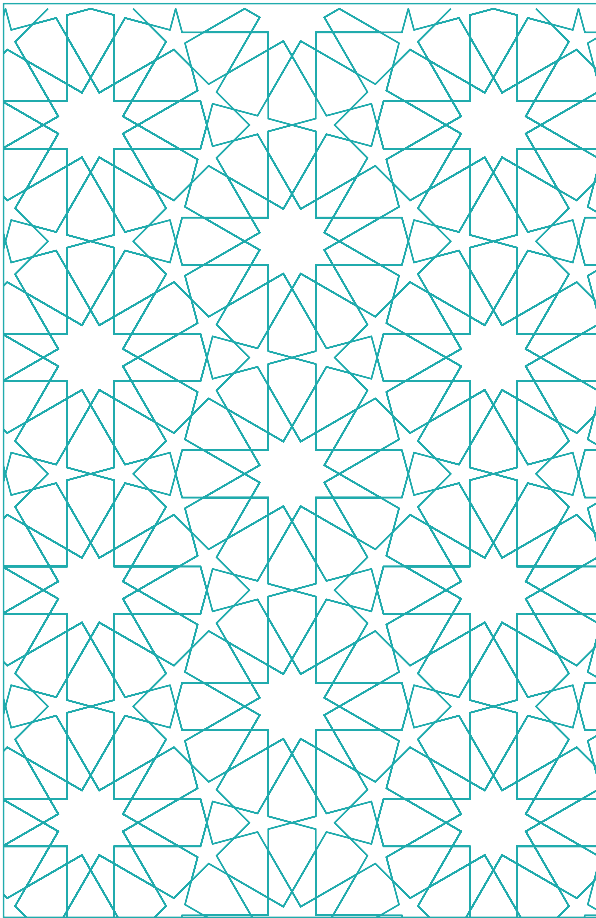


سيد محمد سعيد طباطبائي حكيم



تبیین اجمالی دیدگاه

آیت الله سید محمد سعید حکیم مرتبه سوم نهی از منکر که مجازات معصیت از طریق ضرب و حبس و مانند آن باشد را می پذیرد، البته تنها با رجوع به حاکم شرعی. در صورتی که رجوع به وی ممکن نباشد، باید به اهمیت مصلحت دفع منکر از این راه یقین داشته باشد و در صورت تحقق ردع فاعل منکر با شیوه خفیف تر، به همان اکتفا کند. مضاف به اینکه البته نباید از زور در صورتی که موجب نفرت از دعوت به خیر می شود استفاده کند. آیت الله حکیم در بحث حبس عامل در مضاربه در صورت امتناع از پرداخت عین به رغم مطالبه مالک و توانایی عامل در پرداخت، تصریح می کند حبس تعزیری چنین کسی در صورت بسط ید حاکم از اختیارات حاکم است؛ در نتیجه تعزیر را دست کم در موارد منصوص که یکی از آن ها حبس ممتنع از پرداخت است می پذیرد. در غیر این موارد نظر وی مشخص نیست. همچنین او قائل به ولایت فقیه در حدود فتوادادن، قضاوت و امور حسبیه بوده و حکومت کردن فقیه را نمی پذیرد.



تيسر الرجوع له لا بدّ من اليقين بأهمية مصلحة دفع المنكر من محذور الايقاع بفاعله والتعدي عليه، ولا بدّ مع ذلك من الاقتصار على الاخف عند تأدي الغرض به.

حكيم، سيدمحمدسعید، **منهاج الصالحين**، قم: دار الهلال، ۱۴۳۳ق.، ۱/ ۴۵۲.

(مسألة ۱۶۲۱) برخورد عملی امر به معروف و نهی از منکر نیز سه مرحله دارد:

۱. مبارزه منفی، یعنی ابراز انزجار از افراد تبهکار به وسیله اظهار خشم و نفرت و روی گردانی از آنها، قطع رابطه و قطع نیکی نسبت به آنان.
۲. مبارزه لفظی، به وسیله امر و نهی و پند و اندرز و یادآوری پادشاهی الهی و کیفیهای اخروی.
۳. مبارزه فعلی، به وسیله زدن، حبس کردن و مجروح نمودن برای جلوگیری از وقوع کارهای ناشایست.

(مسألة ۱۶۲۳) هنگامی که این دو شرط حاصل شود،

مرحله اول و دوم از مراحل امر به معروف و نهی از منکر واجب می شود و انسان راهی را بر میگزیند که به نظرش مفیدتر باشد و از خشونت پرهیز می کند، که آن موجب تنفّر مردم از دعوت به دین و آیین می شود، و در قرآن کریم و سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله) تأکید فراوان شده که افراد اندرزگو با ملایمت و ملاحظت بر اساس منطق و موعظه حسنه به سوی پروردگار فرا خوانند. (مسألة ۱۶۲۴) اما مرحله سوم بدون مراجعه به حاکم شرع برای احدی جایز نیست، و در صورت دسترسی نداشتن به حاکم شرع هنگامی می تواند اقدام کند که یقین به اهمّیت دفع منکر و ارجحیت آن نسبت به اعمال خشونت داشته باشد و در هر حال به حدّ اقلی که هدف حاصل می شود اکتفا نماید.

حكيم، سيدمحمدسعید، **توضیح المسائل**، قم: مهر ثامن الائمه، ۱۳۹۱ش.، ۳۲۲-۳۲۴.

در صورتی که انکار با زبان و قلب تأثیر و سودی نداشت چه باید کرد؟

باید برای وارد شدن به مرحله سوم (زدن و...) به مجتهد عادل مراجعه کنی و به تدریج از زدن خفیف شروع کنی و کم کم (در مراحل بعد) زدن شدیدتر را تا زخمی کردن یا شکستن استخوان ها و یا شل کردن و غیر این ها را آغاز نمایی.

حكيم، سيدعبدالهادی، **گفتگوهای فقهی مطابق با فتاوی آیت الله العظمی حکیم**، قم: دار الهلال، ۱۴۳۱ق.، ۳۹۱.

لكن ذلك موقوف على ثبوت ضمانه للعين بتعديه عليها أو بحبسها مع إمكان تسليمها للمالك. ومجرد عدم ثبوت صدقه في دعوى الرد لا يقتضي ذلك، لإمكان ضياع العين أو تلفها من دون تفريط منه وخطئه في دعوى الرد. بل حتى مع كذبه في ذلك لا ضمان عليه حينئذٍ، لأن الكذب المذكور ليس من أسباب الضمان إذا لم يثبت بسبب سابق. وأما مع بسط يد الحاكم فله حيسه تعزيراً إن قامت الأمانة على امتناعه من دفع العين مع قدرته عليها ومطالبة المالك بها. نظير حبس الغاصب لو امتنع من تسليم العين المغصوبة.

حكيم، سيدمحمدسعید، **مصباح المنهاج (المزارعة والمساقاة)**، قم: دار الهلال، ۱۴۳۵ق.، ۳۱۹.



سیدعلی خامنه‌ای

۸

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت‌الله خامنه‌ای تصریح می‌کند مرحله سوم نهی از منکر امری ثابت است، ولی باید به دست حکومت اسلامی و قوای حکومتی انجام شود و برای عموم مردم اقدام به آن جایز نیست. مطلبی پیدا نشد که نظر ایشان در باب تعزیرات را نشان دهد. ایشان ولایت مطلقه فقیه را به تبع استادش امام خمینی قبول دارد.

مستندات

س ۱۰۵۴. بنا بر این که وظیفه مردم در امر به معروف و نهی از منکر در نظام جمهوری اسلامی، اکتفا به امر به معروف و نهی از منکر زبانی است و مراتب دیگر آن بر عهده مسئولین است، آیا این نظریه، حکم از طرف دولت است یا فتوا؟
ج. فتوای فقهی است.

س ۱۰۶۲. گاهی در اثنای امر به معروف و نهی از منکر مواردی پیش می‌آید که شخص گناهکار بر اثر عدم آگاهی از واجبات و احکام اسلامی، با نهی از منکر، نسبت به اسلام بدبین می‌شود، و اگر هم او را به حال خود رها کنیم، زمینه فساد و ارتکاب گناه توسط دیگران را فراهم می‌کند، تکلیف ما در این موارد چیست؟

ج. امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرایط آن یک تکلیف شرعی عمومی برای حفظ احکام اسلام و سلامت جامعه است، و مجرد توهم این که موجب بدبینی فاعل منکر یا بعضی از مردم نسبت به اسلام می‌گردد، باعث نمی‌شود که این وظیفه بسیار مهم ترک شود.

س ۱۰۶۴. آیا وظیفه افراد در امر به معروف و نهی از منکر این است که فقط به امر به معروف و نهی از منکر زبانی اکتفا کنند؟ و اگر اکتفا به تذکر زبانی واجب باشد، این امر با آن چه در رساله‌های عملیه به خصوص تحریرالوسیله آمده است، منافات دارد، و اگر مراتب دیگر امر به معروف و نهی از منکر هم برای افراد در موارد لزوم جایز باشد، آیا در صورت نیاز می‌توان همه مراتب مذکور در تحریرالوسیله را انجام داد؟

ج. با توجه به این که در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی می‌توان مراتب دیگر امر به معروف و نهی از منکر را که بعد از مرحله امر و نهی زبانی هستند، به نیروهای امنیتی داخلی (پلیس) و قوه قضائیه واگذار کرد، به خصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره‌ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می‌دهد یا تعزیر و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر به امر و نهی زبانی اکتفا کنند، و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسئولین ذیربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند و این منافاتی با فتاوی‌ای امام راحل (قدس سره) در این رابطه ندارد. ولی در زمان و مکانی که حاکمیت و اقتدار با حکومت اسلامی نیست، بر مکلفین واجب است که در صورت وجود شرایط، جمیع مراتب امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت ترتیب آن‌ها تا تحقق غرض انجام دهند.

س ۱۰۸۲. اگر کارکنان ادارات و مؤسسات در محل کار خود ارتکاب تخلفات اداری و شرعی را توسط مسئولین مافوق

نکته:

رعایت مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر واجب است یعنی تا به مرحله‌ی پایین‌تر مقصود حاصل می‌شود نباید وارد مرحله‌ی بالاتر شد.

۱. امر و نهی قلبی

۱. مرحله‌ی اول امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی قلبی یا امر و نهی با قلب است. مقصود از امر و نهی قلبی، اظهار کراهت قلبی است یعنی مکلف باید تنفر و انزجار درونی خود را نسبت به انجام منکر و ترک معروف آشکار سازد و از این راه فردی که معروفی را ترک می‌کند و یا منکری را به جا می‌آورد را به انجام معروف و ترک منکر وارد سازد.

۲. امر و نهی قلبی (اظهار رضایت و تنفر) درجاتی دارد که تا با پایین‌ترین درجه و سبک‌ترین راه می‌توان امر و نهی کرد و به مقصود دست یافت نباید متوسل به درجه‌ی بالاتر شد. این درجات بر حسب شدت و ضعف و بر حسب انواعی که دارند بسیارند. برخی از آنها عبارتند از: با تبسم و لبخند و روی گشاده برخورد کردن، چشم فرو بستن، خیره شدن، به روی دست زدن، دندان به لب گرفتن، با دست یا سر اشاره کردن، سلام نکردن، رو گرداندن، پشت کردن، صحبت را قطع کردن، قهر و ترک معاشرت کردن.

۲. امر و نهی لسانی

۱. مرحله‌ی دوم امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی لسانی (زبانی) یا امر و نهی با زبان است. مقصود از امر و نهی زبانی این است که مکلف باید با گفتن از طرف بخواهد از منکر دست بردارد و معروف را انجام دهد.

۲. امر و نهی لسانی، درجاتی دارد که تا با پایین‌ترین درجه و آرام‌ترین لحن می‌توان به مقصود رسید نباید اقدام به درجه‌ی بالاتر کرد. این درجات بر حسب شدت و ضعف و بر حسب انواعی که دارند بسیارند. برخی از آنها عبارتند از: ارشاد کردن، تذکر دادن، موعظه کردن، پند و اندرز دادن، مصالح و مفاسد و سود و زیانها را بر شمردن، بحث و مناظره کردن، استدلالی سخن گفتن، با غلظت و درشتی حرف زدن، با تهدید صحبت کردن.

۳. امر و نهی عملی

۱. مرحله سوم امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی با دست (کنایه از اعمال قدرت و به‌کار بردن جبر و زور) است. مقصود از امر و نهی عملی این است که مکلف باید با اعمال

مشاهده کنند، چه وظیفه‌ای دارند؟ اگر کارمندی خوف داشته باشد که در صورت مبادرت به نهی از منکر ضرری از طرف مسئولین بالاتر متوجه او شود، آیا تکلیف از او ساقط می‌شود؟ ج. اگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته باشد، باید امر به معروف و نهی از منکر کنند، در غیر این صورت تکلیفی در آن مورد ندارند. همچنین با وجود خوف از ضرر قابل توجه هم تکلیف از آنان ساقط می‌شود، این حکم در مواردی است که حکومت اسلامی حاکم نباشد. ولی با وجود حکومت اسلامی که اهتمام به اجرای این فریضه الهی دارد، بر کسی که قادر بر امر به معروف و نهی از منکر نیست، واجب است که نهادهای مربوطه را که از طرف حکومت برای این کار اختصاص یافته‌اند، مطلع نماید و تاکنده شدن ریشه‌های فاسد که فسادآور هم هستند، موضوع را پیگیری کند.

س ۱۰۸۵. مشروبات الکلی که در حوزه‌های مأموریتی متخصصین بیگانه که گاهی در بعضی از مؤسسات کشور اسلامی کار می‌کنند، یافت می‌شود و آن را در منازل یا محل اختصاصی سکونت خود تناول می‌کنند، و همچنین آماده کردن گوشت خوک و خوردن آن توسط آنان چه حکمی دارد؟ و ارتکاب اعمال منافی عفت و ارزش‌های حاکم بر مردم، توسط آنان دارای چه حکمی است؟ مسئولین کارخانه‌ها و اشخاصی که با آنان در ارتباط هستند، چه تکلیفی دارند؟ بعد از اعلام به مسئولین کارخانه‌ها و نهادهای مربوطه در آن استان، اگر هیچ‌گونه اقدامی انجام ندهند، تکلیف چیست؟

ج. بر مسئولین مربوطه واجب است که به آنان دستور دهند که از تظاهر به اموری مثل شرابخواری، خوردن گوشت‌های حرام خودداری کنند و آنان را از خوردن علنی آن‌ها منع نمایند. و در اموری که با عفت عمومی منافات دارد، به هیچ‌وجه نباید به آنان اجازه انجام آن داده شود. به هر حال، از طرف مسئولین مربوطه باید تدابیر مناسبی در این باره اتخاذ شود.

خامنه‌ای، سیدعلی، «أجوبة الاستفتانات»، سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری، به‌نشانی:

<https://www.leader.ir/fa/book/2/%D8%A7%D8%AC%D9%88%D8%A8%D8%A9%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D9%81%D8%AA%D8%A7%D8%A6%D8%A7%D8%AA>

۵. مراحل و مراتب امر معروف و نهی از منکر

۱. امر و نهی قلبی.

۲. امر و نهی لسانی (زبانی).

۳. امر و نهی عملی.

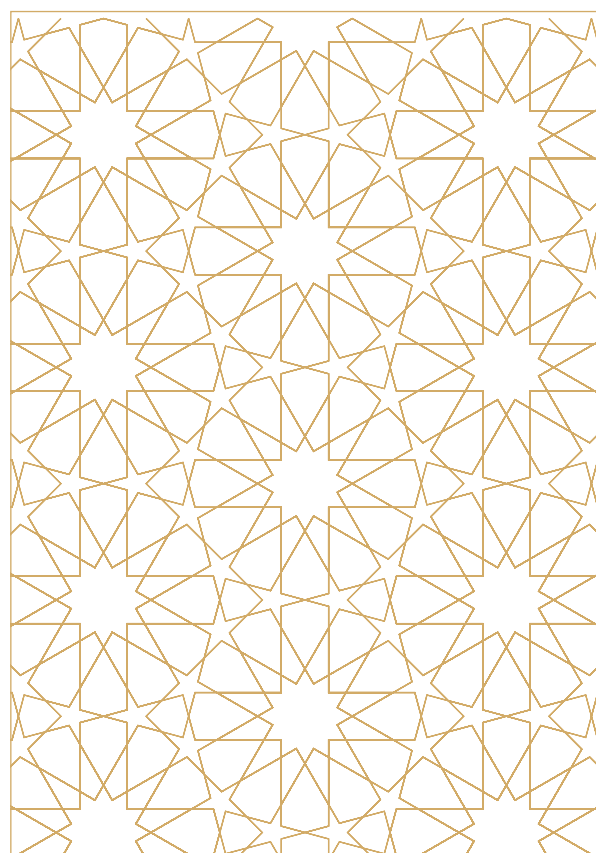
و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر به امر و نهی (قلبی و) زبانی اکتفا کنند، و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسئولین ذیربط در نیروی انتظامی و قوه قضاییه ارجاع دهند، ولی در زمان و مکانی که حاکمیت و اقتدار با حکومت اسلامی نیست، بر مکلفین واجب است که در صورت وجود شرایط، جمیع مراتب امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت ترتیب آنها تا تحقق غرض انجام دهند.

- این که وظیفه‌ی مردم در امر به معروف و نهی از منکر در نظام جمهوری اسلامی، اکتفا به امر به معروف و نهی از منکر قلبی و زبانی است و مراتب دیگر آن بر عهده‌ی مسئولین است فتوای فقهی است (نه حکمی از طرف دولت).

خامنه‌ای، سیدعلی، «رساله آموزشی (جلد اول)»، سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری، به نشانی:

<https://www.leader.ir/fa/book/137/%D8%B1%D8%B3%D8%A7%D9%84%D9%87-%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4%DB%8C>

خب، تا اینجا مسئله‌ای نیست؛ [اما] آنچه بنده را حساس می‌کند، این است که ناگهان شما می‌بینید از دهان یک گروهی از افرادی که جزو خواص محسوب میشوند، مسئله‌ی «حجاب اجباری» مطرح می‌شود؛ معنایش این است که یک عده‌ای نادانسته -حالا من می‌گویم نادانسته؛ ان شاء الله نادانسته است- همان خطی را دنبال می‌کنند که دشمن با آن همه خرج نتوانسته است آن خط را در کشور به نتیجه برساند؛ همان خط را دارند دنبال می‌کنند؛ در بین اینها روزنامه‌نگار هست، در بین اینها روشنفکرما هست، در بین اینها آخوند و معتم هست. [می‌گویند] «امام که فرمودند باید زنها باحجاب باشند، همه‌ی زنها را نگفتند!» حرف بیخود! ما بودیم آن وقت، ما خبر داریم؛ چطور این جور است؟ امام در مقابل یک منکر واضحی که به وسیله‌ی پهلوی و دنباله‌های پهلوی در کشور به وجود آمده بود، مثل کوه ایستاد، گفت باید حجاب وجود داشته باشد. در مقابل همه‌ی منکرات، امام همین جور محکم ایستاد. همان وقت بحث تجارت مشروبات الکلی بود؛ ما در شورای انقلاب بودیم، جلسات مشترکی با دولت داشتیم، همان وقت کسانی بودند که معتقد بودند تجارت مشروبات الکلی برای کشور فایده دارد، ما از این فایده چطور صرف نظر کنیم؛

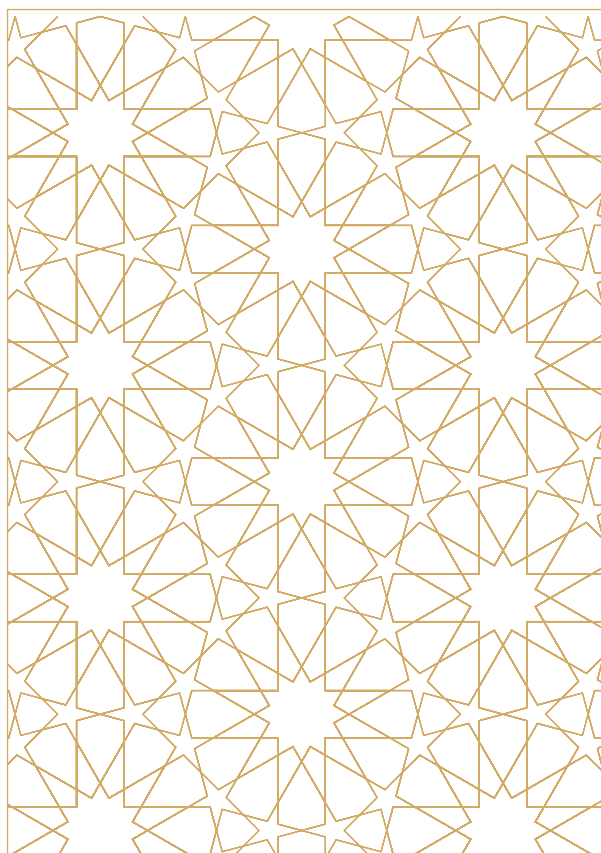


قدرت و به کار بردن جبر و زور، طرف را از انجام منکر و ترک معروف باز دارد.

۲. امر و نهی درجاتی دارد که تا با پایین‌ترین درجه و آسانترین روش می‌توان نتیجه گرفت نباید به درجه‌ی شدیدتر پرداخت. این درجات بر حسب شدت و ضعف و بر حسب انواعی که دارند بسیارند. برخی از آنها عبارتند از: حایل شدن و جلوی فرد را گرفتن، حربه از دست گرفتن، وسایل گناه را از دسترس او خارج ساختن، عقب‌راندن، دست طرف را محکم نگه‌داشتن، حبس کردن، سختگیری کردن، کتک‌زدن، به درد آوردن، مجروح و زخمی کردن، شکستن عضو، از کار انداختن، ناقص کردن، کشتن.

توجه

- با توجه به این که در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی می‌توان مراتب بعد از مرحله‌ی امر و نهی زبانی را به نیروهای امنیتی داخل (پلیس) و قوه‌ی قضاییه واگذار کرد، به خصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره‌ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می‌دهد یا تعزیر و حبس او



مایل بودند این تجارت ادامه پیدا نکند، از بیرون شراب بیاورند. امام قرص و محکم ایستاد؛ در مقابل حرام الهی، امام بزرگوار می‌ایستاد و ایستاد؛ این حرام الهی بود. حالا آقا از آن طرف درآمده [میگوید] که «آقا! این گناه که مثلاً از غیبت بزرگ‌تر نیست؛ چرا شما در مقابل غیبت کسی را تعقیب نمی‌کنید، در مقابل این [کار] که مثلاً روسری را بردارد یا بی‌حجاب باشد، تعقیب می‌کنید». ببینید چه [خطایی]؟ عدم تشخیص؛ آنچه انسان [از آن] رنج میبرد، این است که تشخیص نیست. ما که نگفتیم اگر کسی در خانه‌ی خودش در مقابل نامحرم روسری‌اش را برداشت، ما او را تعقیب می‌کنیم؛ [خیر] ما او را تعقیب نمی‌کنیم، در خانه‌ی خودش است، کار شخصی می‌کند.

آن کاری که در ملاً انجام می‌گیرد، در خیابان انجام می‌گیرد، یک کار عمومی است، یک کار اجتماعی است، یک تعلیم عمومی است؛ این [خطا]، برای حکومتی که به نام اسلام بر سر کار آمده است تکلیف ایجاد می‌کند. حرام کوچک و بزرگ ندارد؛ آنچه حرام شرعی است نایستی به صورت آشکار در کشور انجام بگیرد. حالا یک نفر یک غلطی برای خودش می‌کند، [به] کنار، آن بین خودش و خدا است؛ اما آنچه در مقابل چشم مردم است، در محیط جامعه است، حکومت اسلامی - مثل حکومت امیرالمؤمنین، مثل حکومت پیغمبر - وظیفه دارد در مقابل آن بایستد. این منطقی که می‌گوید «آقا شما اجازه بدهید مردم خودشان انتخاب بکنند»، خوب در مورد شراب‌فروشی هم هست؛ شراب را هم آزاد کنیم در کشور، هر کسی خودش دلش می‌خواهد بخورد، هر کس نمی‌خواهد نخورد! این حرف شد؟ در مورد همه‌ی گناهان بزرگ اجتماعی، این حرف وجود دارد؛ این حرف شد؟ شارع مقدس بر حکومت اسلامی تکلیف کرده است که مانع از رواج حرام الهی در جامعه بشود؛ حکومت اسلامی موظف است در مقابل حرام بایستد، در مقابل گناه بایستد. امروز ما در داخل کشور، مفتخریم به حجاب زنانمان؛ زنان ما با چادر - که یک حجاب ایرانی است؛ چادر، حجاب ایرانی است - و با حجاب اسلامی، به بالاترین رتبه‌های علمی رسیده‌اند، به بالاترین رتبه‌های هنری و فرهنگی رسیده‌اند، جزو برجسته‌ترین‌ها شدند، در مسائل اجتماعی اثرگذاری کردند؛ در عین حال خانه‌داری‌شان را هم کردند، بچه‌شان را هم تربیت کردند، شوهرداری هم کردند. این‌که ما بیاییم قوانین را همین‌طور دائم دور بزنیم برای اینکه یک جووری میل غلط انحرافی فرهنگ غربی را در کشورمان ایجاد کنیم، خطای بزرگی است؛ یک عده‌ای این خطا را می‌کنند.

خامنه‌ای، سیدعلی، «بیانات در دیدار مداحان اهل بیت در تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۹۶»، سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به‌نشانی:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39136>

س ۵۶. آیا اعتقاد به اصل ولایت فقیه از جهت مفهوم و مصداق یک امر عقلی است یا شرعی؟

ج. ولایت فقیه که عبارت است از حکومت فقیه عادل و دین‌شناس حکم شرعی تعبدی است که مورد تأیید عقل نیز می‌باشد، و در تعیین مصداق آن روش عقلایی وجود دارد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است.

خامنه‌ای، سیدعلی، «أجوبة الاستفتائات»، سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری، به‌نشانی:

<https://www.leader.ir/fa/book/2/%D8%A7%D8%AC%D9%88%D8%A8%D8%A9%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D9%81%D8%AA%D8%A7%D8%A6%D8%A7%D8%AA>

(مسألة ٢): إن أمكنه المنع بالحيلولة بينه وبين المنكر، وجب الاقتصار عليها لو كان أقلّ محذوراً من غيرها.

(مسألة ٣): لو توقفت الحيلولة على تصرف في الفاعل أو آلة فعله - كما لو توقفت على أخذ يده أو طرده، أو التصرف في كأسه الذي فيه الخمر، أو سكينه ونحو ذلك - جاز بل وجب.

(مسألة ٤): لو توقفت دفع المنكر على الدخول في داره أو ملكه، والتصرف في أمواله - كفرشه وفراشه - جاز لو كان المنكر من الأمور المهمة التي لا يرضى المولى بخلافه كيف ما كان، كقتل النفس المحترمة، وفي غير ذلك إشكال؛ وإن لا يبعد بعض مراتبه في بعض المنكرات.

(مسألة ٥): لو انجرت المدافعة إلى وقوع ضرر على الفاعل - ككسر كأسه أو سكينه - بحيث كان من قبيل لازم المدافعة فلا يبعد عدم الضمان، ولو وقع الضرر على الأمر و الناهي من قبيل المرتكب كان ضامناً وعاصياً.

(مسألة ٦): لو كسر القارورة التي فيها الخمر - مثلاً - أو الصندوق الذي فيه آلات القمار؛ ممّا لم يكن ذلك من قبيل لازم الدفع، ضمن وفعل حراماً.

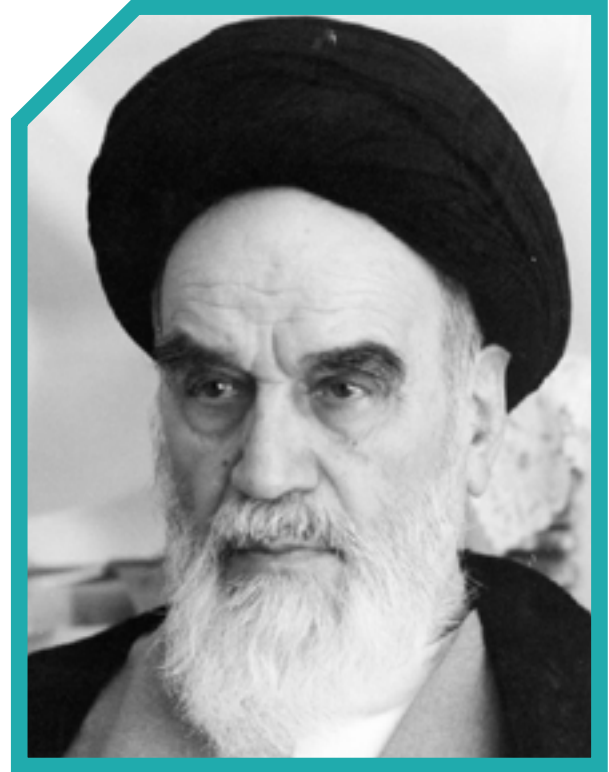
(مسألة ٧): لو تعدّى عن المقدار اللازم في دفع المنكر، وانجرت إلى ضرر على فاعل المنكر ضمن، وكان التعدي حراماً.

(مسألة ٨): لو توقفت الحيلولة على حبسه في محلّ أو منعه عن الخروج من منزله جاز، بل وجب مراعيّاً للأيسر فالأيسر والأسهل فالأسهل، ولا يجوز إيذاؤه والضييق عليه في المعيشة.

(مسألة ٩): لو لم يحصل المطلوب إلا بنحو من الضيق و التحريج عليه، فالظاهر جوازه بل وجوبه مراعيّاً للأيسر فالأيسر.

(مسألة ١٠): لو لم يحصل المطلوب إلا بالضرب والإيلام، فالظاهر جوازهما مراعيّاً للأيسر فالأسهل والأسهل فالأسهل، وينبغي الاستئذان من الفقيه الجامع للشرائط، بل ينبغي ذلك في الحبس و التحريج ونحوهما.

(مسألة ١١): لو كان الإنكار موجباً للجزّ إلى الجرح أو القتل، فلا يجوز إلا بإذن الإمام عليه السلام على الأقوى، وقام في هذا الزمان الفقيه الجامع للشرائط مقامه مع حصول الشرائط.



سيد روح الله خميني

٩

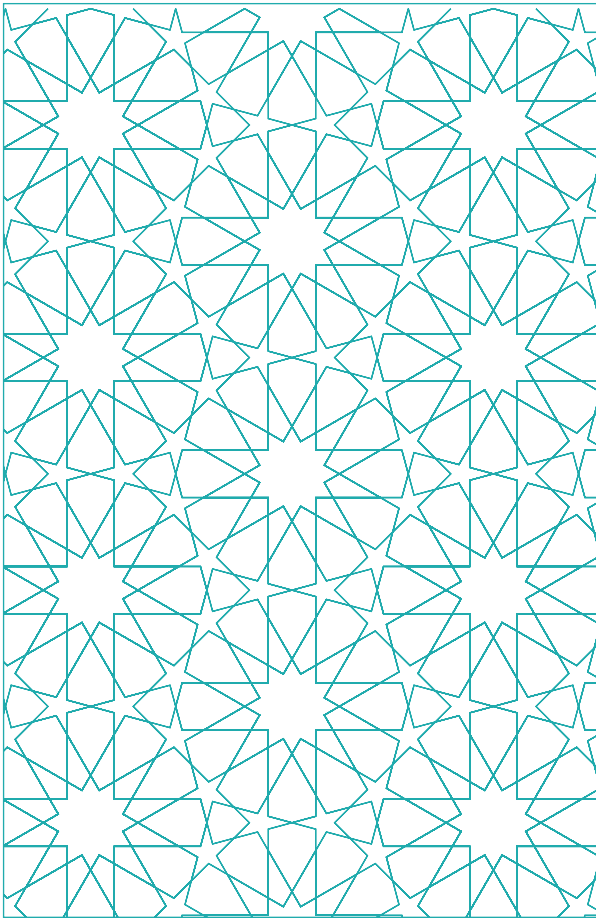
تبين اجمالی دیدگاه

امام خمینی مرحله سوم نهی از منکر را که توسل به زور و جبر باشد ثابت می‌داند، و در شرایط لازم با رعایت مراتب آن را جایز بلکه واجب شمرده است، با این شرط که نباید از حد لازم تجاوز کند و بهتر است در این امور از مجتهد جامع شرایط اذن گرفته شود. از طرفی به نظر ایشان، اهتمام به مسائل سیاسی مانند اجرای حدود و امر قضایی و مالی در عصر غیبت از وظایف مختص امام المسلمین (ولی فقیه) و منصوبین اوست. گویی مرتبه سوم که مرحله عملی امر به معروف و نهی از منکر باشد، لازم است توسط حکومت اسلامی انجام شود. ایشان به ولایت مطلقه فقیه باور دارد.

مستندات

المرتبة الثالثة: الإنكار باليد.

(مسألة ١): لو علم أو اطمأن بأنّ المطلوب لا يحصل بالمرتبتين السابقتين، وجب الانتقال إلى الثالثة، وهي أعمال القدرة مراعيّاً للأيسر فالأيسر.



خمینی، سیدروح‌الله، **تحریر الوسيلة (موسوعة الامام الخميني، ج ۲۳)**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲ش.، ۵۱۰-۵۱۱.

ختم فيه مسائل:

(مسألة ۱): ليس لأحد تكفل الأمور السياسية - كإجراء الحدود - والقضائية والمالية - كأخذ الخراجات والماليات الشرعية - إلا إمام المسلمين عليه السلام ومن نصبه لذلك.

(مسألة ۲): في عصر غيبة وليّ الأمر وسلطان العصر - عجل الله فرجه الشريف - يقوم نوابه العامة - وهم الفقهاء الجامعون لشرائط الفتوى والقضاء - مقامه في إجراء السياسات وسائر ما للإمام عليه السلام إلا البدأة بالجهاد.

(مسألة ۳): يجب كفاية على النواب العامة القيام بالأمر المتقدم؛ مع بسط يدهم وعدم الخوف من حكام الجور، وبقدر الميسور مع الإمكان.

خمینی، سیدروح‌الله، **تحریر الوسيلة (موسوعة الامام الخميني، ج ۲۳)**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۱ش.، ۵۱۳.

مسألة ۲۸۱۸- مرتبه سوم توسل به زور و جبر است، پس اگر بدانند یا اطمینان داشته باشند که ترك منكر نمی‌کند یا واجب را به‌جا نمی‌آورد مگر با اعمال زور و جبر، واجب است لکن باید تجاوز از قدر لازم نکند.

مسألة ۲۸۱۹- اگر ممکن شود جلوگیری از معصیت به این که بین شخص و معصیت حایل شود و با این نحو مانع از معصیت شود، لازم است اقتضار به آن اگر محذور آن کمتر از چیزهای دیگر باشد.

مسألة ۲۸۲۰- اگر جلوگیری از معصیت توقف داشته باشد بر این که دست معصیت‌کار را بگیرد یا او را از محل معصیت بیرون کند یا در آلتی که به آن معصیت می‌کند تصرف کند، جایز است، بلکه واجب است عمل کند.

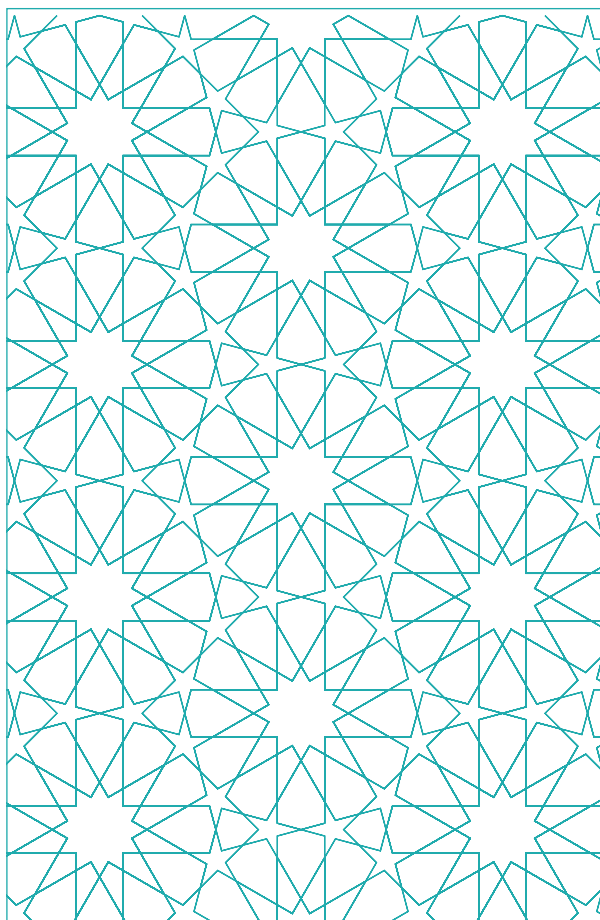
مسألة ۲۸۲۱- جایز نیست اموال محترمه معصیت‌کار را تلف کند مگر آن که لازمه جلوگیری از معصیت باشد، در این صورت اگر تلف کند ضامن نیست ظاهراً، و در غیر این صورت، ضامن و معصیت‌کار است.

مسألة ۲۸۲۲- اگر جلوگیری از معصیت توقف داشته باشد بر حبس نمودن معصیت‌کار در محلی، یا منع نمودن از آن که به محلی وارد شود، واجب است با مراعات مقدار لازم و تجاوز نمودن از آن.

مسألة ۲۸۲۳- اگر توقف داشته باشد جلوگیری از معصیت، بر کتک زدن و سخت گرفتن بر شخص معصیت‌کار، و در مضیقه قرار دادن او، جایز است، لکن لازم است مراعات شود که زیاده‌روی نشود، و بهتر آن است که در این امر و نظیر آن اجازه از مجتهد جامع‌الشرایط گرفته شود.

مسألة ۲۸۲۴- اگر جلوگیری از منکرات و اقامه واجبات موقوف باشد بر جرح و قتل، جایز نیست مگر به اذن مجتهد جامع‌الشرایط با حصول شرایط آن.

خمینی، سیدروح‌الله، **رساله توضیح المسائل (موسوعة**



لخت بشوند و با هم [سرگرم عیش و نوش] بشوند...

خطر ریاکاری و سوء استفاده از آزادی

آزادی در حدود قانون است. اسلام از فسادها جلو گرفته. و همه آزادیها را که مادون فساد باشد داده. آنی که جلو گرفته فسادهاست که جلوییش را گرفته است. و ما تا زنده هستیم نمی‌گذاریم این آزادی‌هایی که آنها می‌خواهند، تا آن اندازه‌ای که می‌توانیم، آن آزادی‌ها تحقق پیدا کند.

خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹ ش.، ۳۳۹/۸.

اگر فرد لایقی که دارای این دو خصلت باشد به پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در امر اداره جامعه داشت دارا می‌باشد و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند.

خمینی، سیدروح‌الله، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲ ش.، ۵۰.

الامام الخميني، ج ۲۹، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲ ش.، ۵۱۵.

ما مبارزه با فساد را با دایره امر به معروف و نهی از منکر که يك وزارتخانه مستقل بدون پیوستگی به دولت، با يك همچو وزارتخانه‌ای که تأسیس خواهد شد ان شاء الله مبارزه با فساد می‌کنیم؛ فحشا را قطع می‌کنیم؛ مطبوعات را اصلاح می‌کنیم؛ رادیو را اصلاح می‌کنیم؛ تلویزیون را اصلاح می‌کنیم؛ سینماها را اصلاح می‌کنیم. تمام اینها به فرم اسلام باید باشد. تبلیغات تبلیغات اسلامی، وزارتخانه‌ها وزارتخانه‌های اسلامی، احکام احکام اسلام. حدود اسلام را جاری می‌کنیم؛ خوف از اینکه غرب نمی‌پسندد نمی‌کنیم.

خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹ ش.، ۲۷۴/۶.

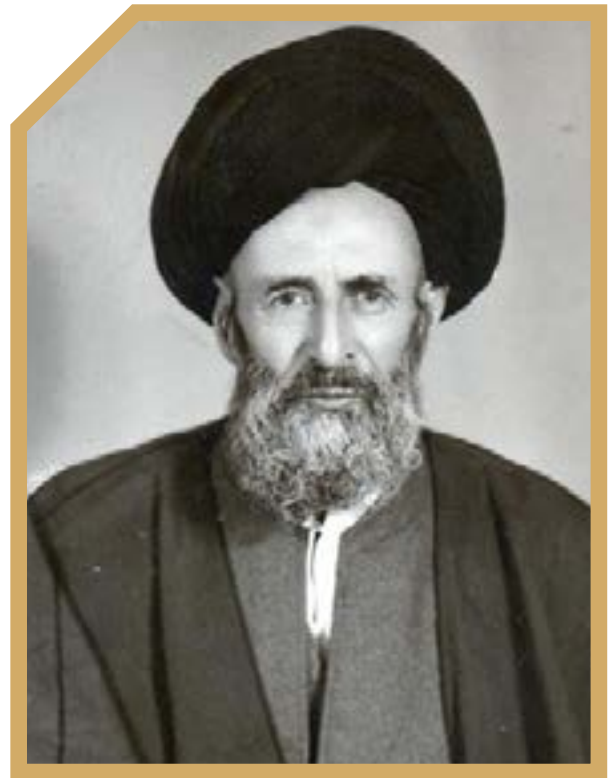
اسلام جلوی شهوات را می‌گیرد؛ اسلام نمی‌گذارد که لخت بروند توی این دریاها شنا کنند. پوستشان را می‌کند! با زنها لخت بروند آنجا، و بعد زنها لخت بیابند توی شهرها! مثل کارهایی که در زمان طاغوت می‌شد. همچو کاری اگر بشود، پوستشان را مردم می‌کنند. مسلمانند مردم. نمی‌گذارند زنها و مردها با هم داخل هم بشوند و توی دریا بریزند و به جان هم بیفتند. «تمدن» اینها این است! اینها از تمدن این را می‌خواهند. اینها از آزادی این را می‌خواهند! آزادی غربی می‌خواهند. و آن این است زن و مرد با هم لخت بشوند و بروند توی دریا [یا] بروند توی - نمی‌دانم - جاهای دیگر شنا کنند! این تمدنی است که آقایان می‌خواهند! این تمدنی است که در رژیم سابق تحمیل بر مملکت ما شد، که بعد از اینکه می‌رفتند زن و مرد در دریا، زنها همان طور لخت و همان طور لخت می‌آمدند توی شهر! مردم هم جرأت نمی‌کردند حرف بزنند. امروز اگر یک همچو چیزی بشود، اینها را ما خواهیم تکلیفشان را معین کرد. و دولت هم معین کرد. البته دولت [به] طوری که وزیر کشور گفتند، گفتند ما جلوییش را گرفتیم. اگر نگیرند، مردم می‌گیرند. مگر مازندرانی‌ها می‌گذارند یا رشتیها می‌گذارند که باز کنار دریاشان مثل آن وقت باشد؟ مگر بندر پهلوی‌ای‌ها مرده‌اند که زن و مرد با هم در یک دریا بروند و مشغول عیش و عشرت بشوند! مگر می‌گذارند اینها را؟ تمدن‌های اینها این است. آزادی‌ای که آنها می‌خواهند همین. این جور آزادی! بروند قمار بکنند و با هم

۱. مقصود بندر انزلی است.

ضرورت اکتفاء کرد. همچنین قاعده تعزیر برای هر عمل حرام نزد وی ثابت نیست. سیره زندگی آیت‌الله خوانساری نشان می‌دهد ولایت فقیه را نپذیرفته بود. در بخش مستندات، شواهد مربوط به این ادعا ذکر شده است.

مستندات

المعروف أنّ للإنكار مراتب، الأولى الإنكار بالقلب، ثمّ باللسان، ثمّ باليد وفي الخبر المرويّ عن الباقر عليه السّلام «فأنكروا بقلوبكم ولفظوا بألسنتكم وصدّوا بها جباههم، ولا تخافوا في الله لومة لائم - إلى أن قال - فجاهدوهم بأبدانكم وأعضوهم بقلوبكم - إلى آخره -». وفي المرويّ عن أمير المؤمنين عليه السّلام «من ترك إنكار المنكر بقلبه و يده ولسانه فهو ميت بين الأحياء». وفي الآخر المروي عنه أيضا «إنّ أول ما تقبلون عليه من الجهاد الجهاد بأبدانكم ثمّ بألسنتكم ثمّ بقلوبكم من لم يعرف معروفًا ولم ينكر منكرا قلب فجعل أعلاه أسفله». وفي المرويّ عن العسكري عن النبيّ صلّى الله عليه وآله «من رأى منكرا فلينكر بيده إن استطاع فإن لم يستطع فبقلبه فحسبه أن يعلم الله من قلبه أنّه لذلك كاره» إلى غير ذلك من النصوص. وقد يقال: إنّ الإنكار القلبي ليس أمرا ولا نهيا فلا بدّ فيه من ضميمه يكون معها داخلا في الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر إلّا أنّه بهذا المعنى أيضا مشروط بتجويز التأثير وعدم الضرر، وعلى هذا فلا بدّ من إظهار ما في القلب ويشهد له رواية السكوني عن أبي عبد الله عليه السّلام قال: «قال أمير المؤمنين عليه السّلام أمرنا رسول الله صلّى الله عليه وآله أن نلقى أهل المعاصي بوجوه مكفّهرة». ويمكن أن يقال: الظاهر من الأخبار أنّه لا يكون النظر إلى تحقّق المعروف في الأمر به وترك المنكر في النهي عنه فقط حتّى يقال: مال الفائدة مع عدم التجويز وقد سبق احتمال وجوب الأمر بكلّ معروف حتّى المستحب ووجوب النهي عن كلّ منكر حتّى المكروه لحفظ أحكام الله تعالى وإن كان نفس المستحب غير واجب لا يجب فعله ونفس المكروه لا يجب تركه و يشهد لما ذكر رواية يحيى الطويل عن أبي عبد الله عليه السّلام قال: «حسب المؤمن عزا إذا رأى منكرا أن يعلم الله من قلبه إنكاره». والخبر المرويّ عن أمير المؤمنين عليه السّلام المذكور حيث ذكر فيه «ثمّ بقلوبكم» الظاهر في مطلوبية الجهاد بالقلب وكذلك المروي عن العسكري عليه



سید احمد خوانساری

۱۰

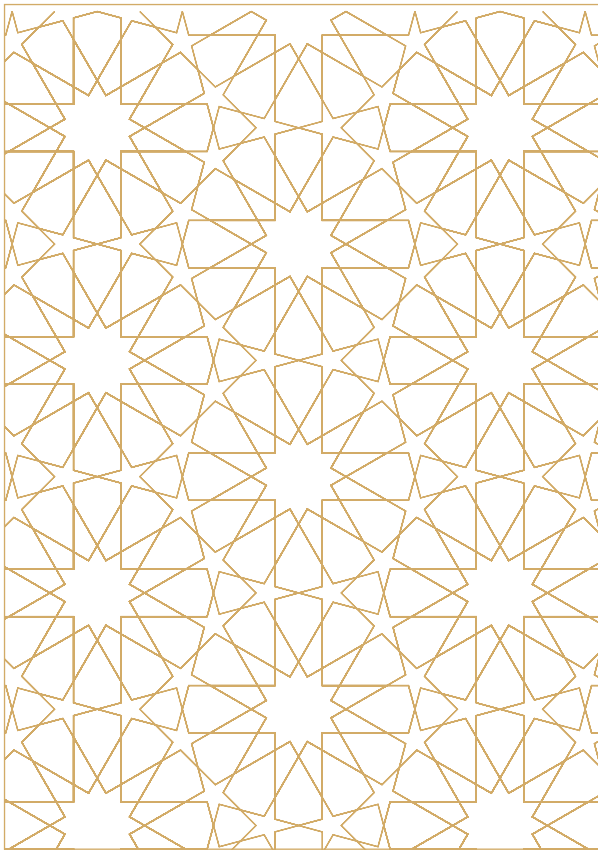
تبیین اجمالی دیدگاه

متأسفانه رساله توضیح المسائل فارسی آیت‌الله خوانساری دستیاب نشد، ولی با توجه به اثر فقهی استدلالی‌اش یعنی **جامع المدارک** می‌توان گفت ایشان مرتبه سوم نهی از منکر را می‌پذیرد و وجوب آن را مطابق روایات ثابت می‌داند، البته مراعات مراتب از آسان به دشوار نیز لازم است. درباره اجرای حدود در عصر غیبت نیز قائل به تعطیلی است؛ یعنی اجرای حدود به دست معصومین و نواب خاص آنان است و اجرای آن از سوی دیگران جایز نیست. آیت‌الله خوانساری استدلال می‌کند اجرای حدود از باب امر به معروف و نهی از منکر نیست؛ بلکه نوعی ایذاء بوده که فقط با اذن امام (ع) ممکن است و در اینجا اذنی نداریم. از نظر آیت‌الله خوانساری، گویی نمی‌توان تعزیرات را به حدود ضمیمه کرد؛ زیرا او میان وجوب نهی از منکر و حرمت ایذاء مؤمن تفاوت گذاشته است و حرمت ایذاء را مخصص نهی از منکر می‌داند؛ لذا باید به ایذاء به قدر

السّلام المذكور، وقول الصادق عليه السّلام على المحكي «لو أنكم إذا بلغكم عن الرّجل شيء تمشيتم إليه فقلتم: يا هذا أما أن تعتزلنا وتتجنبنا وإنا أن تكفّ عن هذا فإن فعل والافاجتنبوه». وقوله عليه السّلام أيضا على المحكي «إن الله عزّ وجلّ بعث ملكين إلى أهل مدينة ليقلباها على أهلها فلما انتهيا إلى المدينة وجدا فيها رجلا يدعو الله ويتضرّع فقال أحد الملكين لصاحبه أما ترى هذا الداعي؟ فقال: قد رأيته ولكن أمضي لما أمر به ربّي، فقال: لا ولكن لا أحدث شيئا حتّى أراجع ربّي، فعاد إلى الله تبارك وتعالى فقال: ياربّ إنّي انتهيت إلى المدينة فوجدت عبدك فلانا يدعوك ويتضرّع إليك فقال امض إلى ما أمرتك فإنّ ذا رجل لم يتمعّر (أي لم يتغيّر) وجهه غضبا لي» فتأمل. فالمستفاد من الأخبار وجوب الإنكار القلبي، وإن لم يكن داخل في الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر ولم يتمكّن من إظهاره لخوف ضرر يتوجّه إليه ولم يترتب عليه أثر بالنسبة إلى تارك المعروف وفاعل المنكر بل الظاهر أنّه من ظواهر الإيمان والمرتبة الثانية والثالثة الإنكار باللسان واليد. وأدعي عدم الخلاف في وجوبها مشروطا بما سبق من الشرائط وبدل على وجوبها ما سبق من الأخبار وصرّح جماعة بوجوب مراعاة الأيسر فالأيسر في الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر ولا يخفى أن الترتيب خلاف المطلقات وقد يستدلّ عليه بحرمة إيذاء المؤمن المقتصر في الخروج منها على مقدار ما يرتفع به الضرورة بل لعلّ قوله تعالى «فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغْتُ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْآخَرَى ففَاتُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ» باعتبار تقديم الصلح على أن التعارض بين إطلاق الأمر بالمعروف وبين النهي عن الإضرار بالمؤمن والإيذاء له من وجه، والمعلوم من تخصيص الآخر بالأول حال الترتيب المذكور. ويمكن أن يقال: أوّلا إن الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر لا اختصاص لهما بالمؤمن بل يجبان بالنسبة إلى غير المؤمن أيضا نعم لا فرق في الظلم بين المؤمن وغير المؤمن لكن ليس مطلق الإيذاء ظلما، وثانيا إذا كان الغالب في النهي عن المنكر تأذي الفاعل للمنكر حيث يواجه بوجه مكفهر كما في الخبر أو بصك الوجه ولم يذكر في الأخبار الترتيب بالنحو المذكور كيف يستفاد الترتيب المذكور وما أفيد من أن النسبة مع ما دلّ على حرمة الإيذاء والإضرار بالمؤمن عموم من وجه - إلخ - منظور فيه فإنّ أنحاء الأمر والنهي في الأخبار ذكر بالواو الظاهرة في عدم الترتيب وليس من قبيل العموم. وأما الاستشهاد بقوله تعالى «فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا

فَإِن بَغْتُ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْآخَرَى - إلخ» فيشكل لأنّه راجع إلى المقاتلة بخلاف المقام حيث إنّ الفقهاء لا يجوزون القتل في مقام الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر ومع تسليم ما هو المشهور من تقديم الأخف على الأثقل لا بدّ من الملاحظة، فربما يكون اكفهرار الوجه أثقل من الأمر والنهي باللسان.

وأما لو افتقر إلى الجرح أو القتل فالمعروف الاحتياج إلى إذن الامام عليه السّلام وأدعي انصراف الأدلة عن هذه الصورة خصوصا مع ملاحظة اشتراط الوجوب بتجويز التأثير المشعر ببقاء المأمور والنهي ومع القتل لا يبقى موضوع مضافا إلى ما في جواز ذلك لسائر الناس عدو لهم وفساقهم من الفساد العظيم والهرج والمرج نعم في المرويّ عن تاريخ الطبري عن عبد الرحمن بن أبي ليلى قال: «إنّي سمعت عليّا عليه السّلام يوم لقينا أهل الشام يقول: أيّها المؤمنون إنّه من رأى عدوانا يعمل به ومنكر يدعى إليه فأنكره بقلبه فقد سلم ومن أنكره بلسانه فقد أوجر وهو أفضل من صاحبه ومن أنكره بالسيف لتكون كلمة الله العليّا وكلمة الظالمين السفلى فذلك أصاب سبيل الهدى وقام على الطريق ونور في قلبه اليقين». كقول الباقر عليه السّلام على المحكي «أنكروا بقلوبكم ولفظوا بألسنتكم وذكروا بها جباههم ولا تخافوا في الله لومة لائم فإن اتعظوا وإلى الحق رجعوا فلا سبيل عليهم إنّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ هنا لك فجاهدوهم بأبدانكم وأبغضوهم بقلوبكم غير طالبين سلطانا ولا باغين به مالا ولا مريدين بالظلم ظفرا حتّى يفينوا إلى أمر الله ويمضوا على طاعته». إلى غير ما ذكر من النصوص. وأجيب بأنّه من المعلوم أنّه أشار بذلك إلى نفسه ومن يقوم مقامه من أولاده عليهم الصلاة والسّلام لا سائر الناس كخطابات الحدود وقاتل البغاة وجهاد الكفّار على أنّه ظاهر في الجواز دون الوجوب الذي هو مقتضى الأمر بالمعروف ولا يخفى أنّ ما ذكر في الجواب خلاف الظاهر لا يصار إليه غاية الأمر أنّه لا يستفاد منه الوجوب بل الجواز هذا كلّ لو لم يستشكل في العمل بالأخبار المذكورة من جهة السند وهذا غير ما ذكر من عموم الجواز ولزوم الهرج والمرج ولزوم الفساد كما ذكر. وأما إقامة الحدود في غير زمان الحضور و زمان الغيبة فالمعروف عدم جوازها وأدعي الإجماع في كلام جماعة على عدم الجواز إلّا للإمام عليه السّلام أو المنسوب من قبله والمحكي عن جماعة أنّه يجوز للفقهاء العارفين بالأحكام الشرعيّة العدول إقامة الحدود في حال غيبة الإمام عليه الصلاة والسّلام واستدلّ بقول الصادق عليه السّلام في مقبولة عمر بن حنظلة «ينظران إلى من كان منكم ممن قد روى حديثنا ونظر في حلالنا وحرماننا وعرف أحكامنا فليرضوا به حكما». ويمكن أن يقال: إقامة الحدود ليست داخلية في الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر حتّى يقال يشملها العمومات والإجماع المدّعي في كلام الفقهاء بالنسبة إلى غير الفقهاء بل هي إيذاء وإيلام لا مجوّز له بالنسبة إلى غير النبيّ والأئمة عليهم



السلام إلا من كان منصوبا بالخصوص بحيث لو لم يكن إجماع لم يكن مجوزا، والمقبولة لا ظهور لها بالنسبة إلى إقامة الحدود. وأما خبر حفص «سألت أبا عبد الله عليه السلام: من يقيم الحدود السلطان أو القاضي؟ فقال: إقامة الحدود إلى من إليه الحكم» فيشكل التمسك به لأن القاضي له الحكم من طرف المعصوم ولا يقال إليه الحكم، هذا مع قطع النظر عن السند وأما مقبولة أبي خديجة «إياكم أن يحاكم بعضكم بعضا إلى أهل الجور لكن انظروا إلى رجل منكم يعلم شيئا من قضايانا فاجعلوه بينكم فإني قد جعلته قاضيا فتحاكموا إليه». وقول صاحب الزمان - عجل الله تعالی فرجه - على المحكي في التوقيع «و أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة أحاديثنا فإنهم حجتي عليكم وأنا حجة الله» وعن بعض الكتب روايته: فإنهم خليفتي عليكم - إلى آخره - فلا يستفاد منهما جواز إقامة الحدود في عصر الغيبة، أما المقبولة فلأن النظر إلى المحاكمات وأما التوقيع فلعدم معلومية المراد من الحوادث لاحتمال كون اللام للعهد في كلام السائل واستفادة الولاية العامة من جهة التعبير بالمحكي فإنهم «خليفتي عليكم» مشكلة لاضطراب المتن في الرواية. وقد يؤيد ما ذكر بأن تعطيل الحدود يفضي إلى ارتكاب المحارم وانتشار المفساد وذلك مبغوض في نظر الشارع وبأن المقتضي لإقامة الحد قائم في صورتي حضور الإمام عليه السلام وغيبته وليست الحكمة عائدة إلى مقبوعه قطعاً فتكون عائدة إلى مستحقه أو إلى النوع من المكلفين وعلى التقديرين لا بد من إقامته مطلقاً. ويمكن أن يقال: لازم ما ذكر وجوب إقامة الحدود في كل عصر من دون حاجة إلى نصب المعصوم فقبل صدور المقبولة والمشهورة و صدور التوقيع الشريف كان إقامة الحدود لازماً من دون حاجة إلى الإذن بل اللازم تصدي عدول المؤمنين بل فساقهم مع عدم التمكن للمجتهدين كما يقال في حفظ مال القصر والغيب وهذا كما ترى فلا يبعد أن يكون هذا الأمر أيضاً من الأمور المخصوصة بالمعصومين صلوات الله عليهم أو المنصوبين بالخصوص من قبلهم كالجهاد مع الكفار غير المجوز لغيرهم وغير المنصوبين من قبلهم - اللهم عجل في فرج إمامنا صلواتك عليه واجعلنا من أنصاره وأشياعه بحق محمد وآله صلواتك عليهم أجمعين.

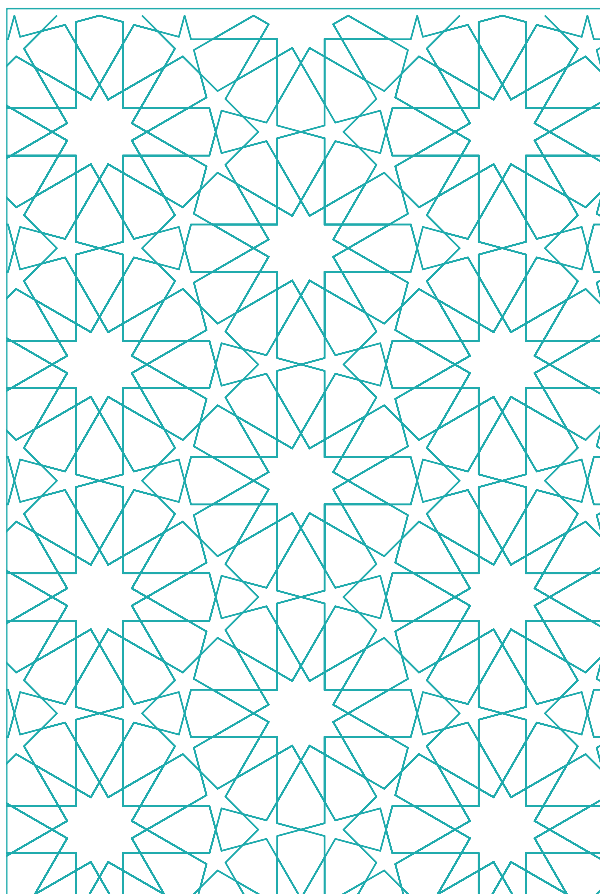
خوانساری، سیداحمد، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۵۵ش، ۵/ ۴۰۷-۴۱۲.

شما (جلالی تهرانی) برواضیشان کن تا به مردم بگویند رای بدهند. جلالی تهرانی می گویند: من بعد از نماز مغرب و عشا خدمت ایشان رفتم. آقای خوانساری فرمودند: من موافق [جمهوری اسلامی] نیستم و اطلاعیه نمی‌دهم و تایید نمی‌کنم. پرسیدم: آیا واجب است ما رأی بدهیم؟ فرمود: بلکه بالعکس! (۵۰)

کدیور، محسن، «نماد تقوی، فقه سنتی، مخالف با انقلاب و انکار ولایت فقیه: سیری در آراء و مواضع سیداحمد خوانساری»، سایت رسمی محسن کدیور، به نشانی <https://kadivar.com/16413>

خوانساری اگرچه تا سال ۴۲ اعتراض‌هایی را علیه حاکمیت به انجام رساند، اما طریقت وی، عدم مداخله در امور سیاسی بود. سید آرام پایتخت، موافقتی با ورود به مسائل سیاسی نداشت، اگرچه تا سال ۴۲ بارها خواسته یا ناخواسته به این وادی کشیده شد.

طباطبایی، سیدهادی، فقیهان و انقلاب ایران، تهران: نشر کویر، ۱۳۹۵، ۸۰.



سید ابوالقاسم خوئی

۱۱

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت‌الله خوئی مرحله سوم نهی از منکر که زدن دردناک و بازدارنده از معصیت است را ثابت می‌داند، ولی تصریح می‌کند رعایت ترتیب در انتقال از دو مرحله قلبی - زبانی به مرحله عملی از آسان‌تر به سخت‌تر لازم است. در صورتی که مستلزم ایجاد جراحت یا قتل باشد، جایز نیست و آمر یا ناهی (ضارب و جارح) چه ضرب و جرحش عمدی باشد و چه غیر عمدی، ضامن است. البته در صورتی که امام (ع) و نایب او مفسده معصیت فاعل منکر را اهم از جرح یا قتل وی تشخیص دهد، دیگر ضمانتی مترتب نمی‌شود.

آیت‌الله خوئی اشاره می‌کند با ملاحظه ادله امر به معروف و نهی از منکر و حدود می‌توان ثابت کرد در موارد خاصی، دفع عمل منکر به وسیله عمل منکر دیگری جایز است.

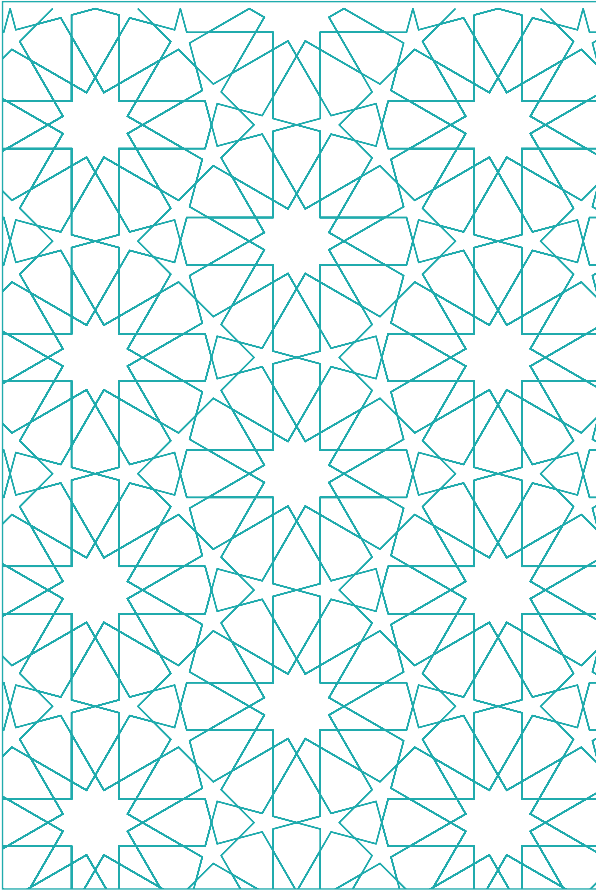
آیت‌الله خوئی تعزیر صبی را حسب مصالحی که حاکم شرع تشخیص می‌دهد جایز شمرده است. تعزیر معترف به فسق در مسأله انکار وجوب روزه در اسلام از موارد تعزیر

منصوص به نظر اوست. خوئی در **منهاج الصالحین** قاعده تعزیر برای هر عمل حرام را ثابت می‌داند. جالب‌توجه آن‌که باب احکام امر به معروف و نهی از منکر در رساله توضیح المسائل فارسی وی نیامده است. آیت‌الله خوئی ولایت مطلقه فقیه را نمی‌پذیرد و تنها به ولایت در امور حسبیه قائل است.

مستندات

للأمر بالمعروف والنهي عن المنكر مراتب:

الأولى: الإنكار بالقلب، بمعنى إظهار كراهة المنكر، أو ترك المعروف، إما بإظهار الانزعاج من الفاعل، أو الاعراض والصد عنه، أو ترك الكلام معه، أو نحو ذلك من فعل أو ترك يدل على كراهة ما وقع منه. الثانية: الإنكار باللسان والقول، بأن يعظه، وينصحه، ويذكر له ما أعد الله سبحانه للعاصين من العقاب الأليم والعذاب في الجحيم، أو يذكر له ما أعد الله



تعالی للمطيعين من الثواب الجسيم و الفور في جنات النعيم.

الثالثة: الإنكار باليد بالضرب المؤلم الرادع عن المعصية، و لكل واحدة من هذه المراتب مراتب أخف وأشد، و المشهور الترتب بين هذه المراتب، فإن كان إظهار الإنكار القلبي كافياً في الزجر اقتصر عليه، و إلا أنكر باللسان، فإن لم يكف ذلك أنكره بيده، و لكن الظاهر أن القسمين الأولين في مرتبة واحدة فيختار الأمر أو الناهي ما يحتمل التأثير منهما، و قد يلزمه الجمع بينهما. و أما القسم الثالث فهو مترتب على عدم تأثير الأولين، و الأحوط في هذا القسم الترتيب بين مراتبه فلا ينتقل إلى الأشد، إلا إذا لم يكف الأخرى. (مسألة ١٢٧٣): إذا لم تكف المراتب المذكورة في ردع الفاعل ففي جواز الانتقال إلى الجرح و القتل و جهان، بل قولان أقواهما العدم، و كذا إذا توقف على كسر عضو من يد أو رجل أو غيرهما، أو أعابه عضو كشلل أو عوجاج أو نحوهما، فإن الأقوى عدم جواز ذلك، و إذا أدى الضرب إلى ذلك - خطأ أو عمداً - فالأقوى ضمان الأمر و الناهي لذلك، فتجري عليه أحكام الجنابة العمدية، إن كان عمداً، و الخطأية إن كان خطأً. نعم يجوز للإمام و نائبه ذلك إذا كان يترتب على معصية الفاعل مفسدة أهم من جرحه أو قتله، و حينئذ لا ضمان عليه.

خوئی، سیدابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم: مدینة العلم، ١٤١٠ق، ١ / ٣٥٢-٣٥٣.

جواز الاغتيا ب لردع المقول فيه

عن المنكر الثالث: قصد ردع المغتاب (بالمفتح) عن المنكر الذي يفعله، و قد استدلل المصنف على الجواز هنا بوجهين، الأول: أن الغيبة هنا إحسان في حقه، فإنها و إن اشتملت على هتكه و إهانته إلا أنه توجب إنقاذه من المهلكة الأبدية و العقوبة الأخروية. الثاني: أن عمومات النهي عن المنكر شاملة لذلك. **أما الوجه الأول ففيه أولاً:** أن الدليل أخص من المدعى، إذ ربما لا يرتدع المقول فيه عن فعل المنكر.

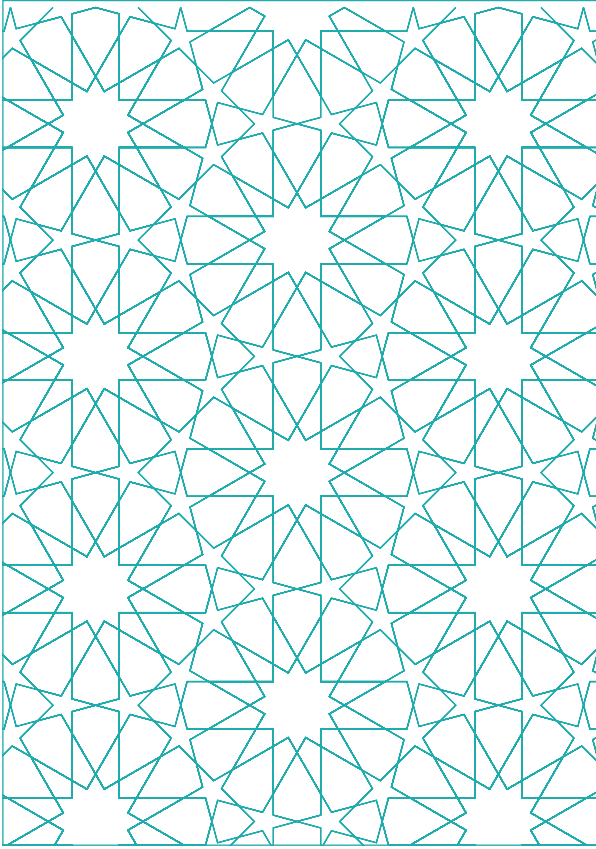
و ثانياً: أن الغيبة محرمة على المغتاب بالكسر، و لا يجوز الإحسان بالأمر المحرم، فإنه إنما يتقبل الله من المتقين، و هل يتوهم أحد جواز الإحسان بالمال المغصوب و المسروق إلا إذا كان أعمى البصيرة، كبعض المنحرفين عن الصراط المستقيم، و دعوى رضی المقول فيه حينئذ بالغيبة جزافية، فإنها مضافا إلى بعدها، أن رضاه لا يرفع الحرمة التكليفية.

و أما الوجه الثاني: ففيه أنه لا يجوز ردع المنكر بالمنكر لانصراف أدلته عن ذلك، و إلا لجاز ردع الزناة بالزناة بأعراضهم، و ردع السراق بسرقة أموالهم.

نعم قد ثبت جواز دفع المنكر بالمنكر في موارد خاصة كما يتضح ذلك لمن يلاحظ أبواب النهي عن المنكر و أبواب الحدود، و قد تقدم في البحث عن حرمة السب جواز شتم المبدع و الوقیعة فيه، و البهت عليه، بل و جوبها، كما يظهر من بعض الروایات المتقدمة في المبحث المذكور.

خوئی، سیدابوالقاسم، مصباح الفقاهة، قم: انتشارات انصاریان، ١٤١٧ق، ١ / ٣٥٣.

ومنها: مسألة التعزير وأتة هل يعزّر الصبي أم لا؟ فإن قلنا إن المراد من حديث رفع القلم عن الصبي ومن قوله (عليه السلام) «عمده خطأ» أنّ الآثار الثابتة للبالغين في عمدهم ليست ثابتة للصبي كما ذهب إليه الشيخ (قدس سرّه) فلا مانع من ثبوت التعزير له، و خروجه عن تلك الأحكام يكون بنحو التخصص، إذ لا يكون التعزير ثابتاً للبالغين حتّى يرفع في ناحية الصبي، فلا مانع من تعزير الصبي بحسب مصلحة الحاكم. و أمّا لو كان المراد رفع مطلق الآثار الالزامية فيكون التعزير ثابتاً للصبي بعنوان التخصص في تلك الأدلة كما امر



المتيقن لعدم جواز التصرف في مال أحد إلا بإذنه، كما أن الأصل عدم نفوذ بيعه لمال القصر أو الغيب أو تزويجه في حق الصغير أو الصغيرة، إلا أنه لما كان من الأمور الحسبية و لم يكن بدّ من وقوعها في الخارج كشف ذلك كشفاً قطعياً عن رضى المالك الحقيقي وهو الله (جلّت عظمتها) وأنه جعل ذلك التصرف نافذاً حقيقة، والقدر المتيقن ممن رضى بتصرفاته المالك الحقيقي، هو الفقيه الجامع للشرائط فالثابت للفقيه جواز التصرف دون الولاية.

خوئى، سيدابوالقاسم، التنقيح فى شرح العروة الوثقى، قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئى، ١٤١٨ق،، ١/ ٣٦٠.

سؤال ٦: هل ترى سماحتكم ولاية الفقيه المطلقة أم لا؟
الخوئى: في ثبوت الولاية المطلقة للفقيه الجامع للشرائط خلاف و معظم فقهاء الإمامية يقولون بعدم ثبوتها وإنما تثبت في الأمور الحسبية فقط والله العالم.
 خوئى، سيدابوالقاسم، صراط النجاة فى أجوبة الاستفتائات، قم: برگزیده، ١٤١٦ق،، ١/ ١٢.

في الشريعة بضرب الصبيان للصلاة، وهذا تخصيص لأدلة رفع مطلق الالزام عنهم، فيثبت لهم التعزير حسب ما يراه الحاكم الشرعي من المصالح.

خوئى، سيدابوالقاسم، التنقيح فى شرح المكاسب، قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئى، ١٣٨٨ش،، ١/ ٣٠٥.

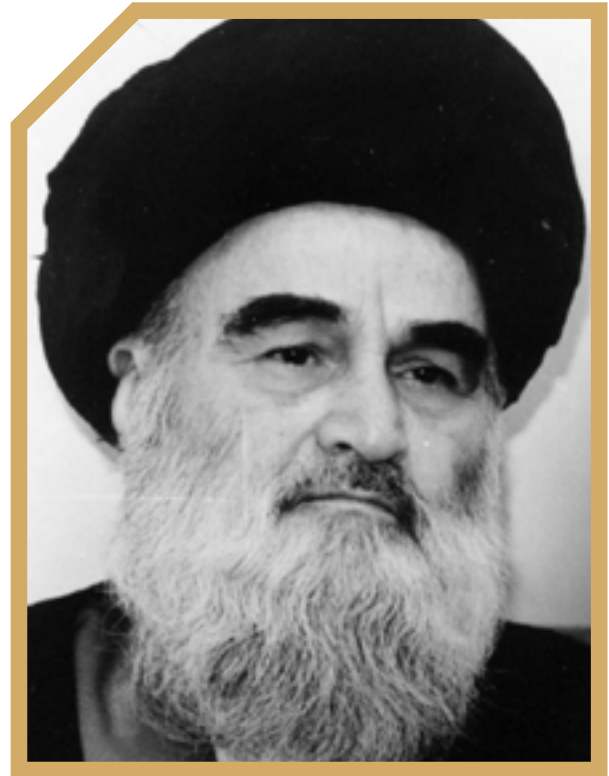
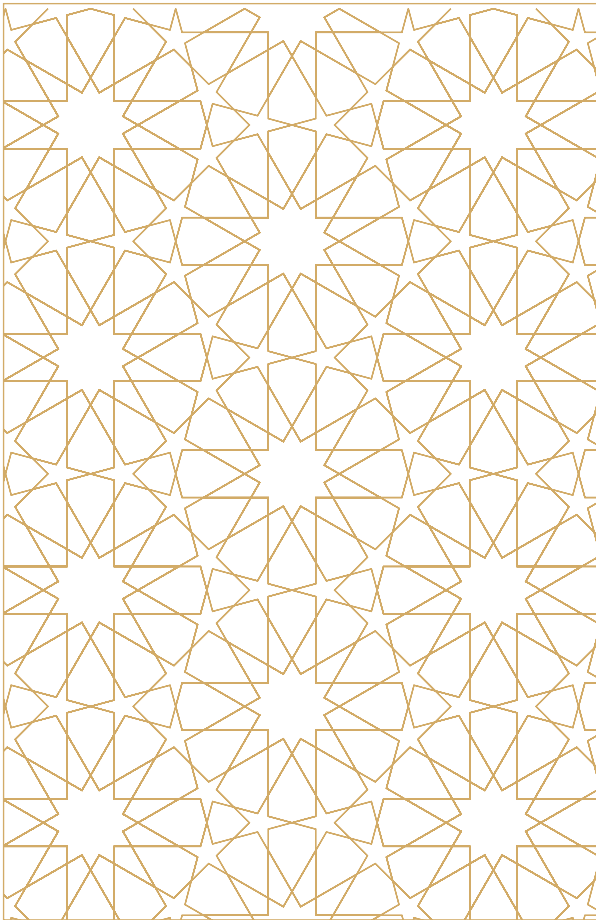
حيث إنّ المفروض فيها الإفطار ثلاثة أيام، فقد حصل منه الإفطار ثلاث مرات على الأقل كل يوم مرة، ولو فرض أكثر زاد عليه بكثير، ومع ذلك حكم (عليه السلام) بالتعزير، لكونه أول مرة يُرفع أمره إلى الإمام، فليس الإفطار ثلاثة أيام بنفسه موضوعاً للقتل، بل الموضوع هو الرفع كما صرح به في الموثق، وكذا ما تقدّم في الصحيح من أنّ أصحاب الكبائر يقتلون في الثالثة، أي في الثالثة من الرفع، لا من ارتكاب الكبيرة، للتصريح بإجراء الحدّ عليهم مرتين. قدّمنا أنّ الحكم المزبور من القتل أو التعزير مخصوص بغير المشتبه، أمّا هو فلا شيء عيلة، وقلنا: إنه يمكن استفادة ذلك من نفس صحيحة بريد.

و تقريب الاستدلال: إته (عليه السلام) حكم بالسؤال من المفطر وأنّه هل عليك في إفطارك إثم أم لا؟ وأنّه يعزّر مع الاعتراف، ويُقتل مع الإنكار. ومن المعلوم أنّ إنكار الأثم على نحوين، فتارةً: ينكره للاستحلال، وأخرى: لأجل أنّه يرى نفسه معذوراً لشبهة يدعيها محتملة في حقّه، ولا ريب في اختصاص القتل بالأول، ضرورة أنّه مع الاعتراف لم يُحكّم بالقتل فكيف يُحكّم به مع دعوى العذر؟! وإذ خصّ (عليه السلام) التعزير بالمعترف فمدعى العذر لا تعزير أيضاً عليه كما لم يكن عليه قتل، فلا بدّ أن يطلق سراحه ويخلّى سبيله، فلا يُقتل ولا يعزّر.

و بالجملة: فالأقسام ثلاثة: منكرٌ مستحل يُقتل، ومعترفٌ بالفسق يعزّر، ومن لا هذا ولا ذاك الذي لم تعرّض له الصحيحة يخلّى سبيله ولا شيء عليه.

خوئى، سيدابوالقاسم، التنقيح فى شرح العروة الوثقى، قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئى، ١٤١٨ق،، ٩/ ٢١.

فذلكة الكلام: أن الولاية لم تثبت للفقيه في عصر الغيبة
 بدليل وإنما هي مختصة بالنبي والأنمة (عليهم السلام)، بل الثابت حسبما تستفاد من الروايات أمران: نفوذ قضائه وحجية فتواه، وليس له التصرف في مال القصر أو غيره مما هو من شؤون الولاية إلا في الأمر الحسبي فإن الفقيه له الولاية في ذلك لا بالمعنى المدعى، بل بمعنى نفوذ تصرفاته بنفسه أو بوكيله وانعزال وكيله بموته، وذلك من باب الأخذ بالقدر



سید محمد روحانی

۱۲

مستندات

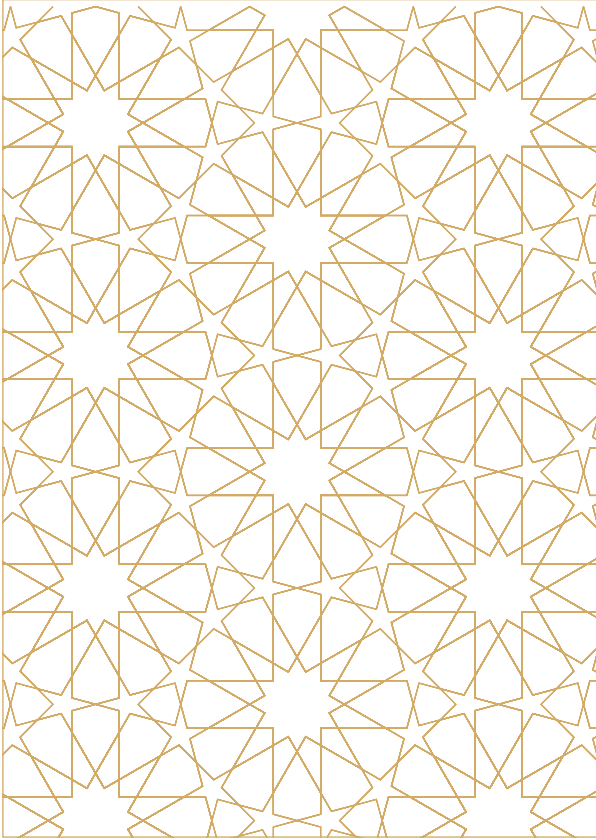
الثالثة: الانكار باليد بالضرب المؤلم الرادع عن المعصية، ولكل واحدة من هذه المراتب أخف وأشد. والمشهور الترتب بين هذه المراتب، فان كان إظهار الانكار القلبي كافيا في الزجر اقتصر عليه، وإلا أنكر باللسان، فان لم يكف ذلك أنكره بيده. ولكن الظاهر ان القسمين الاولين في مرتبة واحدة فيختار الأمر أو الناهي ما يحتمل التأثير منهما، وقد يلزمه الجمع بينهما. وأما القسم الثالث فهو مترتب على عدم تأثير الاولين، والاحوط في هذا القسم الترتيب بين مراتبه فلا ينتقل إلى الأشد، إلا إذا لم يكف الاخف. (مسألة ۱۲۳۲): إذا لم تكف المراتب المذكورة في ردع الفاعل ففي جواز الانتقال إلى الجرح والقتل وجهان، بل قولان أقواهما عدم، وكذا إذا توقف على كسر عضو من يد أو رجل أو غيرهما، أو إعاقة عضو كشلل أو عوجاج أو نحوهما، فان الاقوى عدم جواز ذلك، وإذا أدى الضرب إلى ذلك - خطأ أو عمدا - فالاقوى ضمان الأمر والناهي لذلك، فتجري عليه أحكام الجنائية العمدية، إن كان عمدا، والخطأية إن كان خطأ. نعم يجوز للامام ونائبه إذا كان يترتب على معصية

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت الله سید محمد روحانی مرتبه سوم نهی از منکر را ثابت می داند؛ البته با رعایت ترتیب؛ یعنی در صورتی که فاعل منکر با مراتب آسان تر از منکر دست بر می دارد، مراتب شدیدتر دیگر واجب نیست. اگر مرتبه سوم منجر به ضرب یا جرح شد جایز نیست و ضمان می آورد، مگر امام (ع) و نایب ایشان انجام دهند که در این صورت ضمان ساقط می شود.

آیت الله روحانی در صورت امتناع هر یک از متبایعین از تسلیم مبیع و ثمن، اجبار او را از باب امر به معروف و نهی از منکر جایز می داند. روحانی در مسأله امتناع منکر زکات از پرداخت زکات، حاکم را از باب اینکه ولی ممتنع است یا از باب نهی از منکر متولی اخذ می داند، ولی درباره کافر این مسأله منتفی است؛ زیرا او در صورت اسلام مکلف است.

آیت الله روحانی ولایت فقیه در امور عامه را نفی می کند. متأسفانه رساله توضیح المسائل فارسی یا استفتانات ایشان دستیاب نشد.



ملازمة بين الفقه والمعرفة الاجتماعية، فلا يحفظ النظام بولاية مطلق الفقيه. وخلاصة ما ذكرنا: أنه لا دليل على ولاية الفقيه واعتبار إذنه في الأمور العامة - بل الثابت ليس الا نصب القضاء وفصل الخصومة وان خالف فيه بعض الاكابر فاكتفى بجواز القضاء بالعلم بالحكم وان كان عن تقليد، كما ثبت للفقيه جواز الافتاء والرجوع اليه في الاحكام الشرعية - فالمرجع فيها أي في الأمور العامة هو الاصل العملي وقد عرفت تحقيق الحال فيه وأنه تارة يقتضي لزوم الرجوع الى الفقيه واخرى لا يقتضي ذلك، فلا بأس بصرف العنان في الكلام الى الموارد الخاصة الجزئية التي قيل برجوع الامر فيها الى الفقيه وتحقيق الحال فيها. وقد ذكرت موارد كثيرة منها ما يرتبط بالماليات، كالزكاة والخمس ونحوهما، ومنها ما لا يرتبط بالمال، كالصلاة على الميت ونحوها. وليكن البحث اولاً في الماليات ونبتي بمحل الكلام وهو سهم الامام عليه السلام وانه هل يجب الرجوع فيه الى الفقيه أو لا يجب؟ والكلام فيه حسب ما يقتضيه الدليل او الاصل، وتحقيق الحال فيه يستدعي التكلم في جهتين: الاولى: في تعيين الوظيفة فيه ومآله في زمان الغيبة.

روحاني، سيدمحمد، المرتقى إلى الفقه الأرقى (الخمس)، قم: مؤسسة مولود الكعبة، ١٣٨٠ش، ٣٠٨.

الفاعل مفسدة أهم من جرحه أو قتله، وحينئذ لا ضمان عليه.
روحاني، سيدمحمد، منهاج الصالحين، قم: مكتبة الألفين،
بي تا، ١ / ٣٧٥-٣٧٦.

المسألة الثانية: في وجوب القبض. التزم الاصحاب بوجوب القبض والتسليم على كل من المتبايعين، وقد يقرب بوجهين: أحدهما: ان العقد يوجب تملك كل من المتبايعين مال الآخر. ومقتضى حرمة التصرف في مال الغير لزوم تسليمه ماله اذا اراده و عدم ابقائه. ولا يخفى ان مقتضى هذا الوجه هو لزوم التسليم على كل منهما ولو امتنع الآخر، لان ظلم أحدهما ومعصيته لا يسوغ ظلم الآخر ومعصيته، ويكون اجبارهما مع الامتناع من باب الامر بالمعروف والنهي عن المنكر.
روحاني، سيدمحمد، المرتقى إلى الفقه الأرقى (الخيارات)، قم: دار الجليل، ١٣٧٨ش، ٢ / ٣٤٥.

فاذا امتنع عن ذلك ولم يتب، كان للحاكم أن يتصدى للإخراج، من باب أن الحاكم ولي الممتنع، أو من باب النهي عن المنكر، و نحو ذلك. ومن هنا يظهر أن الإشكال المتقدم في الكافر، في ولاية الحاكم الشرعي أعني به النائب العام للإمام عليه السلام - وأما الإمام عليه السلام نفسه فهو أعرف بوظيفته - على الإخراج من قبل الكافر غير جار في المقام. وخلاصة الإشكال هو عدم الدليل على تولي الحاكم للإخراج هناك، بعد فرض عدم معقولية تكليف الكافر بالأداء أصلاً، إذا المفروض هو عدم صحة الأداء من الكافر حال كفره، وإذا أسلم سقط وجوب الزكاة عنه، كما هو مختار المصنّف قدس سرّه حسبما تقدّم ذلك، فحينئذ لا يمكن اعتبار قدرته على التوبة مصححاً لتكليفه بالأداء من باب القدرة على المقدّمة، وهي الإسلام، فإنّ الإسلام مسقط للزكاة على الفرض، و إذا امتنع في حقّه التكليف، بالأداء، لم يبق مجال لتصدّي الحاكم الشرعي، لا من باب أنّه ولي الممتنع، ولا من باب النهي عن المنكر، لاختصاص الأول بما إذا امتنع المكلف عن القيام بما كلف به. والثاني بما إذا لم ينته عن ارتكاب منكر بعد فرض تنجّز التكليف بحقه. وأما في المقام فقد عرفت إمكان تكليفه بالأداء، فمع امتناعه عنه، يتصدّى الحاكم للإخراج، من باب أنّه ولي الممتنع، أو النهي عن المنكر.
روحاني، سيدمحمد، المرتقى إلى الفقه الأرقى (الزكاة)، قم: دار الجليل، ١٣٧٦ش، ١ / ٣٤٩.

وبالجملّة، فما دام لزوم الرجوع الى شخص بجهة حفظ النظام فالمدار على العارف والعالم في الامور العرفية لا الفقهية، اذ لا

ناشی از اقدام امام(ع) و نایب ایشان باشد، فتوا به جواز داده است؛ در نتیجه، اگر مراد از نایب، مطلق نایب و شامل نایب عام باشد، از آنجا که ایشان ولایت مطلقه فقیه را می‌پذیرد (نک: بحث ایشان درباره ولایت فقیه، کتاب الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر)، ولی فقیه به عنوان نایب عام امام(ع) می‌تواند در راستای نهی از منکر، ایراد جرح (و نه قتل) کند. به نظر می‌رسد منظور نایب عام است؛ زیرا در استفتائی که درباره اسیدپاشی و نقص عضو از او شده، در پاسخ گفته است. اگر به اذن مجتهد جامع شرایط بوده مرتکبین ضامن نیستند. آیت‌الله روحانی قاعده «التعزیر لکل عمل محرّم» را «حسب ما یراه الحاکم» می‌پذیرد.

در رساله توضیح المسائل فارسی وی، اساساً بحث امر به معروف و نهی از منکر دیده نمی‌شود.

مستندات

مراتب الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر م ۱۴۶۳: للأمر بالمعروف والنهی عن المنکر مراتب: المرتبة الأولى: الإنكار بالقلب بمعنى اظهار كراهة المنکر أو ترك المعروف إما باظهار الانزعاج من الفاعل أو الاعراض والصد عنه أو ترك الكلام معه أو نحو ذلك من فعل أو ترك يدل على كراهة ما وقع منه. المرتبة الثانية: الإنكار باللسان والقول، بأن يعظه وينصحه، ويذكر له ما أعد الله سبحانه للعاصين من العقاب الاليم والعذاب في الجحيم، أو يذكر له ما أعد الله تعالى للمطيعين من الثواب والجسيم والفوز في جنات النعيم.

المرتبة الثالثة: الإنكار باليد بالضرب المؤلم الرادع عن المعصية. م ۱۴۶۴: لكل واحدة من هذه المراتب مراتب أخف واشد، والمشهور الترتب بين هذه المراتب فان كان اظهار الإنكار القلبي كافياً في الزجر اقتصر عليه والا انكر باللسان فان لم يكف ذلك انكره بيده. ولكن القسمين الأولين في مرتبة واحدة فيختار الأمر أو الناهي ما يحتمل التأثير منهما وقد يلزمه الجمع بينهما. واما القسم الثالث فهو مترتب على عدم تأثير الأولين والاحوط في هذا القسم الترتب بين مراتبه فلا ينتقل الى الاشد إلا إذا لم يكف الاخف. م ۱۴۶۵: إذا لم تكف المراتب المذكورة في ردع الفاعل فيجوز الانتقال الى مرتبة الجرح، ولا يجوز الى مرتبة القتل. وأما إذا توقف على كسر عضو من يد أو رجل، أو غيرهما، أو اعباءه عضو كشلل، أو عوجاج، أو نحوهما، فلا يجوز ذلك. وإذا أدى الضرب الى ذلك - خطأ أو عمداً - فيضمن الأمر والناهي فتجري عليه احكام



سید محمد صادق روحانی

۱۳

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت‌الله سید محمد صادق روحانی مرتبه سوم نهی از منکر را می‌پذیرد و مانند سایر نویسندگان **منهاج الصالحین** رعایت ترتیب از آسان‌ترین به سخت‌گیرانه‌ترین مرحله انجام نهی از منکر را لازم می‌داند و در صورت ایجاد ضرب یا جرح در این مرتبه، امر و ناهی را ضامن می‌داند، مگر اینکه امام(ع) یا نایب خاص ایشان ضرب و جرح را وارد کرده باشد که در این صورت ضمان آنان ساقط است.

آیت‌الله روحانی در کتاب استدلالی خود **فقه الصادق** برای مرتبه سوم و فروع ناشی از آن مفصلاً استدلال کرده است. ایشان قتل ناشی از نهی از منکر عملی را به خاطر لزوم مراعات احتیاط در دماء جایز نمی‌داند، ولی ضرب را در صورت لزوم، جایز و بلکه واجب می‌داند.

ملاحظه می‌شود بر خلاف اطلاق عبارات آیت‌الله روحانی در **فقه الصادق** نسبت به اینکه شخص ضارب، امام(ع) باشد یا نباشد، در **منهاج الصالحین**، در صورتی که جرح یا قتل

چهارم: انکار به ضرب و جرح، [که] با عدم تأثیر مراتب قبلنوبت به این مرتبه می‌رسد. پنجم: قتل، [که] با عدم کفایت مراتب قبل نوبت به قتل می‌رسد در صورتی که مفسده گناه معصیت کار اهم از قتل باشد و یا مصلحت قتلش اهم باشد.

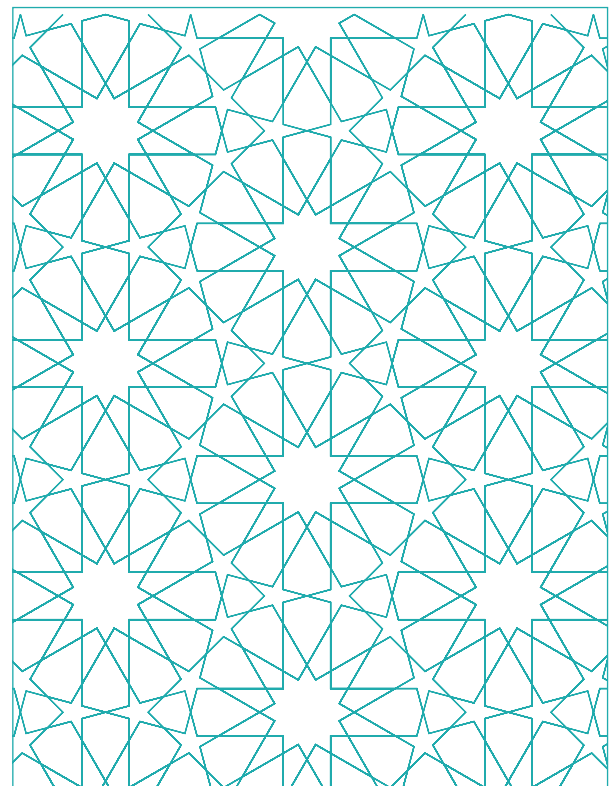
روحانی، سیدمحمدصادق، استفتائات، قم: حدیث دل، ۱۳۸۳ش، ۳/ ۱۶۵.

س ۵۸۲: در زمان حاضر با توجه به شرایط زمانی و مکانی وظیفه مقلدین نسبت به امر به معروف و نهی از منکر چیست و وظیفه ما در برخورد با انحرافات و مسایل خلاف شرع مثل فساد اخلاق و بدحجابی که در جامعه گسترش پیدا کرده با توجه به در نظر گرفتن این مطلب که شرایط امر به معروف حاصل نیست چه می‌فرمایید؟

ج: هو العالم؛ وظیفه هر فردی است که امر به معروف و نهی از منکر کند، به شرط آنکه احتمال تأثیر بدهد و ضرری هم متوجه او نشود.

روحانی، سیدمحمدصادق، استفتائات، قم: حدیث دل، ۱۳۸۳ش، ۴/ ۲۵۳.

المرتبة الثالثة: الإنكار باليد بالضرب المؤلم الرادع عن المعصية، ولها أيضاً مراتب، وقد عدَّ الشيخ رحمه الله في محكي «النهاية» من مراتب هذه المرتبة، أن يفعل المعروف ويتجنب المنكر على وجه يتأسى به الناس. أقول: لكن المعروف من مذهب الأصحاب، ومما يستفاد من الأخبار الآتي طرف منها، أن المراد بهذه المرتبة الإنكار بالضرب والعجز، والإخراج من مجلس المعصية عنفاً، وفرك الأذن، وغمز اليدين وما شاكل. وكيف كان، فالمشهور بين الأصحاب وجوب هذه المرتبة إن لم تؤثر المرتبتان الأولى، بل عن المحقق الأردبيلي الإجماع عليه. ويشهد به: إطلاق أدلة الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر. أقول: وضرب الغير وإيذاؤه وإن كان حراماً في نفسه، إلا أن هذه الفريضة أهم من تلك الحرمة بمراتب، فإذا توقّف العمل بالأهم على فعل المهم، تعيّن ارتكاب المهم بلا كلام. هذا على فرض كونهما من المتزامنين كما قيل، وإن كان الدليلان من المتعارضين، قدّمت تلك الأدلة؛ لموافقة الكتاب والشهرة وغيرهما من المرجّحات. فإن قيل: إن أدلة الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر لا تشمل ذلك. فقد مرّ الجواب عنه: بأن المراد من الأمر والنهي الحمل على ذلك بإيجاد المعروف والتجنب عن المنكر لا مجرد القول، وتنص عليه عدّة من النصوص الخاصّة:



الجناية العمدية ان كان عمداً، والخطيئة ان كان خطأً. نعم قد يجب على الامام ونائبه ذلك إذا كان يترتب على معصية الفاعل مفسدة أهم من جرحه أو قتله وحينئذ لا ضمان عليه.

روحانی، سیدمحمدصادق، منهاج الصالحين، بيروت: دار بلال للطباعة والنشر، ۱۴۳۵ق، ۱/ ۴۶۲-۴۶۴.

س ۱۴۴۴ - مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان نمایید؟ ج - باسمه تعالی؛ اول: انکار به قلب، دوم: انکار به لسان، سوم: انکار به ید به ضرب و مانند آن و هر مرتبه، مراتبی از حیث شدت و خفت دارد.

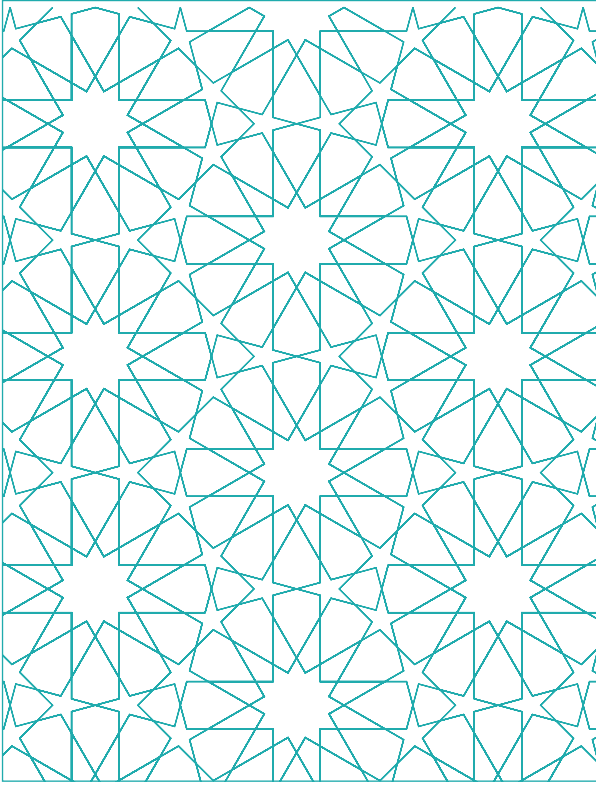
روحانی، سیدمحمدصادق، استفتائات، قم: حدیث دل، ۱۳۸۳ش، ۱/ ۳۶۳-۳۶۴.

در مراتب امر به معروف و نهی از منکر از قسم اول است که دعوت خاص و انفرادی باشد و برای آن مراتبی است:

اول: انکار قلبی مثل اظهار کراهت، اعراض، ترك كلام وغيره نسبت به مرتکب گناه.

دوم: انکار لسانی.

سوم: انکار به ید و این مرتبه به دو شرط است اینکه ایسر فالایسر رعایت شود و مفسده‌ای در پی نداشته باشد.



فعن السيّد، والشيخ في «التيبان»، والحلبى، والعجلبي، والعلامة في جملة من كتبه، ويحيى بن سعيد، والشهيد في النكت: وجوبه. وعن الشيخ في غير «التيبان»، والديلمي، والقاضي، وفخر الإسلام، والشهيد والمقداد، والكركي: لا يجوز إلا بإذن الإمام عليه السلام أو القائم مقامه، بل في «المسالك»: هو أشهر.

واستدلّ لعدم الجواز: - مضافاً إلى ما عرفت -:

١. بانصراف الأدلة إلى غير هذين الموردين.
٢. وبأنّ جواز ذلك لسائر الناس غير الإمام عليه السلام ونائبه عدولهم وفساقهم، من الفساد العظيم، والهرج والمرج المعلوم الموافقة معهما في الشريعة، خصوصاً في مثل هذا الزمان الذي غلب النفاق فيه على الناس. ولكن يرد الأول: أنّه لا منشأ للانصراف المذكور. ويرد الثاني: أنّ فساد النظام إنّما يلزم من قبول ادعاء القاتل كون القتل في هذا المقام، إذا لم يقدر القاتل على إقامة الحجّة والبيّنة على أنّ القتل إنّما كان من جهة النهي عن المنكر لا لأغراض اخرى. وبعبارة اخرى: أنّ محلّ الكلام هو جواز القتل في مقام النهي عن المنكر وعدمه، والحكم بالجواز في هذا المقام لا ينافي عدم قبول ذلك من القاتل المدّعي كون القتل في هذا المورد وتوقّفه على الإثبات، وبدونه تجري أحكام القتل المحرّم، وفساد النظام لازم الحكم في المقام الثاني دون الأول. فإن قيل: إنّ النسبة

منها: مصحّح يحيى الطويل، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: «ما جعل الله بسط اللسان وكف اليد، ولكن جعلهما يبسطان معاً ويكفان معاً». ومنها: خبر جابر، عن أبي جعفر عليه السلام في حديث: «فأنكروا بقلوبكم، والفظوا بألسنتكم، وصدّوا بها جباههم، ولا تخافوا في الله لومة لائم... إلى أن قال: هنالك فجاهدوهم بأبدانكم، وابغضوهم بقلوبكم، غير طالبين سلطاناً، ولا باغين مالاً، ولا مرّدين بالظلم ظفرًا حتّى يفيثوا إلى أمر الله، ويمضوا على طاعته». ومنها: ما في خطبة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام في كلام له يجري هذا المجرى: «فمنهم المنكر للمنكر بقلبه ولسانه ويده، فذلك المستكمل لخصال الخير». ومنها: ما عن تفسير الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام عن النبي صلى الله عليه وآله في حديث: «من رأى منكم منكراً فلينكر بيده إن استطاع، فإن لم يستطع فبلسانه... الحديث».

ومنها: خبر أبي جحيفة: «سمعت أمير المؤمنين عليه السلام يقول: إنّ أول ما تغلبون عليه من الجهاد الجهاد بأيديكم، ثمّ بألسنتكم، ثمّ بقلوبكم. فمن لم يعرف بقلبه معروفاً، ولم ينكر منكراً، قلب فجعّل أعلاه أسفله». ومنها: ما رواه الشيخ في «التهذيب»، قال: «قال الصادق عليه السلام لقوم من أصحابه: إنّ قد حقّ لي أن آخذ البريء منكم بالسقيم، وكيف لا يحقّ لي ذلك، وأتتم يبلغكم عن الرّجل منكم القبيح فلا تنكروا عليه، ولا تهجروا، ولا تؤذونه حتّى يترك». إلى غير ذلك من الأخبار المتواترة. أقول: ومن الغريب ما عن «مجمع الفائدة والبرهان» أنّه لو لم يكن جوازهما بالضرب إجماعياً، لكان القول بجواز مطلق الضرب بمجرّد أدلتهما مشكلاً. لكن ظاهر كلمات القوم الإجماع على عدم توقّف الضرب الخالي عن الجرح على إذن الإمام عليه السلام أو القائم مقامه، وهو الذي يقتضيه إطلاق الأدلة العامة والخاصة، والأصل. وعليه، فما قاله الشيخ الطوسي في «النهاية»، قال: (وقد يكون الأمر بالمعروف باليد، بأن يحمل الناس على ذلك بالتأديب، والردع، وقتل النفوس، وضرب من الجراحات، إلّا أنّ هذا الضرب لا يجب فعله إلا بإذن سلطان الوقت المنصوب للرئاسة العامة، فإن فقد الإذن من جهته، اقتصر على الأنواع التي ذكرناها. فإنكار المنكر يكون بالأنواع الثلاثة التي ذكرناها: فأما اليد فهو أن يؤدّب فاعله بضرب من التأديب؛ إمّا الجراح أو الألم أو الضرب، غير أنّ ذلك مشروط بالإذن من جهة السلطان حسب ما قدّمناه)، غير تام.

روحاني، سيد محمد صادق، فقه الصادق، قم: آيين دانش، ١٤٣٥ق.، ٣٥٩-٣٦٢.

الجرح والقتل بلا إذن من الإمام يدور البحث في جواز الأمر بالمعروف أو النهي عن المنكر وعدمه فيما لو افتقر ذلك إلى الجرح أو القتل:

بین أدلة الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، وبين دليل حرمة القتل عمومً من وجه، فما الوجه في تقديم الأولى؟ قلنا: إنه في مورد تصادق العنواين على موجود واحد، وإن كان الدليلان متعارضين والنسبة عمومًا من وجه، ولكن بما أن كلاً من الدليلين من القرآن المجيد فلا مجال للرجوع إلى المرجحات، وحيث تكون دلالة كل منهما بالإطلاق فيتساقتان، فكما لا دليل على الوجوب، كذلك لا دليل على الحرمة. هذا بالنسبة إلى القتل. وأما بالنسبة إلى الجرح: فلا شك في تقديم أدلة الأمر بالمعروف لكونها من الكتاب. أقول: ويشهد للجواز بل الوجوب - مضافاً إلى ما مرّ - جملة من الأخبار:

منها: خبر عبد الرحمن بن أبي ليلى الفقيه: قال: «إنني سمعتُ علياً عليه السلام يقول يوم لقينا أهل الشام: أيها المؤمنون! إنه من رأى عدواناً يعمل به، ومنكرًا يدعى إليه، فأنكره بقلبه فقد سلم وبرئ، ومن أنكره بلسانه فقد أجر وهو أفضل من صاحبه، ومن أنكره بالسيف لتكون كلمة الله العلياً، وكلمة الظالمين السفلى، فذلك الذي أصاب سبيل الهدى، وقام على الطريق، ونور في قلبه اليقين». ومنها: خبر جابر، عن الإمام الباقر عليه السلام في حديث: «فأنكروا بقلوبكم، وألفظوا بألسنتكم، وصكّوا بها جباههم، ولا تخافوا في الله لومة لائم، فإن اتعظوا وإلى الحق رجعوا، فلا سبيل عليهم... إلى أن قال: هنالك فجاهدوهم بأبدانكم، وابغضوهم بقلوبكم، غير طالبين سلطاناً، ولا باغين مالاً، ولا مريدين بالظلم ظفرًا، حتّى يفيئوا إلى أمر الله، ويمضوا على طاعته». ونحوهما غيرهما. وظهرها في كون المخاطب عامة الناس لا الإشارة إلى نفسه ومن يقوم مقامه لا يُنكر. فما في «الجواهر» من منع كون الخطاب إلى عامة الناس، غير تام. نعم، ما أفاده من ظهورها في الجواز دون الوجوب متين، ومع ذلك فالاحتياط في القتل - لما علم اهتمام الشارع بأمر الدماء والنفوس - لا يترك.

فما أفاده الشهيد الثاني رحمه الله من التفصيل بين المستلزم للجرح والمستلزم للقتل، فيجوز الأول دون الثاني، لو لم يكن أقوى لا ريب في أنه أحوط. ثم إن جواز القتل إنما هو إذا لم يترتب عليه مفسدة أهم، وإلا فلا يجوز.

روحانى، سيدمحمدصادق، فقه الصادق، قم: آيين دانش، ۱۴۳۵ق.، ۳۶۶-۳۷۰.

روحانى، سيدمحمدصادق، امر به معروف و نهى از منكر، ترجمه اسماء خواجه زاده، قم: مهر اميرالمؤمنين، ۱۳۹۱ش.، ۱۴۱-۱۴۵.

وبالجملة: إن أحكام الإسلام من الجهاد والمهادنة، وعقد الذمة وسائر العهود، وإجراء الحدود والقصاص، وقبول الجزية وما شاكل،

لا يمكن تنفيذها إلا إذا كانت الحكومة بيد الفقيه أو من ينصبه الفقيه لذلك، فجعل الفقيه حصناً للإسلام لا يكون إلا بجعله حاكماً مطلقاً نافذ الحكم.

روحانى، سيدمحمدصادق، فقه الصادق، قم: آيين دانش، ۱۴۳۵ق.، ۳۸۲/۱۹.

و تفصيل القول في المقام: ان لا كلام ولا خلاف في ثبوت الولاية بهذا المعنى، اى اشتراط تصرف الغير باذنهم في جملة من الموارد الخاصة التى دل الدليل على ذلك، كالحدود، والتعزيرات، والحكومات، و الجهاد، وغيرها. كما لا كلام في ثبوتها لهم في الأمور التى ثبت انها وظيفة الرئيس. لما دل من النصوص على ان لهم الرئاسة كخبر الفضل المذكور في المتن وغيره، وانهم ولاة الأمر واولى الأمر. كما لا ينبغي التوقف في عدم ثبوتها لهم بالإضافة الى الوظائف الشخصية لكل فرد من افراد الرعية من العبادات و المعاملات.

روحانى، سيدمحمدصادق، منهاج الفقاهة، قم: أنوار الهدى، ۱۴۲۹ق.، ۲۸۱ / ۴.

م ۴۲۶۲: من فعل محرماً أو ترك واجباً إلهياً عامداً عزّره الحاكم حسب ما يراه من المصلحة، ويثبت موجب التعزير بشهادة شاهدين وبالإقرار مرتين.

روحانى، سيدمحمدصادق، منهاج الصالحين، بيروت: دار بلال للطباعة و النشر، ۱۴۳۵ق.، ۲۹۹-۳۰۰.

سؤال: كسانى كه قبل از پیروزی انقلاب برای برهم زدن نظم اجتماع و در نهایت متزلزل كردن رژیم شاه به صورت و لباس زنان بی حجاب و بدحجاب اسید پاشیده و آن‌ها را متضرر یا ناقص العضو کرده باشند آیا ضامن خسارات مالی و ديه هستند یا چون کار آنها بر حسب ظاهر جنبه الهی داشته ضامن نیستند؟

جواب: باسمه جلست أسمائه. چنانچه آن اعمال با اجازة مجتهد جامع الشرايط بوده كه او هم با رعایت قانون اهم و مهم، چنین حكمى کرده است آن افراد كه اسید پاشیده‌اند ضامن نیستند و اگر بدون اذن مجتهد بوده، ضامن تمام خسارات وارده می‌باشند.

روحانى، سيدمحمدصادق، استفتائات قوه قضائيه و مؤسسه حقوقى وكلاى بين الملل، انتشار الكترونيكى در سايت رسمى دفتر آيت الله العظمى روحانى، ۱۳۵-۱۳۶.

مستندات

سؤال ۷۶۲. شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بفرمائید؟ بسمه تعالی: شرایط آن: ۱. معروف و منکر را بشناسد. ۲. احتمال تأثیر بدهد. ۳. از عدم ضرر قابل توجه مطمئن باشد. و مراتب آن: گاهی به قلب و برخورد با کراهت و گاهی با زبان است و اما بیش از این مربوط به حاکم شرع است و هرکدام از اینها مراتب دارد. والله العالم.

سیحانی، جعفر، استفتائات، قم: مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۳۸۹ش، ۲ / ۲۴۷.

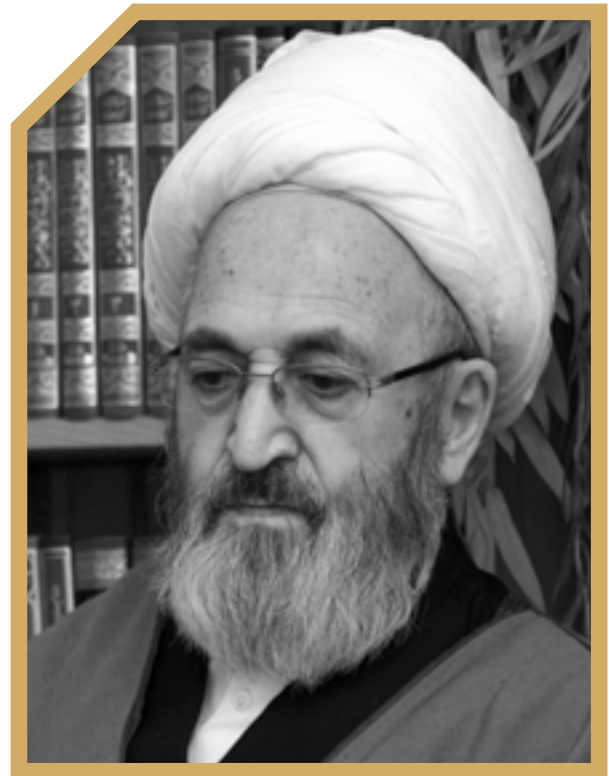
سؤال ۵۹۳. آیا تکالیف شرعی اجتماعی با تکالیف شرعی فردی از نظر اجبار تفاوت دارند؟ بسمه تعالی: فرائض اجتماعی مانند حجاب باید از طریق فرهنگ‌سازی انجام بگیرد و کسی که به این مسائل توجه نمی‌کند می‌توان او را به این کار وادار کرد. زیرا بی‌حجابی ضررهای اجتماعی دارد. و اما مسائلی مانند نماز که نیاز به قصد قربت دارد قابل اجبار نیست تخلف‌کننده فقط تعزیر می‌شود. خلاصه باید بین مسائل اجتماعی و فردی تفاوت قائل شد. والله العالم.

سیحانی، جعفر، استفتائات، قم: مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۳۸۹ش، ۳ / ۱۸۸.

سؤال ۵۹۲. اگر همسر حجاب را رعایت نکند آیا باید شوهر، او را با دعوا و درگیری به رعایت حجاب وادار کند؟ بسمه تعالی: باید از طریق منطق او را قانع سازند و کتاب‌هایی که درباره‌ی سازندگی حجاب نوشته‌اند در اختیار او بگذارند و ضررهای اخلاقی و اجتماعی بی‌حجابی را تشریح کنند. والله العالم.

سیحانی، جعفر، استفتائات، قم: مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۳۸۹ش، ۳ / ۱۸۷.

إقامة العدل من وظائف الفقيه المقتدر. إذا كان الفقيه في البلد ذا قوة وقدرة تجب عليه إقامة الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، عن غير طريق البيان واللسان، فإنّ الإرشاد بهما، وظيفة من لا يملك العدة والعدد، كما في رواية مسعدة بن صدقة عن أبي عبد الله عليه السلام يقول: وسئل عن الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر أوجب هو على الأمة جميعاً؟ فقال: «لا» ف قيل له: ولم؟ قال: «إنما هو على القويّ المطاع، العالم بالمعروف من المنكر، لا على الضعيف الذي لا يهتدي سبلاً...». ومن وظائف القويّ المطاع ردّ المظالم، والانتصاف من الأعداء



جعفر سبحانی

۱۴

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت‌الله سبحانی وظیفه فقیه عادل را اقامه عدل می‌داند و معتقد است اگر چنین فقیهی قدرت و قوت یافت، واجب است امر به معروف و نهی از منکر را از شیوه‌های غیرزبانی دنبال کند. ایشان درباره‌ی حجاب تصریح می‌کنند می‌بایست شخص بی‌حجاب را با فرهنگ‌سازی و اگر نشد با اعمال زور به حجاب وادار کرد؛ زیرا فقدان حجاب شرعی گناهی است که ضررهای اجتماعی را در بر دارد و صرفاً امری شخصی و فردی نیست. آیت‌الله سبحانی قاعده «التعزیر لكل عمل محرم حسب ما يراه الحاكم» را می‌پذیرد؛ زیرا تصریح می‌کند هر گناهی که نزد حاکم ثابت شد، او می‌تواند مرتکب را تعزیر کند. همچنین در فصل پیرامون تعزیرات منصوص شرعی معتقد است «در ثبوت تعزیر» کافی است آنچه حاکم به عنوان مصلحت تشخیص می‌دهد کافی است. تعزیر شامل تازیانه، زندان و توبیخ است، ولی جریمه مالی نمی‌تواند مورد تعزیر باشد.

آیت‌الله سبحانی قائل به ولایت مطلقه فقیه و تشکیل حکومت اسلامی بوده که از وظایف آن اجرای شریعت و امر به معروف و نهی از منکر است.

كما عن أبي جعفر قال: «إنَّ الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فريضة عظيمة بها تقام الفرائض، وتأمين المذاهب وتحل المكاسب وترد المظالم وتعمر الأرض، ويتصف من الأعداء ويستقيم الأمر».

سبحانی، جعفر، نظام القضاء و الشهادة في الشريعة الإسلامية الغراء، قم: مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۴۱۸ق.، ۱/ ۲۶.

سؤال ۱۶۷۵. آیا پخش صدای نوار مبتذل از اتومبیل و مغازه حرام است و تعزیر دارد؟ بسمه تعالی: پخش نوار مبتذل از اتومبیل و مانند آن که طبعاً موجب سماع و اشاعه حرام است در هر شرایطی حرام می باشد و تعزیر در هر گناهی ثابت است به این معنی که هرگاه گناه پیش حاکم ثابت شد می تواند تعزیر کند. والله العالم.

سبحانی، جعفر، استفتائات، قم: مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۳۸۹ش.، ۳ / ۵۴۵.

سؤال ۱۶۹۷. اگر فردی دو جرم تعزیری از نوع واحد مرتکب شود و سپس دستگیر شود آیا محکوم به یک تعزیر می شود؟ بسمه تعالی: حساب تعزیر از حساب حد جدا است. تعزیر از نظر قلت و کثرت و از نظر دفعه و تعدد بستگی به مصلحت دارد اگر مصلحت ایجاب کند یک تعزیر و اگر ایجاب نکرد دو تعزیر از هم جدا و در این میان، بین وحدت یا تعدد فرقی نیست بلی اگر پس از حکم حاکم و اجراء حد موجب تعزیر دیگری ثابت شود تعدد قطعی است. والله العالم.

سبحانی، جعفر، استفتائات، قم: مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۳۸۹ش.، ۳ / ۵۵۳.

سؤال ۱۶۷۶. آیا تعزیر شامل کیفر بدنی (تازیانه) و زندان و توبیخ و جریمه های نقدی می شود؟ بسمه تعالی: غیر از جریمه مالی بقیه مشمول تعزیر است. والله العالم.

سبحانی، جعفر، استفتائات، قم: مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۳۸۹ش.، ۳ / ۵۴۶.

إنما الكلام في تعزير القاذف، فهل يُعزَّر بعد سقوط الحدِّ أو لا؟ وجهان؛ من أنَّ الثابت عليه الحدُّ وقد سقط ولا دليل على ثبوت التعزير، ومن أنَّ ثبوت المقذوف به بالإقرار والبيّنة لا يجوز القذف، وإنَّ جَوِّز إظهاره عند الحاكم فقط لإقامة الحدِّ عليه. والتعزير ثابت في كلِّ كبيرة.

سبحانی، جعفر، الحدود و التعزيرات في الشريعة الإسلامية

الغراء، قم: مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۴۳۲ق.، ۲۳۴.

والظاهر كفاية التعزير حسب ما يراه الحاكم من المصلحة كما هو مقتضى إطلاق الرواية الأولى.

سبحانی، جعفر، الحدود و التعزيرات في الشريعة الإسلامية الغراء، قم: مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۴۳۲ق.، ۴۹۸.

سؤال ۱۲۱۵.

۱. با توجه به مقتضیات زمان و مکان و پیدا شدن ابزارهای کیفری مناسب و مورد قبول جامعه، آیا مجازات های منصوص قابل تغییر است؟

۲. آیا حبس ابد از مجازات های تعزیری محسوب می شود و حاکم شرع می تواند در برخی از جرایم تعزیری، مرتکب جرم را به حبس ابد محکوم کند؟

بسمه تعالی:

۱. حقیقت اسلام، تسلیم در مقابل احکام خداست و به فرمایش امیرمؤمنان(علیه السلام) «الإسلام هو التسليم»، بنابراین نمی توان مجازات های اسلامی منصوص را تغییر داد.

۲. حبس ابد در مواردی به عنوان حد وارد شده است؛ مانند زن مرتده که توبه نکند، و گیرنده ی مقتول در صورتی که به واسطه ی دیگری کشته شود، و سارق پس از اجرای حد در مرتبه ی سوم. بنابراین نمی توان حبس ابد را به عنوان تعزیر تلقی کرد، مگر به عنوان ثانوی و با صلاح دید حاکم شرع.

سبحانی، جعفر، استفتائات، قم: مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۳۸۹ش.، ۱ / ۳۶۱.

امر به معروف و نهی از منکر به معنای نظارت عمومی است، یعنی مردم، بر امور جاری نظارت می کنند تا از هر گونه ظلم و فساد و زشتکاری جلوگیری کنند، و افراد را بر کارهای نیک و پسندیده و انجام وظایف خود تشویق نمایند.

مقصود از امر به معروف، امر به معروف فردی و لسانی نیست، زیرا افراد فاقد قوه و قدرت نمی توانند حدود الهی را اجرا کنند. حق مظلوم را از ظالم بستانند، بلکه گروهی می توانند این کار را انجام دهند که دارای قوه و قدرت باشند و بتوانند بر این آرمان جامه عمل بپوشانند.

سبحانی، جعفر، حکومت اسلامی در چشم انداز ما، قم: مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۳۸۵ش.، ۱۰۵.

از آن والی باید مقتضی معصیت و منکر را ازاله و مقتضی معروف را فراهم کند. درباره حجاب به ویژه و مستقلاً تصریحی ندارد.

در استفتائی پیرامون اخراج فرزندان که احکام شرعی از جمله حجاب را رعایت نمی کنند، آیت الله سند پاسخ می دهد اخراج از منزل باعث گمراهی بیشتر می شود و کار مناسبی نیست. از طرفی نباید معصیت او را تأیید کرد و به آن راضی شد؛ در نتیجه باید از وسایل نرم برای نقد رفتارهای او استفاده کند. جایز نیست به گونه ای رفتار شود که گناه برای او امری عادی جلوه کند.

آیت الله سند در پاسخ به استفتائی درباره حدود و ثغور ولایت فقیه، اجرای احکام دین از باب امر به معروف و نهی از منکر را ذکر می کند.

مستندات

كما أن لهما مراتب: الأولى: الإنكار بالقلب وهو التولي للمعروف والتبري عن المنكر القلبي فإن من شر المنكر إذا رأى المعروف منكر والمنكر معروفاً، ومن شر المنكر أن لا يدين الله بالأمر بالمعروف والنهي عن المنكر وقد ورد أن من رضي أمراً فقد دخل فيه ومن سخطه فقد خرج منه، والراضي بفعل قوم كالدخل معهم فيه، وهذه المرتبة من وظيفة الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر لا تختص بما يشهده الإنسان بل يعم ما غاب عنه إذا سمع به فقد ورد أن من شهد أمراً فكرهه كان كمن غاب عنه، ومن غاب عن أمر فرضيه كان كمن شهده، ويشمل بذلك كل معروف ومنكر حدث في الأمم السابقة أو سيحدث في الأمم الآتية مما أخبر به الكتاب والسنة. ومن درجات هذه المرتبة ما ورد عنهم عليهم السلام أوثق عرى الإيمان الحب في الله، والبغض في الله، وتوالي أولياء الله، والتبري من أعداء الله، وإن المرء مع من أحب، فيجب محبة أولياء أهل البيت عليهم السلام وبغض أعداءهم. الثانية: إظهار كراهة المنكر والنفرة منه وهو التولي والتبري الحالي، أو النفرة من ترك المعروف، بالانزعاج من الفاعل أو الإعراض والصد عنه أو تقطيب الوجه وتغيره غضباً، أو هجرانه وترك الكلام معه ونحو ذلك مما يبرز كراهة ذلك من الدرجات المختلفة. وقد ورد أن أدنى الإنكار أن تلقى أهل المعاصي بوجوه مكفّهة، بل أن حرمة المداينة مع أهل المعاصي حكم آخر ومفسدة أخرى فقد ورد الوعيد بالعقوبة للأخبار الذين داهنوا أهل المعاصي ولم يغضبوا. ومن أعظم أفراد هذه المرتبة وأعالها وأتقنها وأشدّها خصوصاً لدى رؤساء الدين أن يفعل المعروف واجبه ومندوبه ويجتنب المنكر محرمه ومكروهه على وجه يتأسى به الناس، ويستكمل نفسه بالأخلاق الكريمة، وينزهها عن الأخلاق الذميمة، فقد ورد كونونا لنا دعاة صامتين وكونونا دعاة



محمد سند بحرانی

۱۵

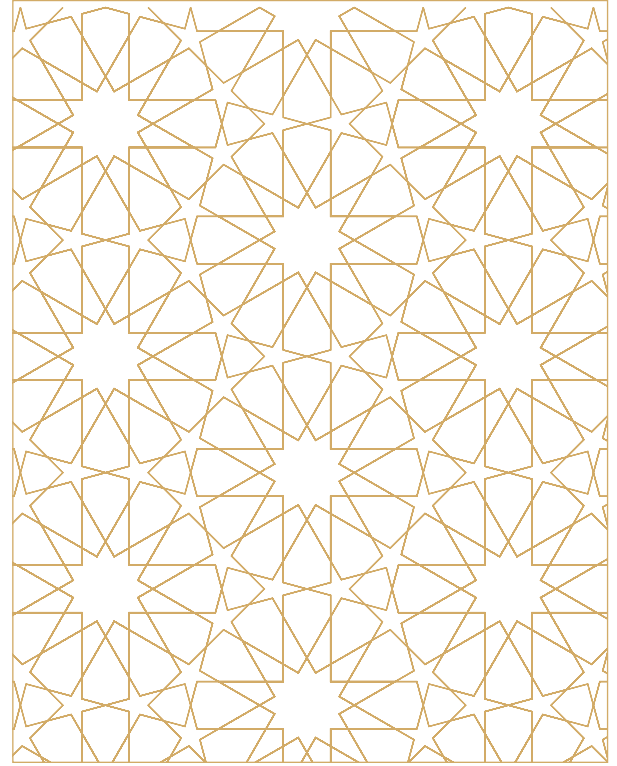
تبیین اجمالی دیدگاه

آیت الله سند بحرانی امر به معروف و نهی از منکر را به پنج مرحله تقسیم می کند و پس از چهار مرحله ای انکار قلبی، اظهار کراهت و نفرت با روبرگرداندن و ترش رویی، انکار زبانی و چاره اندیشی مانند سخت گرفتن بر زندگی، از مرحله پنجم به عنوان انکار با عقوبت و تعزیر بر معصیت نام می برد که از زدن با دست و حبس برای تأدیب شروع می شود و گاهی شدید می شود و به جرح و بلکه قتل می رسد. البته «مراعات الایسر فالایسر» لازم است. همچنین انجام مراحل که منجر به جرح و قتل می شود از شئون والی شرعی است؛ لذا اگر غیر والی عمداً یا غیر عمدی چنین کرد ضامن است، بر خلاف امام (ع) و نایب و مأذون از جانب وی که اگر تشخیص دهد مفسده ارتکاب منکر از جان فاعل منکر بیشتر است و رفتار منجر به جرح یا قتل شد، ضامن نیست. آیت الله سند تصریح می کند وظیفه والی صرف ممانعت از معصیت نیست، بلکه بالاتر

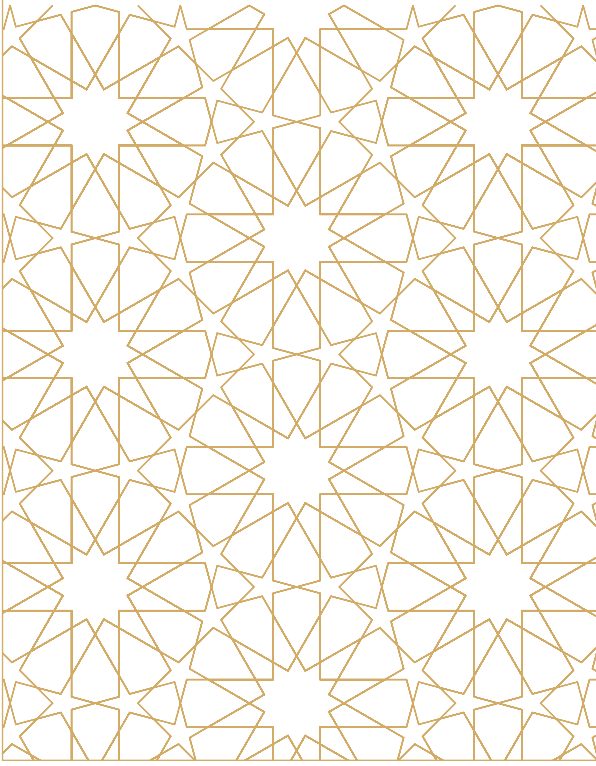
في الزجر اقتصر عليه وإلا فالإعراض ونحوه وإلا فالإنكار باللسان متوخياً الأيسر من القول فالأيسر وإلا فالمدافعة والممانعة الأخف فالأخف. (مسألة ١٢٧٠): يجب الأمر بالمعروف الواجب، والنهي عن المنكر المحرّم وجوباً عينياً في المرتبة الأولى والثانية، وأما الثالثة فكذلك على الأحوط، وأما المرتبة الرابعة فالوجوب كفاً إن قام به أحد أو جماعة وأدى الغرض وإلا لم يسقط وأما الخامسة فكذلك مع القدرة وعدم ترتب المفسدة والفتنة. (مسألة ١٢٧١): إذا لم تكف المراتب الأربع الأولى في ردع الفاعل ووصلت النبوة إلى المرتبة الخامسة فإن كان لدى الأمر القوة مع عدم ترتب مفسدة ولا فتنة واندفع الفاعل بنحو من التأديب والإيلاء فهو وأما لو توقف على الجرح ونحوه فضلاً عن القتل فهو من شؤون الوالي الشرعي وبحسب مراتب الولاية والنيابة، وإذا أدى الضرب إلى ذلك - خطأ أو عمدًا - فالأقوى ضمان الأمر والناهي لذلك، فتجري عليه أحكام الجنابة العمدية إن كان عمدًا، والخطأية إن كان خطأ وهذا بخلاف الإمام ونائبه والمأذون من قبله إذا كانت مفسدة الفعل أهم من جرح المرتكب وقتله فإنه لا ضمان عليه.

سند، محمد، منهاج الصالحين، قم: باقيات، ١٣٩٢ ش.، ١/ ٤٤٤-٤٤٧.

فائدة في باب الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر (١) وقد يستدل له بقوله تعالى: (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ) حيث أن مفادها يطابق قاعدة النهي عن المنكر، مؤيداً بمرسل محمد بن جعفر عن بعض رجاله عن أبي عبد الله (ع) قال: «من جمع من النساء ما لا ينكح فزنى منهن شيء فالإثم عليه». وأشكل على الاستدلال: بأن اللازم في باب النهي عن المنكر إنما هو الممانعة عن وقوعه عند وجود المقتضي القريب، لا لزوم إزالة المقتضي. وفيه: أن ظاهر الآية هو لزوم إيجاد الوقاية في النفس والأهل، وهو ينطبق على إزالة المقتضي للمنكر وإيجاد المقتضي للمعروف، لا خصوص الممانعة عن المعصية؛ لأن الوقاية تغاير العلاج. ويعضد مفاد الآية هو أن المخاطب في الآية هم الرجال القوامون على النساء وعلى من يعولون من الأولاد، أي ممن لهم ولاية ورعاية على الأدب والتزكية، بل الآية نصّ في الولاية في هذا المقام، نظير قوله تعالى: (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ) ضمن هذه الدائرة المحدودة، والشأن فيمن يلي أمور الآخرين، كما هو الحال في الوالي والحاكم للأمة وأمره بالمعروف والنهي عن المنكر، لا على نسق الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر الكفائي على كل الأمة بصورة فردية، حيث يقتصر فيه على الممانعة عن المعصية، بل اللازم في الوالي والولاية للأمور هو إزالة المقتضي للمعاصي في عامة من يلون أمرهم وإيجاد المقتضي للمعروف، بل إن إقامة المعروف بدرجة الندب وإزالة المنكر بدرجة الكراهة إجمالاً في جملة من الموارد



للناس إلى الخير بغير ألستكم ليروا منكم الاجتهاد والصدق والورع. الثالثة: الإنكار باللسان والقول وهو التولي والتبري اللساني والقولي وهو على درجات إما أن يعرض بالخطاب والكناية له أو يصرح بخطابه بالموعظة والنصيحة والتذكير بعقاب الله للعاصين وعذابه الأليم في الحميم وبثوابه الجسيم للمطيعين وجنات النعيم. أو التخليط في القول والنهر بزبر ويزجره أو الوعيد بنحو من أنحاء المجازاة أو يعده ويطمّعه بالإحسان وبالتأنيب والقول البليغ والمؤذي والحمل عليه بما يستتقل سماعه وقد ورد أن من ترك إنكار المنكر بقلبه ولسانه فهو ميت بين الأحياء وورد أن يتحرى لطف الأساليب وأبلغها وأظرفها. الرابعة: الإنكار بالمدافعة والممانعة والحمل على المعروف وترك المنكر بأعمال القوة أو الحيلولة من دون ضرب مع قوة الأمر والناهي مع عدم ترتب مفسدة والأمن من الفتنة لضعف المرتكب ومنه الحبس على وجه الحيلولة أو التضييق عليه في المعيشة أو الضغط النفسي ونحوه. الخامسة: الإنكار بالعقوبة والتعزير على المعصية باليد بالضرب والإيلاء الرادع والحبس على وجه التأديب وقد يترقى ويشد إلى الجرح بل القتل. واللازم في المرتبة الخامسة بل الرابعة أيضاً عدم إرادة الإضرار والعدوان والانتقام والتشفي بل مجرد المدافعة أو التأديب، بل كذلك في المرتبة الثالثة والثانية فقد ورد أن لا يبتغي الأمر والناهي غلبة ولا ظفراً ولا مالاً ولا علواً في الأرض. ولكل واحدة من هذه المراتب مراتب ودرجات أخف وأشد فاللازم مراعاة الأيسر فالأيسر فإن كان إظهار الإنكار القلبي كافياً



قبول معاصیهما والحال التي هم فيها أم البراءة منهما ومن أفعالهما وطردهما من البيت؟.

الجواب:

الإخراج من المنزل يؤدي إلى تيه الأولاد في الانحراف والغبي أكثر بكثير بخلاف إبقائهم معه في المنزل فإنه يقلل من ذلك ويحافظ على أصل هويتهم الدينية.

لكن ذلك لا يستلزم ولا يعني قبول معاصيهم والرضا بها بل لا بد من اتباع وسيلة ولو ناعمة لتخطفه وإدانة تلك المعاصي ولا يجوز صيرورتها أمراً عادياً هيناً باتباع سياسة تعاملية تدين ذلك

وتحري الأساليب المتنوعة المؤثرة سواء المالية أو الحوارية الفكرية أو خلق أجواء مفعمة بالروح المتدينة أو غيرها من التدابير الناجعة ومع عدم توفر القدرة على الأسلوب الأقوى لا تسقط المسؤولية عما دونه من الأساليب مهما ضعفت فإن استمرار الإنكار والإدانة ولو اللسانية ولو بالأسلوب الناعم تبقى مؤثرة ولو بعد حين.

كما أن إبقاءهم لا يعني فسح المجال لتغيير جو المنزل إلى اعتياد ارتكاب المعاصي والانحلال.

سند، محمد، «استفتاءات»، سايت رسمي، به نشانی:
<https://m-sanad.com/ar/archives/18960>

التي هي شعارية لمعالم الدين أمر لازم على الوالي، كما ورد في زيارة بيت الله الحرام وزيارة النبي (ص) و إعمار الحرمين و إعمار مرافد المعصومين (و إقامة أذان الإعلام في مدن المسلمين و غيرها من الموارد، فكذاك الحال في ولاية الرجل لأهله، فإن مقتضاها ذلك؛ و من هنا ذهب جماعة إلى جواز إقامة الحدّ على الزوجة فضلاً عن التعزير و التأديب، و يظهر من صاحب الجواهر الاتفاق على جواز التأديب و التعزير و قيام السير المستمرة على ذلك. و على أي تقدير فثبوت هذه الولاية الخاصة مقتضاها الوجوب العيني للأمر بالمعروف و النهي عن المنكر؛ لأنه مقتضى ولايته، و من ثمّ بحث المتقدمون و المتأخرون ولاية إقامة الحدود و التعزيرات في كتاب الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر، إشارة منهم إلى أن من له ولاية بحسبها يكون الوجوب عليه عينياً، و قد أغفل ذكر ذلك في كتاب الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر في كتب أعلام هذا العصر.

سند، محمد، سند العروة الوثقى (كتاب النكاح)، قم: باقيات، ۱۴۲۹ق.، ۱/ ۱۲۰-۱۲۱.

السؤال: ما هي حدود الولاية للفقهاء بنظركم؟

الجواب:

۱. العمدة هي الوظائف وهي إقامة أحكام الدين بحسب الوسع في النظام الاجتماعي السياسي.

۲. وهذه المسؤولية ذكرها جل الفقهاء في مبحث الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر.

۳. وهذه المسؤولية تقع على عاتق جميع المسلمين والمؤمنين كل من موقعه وبحسب قدرته كلكم راع وكلكم مسؤول عن رعيته.

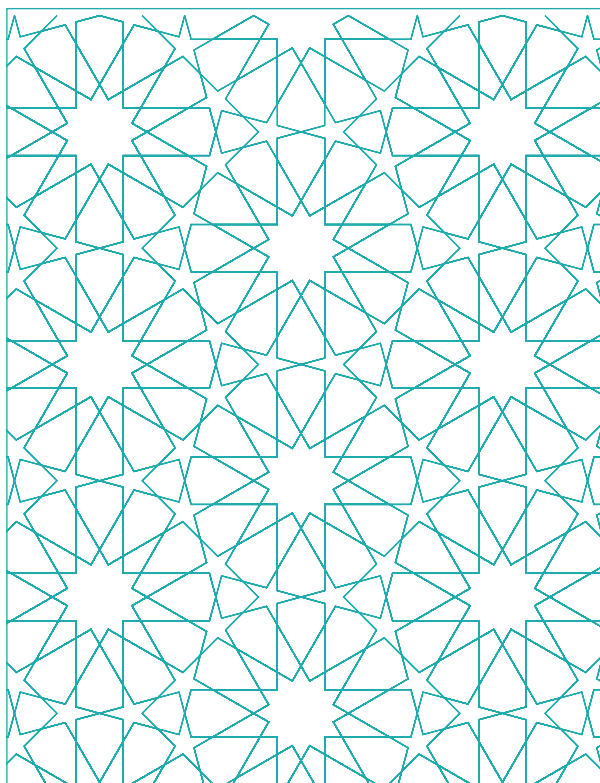
۴. التعاون النخبوي والطبقة العامة مع الفقهاء في إقامة أحكام الدين يمكن أن يتخذ صياغات هندسية نظمية مختلفة لا تحدد بشكل وهيكلية معينة بل لها خيارات متنوعة كثيرة بحسب تناسب الظروف والأرضية.

سند، محمد، «استفتاءات»، سايت رسمي، به نشانی:
<https://m-sanad.com/ar/archives/21120>

الحياة في الغرب وتربية الأولاد

السؤال:

في الغرب بعض أولاد المؤمنين يتمردون على آبائهم بعدم الاحترام لدين آبائهم ويتركون الصوم والصلاة بل يتعدى الأمر إلى فعل المعاصي كخلع الحجاب للبنات وارتياح أماكن المجون للشباب أيهما أفضل شرعاً من باب الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر إبقاؤهما معه في البيت مع



صریحاً سخنی نگفته است؛ فقط در تقریر درس قاعده «لاضرر» ایشان به مناسبت تحلیل مفاد حکم لاضرر، گفته شده حرمت لاضرر هم عقوبت اخروی را می‌رساند و هم عقوبت دنیوی و تعزیر را ثابت می‌کند که به حسب امر حاکم شرع تعیین می‌شود.

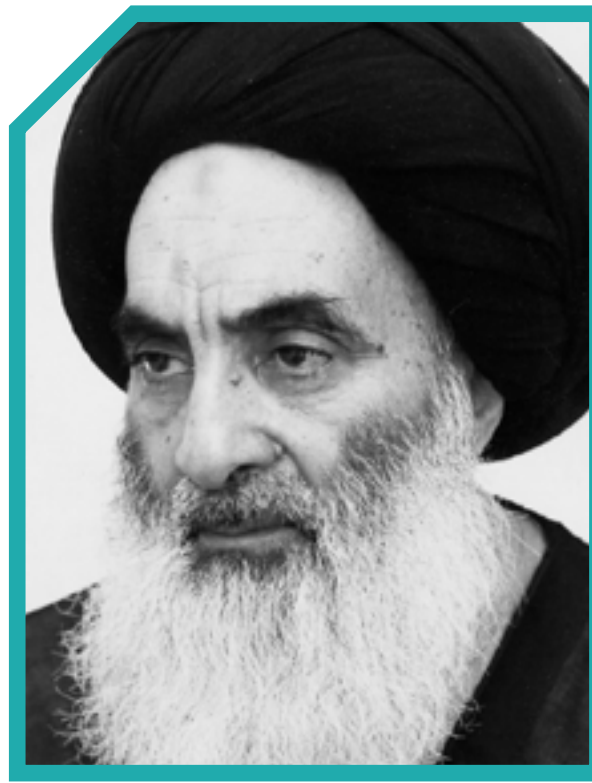
آیت‌الله سیستانی ولایت مطلقه را نقد می‌کند، ولی ولایت در امور عامه که همان ولایت مقیده به امور حسیه است را می‌پذیرد.

مستندات

ولاًمر بالمعروف والنهي عن المنكر مراتب:

الأولى: أن يأتي المكلف بعمل يظهر به انزجاره القلبي وتذمره من ترك المعروف أو فعل المنكر، كإظهار الانزعاج من الفاعل أو الإعراض والصد عنه أو ترك الكلام معه أو نحو ذلك من فعل أو ترك يدل على كراهة ما وقع منه.

الثانية: الأمر والنهي باللسان والقول كأن يعظ الفاعل وينصحه، ويذكر له ما أعد الله تعالى للعاصين من العقاب الأليم والعذاب في الجحيم، أو يذكر له ما أعد الله تعالى للمطيعين من الثواب والجسيم والفوز في جنات النعيم، ومنه التخليط في الكلام والوعيد على المخالفة وعدم الإقلاع عن المعصية بما لا يكون كذباً.



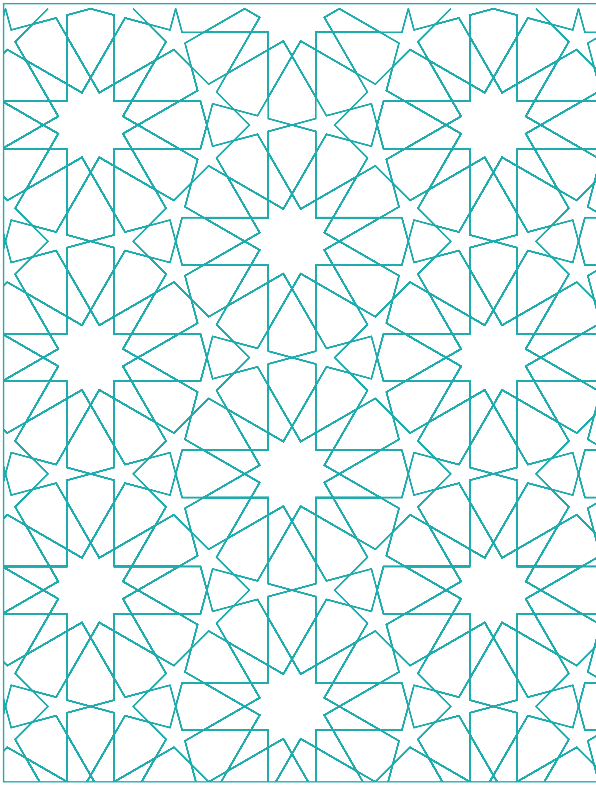
سیدعلی سیستانی

۱۶

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت‌الله سیستانی مرتبه سوم امر به معروف و نهی از منکر را می‌پذیرد با این توضیح که در جواز آن بدون اذن امام(ع) یا نایب اشکال وجود دارد؛ یعنی بنا بر احتیاط واجب نمی‌توان بدون اذن امام(ع) یا نایب این مرتبه را انجام داد. منظور از نایب در اینجا با توجه به تفسیر آیت‌الله محمدتقی شهیدی از اعضای هیأت استفتاء ایشان در قم، نایب عام را نیز شامل می‌شود؛ یعنی به اذن حاکم شرع می‌توان مرتبه سوم و خشونت فیزیکی را انجام داد. درباره حجاب در استفتانات دفتر قم تصریح شده است که نسبت به فرزندان می‌توان با اذن حاکم شرع مرتبه سوم را انجام داد. سپس ایشان به بحث مراعات ترتیب اشاره می‌کنند و ضمان را همان‌گونه که سایر فقیهان نیز مطرح کرده بودند در صورت ایراد جرح یا قتل، لازم می‌دانند مگر اینکه اذن امام(ع) یا نایب باشد که در این صورت ضمان ساقط می‌شود.

آیت‌الله سیستانی درباره «قاعده تعزیر لكل عمل محرم»



مسأله ۲۲۱۲. امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتب و مراحل است:

۱. اظهار انزجار درونی و ناراحتی قلبی از ترک معروف یا انجام منکر به کارهایی مثل اخم کردن یا رو گرداندن از شخص گناهکار یا سخن نگفتن با وی یا ترک رفت و آمد و معاشرت با او.

۲. تذکر با زبان و گفتار به صورت موعظه و ارشاد و بیان ثواب معروف و عذاب منکر یا به صورت تهدید و ترساندن به گونه ای که دروغ محسوب نگردد؛ هر چند با استفاده از کلمات تند و خشن که خالی از گناه باشد.

۳. اقدامات عملی از قبیل کتک زدن، در تنگنا قرار دادن، حبس نمودن و مانند آن، ولی نباید به حدی برسد که سبب شکستن یا نقص عضو یا مجروح شدن بدن و مانند آن شود و به تعبیر دیگر اقدامات عملی نباید به گونه ای باشد که موجب ديه یا قصاص گردد.

مسأله ۲۲۱۳. از آنجا که مرتبه اول و دوم امر به معروف و نهی از منکر، در یک درجه و سطح قرار دارند، فردی که امر به معروف می کند یا نهی از منکر می نماید باید ابتدا، موردی از مرتبه اول یا دوم را انتخاب کند که ادیت آن کمتر و تأثیر آن بیشتر است و گاهی لازم است هر دو مرتبه را انجام دهد و تا

الثالثة: إعمال القوة في المنع عن ارتكاب المعصية بفرك الأذن أو الضرب أو الحبس ونحو ذلك مما كان من وظائف المحتسب في بعض الأزمنة السابقة، وفي جواز هذه المرتبة من غير إذن الإمام (عليه السلام) أو نائبه إشكال فلا يترك مراعاة الاحتياط في ذلك.

ولكل واحدة من هذه المراتب درجات متفاوتة شدة وضعفاً، والمشهور بين الفقهاء (رضوان الله تعالى عليهم) الترتب بين هذه المراتب، فإن كان إظهار الإنكار القلبي كافياً في الزجر اقتصر عليه، وإلا أنكر باللسان، فإن لم يكف ذلك أنكره بيده، ولكن المختار أن المرتبتين الأوليين في درجة واحدة فيختار الأمر أو النهي ما يحتمل كونه مؤثراً منهما وقد يلزمه الجمع بينهما.

وأما المرتبة الثالثة فهي مترتبة على عدم تأثير الأوليين.

ويلزمه في المراتب الثلاثة الترتيب بين درجاتها فلا ينتقل إلى الأشد إلا إذا لم يكف الأخصف إيذاءً أو هتكاً، وربما يكون بعض ما تتحقق به المرتبة الثانية أخف من بعض ما تتحقق به المرتبة الأولى، بل ربما يتمكن البصير الفطن أن يردع العاصي عن معصيته بما لا يوجب إيذاءه أو هتكه فيتعين ذلك.

مسألة ۱۲۷۳: إذا لم تكف المراتب المذكورة في ردع الفاعل لم يجز الانتقال إلى الجرح والقتل وكذا إذا توقّف على كسر عضو من يد أو رجل أو غيرهما أو إعاقة عضو كشلل أو اعوجاج أو نحوهما فإنه لا يجوز شيء من ذلك، وإذا أدى الضرب إلى ذلك - خطأً أو عمدًا - ضمن الأمر والنهي لذلك، فتجري عليه أحكام الجنابة العمدية إن كان عمداً والخطائية إن كان خطأً. نعم يجوز للإمام (عليه السلام) ونائبه ذلك إذا كان يترتب على معصية الفاعل مفسدة أهم من جرحه أو قتله، وحينئذ لا ضمان عليه.

سیستانی، سیدعلی، **منهاج الصالحین**، انتشار الکترونیکی در سایت رسمی، ۱/ ۴۶۷-۴۶۸.

الثالثة: أن يتخذ إجراءات عملية للإلزام بفعل المعروف وترك المنكر، كفرك الأذن والضرب والحبس ونحو ذلك.

ولكل مرتبة من هذه المراتب درجات متفاوتة شدة وضعفاً، ويجب الابتدء بالمرتبة الأولى أو الثانية مع مراعاة ما هو أكثر تأثيراً وأخف إيذاءً، ثم التدرج إلى ما هو أشد منه.

وإذا لم تنفع المرتبتان الأولى والثانية تصل النوبة إلى المرتبة الثالثة، والأحوط لزوماً استحصال الإذن من الحاكم الشرعي في إعمالها، ويتدرج فيها من الإجراء الأخصف إيذاءً إلى الإجراء الأشد والأقوى من دون أن يصل إلى حد الجرح أو الكسر.

سیستانی، سیدعلی، **المسائل المنتخبة**، انتشار الکترونیکی در سایت رسمی، ۲۷۱.

مرتبه اول یا دوم مؤثر می‌باشد، نوبت به مرتبه سوم نمی‌رسد؛ اما اگر مرتبه اول و دوم مؤثر واقع نشد، نوبت به مرتبه سوم می‌رسد و مطابق با آن اقدام می‌نماید و احتیاط واجب آن است که در انتخاب مرتبه سوم (اقدامات عملی) از حاکم شرع اجازه بگیرد.

شایان ذکر است هر یک از مراتب سه‌گانه، دارای درجات مختلف از نظر شدت و ضعف می‌باشد و لازم است در هر یک از مراتب سه‌گانه، ترتیب بین درجات آن مرتبه مراعات گردد و فرد باید ابتدا در هر مرتبه، درجه‌ای را انتخاب کند که اذیت و توهین آن کمتر و تأثیر آن بیشتر است و اگر نتیجه نگرفت به درجات سخت‌تر و شدیدتر اقدام نماید. بنابراین چنانچه می‌توان به گونه‌ای امر به معروف و نهی از منکر نمود که موجب اذیت یا بی‌احترامی به فرد نگردد و مؤثر هم واقع شود، نباید از درجه‌ای استفاده نمود که موجب اذیت یا بی‌احترامی به فرد می‌شود.

مسئله ۲۲۱۴. همان‌طور که ذکر شد برای امر به معروف و نهی از منکر و پیشگیری از وقوع جرم یا منکر، جایز نیست عملی را انجام داد که موجب سرخی یا کبودی یا سیاهی بدن یا جراحت یا شکستگی یا قطع یا نقص عضو یا قتل و مانند آن گردد؛ هرچند برای جلوگیری از آن منکر، راه دیگری نباشد و چنانچه فردی اقدام به این موارد نماید ضامن است و اگر این اقدام عمدی بوده، احکام جنایت عمدی بر آن جاری می‌شود و اگر از روی خطا و سهو بوده است، احکام جنایت خطایی بر آن جاری می‌شود؛ مگر آنکه بر جرم و منکری که فرد مرتکب آن می‌شود مفسده‌ای مهم‌تر از سرخی و سیاهی بدن و بقیه موارد ذکر شده وجود داشته باشد که در این صورت، برای فرد یا افرادی که از امام (علیه‌السلام) یا نایب ایشان اجازه دارند، جایز است اقدام به این موارد نمایند و در این حال، فرد به میزان اجازه‌ای که دارد ضامن محسوب نمی‌شود.

سیستانی، سیدعلی، توضیح المسائل جامع (جلد اول)، انتشار الکترونیکی در سایت رسمی، ۶۲۵-۶۲۶.

پرسش: آیا امر به معروف و نهی از منکر با وجود احتمال تأثیر و ایمنی از ضرر در مورد کسی که از دوستان اهل بیت نیست و یا کافر است، واجب است؟

پاسخ: بلی، اگر همه شرایط فراهم باشد واجب است. و از جمله شرایط آن است که شخص در ارتکاب منکر و یا ترک واجب، معذور نبوده باشد و جاهل مقصر و معذور نیست پس

او را نخست باید ارشاد و راهنمایی کرد سپس اگر مخالفت ورزید مورد امر و نهی قرار داد. و این، در صورتی است که منکر از چیزهایی نباشد که شارع مقدس به هیچ وجه راضی به وقوع آن نیست مثل فساد در روی زمین و آدم‌کشی و خونریزی و امثال آن و گرنه جلو اینگونه کارها باید گرفته شود هرچند که کننده، جاهل قاصر بوده باشد.

سیستانی، سیدعلی، «پرسش و پاسخ»، سایت رسمی، به نشانی:

<https://www.sistani.org/persian/qa/0809>

پرسش: اخیراً مجموعه‌ای از استفتاءات پیرامون حجاب در بعضی از سایتهای خبری به آیت الله سیستانی نسبت داده شده. از جمله اینکه مرد حق اجبار همسر و دخترش را بر حجاب ندارد. و اینکه حضور در مجالس عروسی مختلط زنان و مردان و همراه با رقص و موسیقی جایز است. آیا اینها صحت دارد؟

پاسخ: مقصود از اینکه شوهر و پدر حق اجبار بر حجاب را ندارند اینست که - بنابر احتیاط لازم - آنان نمی‌توانند بدون اجازه حاکم شرع از افعال قوه - مانند گوش مالیدن و کتک و حبس - در امر به حجاب استفاده نمایند؛ اما استفاده از روشهای مسالمت آمیز - حتی تندخویی اگر ملائمت مؤثر نباشد - جایز بلکه با مراعات شرایط یاد شده در رساله عملیه واجب است. و نیز حضور در مجالس عروسی مختلط و یا مشتمل بر گناه‌های دیگر در صورتی جایز است که به هیچ وجه تأیید عملی حرام محسوب نشود؛ و شخص با حضورش به گناهی - مانند نظر حرام و گوش دادن به آواز - مبتلا نگردد؛ و در اینصورت باید - طبق شرایط یاد شده در رساله عملیه - حاضرین را امر به معروف و نهی از منکر کند؛ بلکه اگر احتمال تأثیر را هم نمی‌دهد باید - بنابر احتیاط لازم - با ترش رویی در مقابل گناه کاران ناراحتی و تنفر خود را از کار آنان اظهار نماید.

سیستانی، سیدعلی، «پرسش و پاسخ»، سایت رسمی، به نشانی:

<https://www.sistani.org/persian/qa/0881>

س ۲: الف) حد امر به معروف فرزندان در انجام واجبات شرعی تا چه اندازه است؟ آیا والدین می‌توانند فرزندان خود را مجبور به انجام واجبات نظیر خواندن نماز و روزه کنند؟

جواب: باید با آرامش و ملاحظت، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را انجام داد و برخورد فیزیکی احتیاج به اجازه حاکم شرع دارد.

ب) این حکم درباره حجاب چگونه است؟

جواب: همان جواب.

ج) به فرض تمکین نکردن فرزندان، آیا والدین حق اعمال خشونت فیزیکی را دارند؟

جواب: همان جواب.

د) اگر در اثر خشونت فیزیکی به دلیل ذکرشده، خسارت جسمی یا روحی به فرزندان وارد شود، آیا والدین اوصاف هستند؟

جواب: بلی، خسارت جسمی را ضامن است.

سیستانی، سیدعلی، استفتائات، قم: دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۴۴۱ق.، ۳۰۱/۱-۳۰۲.

آقای سیستانی فرق گذاشتند. فرمودند: گوش مالی می دهی یا کتک می زنی؟ فرق می کند. تعبیر شاید دقیق نبود، به عبارت اخری: یک وقت تضییق می کنی بر او بدون ضرب او بحثی نیست. اما اگر می خواهی اعمال قدرت بکنی به این نحو که فرک اذن بکنی، فرک اذن فیزیکی نه گوش مالی که ما عرض کردیم که با تضییق عرفاً به او گوش مالی می دهید، نه، حقیقتاً اگر بخواهی گوش او را بمالی، سیلی به او بزنی، او را حبس کنی بدون اذن حاکم شرع اشکال دارد.

سؤال:... جواب: تضییق مثلاً شوهر کتک نمی زند زنش را برای بی حجابی، تضییق می کند. [مثلاً] انفاق واجب را برای او فراهم می کند اما می گوید حق نداری از منزل بیرون بروی، برای تفریح هیچ کجا تو را نمی برم. اقل واجب را در انفاق انجام می دهد، نه با او حرف می زند، نه او را اذن می دهد خارج بشود از منزل، نه تلفن در اختیارش می گذارد، نه اینترنت در اختیارش می گذارد که بدترین تضییقات هست در عصر حاضر برای آقایان و بانوان، این اشکال ندارد. اما اگر بخواهد فیزیکی برخورد کند، فرک اذن او الضرب او الحبس بدون اذن حاکم شرع اشکال دارد. یعنی در اصل جوازش برای حاکم هیچ اشکالی بین فقهاء نبود.

شهیدی، محمدتقی، «درس خارج فقه به تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۴»

کانال تلگرام درس فقه استاد شهیدی، به نشانی:

<https://t.me/ostadshahidi/3378>

و أما المقطع الثاني: من الحديث وهو (لا ضرار) فإنه

يندرج في الموضع الأول من المواضع السابقة على ما اتضح بما ذكرناه في مورد (لا ضرر) أنفاً لأن الضرر هو الإضرار المتكرر أو المستمر، وقد ذكرنا أن الإضرار بالغير عمل يمارسه الإنسان بطبعه لأجل إرضاء الدواعي الشهوية والغضبية، فإذا نهى عنه كما في جملة من الآيات فهو ظاهر في النهي التحريمي زجراً للمكلفين عن هذا العمل كما هو واضح. وإذا نفى كما في هذا الحديث فإنه يدل على التسبب إلى عدم تحقق هذا العمل وذلك من خلال ثلاثة أمور. الأمر الأول: جعل الحكم التكليفي الزاجر عن العمل وهو الحرمة. وهذا الحكم يستبطن الوعيد على الفعل و يترتب عليه بحسب القانون الجزائي الشرعي: أولاً: العذاب الأخروي في عالم الآخرة. و ثانياً: العقوبة الدنيوية بالتعزير ونحوه حسب رأي ولي الأمر بالحدود المستفادة من الأدلة الشرعية. و ثالثاً: الضمان في موارد الإتلاف و كون الشيء المتلف ذا مالية لدى العقلاء.

سیستانی، سیدمحمدباقر، قاعدة لا ضرر و لا ضرار، تقرير درس سیدعلی سیستانی، قم: مکتب آية الله العظمی السیستانی، ۱۴۹-۱۵۰.

فتحصل مما ذكرنا أن الأدلة غير وافية والإجماع مخدوش، والدليل العقلي يناقش فيه بما ذكر وغير ما ذكر، ولا بدّ للمثبت من دفع جميع الشبهات، وأنى له ذلك، ولعلّ لأجل دقة الموقف قال المحقق النائيني والمحقق الاصفهاني: (فيه تزلزل عظيم).

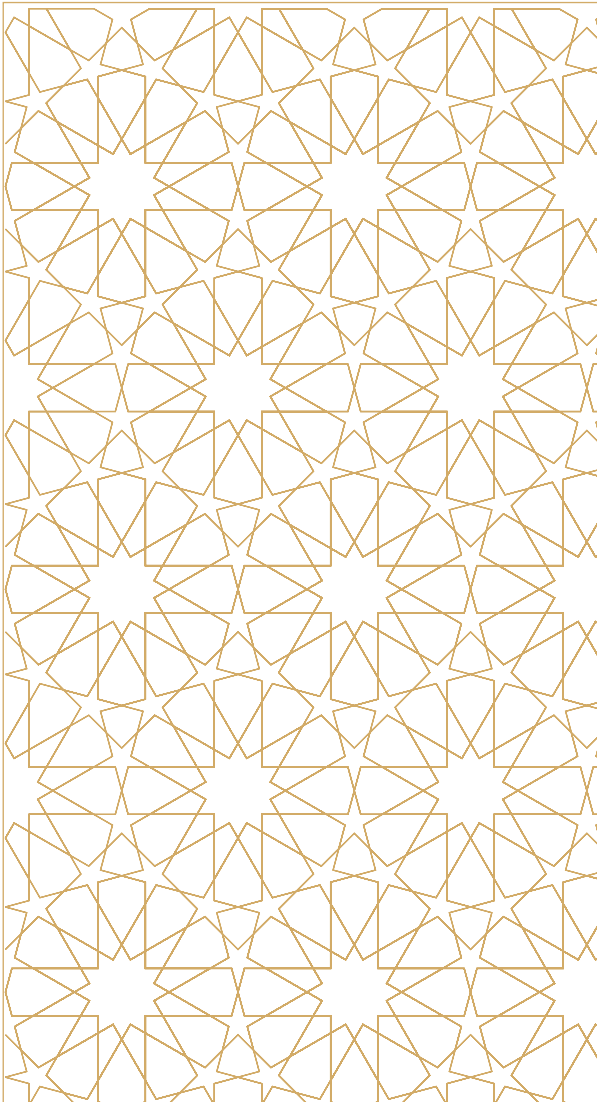
ربانی، سیدمحمدعلی، الاجتهاد و التقليد و الاحتياط، تقرير درس سیدعلی سیستانی، انتشار الکترونیکی در کانال تلگرام تقریرات نت، ۱۲۹.

السؤال: ما هو تعريفكم لولاية الفقيه؟

الجواب: الولاية فيما يعبر عنها في كلمات الفقهاء (رض) بالامور الحسبية تثبت لكل فقيه جامع لشروط التقليد، واما الولاية فيما هو اوسع منها من الامور العامة التي يتوقف عليها نظام المجتمع الاسلامي فلمن تثبت له من الفقهاء ولظروف اعمالها شروط اضافية ومنها ان يكون للفقيه مقبولية عامة لدى المؤمنين.

سیستانی، سیدعلی، «الاستفتائات»، سایت رسمی دفتر مرجع عالیقدر آقای حاج سیدعلی حسینی سیستانی، به نشانی:

<https://www.sistani.org/arabic/qa/0755>



سید محمود حسینی شاهرودی

۱۷

تبیین اجمالی دیدگاه

رساله عملیه، حاشیه بر وسیله النجاة و استفتانات آیت‌الله حسینی شاهرودی می‌توانست با پژوهش حاضر مرتبط باشد که تاکنون نگارنده متأسفانه به این سه مورد نتوانسته دسترسی بیابد.

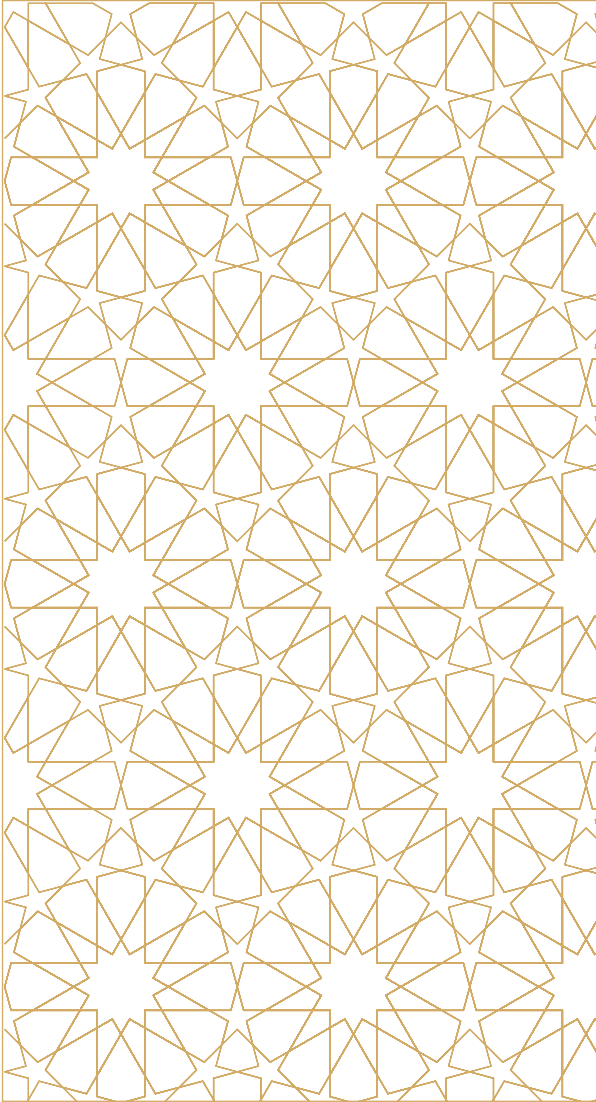
تنها بر اساس تقریر درس خارج فقه ایشان در باب حج می‌توان گفت ایشان ولایت مطلقه فقیه را پذیرفته است که احتمالاً بر این اساس، اجرای شریعت و الزام بر واجبات و ترک محرمات را از وظایف ولی فقیه می‌داند. از آنجا که یکی از موضوعات شریعت حجاب است، می‌توان گفت دیدگاه اجرای احکام شرعی بر فاقد حجاب شرعی را مطابق با ولایت فقیه امکان‌پذیر می‌داند.

مستندات

و الإنصاف: أنه يدل على ان كل ما للإمام يكون ثابتاً للفقیه لكن لا يدل ذلك على ولايته على الحكم في

الموضوعات، فان ذلك لم يكن للإمام حتى يحكم بثبوته للفقیه، لأن وظيفة الإمام عليه السلام هي بيان الأحكام كحرمة شرب الخمر؛ ووجوب الصلاة، ونحوهما - لا بيان الموضوعات؛ فتشخيصها بيد المكلف، فإذا علم المكلف مثلاً بخميرية مائع تنجز عليه الحرمة؛ وربما يكون ثبوت خمريته له ناشياً من اخبار الإمام عليه السلام وأما حكمه عليه السلام بكونه خمراً فلا.

و بالجمله: أنه بعد تسليم ان كل ما للإمام فهو للفقیه عدا ما ثبت كونه من خصائصهم - عليهم السلام - لكن لم يكن للإمام الحكم في الموضوعات حتى يحكم



بشوته للفقيه فليس للفقيه أن يحكم على الناس بان هذا خمر أو ماء و ان هذه الآنية ذهب أو لا و نحو ذلك. نعم إذا رأى المجتهد مصلحة عامة في تحريم مباح أصلي كالتنن مثلا فهو مطلب آخر، و ليس ذلك داخلا تحت الموضوعات كما لا يخفى. ثم: انه قد ظهر مما ذكرنا إن جميع الأمور التي نعلم بكون وجودها مطلوباً للشارع و عدم رضاه بتعطيلها كحفظ بيضة الإسلام و حفظ أموال القصر من الأيتام و غيرهم و جباية الصدقات و تولية الوقف الذي ليس له متولي و الطفل الذي ليس له ولي و غير ذلك، فان هذه الأمور و إن كانت واجبات كفاية و تكون نسبتها الى جميع المكلفين على حد سواء، للعلم بأن أصل وقوعها في الخارج مطلوب للشارع، لكن لما ثبت ان كل ما للإمام عليه السلام فهو للفقيه فيجب الاستيذان من الفقيه على من يريد التصدي لإحدى الأمور المذكورة إن لم يكن فقيها. هذا مضافا الى أنه مهما دار الأمر بين التعيين و التخيير فالأصل هو التعيين، للعلم بنفوذ التصدي للأمر المذكورة إن كان باذن الفقيه سواء شك في اعتبار اذنه في جواز التصدي و نفوذه أم لا، بخلاف ما إذا كان التصدي بغير اذنه؛ فان نفوذه بحيث يترتب عليه الآثار الشرعية مشكوك فيه، و الأصل عدمه كما لا يخفى. هذا و أما منصب الإفتاء فلا إشكال في كونه للفقيه، فإنه مضافا الى النص يكون العقل أيضا حاكما بذلك. لأنه مما لا يرضى الشارع المقدس بتركه و إلا لتعطلت الأحكام، و العامي لا يقدر على الإفتاء، فينحصر في المجتهد الفقيه و عليه إلقاء الأحاديث للعامي، و بيان معارضاته، و كيفية الجمع و الترجيح، و العمل بالأخبار... العلاجية و إما الإفتاء و (الأول) باطل، فان معناه ان يجعل الفقيه العامي مجتهدا، فانحصر الأمر في الإفتاء هذا بالنسبة إلى الفقيه و اما العامي فيجب عليه التقليد ما دام عاميا و لم يصل الى درجة يتمكن معها من الاحتياط، و إلا جاز له ذلك إلا في مسألة واحدة، و هي أصل جواز الاحتياط و عدم لزوم قصد الوجه و نحوه؛ فهذه المسألة يجب العمل فيها بالتقليد أو الاجتهاد، و بعد ان ثبت له بالتقليد أو الاجتهاد جواز الاحتياط و عدم لزوم قصد الوجه و نحوه تخير في بقية المسائل بين التقليد و الاحتياط ما دام عاميا فيها. ثم اعلم: انا و ان قلنا بعدم نفوذ حكم الحاكم في الموضوعات لكن يستثنى من ذلك حكمه بشوت الهلال، و ذلك لأن الحكم بشوته

ثابت للإمام و قد تقدم إن ما للإمام فهو للفقيه، فيثبت المطلوب، و يدل على ما ذكرنا من كون أمر الهلال بيد الامام عليه السلام صحيح محمد بن قيس عن أبي جعفر عليه السلام قال: إذا شهد عند الامام عليه السلام شاهدان أنهما رأيا الهلال منذ ثلاثين يوما أمر الإمام بإفطار ذلك اليوم إذا كانا شهدا قبل زوال الشمس، و إن شهدا بعد زوال الشمس أمر الإمام بإفطار ذلك اليوم و آخر الصلاة الى الغد فصلّى بهم. و احتمال كون المراد من الإمام فيه هو غير الإمام الحقيقي خلاف الظاهر. جناتي، محمد ابراهيم، كتاب الحج، تقرير درس سيد محمود حسيني شاهرودي، قم: انتشارات انصاريان، بی تا، ۳/ ۳۵۶-۳۵۸.

من العقاب الأليم والعذاب في الجحيم، أو يذكر له ما أعدّه الله تعالى للمطيعين من الثواب الجسيم والفوز في جنات النعيم. الثانية: الإنكار بالقلب، بمعنى إظهار كراهة المنكر أو ترك المعروف إما بإظهار الانزعاج من الفاعل أو الاعراض والصدّ عنه أو ترك الكلام معه أو نحو ذلك من فعل أو ترك يدلّ على كراهة ما وقع منه. الثالثة: الإنكار باليد بالضرب المؤلم الرادع عن المعصية، ولكلّ واحدة من هذه المراتب مراتب أخفّ وأشدّ، والمشهور الترتيب بين هذه المراتب مع تقديم المرتبة الثانية على الأولى، فإن كان إظهار الإنكار القلبي كافياً في الزجر اقتصر عليه، وإلا أنكر باللسان، فإن لم يكف ذلك أنكره بيده، ولكن الظاهر تقديم الإنكار باللسان على الإنكار القلبي كما تقدم، وقد يلزم الجمع بينهما. وأما القسم الثالث فهو مترتب على عدم تأثير الأولين، بل الأحوط في هذا القسم بجميع مراتبه الاستئذان من الحاكم الشرعي، وإلا ففي كونه من الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر إشكال. مسألة ١٢٧٣: إذا لم تكف المراتب المذكورة في ردع الفاعل ففي جواز الانتقال إلى الجرح والقتل وجهان، بل قولان أقواهما العدم، وكذا إذا توقف على كسر عضو من يد أو رجل أو غيرهما، أو إعاقة عضو كشلل أو عوجاج أو نحوهما، فإن الأقوى عدم جواز ذلك، وإذا أدى الضرب إلى ذلك - خطأً أو عمدًا - فالأقوى الضمان. فتجري عليه أحكام الجنابة العمدية إن كان عمدًا، والخطيئة إن كان خطأً. نعم، يجوز للإمام والحاكم الشرعي ذلك إذا كان يترتب على معصية الفاعل مفسدة أهم من جرحه أو قتله، وحينئذ لا ضمان عليه.

هاشمي شاهرودي، سيد محمود، منهاج الصالحين، قم: مكتبة آية الله العظمى السيد الهاشمي، ١٤٣٢ق، ٣٨١/١-٣٨٢.

سؤال: آیا امر به معروف و نهی از منکر نسبت به غیر مسلمانان هم لازم است؟ اگر جواب آری است در چه حدی؟ برای مثال برای یک زن مسیحی که پوشش مناسب ندارد آیا باید در حد دین اسلام به او تذکر داد (همه جا پوشیده جز صورت و دست ها تا مچ) یا بر طبق دین وی باید به او تذکر داده شود؟ برای افراد بی دینی که وجود خدا را انکار می کنند حکم چگونه است؟

جواب: با پذیرش این مبنا که کفار مکلف به فروع می باشند و در صورتی که تمام شرایط امر به معروف و نهی از منکر فراهم باشد، واجب است. هاشمی شاهرودی، سيد محمود، سایت رسمی، به نشانی:

<http://www.hashemishahroudi.org/fa/questions/83>

سؤال: امر به معروف و نهی از منکر، دارای مراتب و مراحل است از جمله قلبی، لسانی، اقدام فیزیکی. آیا در مرحله قلبی و لسانی، باید کارت و مجوز و اذن حکومتی داشته باشیم؟ در مرحله اقدام فیزیکی چگونه؟

جواب: امر به معروف و نهی از منکر در مرحله قلبی و لسانی مشروط



سید محمود هاشمی شاهرودی

۱۸

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت الله هاشمی شاهرودی مرتبه سوم امر به معروف و نهی از منکر را به همان شیوه که سایر نویسندگان **منهاج الصالحین** گفتند می پذیرد. اورنیس قوه قضائیه و از سامان دهندگان دادرسی ارشاد بود.

آیت الله هاشمی شاهرودی قاعده «التعزیر لكل عمل محرّم حسب ما يراه الحاكم» را ثابت می داند.

مطابق شواهد مکتوب و شفاهی، آیت الله شاهرودی ولایت مطلقه فقیه را نیز قبول دارد. همچنین مخالفت با قوانین حکومت اسلامی را جایز نمی داند. در توضیح المسائل آیت الله هاشمی شاهرودی اثری از امر به معروف و نهی از منکر و احکام مربوط به قضاء و شهادت و حدود و قصاص و دیات نیست.

مستندات

لأمر بالمعروف والنهي عن المنكر مراتب: الأولى: الإنكار باللسان والقول، بأن يعظه وينصحه ويذكر له ما أعدّ الله سبحانه للعاصين

به داشتن کارت و مجوز حکومتی نیست. و در مرحله برخورد فیزیکی باید تابع قانون شرعی بود.

هاشمی شاهرودی، سید محمود، «استفتانات»، سایت رسمی، به نشانی:

<http://www.hashemishahroudi.org/fa/questions/83>

سوال: وصیتنامه امام خمینی صفحه ۶۸ و ۶۹ «و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن، که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است. و تبلیغات و مقالات و سخنرانیها و کتب و مجلات بر خلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است. و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است. و از آزادیهای مخرب باید جلوگیری شود. و از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه بر خلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است به طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسئول می باشند. و مردم و جوانان حزب الهی اگر برخورد به یکی از امور مذکور نمودند به دستگاههای مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند، خودشان مکلف به جلوگیری هستند.» ما نسبت به این وضعیت در جامعه چه وظیفه ای داریم با توجه به جمله ی پایانی متن بالا؟

جواب: در مواردی که شرائط وجوب امر به معروف یا نهی از منکر موجود باشد، واجب می شوند.

شرائط وجوب امر به معروف و نهی از منکر عبارتند از:

۱. شناخت معروف و منکر.
۲. احتمال تأثیر امر و نهی در انجام معروف و ترك منکر.
۳. تارك معروف و فاعل منکر مصر بر عمل خود باشد.
۴. شخص در ترك معروف و انجام منکر معذور نباشد.
۵. امر و نهی موجب ضرر در نفس یا مال یا آبرو نباشد.

هاشمی شاهرودی، سید محمود، «استفتانات»، سایت رسمی، به نشانی:

<http://www.hashemishahroudi.org/fa/questions/83/2>

سوال:

۱. آیا خودکشی و خودزنی مطلقاً حرام است یا در شرایطی جایز خواهد بود؟

۲. آیا کسی که اقدام به خودکشی می کند ولی منجر به خودکشی نمی گردد، حکم تعزیر بر او جاری می گردد یا خیر؟

جواب:

۱. خودکشی حرام و از گناهان کبیره است که جز در موارد بسیار استثنائی، جایز نیست.

۲. موکول به نظر حاکم شرع است.

هاشمی شاهرودی، سید محمود، «استفتانات»، سایت رسمی،

به نشانی:

<http://www.hashemishahroudi.org/fa/questions/257/1>

سوال: آیا سندی از تعزیر یا حد افراد بی حجاب یا کم حجاب در حکومت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امیر المؤمنین علی (علیه السلام) وجود دارد؟

جواب: رعایت حجاب مقرر در متون فقهی از واجبات مسلم شرعی است اعم از این که در زمان حکومت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امیر المؤمنین علی (علیه السلام) برای تخلف از آن حد یا تعزیری جاری شده باشد یا نه، و حاکم شرع می تواند متخلف را تعزیر نماید.

هاشمی شاهرودی، سید محمود، «استفتانات»، سایت رسمی، به نشانی:

<http://www.hashemishahroudi.org/fa/questions/257/2>

سؤال ۱۴۸۲: تحدد شرط المرور السرعة على بعض الطرق بسرعة معينة، فما هو الحكم في مخالفة ذلك وقيادة السيارة بسرعة أعلى من السرعة المحددة؟

جواب: لا ينبغي المخالفة؛ لأن قوانين المرور توضع لمصالح المجتمع. هاشمی شاهرودی، سید محمود، الصراط (أجوبة الاستفتانات)، قم: مركز أهل البيت للفقہ و المعارف الإسلامية، ۱۴۳۵ق، ۱/۴۰۴.

سؤال ۱۴۸۴:

۱. ما حکم استلام مخصصات راتب من الدولة على أساس شهادة دراسية مزورة؟

۲. ما حکم استلام راتبين من الدولة في آن واحد مع العلم أن أحدهما تقاعدي والآخر عن خدمة فعلية وقد أعلنت الدولة عن ضرورة إيقاف أحدهما؟

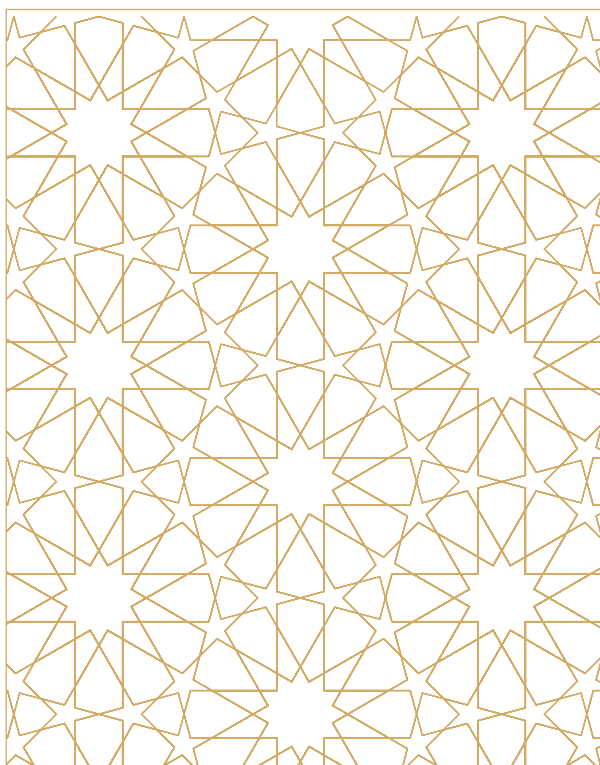
جواب: لا يجوز مخالفة قوانين الدولة الإسلامية.

هاشمی شاهرودی، سید محمود، الصراط (أجوبة الاستفتانات)، قم: مركز أهل البيت للفقہ و المعارف الإسلامية، ۱۴۳۵ق، ۱/۴۰۵.

سؤال ۸۶۳: في مورد الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر إذا كان لدينا شخص نعلم أنه لا ينفع معه الأمر والنهي في المرحلتين (الصورة واللسان) فهل نستطيع مثلاً إفساد السيارة أو الجهاز (المكان) الذي فيه غناء بصوت عالٍ والذي يفسد المجتمع. فهل في إفسادها إشكال، وهل هو حرام أم لا؟

جواب: بدون إذن الحاكم فيه إشكال.

هاشمی شاهرودی، سید محمود، الصراط (أجوبة الاستفتانات)، قم: مركز أهل البيت للفقہ و المعارف الإسلامية، ۱۴۳۵ق، ۲/۲۴۳.



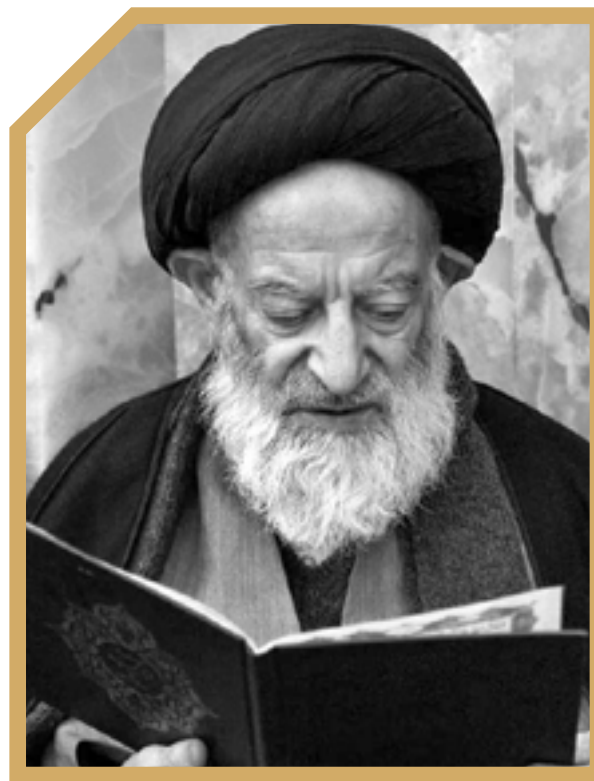
آیت‌الله شبیری و گزارش شفاهی شاگردان برجسته ایشان نشان می‌دهد که ولایت مطلقه فقیه را قبول ندارد، اما به نظر می‌رسد ولایت مقیده فقیه در امور حسبیه را می‌پذیرد.

مسائل و احکام امر به معروف و نهی از منکر در توضیح المسائل ایشان نیست و تنها در نسخه اندروید نرم‌افزار رساله و استفتانات ایشان به آن پرداخته شده است که نشان می‌دهد ایشان اصل مرتبه نهی از منکر عملی را می‌پذیرد، هرچند در مقام اجرا باید شرایط زمانی و مکانی و مجموعه تأثیرات مثبت و منفی سنجیده شود.

مستندات

سؤال ۳۸۳۶: اگر در امر به معروف و نهی از منکر، در حالی که با مرتبه اخف و پایین‌تر (مثلاً تذکر لسانی) مقصود حاصل می‌شود، ما مرتبه بالاتر را به کار گیریم (مثل برخورد فیزیکی) این امر و نهی چه حکمی دارد؟
جواب: حرام است.

سؤال ۳۸۳۷: در برخی موارد، امر به معروف و نهی از منکر با مراتب پایین آن تأثیری ندارد و مثلاً متوقف به برخورد فیزیکی یا آسیب رساندن است. آیا برای هر نوع گناهی این



سید موسی شبیری زنجانی

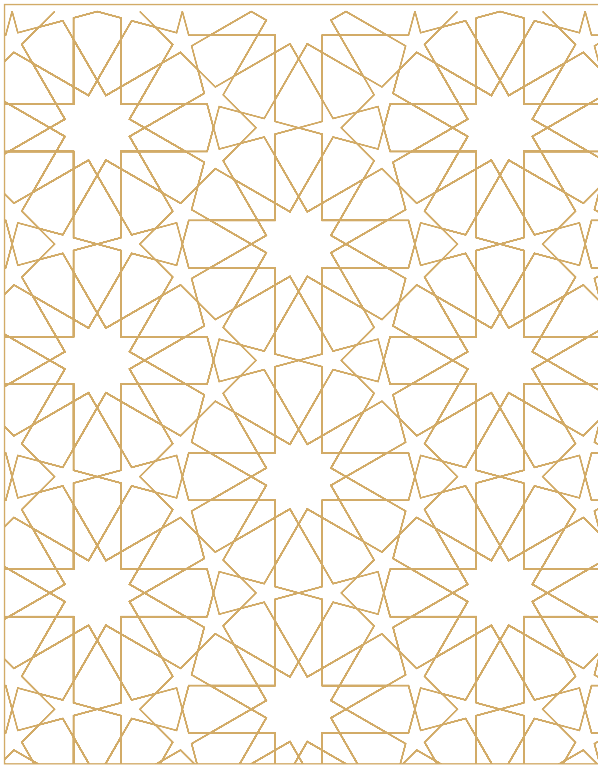
۱۹

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت‌الله شبیری زنجانی مرتبه سوم را ثابت می‌داند و در عین حال معتقد است که رعایت ترتیب الزامی بوده و در صورتی که مفسده منکر کمتر از جرح و قتل باشد، جایز نیست. در غیر این صورت هم در مواردی که نهی از منکر موجب به هم خوردن نظم عمومی شود، باید از حاکم شرع اجازه گرفت. حکم این کار (اعم از جواز، وجوب یا حرمت) تابع عوامل متعددی مثل شرایط زمانی، مکانی و امکانات (اعم از توان مالی و نیروی انسانی مورد نیاز) و تابع سنجش مجموع تأثیرات مثبت و منفی این کار است؛ لذا باید در چنین مواردی بر اساس نظر مجتهد جامع شرایط که همه شرایط را لحاظ می‌کند و از مشورت کارشناسان هم بهره می‌گیرد عمل شود.

آیت‌الله شبیری زنجانی مخالفت با قوانین را در صورتی که موجب هرج و مرج شود، جایز نمی‌داند.

در رساله، استفتانات و تقریرات دروس خارج آیت‌الله شبیری زنجانی مطلبی که مستقیماً نشان دهد ایشان ولایت مطلقه فقیه را نفی می‌کند وجود ندارد؛ با این حال، سیره و منش سیاسی و اجتماعی



بالا تر را به کار گیریم (مثل برخورد فیزیکی) این امر و نهی، چه حکمی دارد؟
[پاسخ:] حرام است.

سؤال ۱۳۵۷ - انجام مراتب بالای نهی از منکر برای هر گناهی: در برخی موارد، امر به معروف و نهی از منکر با مراتب پایین آن تأثیری ندارد و مثلاً متوقف به برخورد فیزیکی یا آسیب رساندن است. آیا برای هر نوع گناهی این مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر جاری است؟
[پاسخ:] مراتب نهی از منکر با توجه به کوچکی یا بزرگی گناه متفاوت است. در هر حال نوع نهی از منکر نباید محذورات مهمتری داشته باشد.

سؤال ۱۳۵۸ - اقدام فیزیکی برای برخورد با بی‌حجابی: آیا استفاده از بعضی برخوردهای فیزیکی و اقدام‌هایی مانند اسیدپاشی برای جلوگیری از بدحجابی جایز است؟ بدون شك بعضی از روش‌های زشت و قبیح که نمونه آن در سوال آمده است، از مراتب این فریضه الهی نیست و خود منکری بزرگ است. کاری که موجب آسیب دیدن باورها و اعتقادات مؤمنین به مسائل شرعی شود، یقیناً از معاصی کبیره است.

مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر جاری است؟
جواب: مراتب نهی از منکر با توجه به کوچکی یا بزرگی گناه متفاوت است. در هر حال نوع نهی از منکر نباید محذورات مهمتری داشته باشد.

سؤال ۳۸۳۸ - آیا استفاده از بعضی برخوردهای فیزیکی و اقدام‌هایی مانند اسیدپاشی برای جلوگیری از بدحجابی جایز است؟

جواب: بدون شك بعضی از روش‌های زشت و قبیح که نمونه آن در سوال آمده است، از مراتب این فریضه الهی نیست و خود منکری بزرگ است. کاری که موجب آسیب دیدن باورها و اعتقادات مؤمنین به مسائل شرعی شود، یقیناً از معاصی کبیره است.

سؤال ۳۸۴۰ - امر به معروف و نهی از منکر که احتمال می‌دهیم یا یقین داریم منجر به ایجاد جرح یا قتل خواهد شد، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که مفسده منکر کمتر از جرح و قتل باشد، جایز نیست. در غیر این صورت هم در مواردی که نهی از منکر موجب به هم خوردن نظم عمومی شود باید از حاکم شرع اجازه گرفت.

شیرازی زنجانی، سید موسی، رساله و استفتائات آیت‌الله زنجانی، نرم‌افزار موبایل.

سؤال ۱۳۵۱ - جلوگیری از منکرات با گشت‌زنی و نظارت در اماکن عمومی، به منظور جلوگیری از انجام منکرات و برخورد با مفساد اجتماعی چه حکمی دارد؟

جواب: حکم این کار (اعم از جواز، وجوب یا حرمت) تابع عوامل متعددی مثل شرایط زمانی، مکانی و امکانات (اعم از توان مالی و نیروی انسانی مورد نیاز) و تابع سنجش مجموع تأثیرات مثبت و منفی این کار است؛ لذا باید در چنین مواردی بر اساس نظر مجتهد جامع شرایط که همه شرایط را لحاظ می‌کند و از مشورت کارشناسان هم بهره می‌گیرد عمل شود. شیرازی زنجانی، سید موسی، استفتائات، قم: مرکز فقهی امام محمد باقر (ع)، ۱۳۹۶ ش، ۲/ ۳۳۵-۳۳۶.

سؤال ۱۳۵۶ - رعایت مراتب امر به معروف و نهی از منکر: اگر در امر به معروف و نهی از منکر، در حالی که با مرتبه اخف و پایین‌تر (مثلاً تذکر لسانی) مقصود حاصل می‌شود، ما مرتبه

شبییری زنجانی، سیدموسی، استفتائات، قم: مرکز فقهی امام محمد باقر(ع)، ۱۳۹۶ش، ۲/ ۳۳۷.

سؤال ۱۳۷۲ - چگونگی نهی همسر از بی حجابی: همسر در رعایت حجاب سستی می کند، چگونه می توانم وی را مصمم به رعایت حجاب کنم؟

پاسخ: لازم است از روشی که احتمال تأثیر بیشتر برای اجتناب وی از این گناه دارد، استفاده کنید. با حسن اعمال خود ایشان را به دین ترغیب کنید. با بیانی نیکو، احکام دین و فوائد پوشش برتر را برای ایشان تبیین نمایید و در این زمینه با مشاورین متخصص، امین و متدین مشورت کنید.

سؤال ۱۳۷۳ - اجازه خروج از منزل به همسر بی حجاب: آیا شخص می تواند در صورتی که خروج همسرش از منزل او را در معرض نگاه نامحرم قرار می دهد، به وی اجازه خروج از منزل بدهد؟

پاسخ: اذن به خروج به عنوان اولی جایز نیست؛ اما معمولاً ممانعت در چنین مواردی مستلزم مشقتی بیش از حرج یا محذورات مهم می شود که رافع حرمت است.

سؤال ۱۳۷۴ - حدود امر به معروف فرزندان بالغ: آیا والدین می توانند برای امر به معروف فرزندان خود پس از بلوغ، آن ها را مجبور به انجام واجباتی نظیر نماز و روزه و حجاب کنند؟ آیا اعمال خشونت فیزیکی جایز است؟

پاسخ: باید طبق شرایط امر به معروف و نهی از منکر عمل شود و اگر خلاف آن عمل کنند و آسیبی به فرزند وارد شود ضامن هستند. خشونت فیزیکی هم در غالب موارد نه تنها تأثیری ندارد بلکه تأثیر معکوس دارد.

سؤال ۱۳۷۵ - امر به معروف همسر برای بجا آوردن نماز: همسر در بجا آوردن نمازش سستی می کند، چگونه و از چه راهی امر به معروف و نهی از منکر انجام دهم که بر او تأثیرگذار باشد؟

پاسخ: در بسیاری از موارد زبان خوش و یادآوری آثار دنیوی و اخروی نماز از روی دلسوزی و لطف و اثبات حسن نیت همراه با صبر و حوصله مؤثر است.

سؤال ۱۳۷۶ - تنبیه بدنی فرزند: آیا تنبیه بدنی فرزند نابالغ برای تأدیب، جایز است؟

پاسخ: تنبیه کردن برای تربیت لازم - به گونه ای که احسان در

حق وی به شمار آید - توسط پدر و کسی که پدر به او اجازه دهد، مانعی ندارد؛ اما در غالب موارد چنین نیست و این کار سبب آثار سوء برای فرزند می گردد.

شبییری زنجانی، سیدموسی، استفتائات، قم: مرکز فقهی امام محمد باقر(ع)، ۱۳۹۶ش، ۲/ ۳۴۰-۳۴۱.

سؤال ۱۳۸۶ - ضمان خسارت مأمور نهی از منکر: فردی مأمور شده است با رعایت ضوابط، در محیطی نهی از منکر کند و از انجام گناه جلوگیری نماید. حال اگر در حین مأموریت صدمات و خسارت هایی به این شخص وارد آید، ضمان آن بر عهده کیست؟ **پاسخ:** اگر خسارت مستند به کسی باشد، وی ضامن است؛ وگرنه کسی ضامن نیست.

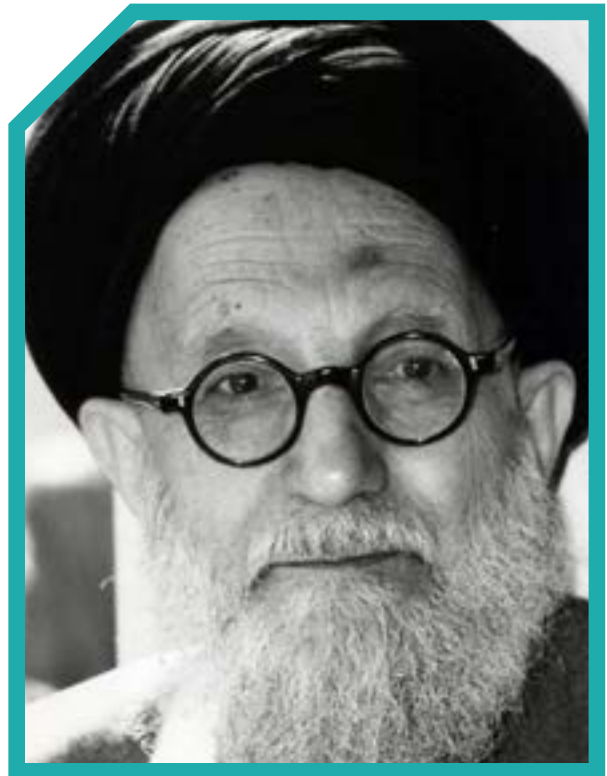
شبییری زنجانی، سیدموسی، استفتائات، قم: مرکز فقهی امام محمد باقر(ع)، ۱۳۹۶ش، ۲/ ۳۴۴.

نکته سوم: در کلامی که مرحوم آقای حکیم در مورد عدم جریان نهی از منکر مطرح نموده اند؛ بنظر می رسد درست است که نهی از منکر در مقابل امر است و به معنی انشای نهی و ایجاد داعی به ترک عمل می باشد ولی به تناسب حکم و موضوع استفاده می شود که انشا بما هو انشا خصوصیتی ندارد بلکه مقصود از نهی از منکر این است که باید يك کاری کرد که منکر واقع نگردد، هر چند، گاهی مراد از نهی از منکر این است که نهی شونده تربیت و اصلاح شود ولی علاوه بر جنبه تربیتی آن مقصود اصلی این است که منکر واقع نشود، بنابراین همانگونه که بر انسان واجب است هر چند تکویناً از ایجاد منکر جلوگیری نماید بالاولویة در موردی که می داند با اقدام عمل توسط وی، منکر توسط شخص دیگری انجام می گردد، باید از انجام عمل خودداری نماید.

شبییری زنجانی، سیدموسی، کتاب نکاح، قم: مؤسسه رای پرداز، بی تا، ۴/ ۱۰۵۴-۱۰۵۵.

مسأله ۱۹۹۳: اگر خروج از کشور بدون پاسپورت ممنوع باشد و ورود در کشور دیگر نیز به همین جهت ممنوع و خلاف قوانین آنجا باشد آیا چنین سفری، سفر معصیت است که نماز تمام باشد؟ اگر تخلف از این قانون، نوعاً خوف اختلال به نظم یا امنیت کشور دیگر باشد، سفرش حرام و معصیت است. در غیر این صورت هم بنا بر احتیاط این سفر جایز نیست؛ لذا در فرض تحقق چنین سفری بین شکسته و تمام جمع کند.

شبییری زنجانی، سیدموسی، رساله و استفتائات آیت الله زنجانی (نرم افزار تلفن همراه).



سید کاظم شریعتمداری

۲۰

تبیین اجمالی دیدگاه

مطابق جستجوی نگارنده، رساله توضیح المسائل آیت‌الله شریعتمداری در ارتباط با امر به معروف و نهی از منکر یا تعزیر نظر و مطلبی نداشت. افزون بر آن، حاشیه العروة الوثقی نیز به تبع اصل کتاب العروة الوثقی، خالی از این ابواب است. به نظر می‌رسد در کنار حاشیه العروة الوثقی اثر آیت‌الله سید محمد کاظم شریعتمداری به عنوان فتاوی فقهی ایشان، تنها اثری در زمینه فقه استدلالی که به قلم شخص ایشان تألیف شده که اکنون قابل دستیابی است، کتاب القضاء فی الإسلام به مثابه آرای فقهی استدلالی ایشان در بحث قضاء بر محور کتاب شرائع محقق حلی است که در این پژوهش از چاپ سوم آن به تصحیح و تحقیق جمال‌الدین صوفی تبریزی استفاده می‌شود که علی‌رغم اشکالات موجود در آن و محدودیت انتشار، در نوع خود اثر مهمی است. در تقریرات فی الإجارة که تقریرات بحث اجاره آیت‌الله شریعتمداری نوشته ابوالفضل علمایی و تقریرات البیع و الخیارات که تقریر درس وی به قلم حسین حقانی است^۱ مطلبی مرتبط

۱. درباره صحت و اتقان مطالبی که حقانی به آیت‌الله شریعتمداری منتسب کرده است، تردیدهایی جدی وجود دارد.

با پژوهش حاضر نیامده است. افزون بر بحث ولایت فقیه که به پژوهش حاضر ارتباط دارد، کتاب نظارت عمومی اسلامی نوشته سیدابراهیم سیدعلوی که خلاصه درس خارج امر به معروف و نهی از منکر آیت‌الله شریعتمداری را به رشته تحریر درآورده، دستیاب شد.

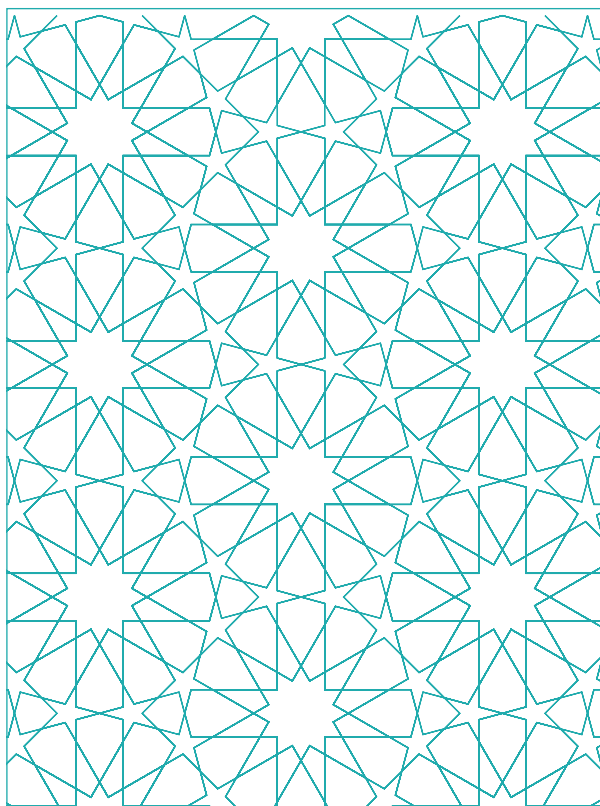
آیت‌الله شریعتمداری مرحله سوم یا همان نهی از منکر عملی را ثابت می‌داند و البته مراعات قاعده «الایسر فالایسر» یا از آسان‌ترین مرحله به مراحل شدیدتر را شرط می‌داند. همچنین آیت‌الله شریعتمداری در مصاحبه‌ای با طلال سلمان مدیر روزنامه السفیر بیروت در سال ۱۳۵۸ تصریح کرد الزام کردن زن مسلمان به حجاب سودمند نبوده و فشار، خشونت و سخت‌گیری کاری عبث است. به علاوه مطابق اظهارات شفاهی دو تن از شاگردان آیت‌الله شریعتمداری که با استناد به اظهارات آن مرجع فقیه در درس‌ها و مصاحبه‌ها مطرح شد، ایشان به نهی از منکر عملی و در کل اجبار بر واجبات قائل نبوده‌است؛ در نتیجه نظر اخیر و نهایی ایشان نفی الزام است. آیت‌الله شریعتمداری اجرای حدود را در عصر غیبت امام معصوم نمی‌پذیرد.

به نظر آیت‌الله شریعتمداری ولایت فقیه در امور عامه دلیلی ندارد و منظور روایاتی مانند مقبوله عمر بن حنظله و روایت ابی‌خدیجه اصلاً مجتهد مصطلح در زمان حاضر نبوده تا بحث شرایط نفوذ ولایت وی مطرح شود.

مستندات

... وأما قوله عليه السلام لأبان: «اجلس في مسجد المدينة وأفت الناس»، فلا دلالة فيه على خلاف ما ذكرناه؛ إذ الفتوى بيان الحكم الذي يسمعه من الإمام من غير حاجة إلى أعمال رأي وروية، كما في قوله تعالى: «يستفتونك قل الله يفتيكم في الكلالة». فليست الأخبار [منها مقبولة عمر بن حنظله] ناظرة إلى ذلك الاجتهاد. فجواز الرجوع في مقام المرافعة إلى الراوي المفضول لا دلالة له بشيء من الدلالات على جواز تقليد المجتهد بالمعنى الاصطلاحي غير الأعلم ابتداءً، فتبصر. شریعتمداری، سید کاظم، القضاء فی الإسلام، تحقیق و تصحیح جمال‌الدین صوفی تبریزی، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا، ۱۰۲-۱۰۳.

الثاني إنهم استدلوا بها على كون الفقيه الجامع للشرائط منصوباً للقضاء والحكم في زمان الغيبة، ورتبوا عليه أحكام النصب، فقد تضمنت هذه الرواية قوله عليه السلام «فليرضوا به حكماً فإني قد جعلته عليكم حاكماً» كما إنهم استدلوا



نیست، چون طلب در مفهوم آن تحقق ندارد وارد نیست؛ زیرا مقصود از تقسیم نهی از منکر به سه مرتبه قلبی، زبانی و دستی (جارجهای) آن است که امر به معروف و نهی از منکر، حقیقی است دارای مراتب که در برخی از آنها نهی به طور شأنی و به اصطلاح بالقوه است و در بعضی دیگر نهی فعلی (مقابل بالقوه) است و به زبان انجام می‌گیرد و در مراتب بعدی شدیدتر گشته و نهی به صورت نهی عملی می‌باشد، مانند نهی از منکر که به طور زدن و کشتن انجام می‌یابد و اگر بنا باشد هرچه مفهوم طلب در آن تصور نگشت، آن را از حقیقت نهی از منکر نشماریم، باید مرتبه سوم یعنی زدن و کشتن را نیز از مراتب نهی از منکر حساب نکنیم؛ زیرا طلب در آن نیز به حسب ظاهر معقول نیست، در صورتی که به اتفاق تمام فقها آن مرتبه نیز از مراتب نهی از منکر محسوب است. دیگر لازمه اشکال مزبور این است که تقسیمات دیگری که درباره نهی از منکر گفته شده است، مانند تقسیم آن به:

۱. امر و نهی زبانی ۲. تغییر آلات منکر ۳. دوری جستن از مرتکب منکر و ترک معاشرت با او یا تقسیم آن به: ۱. حکم و فتوی ۲. وعظ و ارشاد ۳. شکستن و خراب کردن آلات و ادوات منکر ۴. زدن و کشتن، درست نباشد؛ زیرا دوری جستن و

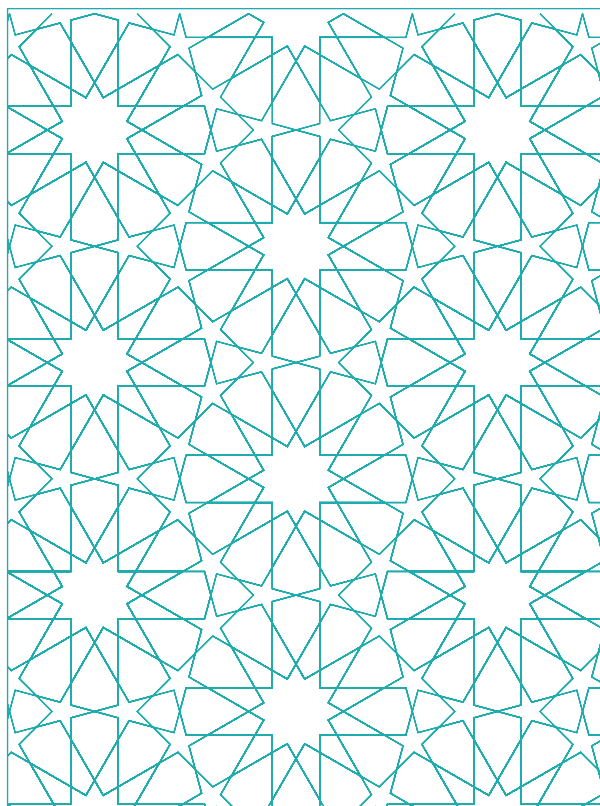
بالجملة الواردة في رواية أبي خديجة «فاجعلوه بينكم فاني قد جعلته قاضياً فتحاكموا إليه».

أقول: يعلم مما ذكرناه في الأمر الأول أعني اختصاص الرواية بالشبهات الحكمية، وأن الحكم المفروض فيها إما فتوى أو نقل رواية أو كلاهما، وأياً ما كان، فلا يعقل في موردها النصب، فإن الرواية ليست مورداً للنصب كما أن الإفتاء لا يحتاج إليه. ويؤيد ذلك ما ورد في بعض الروايات، مثل قوله «اجلس في مسجد الكوفة وأفت الناس» وقوله لمفضل بن عمر «فاذا أردت حديثاً فعليك بهذا الجالس أي زارة بن أعين»، وقوله لعبد الله بن عوف حيث يقول له «يجيء الرجل من أصحابنا فيسألني وليس عندي كل ما يسألني عنه فقال ما يمنعك من محمد بن مسلم الثقفي» وقوله ليونس بن يعقوب «أما لكم من مفتح ما يمنعكم من الحارث بن المغيرة النضري» إلى غير ذلك من الأحاديث. فإنهم كما لم يفهموا منها الجعل والنصب، بل هو من تعريف بعض أصحابهم وتعيينهم وأن لهم صلاحية الفتوى أو الرواية؛ لأن الشرائط فيهم موجودة، فيجب الرجوع إليهم في الحكم والرواية. غاية الأمر قد يكون هذا التعريف في الموارد الخاصة وفي أشخاص بخصوصهم وقد يكون بنحو الكلي، كقوله «لا عذر لأحد من موالينا الشكيك فيما يرويه عنا ثقاناً» فليكن المقام من ذلك القبيل. فقولته «فاني قد جعلته حاكماً» و «فاني قد جعلته قاضياً» بمعنى تعيين كل من روى حديثهم ونظر في حلالهم وحرامهم وعرف أحكامهم لأن يرجع الناس إليهم كما كانوا يرجعون إلى قضاة الجور وحكامهم. وغير بعيد أن يكون إطلاق القاضي والحاكم عليه باعتبار المشاكلة... فتحصل أن المقصود من جعله حاكماً أو قاضياً لا يعقل أن يكون جعلاً وضعياً الذي يراد به النصب، فإن الرواية والفتوى كما قلناه لا مورد فيهما للجعل.

... فتحصل من جميع ما ذكرناه أن الشرائط المذكورة إنما هي شرط في الراوي الحاكم ولا ربط له بالمجتهد الاصطلاحی، فلا تدل على شرطية الاجتهاد بوجه حتى يتكلم في المتجزئ منه، كما أنه لا دلالة فيها على عدم صحة قضاء المقلد ولو بالمفهوم، بل إنها أجنبية عن دائرة الاجتهاد والتقليد.

شریعتمداری، سیدکاظم، القضاء فی الإسلام، تحقیق و تصحیح جمال‌الدین صوفی تبریزی، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا، ۱۶۷-۱۷۰.

اشکال به اینکه انکار به معنای اول از مراتب نهی از منکر



عدم معاشرت با فساق و شکستن آلات منکر و تغییر آن چگونه طلب و امر و نهی در آن‌ها تصور دارد؟ در صورتی که تمام این تقسیمات صحیح و همه آنها را فقها همه از مراتب نهی از منکر شمرده‌اند. پس روشن شد که انکار به معنای اول نیز از مراتب نهی از منکر است، لیکن به طور استثناء و به خاطر دلیل مخصوص، و جوب آن مطلق است و مشروط به شرایط مزبور در باب نهی از منکر نمی‌باشد... دیگر تنها انکار قلبی نیست که وجوبش مطلق بوده و مشروط به احتمال تأثیر نیست، بلکه حدود و تعزیرات که از مرتبه سوم امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد، اجرای آن مشروط به تأثیر نمی‌باشد، بلکه مطلقاً چه اثری بگذارد یا نه، باید مجری گردد، مخصوصاً در قسمتی از حدود مانند رجم و قتل که شخص مرتکب حرام، با اجرای حد از بین می‌رود. در چنین صورت چه تأثیری خواهد داشت، مگر اینکه گفته شود مقصود از تأثیر اعم از تأثیر شخصی و نوعی است. بنابراین حدود به طور کلی بی‌تأثیر نخواهد بود؛ زیرا اجرای حدود در اصلاح اجتماع و پاکیزگی آن بدون شک مفید و مؤثر می‌باشد.

سیدعلوی، سیدابراهیم، نظارت عمومی اسلامی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۶ش، ۵۷-۶۰ و ۶۲-۶۳.

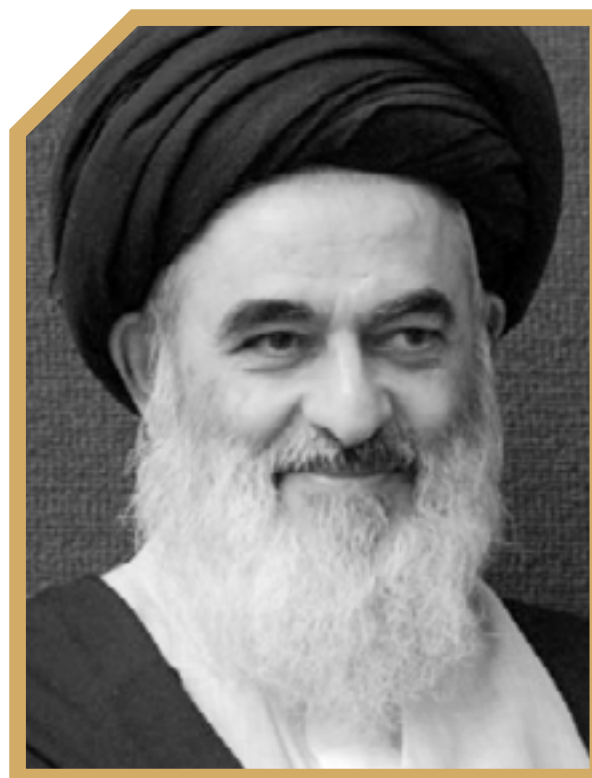
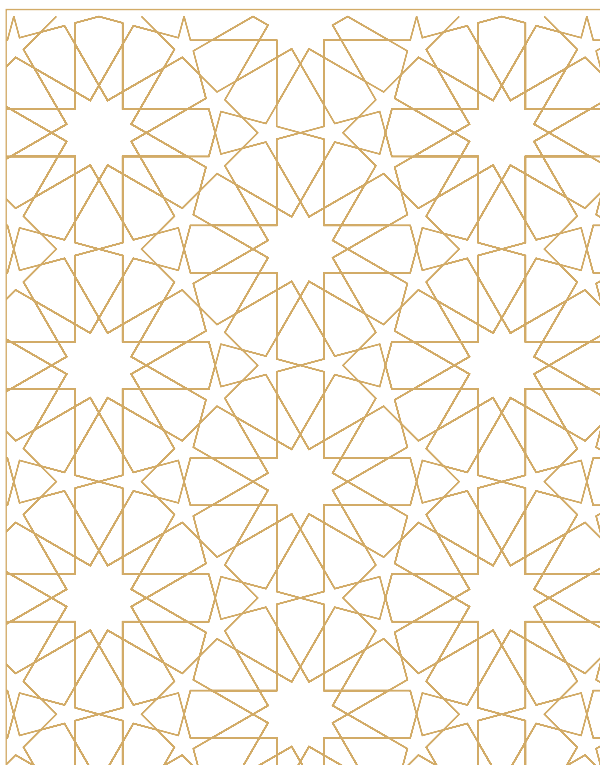
حدیثی است که از امام صادق (ع) منقول است. امام در پاسخ کسی که می‌پرسد آیا امر به معروف بر کلیه مردم لازم و واجب است؟ می‌فرماید «جز این نیست که امر به معروف و نهی از منکر بر شخص نیرومند، مطاع و دانای به معروف و منکر واجب است، نه بر کسی که ناتوان است و خود هدایت نیافته است.» این نکته که از سخن محقق مرحوم استفاده می‌شود، کاملاً صحیح و منطبق بر قواعد فقهی می‌باشد.

سیدعلوی، سیدابراهیم، نظارت عمومی اسلامی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۶ش، ۶۹-۷۱.

زن امروز همان زن قرون گذشته نیست، همان‌طور که زن غربی نیز نیست. او زن مسلمان است. بدون شک شما در مورد تظاهرات زنان شنیدید، ولی با هم بپرسیم که: چرا، چگونه و علیه چه کسی تظاهر کردند؟ نمی‌دانم، ولی عقیده شخصی من این است که حجاب در اسلام وجود دارد، ولی الزام کردن آن به چیزی که از آن کراهت دارند، سودمند نیست. به خصوص در اوضاع کنونی نباید حجاب را الزامی کنیم. فشار، سخت‌گیری و خشونت کاری عبث است.

شریعتمداری، سیدکاظم، «دیدار سردبیر «السفیر» و حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری»، مجله امید ایران، سال ۱۳۵۸، ص ۱۷.

نکته اول: نظر به اینکه امر به معروف و نهی از منکر حقیقتی تلخ و ناگوار است و آن کس که نهی و امر می‌شود، تحمل برایش سخت و گران است، زیرا اصولاً اعتراض به کسی برای او خوش‌آیند نمی‌باشد، پس باید در موقع امر به معروف و نهی از منکر، ترتیب را رعایت کرد و از مرتبه پایین شروع و به تدریج به مراتب شدیدتر پیش رفت و به اصطلاح قاعده الایسر فالایسر را موردنظر قرار داد و هرگز طفره درست نیست؛ یعنی جایی که ممکن است شخص با کلام نرم و ملایم نهی از منکر شود، جایز نیست که شروع به کتک زدن شود که شاید مضافاً به اینکه مفید و مؤثر واقع نگردد، نتایج نامطلوبی هم به بار آورد. به عبارت دیگر، هیچ‌کس حق اعتراض به عمل دیگری جز در موقع ضرورت و احتیاج اجتماع ندارد و موارد امر به معروف و نهی از منکر از مواقع ضرورت و ناچاری است و باز اعتراض و نهی از منکر، به منزله سمی است که در هنگام ناچاری و ضرورت تجویز می‌شود؛ لذا گفته شده است نهی از منکر و امر به معروف را جز شخص متخصص و دانا نباید انجام دهد؛ مانند دارو و سم که جز دکتر و طبیب نمی‌تواند تجویز کند. شاهد این مطلب



سید صادق حسینی شیرازی

۲۱

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت‌الله سیدصادق شیرازی مرتبه سوم نهی از منکر که انکار عملی است را جایز می‌داند، ولی فقط در صورتی که به اجازه حاکم شرع باشد. با توجه به آخرین مسأله در رساله توضیح المسائل آیت‌الله شیرازی، مقصود وی از حاکم شرع، مجتهد جامع‌الشرایط و نه مطلق مجتهد است. همچنین وی الزام فرزند بر واجبات و انکار عملی فرزند از ارتکاب محرمات توسط پدر، جد پدری و معلم وی را در صورتی که موجب دینه نشود، جایز می‌داند. هرچند تأکید می‌کند واجب است با خوش‌رفتاری باشد تا موجب زدگی او از دین نشود. آیت‌الله شیرازی در استفتائی پیرامون اجبار در رعایت حجاب تصریح می‌کند دین اسلام در مواجهه با مرتکبین حرام، گفته است باید نهی از منکر با رعایت مراتب انجام شود. مرتبه آخر که در صورت عدم تأثیر دو مرتبه پیشین قلبی و زبانی واجب می‌شود، انکار عملی است.

در رساله و استفتائات آیت‌الله شیرازی درباره احکام تعزیرات چیزی ذکر نشده است.

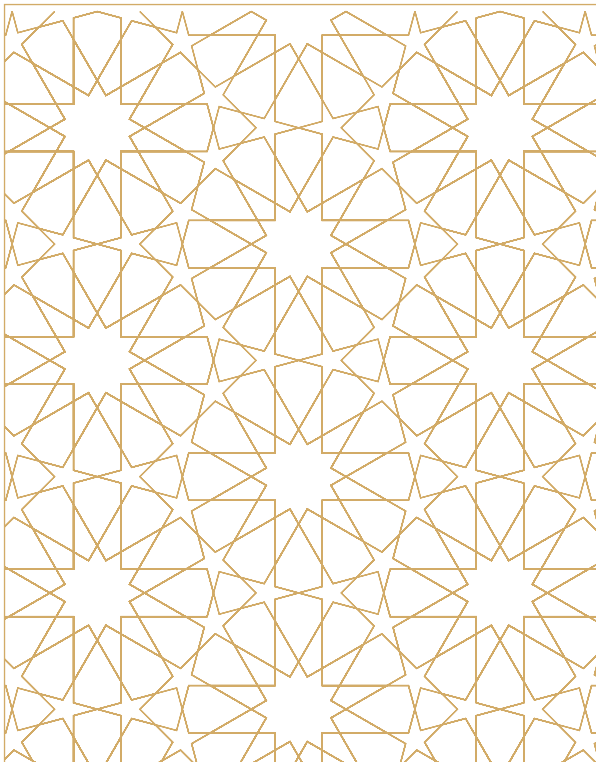
نظر آیت‌الله شیرازی درباره ولایت مطلقه فقیه منفی است؛ یعنی یک نفر از فقها به تنهایی اختیار حکومت بر جامعه را ندارد، اما مراجع تقلید در صورت مشورت با یکدیگر، حق حکومت بر جامعه و اجرای احکام عمومی را دارند. طبیعی است یکی از این احکام، مسأله حجاب است.

مستندات

مسأله ۲۳۱۸: امر به معروف و نهی از منکر، سه مرتبه دارد:

۱. انسان فقط اظهار نفرت کند، مانند اینکه صورت را ترش نماید، یا از ترک واجبات، اجتناب کند و یا مانند آن.
۲. انسان با زبان انکار کند و با وعظ و ارشاد، نفرت خود را آشکار نماید.
۳. عملاً انکار کند، مثلاً مرتکب حرام را بزند.

مسأله ۲۳۲۱: انکار عملی در صورتی جایز است که به اجازه حاکم شرع باشد.



شیرازی، سیدصادق، رساله توضیح المسائل، نسخه الکترونیکی در: کانال تلگرام رسمی دفتر آیت‌الله‌العظمی سیدصادق شیرازی (https://t.me/shirazi_ir/31271)، ص ۴۳۰.

مسئله ۳۴۱۶: اگر بچه یکی از گناهان کبیره را انجام دهد، ولی یا معلم او می‌تواند به قدری که ادب شود و دیه واجب نگردد او را بزند. تفصیل مسأله در کتب مفصله فقهیه ذکر شده است. شیرازی، سیدصادق، رساله توضیح المسائل، نسخه الکترونیکی در: کانال تلگرام رسمی دفتر آیت‌الله‌العظمی سیدصادق شیرازی (https://t.me/shirazi_ir/31271)، ص ۵۸۱.

مسئله ۳۴۶۰: حاکمیت در اسلام نسبت به غیر معصومین در موضوعاتی که احکام عمومی بر آنها مترتب است، در صلاحیت فقهای مراجع تقلید و مستند به مشورت فی‌مابین است و باید سایر شرایط شرعی نیز فراهم باشد و استبداد در حکومت جایز نیست. شیرازی، سیدصادق، رساله توضیح المسائل، نسخه الکترونیکی در: کانال تلگرام رسمی دفتر آیت‌الله‌العظمی سیدصادق شیرازی (https://t.me/shirazi_ir/31271)، ص ۵۸۷.

مسئله ۳۵۶۴: حق قانون‌گذاری و حق حاکمیت مختص خداوند متعال است؛ زیرا که او خالق انسان و روزی‌دهنده او و آشنا به آنچه است که در آن مصلحت انسان و عامل سعادت و خوشبختی اوست. سپس خدای متعال حق حاکمیت را به رسول خود و بعد از رسول به امیر مؤمنان و سپس یازده امام معصوم احاله فرمود، تا اینکه نوبت به امام عصر رسید و عصر غیبت کبری شروع شد، که حضرت این حق را با توفیق شریف خود «فإنهم حجتی علیکم و أنا حجة الله علیهم» به مجتهدان و مراجع جامع الشرائط احاله فرمودند. بنابراین قانون‌گذاری برای احدی جایز نیست و آنچه اسلام به عنوان احکام به ارمغان آورده تا روز قیامت برای بشر کافی است و همچنین برای احدی حق حاکمیت جز خدا، رسول، اهل بیت، سپس مجتهدان و مراجع جامع الشرائط و آن کسی که آنان او را تعیین می‌کنند، نمی‌باشد.

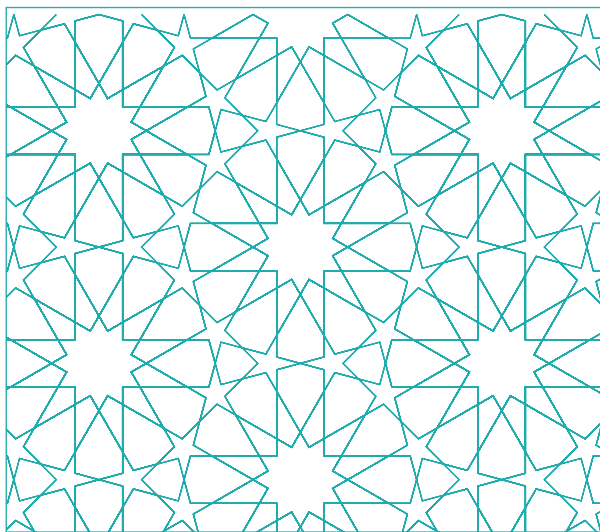
شیرازی، سیدصادق، رساله توضیح المسائل، نسخه الکترونیکی در: کانال تلگرام رسمی دفتر آیت‌الله‌العظمی سیدصادق شیرازی (https://t.me/shirazi_ir/31271)، ص ۵۹۸.

سؤال: اگر بیدار کردن فرزند مکلف برای نماز، موجب ناراحتی او شود و از نماز زده شود بیدار کردن او چه حکمی دارد؟

جواب: از باب امر به معروف بیدار کردن او واجب است، اما باید به همراه خوش‌رفتاری و خوش‌زبانی باشد تا موجب زدگی او از نماز نشود. شیرازی، سیدصادق، «استفتانات»، سایت رسمی اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدصادق شیرازی، به نشانی: <https://www.shirazi.ir/estef-ta?ShareEstef-ta=2161&langs=FA>

آیا در رعایت حجاب، اجبار وجود دارد؟ قرآن مجید - بعد از نشر فرهنگ دینی و اخلاقی به حد اقناع دیگران - می‌فرماید: «اکراهی در دین نیست» به این معنی که در معتقدات، انسان آزاد است، ولی در رفتار و عمل هم عقل و هم عرف اجتماعی دنیای امروز می‌گوید که باید عادات و اعراف اجتماعی یک جامعه را محترم شمرد و خلاف آن را انجام نداد و حرمت شکنی را اجازه نمی‌دهند، بلکه دین مبین اسلام در رفتار با مرتکبین خلاف، فرموده باید مراتب امر به معروف و نهی از منکر مراعات شود.

شیرازی، سیدصادق، «استفتانات»، سایت رسمی اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدصادق شیرازی، به نشانی: <https://www.shirazi.ir/estef-ta?ShareEstef-ta=2161&langs=FA>



مستندات

- مسأله ۲۳۱۱:** امر به معروف و نهی از منکر سه مرتبه دارد:
۱. انسان فقط اظهار نفرت کند، مانند اینکه صورت را ترش نمایند، یا از ترک واجبات، اجتناب کند و یا مانند آن.
 ۲. انسان با زبان انکار کند و با وعظ و ارشاد، نفرت خود را آشکار نماید.
 ۳. عملاً انکار کند، مثلاً مرتکب حرام را نزند.

مسأله ۲۳۱۲: هر یک از این سه مرتبه، درجاتی دارد که انسان باید در ابتدا، خفیف‌تر از همه را اختیار کند و اگر فایده نبخشید، به مرتبه بالاتر رود.

مسأله ۲۳۱۴: انکار عملی در صورتی جایز است که به حد جرح و کشتن نرسد و گرنه اجازه حاکم شرع لازم است. شیرازی، سیدمحمد، رساله توضیح المسائل، ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۶۷.

مسأله: مهمة الحاكم و الحكومة في الإسلام هي: إدارة البلاد و العباد، إدارة تؤدي إلى عمران البلاد و ازدهارها، و صلاح العباد و تقدمهم تقدماً مطلوباً في جميع مجالات الحياة، و من ذلك يلزم على الحاكم و الحكومة أن تكون انتخابية و استشارية، و متواضعة و خدومة، و حكومة الرسول (صلى الله عليه و آله) و أمير المؤمنين (عليه السلام) خير أسوة في ذلك.

شیرازی، سیدمحمد، فقه العولمة، بیروت: مؤسسة الفكر الإسلامی، ۱۴۲۳ق،، ۱۷۱.



سیدمحمد حسینی شیرازی

۲۲

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت‌الله سیدمحمد شیرازی مرتبه سوم نهی از منکر را پذیرفته است؛ با این شرط که پس از فایده‌بخش نبودن دو مرتبه قبلی واجب می‌شود و نباید به جرح و کشتن برسد. در صورت لزوم جرح و کشتن اجازه حاکم شرع لازم است. درباره قاعده «التعزیر لکل عمل محرم» مطلبی در آثار آیت‌الله سیدمحمد شیرازی دستیاب نشد.

آیت‌الله شیرازی ولایت مطلقه فقیه را نمی‌پذیرد و به حکومت شورایی اعتقاد دارد.

آیت‌الله شیرازی تصریح می‌کند برای تشرف به دین اسلام هیچ اجبار و اکراهی وجود ندارد. با توجه به این‌که ایشان مرتبه سوم نهی از منکر را پذیرفته است، این سخن مخصوص کسی است که هنوز مسلمان نشده است. در صورتی که اسلام بیاورد، مشمول مراتب سه‌گانه نهی از منکر خواهد بود.

مستندات

مسأله ۲۸۶۷. درجه چهارم از امر به معروف و نهی از منکر آن است که معصیت‌کار، از درجات مذکوره، ترك معصیت نکند و مصرر باشد. در این صورت، اگر بدانند به زدن، ترك می‌کند و یا احتمالاً احتمال عقلائی باشد که زدن، مؤثر است، و از ضرر به جان و مال و عرض خود یا مسلمان دیگری ایمن باشد، واجب است زدن به مقداری که ترك معصیت کند به شرط آن که منجر به جرح و قتل نشود.

صافی گلپایگانی، لطف‌الله، رساله توضیح المسائل، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی، ۱۴۳۲ق، ۴۷۶.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر:

اول: انکار قلبی است به طوری که مأمور و منهی به آن ملتفت شود مانند کناره‌گیری و ترك معاشرت و مجالست و اظهار کراهت، مثل روی درهم کشیدن و اظهار تنفر از اهل معاصی.

دوم: منع کردن به زبان است، ابتدا به نصیحت و موعظه و کلام لین و اگر مفید نشد، به تهدید و تهویل و اگر مؤثر نگشت، به درشتی و خشونت و اگر نه به دشنام از قبیل لفظ جاهل و نادان و مثل آن.

سوم: منع کردن است به دست که پس از آنکه از تأثیر منع لسانی مایوس شد، با دست نهی از منکر کند با رعایت «الایسر فالایسر» مثل آن که ابتدا او را نگاه دارد که مرتکب معصیت نشود و اگر فایده نکرد او را بزند به شرط آنکه سبب جراحت و قتل نشود. و هرگاه تأثیر آن در حق کسی موقوف به رساندن جراحت یا قتل باشد جایز نیست مگر با اذن فقیه جامع الشرائط در زمان غیبت.

صافی گلپایگانی، لطف‌الله، راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی، ۱۴۳۳ق، ۹۲.

س ۱۴۵۵- در چه صورت می‌توان در باب نهی از منکر از برخورد فیزیکی استفاده نمود؟

ج- در هرکجا که موجب ورود جراحتی باشد باید با اجازه مجتهد جامع الشرائط باشد. والله العالم

س ۱۴۵۶- جوانی بسیجی هستم، تقاضا داشتم توضیح دهید



لطف‌الله صافی گلپایگانی

۲۳

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت‌الله صافی گلپایگانی مرتبه سوم یا همان عملی را می‌پذیرد و در صورتی که شرایطش فراهم شود (عدم تأثیر دو مرتبه پیشین)، آن را وظیفه همه مکلفان می‌داند. از دیدگاه ایشان، مرتبه سوم فقط در صورتی که به جرح و قتل منتهی شود، منوط به اجازه حاکم شرع است و باید نهادهای مرتبط و مسئولین جدی‌تر آن را بر عهده گیرند.

آیت‌الله صافی گلپایگانی تعزیر در همه محرمات را ثابت می‌داند به تشخیص و حکم قاضی مجتهد جامع الشرائط منوط می‌داند؛ در نتیجه قاعده «التعزیر لکل عمل محرّم بما یراه الحاکم» را می‌پذیرد.

آیت‌الله صافی گلپایگانی ولایت مطلقه به معنای صلاحیت فقیه در تشکیل حکومت و وظیفه اجرای احکام اسلامی را نیز می‌پذیرد؛ البته نباید حاکم از محدوده اجرای مّر احکام اسلامی فراتر رود.

که وظیفه ما در برابر افرادی که از محرمات استفاده می‌کنند مانند مشروبات الکلی و با حالت مست و یا حالتی دیگر در خیابانها و جامعه حاضر می‌شوند و همچنین با دختران و زنان مردم برخورد ناشایست و دور از شئون اسلامی دارند چیست؟

و همچنین آیا می‌توانیم با دختران و پسرانی که با لباسهای مبتذل و بسیار زننده که باعث تحریک شهوت انسان می‌شود برخورد کنیم؟ آیا می‌توان در مواردی که در بالا ذکر شده با آنها برخورد فیزیکی داشت؟ در برابر بعضی از آنها به زور متوسل شد؟ البته این نکته یادآور می‌شوم که دیده شده که افراد مسئول مانند نیروی انتظامی بسیار در این مورد قصور کرده‌اند و به وظیفه خود عمل نمی‌کنند.

ج- در تمام موارد مذکور وظیفه هر مسلمانی امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرائط و حدود آن است، اگر احتمال تأثیر در گفتن می‌دهید بگوئید چنانچه بدانید تذکر شما مفید نیست واجب نیست تذکر دهید و نسبت به زد و خورد با این افراد فعلاً مصلحت آن است که این امر را به عهده مسئولین مربوطه قرار دهید. بلی اگر ببینید که نسبت به نوامیس مسلمین هتک حرمت می‌شود با تذکر شما یا دیگران رفع مزاحمت نمی‌شود و راه منع منحصر به ضرب به مقدار لازم است و نه بیشتر، برای دفع آنها جایز است. والله العالم

صافی گلپایگانی، لطف‌الله، جامع الأحکام، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی، بی‌تا، ۸۰/۲.

س ۱۴۶۴- آیا در برابر خلافهایی که در جامعه دیده می‌شود و توسط برادران بسیج جلوگیری بعمل می‌آید، تنبیه لازم است، در چه مواردی و تا چه حد؟

ج- باید ضوابط امر به معروف و نهی از منکر رعایت شود.

س ۱۴۶۵- آیا گشت و رفت و آمد در اماکن عمومی به عنوان مبارزه و برخورد با مفسد و بدحجابی جایز است یا نه؟ حدود آن را بیان بفرمائید.

ج- شرائط و برنامه امر به معروف و نهی از منکر و مراتب آن در فقه بیان شده و اختصار آن را می‌توانید در نوشته‌ای که از حقیر به نام «راه اصلاح یا امر به معروف و نهی» از منکر طبع شده ملاحظه نمایید و رفتن به مراکز و اماکن عمومی مثل بازار و خیابان که معرض وقوع بعض منکرات باشد برای انجام این وظیفه جایز است و با علم به آن لازم است و حکومت اسلامی برای صیانت از اخلاق جامعه و جلوگیری از مفسد هم می‌تواند بلکه وظیفه دارد که افرادی را برای منع از منکرات

به گشت‌وگذار در این اماکن معین نماید اما جهت نهی از منکراتی که ظاهر نیست به صرف احتمال وقوع آن فحوص و کاوش و تفتیش جایز نیست. والله العالم
صافی گلپایگانی، لطف‌الله، جامع الأحکام، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی، بی‌تا، ۸۲/۲.

س ۱۴۶۹- اگر نیروهای انتظامی در برخورد با مفسد اجتماعی جدیت نشان ندهند آیا وظیفه مردم در امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

ج- امر به معروف و نهی از منکر دو واجب شرعی است و بر همه واجب است چه نیروی انتظامی برخورد با مفسد به نحو جدی داشته باشند یا نه البته با رعایت شرائط و ضوابط شرعی.

صافی گلپایگانی، لطف‌الله، جامع الأحکام، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی، بی‌تا، ۸۳/۲.

البته نمی‌شود گفت نیروی انتظامی موظف است همه این کارها را به تنهایی انجام دهد، بدون همکاری دیگران این مقاصد بزرگ انجام نمی‌شود، ولی در همین حدی که انجام وظیفه می‌کنید و شنیده شده است در حد توانایی وظایفی را انجام داده‌اید جای تشکر دارد. امیدوارم بتوانید برای پاک شدن جامعه از مفسد و معایبی که امنیت اخلاقی مردم را از بین می‌برد بیشتر تلاش کنید، امنیت تنها امنیت مالی نیست، امنیت اخلاقی از همه بالاتر است و اگر کسانی که به اخلاق مردم دستبرد می‌زنند ممنوع‌العمل نشوند مفسد بسیاری به وجود می‌آید.

صافی گلپایگانی، لطف‌الله، «دیدار جمعی از پرسنل نیروی انتظامی با حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله‌العالی در تاریخ ۱ آبان ۱۳۸۷»، سایت رسمی، به نشانی:

<https://saafi.com/book/5533>

س ۲۱۷۳- فعل حرامی که مرتکب آن تعزیر می‌شود چه شرائطی باید داشته باشد؟

ج- اگر فعل حرام از معاصی کبیره‌ای باشد که در شرع برای آن حدی معین نشده و ارتکاب آن برای مجتهد جامع شرائط ثابت شود تعزیر دارد. والله العالم.

صافی گلپایگانی، لطف‌الله، جامع الأحکام، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی، بی‌تا، ۳۷۵/۲-۳۷۶.

۳۰۰. در زمان حکومت اسلامی، اگر نیروی انتظامی در برخورد با مفسد اجتماعی از خود جدیت نشان ندهد، وظیفه مردم چیست؟

این واجب با وجود شرائط از کسی ساقط نمی شود، مگر آنکه دیگران به این فریضه عمل نمایند.

صافی گلپایگانی، لطف الله، پاسخ کوتاه به ۳۰۰ سؤال از احکام، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰ش، ۷۸/۲.

۲۳۹. آیا لازم است حجاب را برای توریست ها الزامی کنیم؟

افراد توریست، از جهت حکم فقهی حجاب، تابع دین خود هستند؛ لکن همان گونه که ملزم به رعایت دیگر قوانین کشور هستند نباید اجازه داده شود بر خلاف ارزش های دینی و فرهنگی کشور اقدام کنند، و موجب اشاعه فساد و ابتذال اخلاقی شوند.

صافی گلپایگانی، لطف الله، پاسخ به ۳۰۰ پرسش از احکام، قم: سابقون، ۱۳۸۲ش، ۷۸.

فالحکومة الشرعية منعقدة مستمرة بهذا الاعتبار، و الفقهاء العدول في عصر الغيبة هم الحاكمون شرعاً و الولاية على الأمور، و هذا هو معنى قوله عليه السلام في توقيعه الرفيع كما سنشير إليه: (فإنهم حجتي عليكم و أنا حجة الله)

و هذه هي الحكومة الشرعية التي يجب على المكلفين إطاعتها و الانضواء تحت قيادتها، حتى و إن كانوا ساكنين في دائرة غيرها، فالمؤمن و إن كان في دار الكفر أو في بلاد المسلمين تحت سلطة غير شرعية؛ فإنه يجب عليه أن يكون متقاداً لهذه الحكومة الشرعية التي جعل الإمام أمرها في عصر الغيبة بيد الفقهاء.

و لا يخفى عليك أن ولاية الفقهاء في عصر الغيبة على هذا المبنى تكون كولاية الحكام و النواب المنصوبين من قبل الإمام في عصر الحضور، و أن الأحكام السلطانية التي تصدر عن صاحبها يجب أن تكون لتنفيذ الأحكام الشرعية، و لترجيح بعضها على البعض في موارد تراحم الأحكام و الحقوق، فلا ترفع اليد بهذه الأحكام عن الحكم الشرعي بتاتاً، و إنما ترفع بها اليد عن الحكم المهم للأخذ بالأهم حسب تشخيص الحاكم بلزوم ترك حق أو جهة لحفظ حق أو جهة أهم.

صافی گلپایگانی، لطف الله، ضرورة وجود الحكومة أو الولاية للفقهاء، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، ۱۴۱۴ق، ۱۶-۱۸.

إن قوة الحاكم و قدرته على العقوبة حسب ما قرره أو قدره الشرع يكفى في تحقق المصالح التي لا تتحصل إلا بالنظام الحكومي و قوته و قدرته فما به تتحقق المصالح الحكومية قدرتها على إجراء القانون، و ما قرره الشرع في تأديب المجرمين، و لا يلزم أن تكون مطلقة العنان في ذلك كالحكومات القبلية، و غير القانونية بل المصلحة يقتضى تعيين حدود اختياره حتى لا ينول الأمر إلى استبداد الحكام، و سلطتهم المطلقة على الضعفاء، بل و غيرهم، و حتى لا تكون الحكومة مظهرًا من مظاهر الشدة و الغلظة، قال الله تعالى: (وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ). مضافاً إلى أن ذلك أي تحديد اختيار الحاكم، و حصر دائرته في الضرب دون الحد يجلب فوائد و مصالح أخرى، الله تعالى أعلم بها.

صافی گلپایگانی، لطف الله، التعزير أحكامه و حدوده، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، بی تا، ۹۹.

و الحاصل أن ولاية الفقهاء بنصب الإمام العام على الحكومة و القضاء، و كل أمر لا يدور رحى الإسلام و الاحتفاظ بعزة المسلمين و استقلالهم و شوكتهم إلا به، كالدفاع عن الحوزة و الاستعداد لعلو المسلمين على الكفار و إن كانت من مظاهر ولاية الإمام عجل الله تعالى فرجه، و مطلقة في أمثال هذه الأمور التي لا يرضى الشارع بتركها و تعطيلها، لأنه يلزم من تركها و تعطيلها مفسد تنفى مصلحة النبوات، و تضييع الأهداف العليا الكامنة في إرسال الرسل و إنزال الكتب، ليست من غير هذه الجهات مطلقة، إلا ان يدل عليه دليل بالخصوص. و عقوبة المجرم بغير التعزير الذي عرفت انه الضرب دون الحد، و بغير ذلك مما هو مصرح به في الروايات من هذا القسم يحتاج ولاية القاضي عليها إلى دليل خاص يوسع دائرة ولاية الفقهاء، و مع عدم الدليل لا بد و ان يقتصر على ما استظهرناه من الروايات من الضرب دون الحد أو ما هو اخف منه أو يساويه بشرط ان يخير القاضي المجرم في اختيار أي نوع أو فرد من الانواع أو الافراد.

هذا، و العمدة في الجواب أن الولاية على تعيين نوع التعزير إنما تكون إذا لم يعين في الشرع ذلك. و بعد ما استظهرنا من الأدلة أن الشارع عين ذلك نوعاً، و حدد مقداره بأن يكون دون الحد، و جعل تعيين مقداره فيما دون الحد موكولاً إلى نظر الحاكم، حسب الموارد و المناسبات، يعمل الحاكم سواء كان إماماً أو نائبه الخاص أو العام وفق ما قرره الشارع، كما يعمل في الحدود الشرعية، و الله أعلم.

صافی گلپایگانی، لطف الله، التعزير أحكامه و حدوده، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، بی تا، ۱۰۳-۱۰۴.



یوسف صانعی

۲۴

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت‌الله صانعی در رساله و استفتائات مرتبه آخر نهی از منکر یا همان اقدام عملی را انکار می‌کند و آنچه دیگر فقیهان، آن را مرتبه آخر نهی از منکر نام نهاده‌اند را در عناوین دیگری مانند تعزیر قرار می‌دهد که در صورت تعزیر بودن، فقط در صورت وجود قانون مصوب توسط نمایندگان مجلس و اجرای آن به دست مجریان قانون جایز است و سایر مکلفان و مقلدان حق بر اقدام ندارند. آیت‌الله صانعی در کتاب **امر به معروف و نهی از منکر** تصریح می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر در نهایت صرفاً امر و نهی قولی و فعلی بدون استفاده از زور و قدرت است. در **استفتائات فتاوی** مورد نیاز افراد مقیم خارج از کشور نیز می‌گوید مرتبه عملی (مثل سیلی زدن) حتی بدون ایراد جرح نیز جایز نیست. سپس برخوردهای فیزیکی را جدا کرده و آن را تنها از طریق تصویب قانون در مجلس نمایندگان

جایز می‌داند. در نتیجه، به نظر وی، برخورد فیزیکی با گناهان از جمله کشف حجاب را نمی‌توان مصداق نهی از منکر دانست؛ بلکه صرفاً رفتاری حکومتی است. آیت‌الله صانعی تعزیرات را برای هر عمل حرامی ثابت نمی‌داند؛ بلکه تعزیرات فقط در قبال آن دسته از گناهان کبیره قابل اجراست که موجب اخلال در امنیت و نظم جامعه باشد. او پیش‌تر به صراحت درباره حجاب گفته بود نداشتن حجاب جرم است که به معنای قابل تعقیب و تعزیر بودن آن توسط دستگاه‌های انتظامی و قضایی است، ولی در سخنان بعدی اظهار داشت نباید جامعه را برای مبارزه با بدحجابی امنیتی کرد و می‌بایست از طریق فرهنگ‌سازی مؤثر واقع شد. گویا نظر وی در طول زمان در خصوص حجاب اجباری تغییر کرد و با توجه به شرایط زمانی به جای تعزیر و توسل به قوای قهری، به ضرورت فرهنگ‌سازی باور پیدا کرده بود.

آیت‌الله صانعی ولایت مطلقه فقیه را به تبع استادش آیت‌الله خمینی و با همان تفسیر می‌پذیرد.

مستندات

مسئله ۲۰۶۱: ضرب، جرح، حبس، توهین و مراتب بالاتر و آنچه موجب تصرف در محدوده تسلط اشخاص بر اموال و نفوسشان (که محترم است) می‌باشد، نیاز به قانون مصوب نمایندگان مردم دارد. صانعی، یوسف، رساله توضیح المسائل، قم: انتشارات میثم تمار، ۱۳۹۲ش، ص ۳۳۷.

س ۱۸۸۵: پخش ترانه و آهنگ‌های رایج که غنا و مطرب به نظر می‌رسد، امروزه در اماکن عمومی از قبیل نمایشگاه‌ها، ترمینال‌ها، پارک‌ها و... به صورت امری عادی است. در این صورت، آیا امر به معروف و نهی از منکر، واجب است؟

ج- اگر شخص مطمئن است که آن‌ها با توجه به حرام بودن آن، چنین اعمالی را مرتکب می‌شوند، نهی از آن با شرایطش واجب است؛ و ناگفته نماند که مسائل عمومی در رابطه با حکومت است و نهی آن به مجریان امور مربوط است. آری، نصیحت و تهدید نه ضرب و جرح، برای بقیه هم با وجود شرایط نهی از منکر، واجب است.

صانعی، یوسف، **مجمع المسائل استفتائات**، قم: انتشارات میثم تمار، ۱۳۸۷ش، ص ۱/ ۴۹۰.

س ۱۸۸۹: در خیابان بعضی از خانم‌ها موهای سر خود را بیرون می‌گذارند، چه کار باید کرد؟

ج- با توجه به عدم تأثیر، حتی وظیفه، نصیحت هم نیست، چه رسد به بقیه مراتب نهی از منکر. آری، بر افراد ذی‌نفوذ است که اگر احتمال تأثیر می‌دهند، جلوگیری نمایند، نه بر امثال من و شما که هیچ‌گونه قدرت اجرایی نداریم.

صانعی، یوسف، **مجمع المسائل استفتائات**، قم: انتشارات میثم تمار، ۱۳۸۷ش، ۱/ ۴۹۱.

س ۱۹۰۹: اگر زن‌ها و دختران مسلمان، کشف حجاب نمایند و بدون پوشش اسلامی در کوچه و بازار مسلمانان حضور پیدا کنند، آیا بر مسلمانان دیگر، اعم از مرد و زن، لازم است که آن‌ها را وادار به حفظ حجاب کنند و یا احیاناً آن زن‌ها و دختران غیر محجبه را مورد ضرب و شتم قرار دهند تا اجباراً حجاب بپوشند؟

ج- اگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته باشد، باید نهی از منکر نمود، و اگر شرایط وجود نداشته باشد، لازم نیست؛ یعنی اگر می‌داند تأثیر ندارد یا این‌که ضرر جانی یا عرضی برای او دارد ولو احتمالاً، نهی از منکر واجب نیست؛ اما اگر جلوگیری از منکرات و اقامه واجبات موقوف بر جرح و ضرب باشد، جایز نیست، مگر به حکم قانون مصوب نمایندگان مردم.

صانعی، یوسف، **مجمع المسائل استفتائات**، قم: انتشارات میثم تمار، ۱۳۸۷ش، ۱/ ۴۹۶.

س ۱۹۱۰: آیا انسان دین‌مدار، با نیت کاملاً خیرخواهانه، می‌تواند برای هدایت انسان‌های دیگر به هر اقدامی و از جمله خشونت فیزیکی و روحی و روانی متوسل شود؟

ج- نمی‌تواند و قرآن، راه هدایت انسان‌ها را در یک جا حکمت و اندیشه و موعظه حسنه و پند و اندرز دانسته «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة» و در جای دیگر، که باید گفت منشور انسان‌سازی و هدایت انبیا و سنت الهی را بیان داشته، عقل و میزان و هدایت‌ها و قوانین الهی و کتاب را، راه رسیدن انسان‌ها به قیام و قسط دانسته؛ یعنی راه هدایت، منحصر به رشد فکری دینی است که انبیا و هدایتگران با دو رکن اساسی میزان (عقل و اندیشه) و کتاب (یعنی هدایت‌ها و قوانین الهی)، موظف به هدایت‌اند.

صانعی، یوسف، **مجمع المسائل استفتائات**، قم: انتشارات میثم تمار، ۱۳۸۷ش، ۱/ ۴۹۶-۴۹۷.

س ۱۱۴: آیا فقه شیعه، اجازه برخورد با فردی که یکی از نمادهای رفتار دینی - مانند حجاب را که از مسلمات قرآن است - را رعایت نکرده باشد، می‌دهد؟ آیا در سنت معصومان، سیره‌ای که بیانگر برخورد با رفتارهای دینی که مورد غفلت واقع شود، وجود دارد؟

ج) وظیفه مسلم مسلمانان در مقابله با ارتکاب معاصی و منکرها - که جنبه حق‌الله دارد و منکرهاى دیگر؛ مثل پایمال کردن اموال مردم و بیت‌المال و یا خیانت به حقوق جامعه و افراد و... که جنبه حق‌الناس دارد - نهی از منکر است که وجوبش جای هیچ‌گونه بحث و شبهه‌ای ندارد.... لیکن بحثی بین فقها مطرح است، که: رفتار و برخوردهای فیزیکی، یعنی سیلی که موجب جرح نشود، جزو مراتب نهی از منکر است؟ شیخ الطائفة (قدس سره) در کتاب نهاییه و برخی فقهای دیگر، جزو منکران آن هستند و به نظر این جانب هم اقوی است؛ اما بعضی از فقها و محققان قائل‌اند که جزو مراتب است؛ یعنی در مرتبه چهارم قرار دارد؛ ولی به هر حال، همه قائلان به جواز، آن را مشروط به عدم فساد، هرج و مرج، کریه شدن چهره اسلام و بدبین شدن به اسلام و مسلمانان می‌دانند. ظاهراً در جامعه باز امروز و ارتباطات وسیع، ضرب و برخورد فیزیکی اگر مستلزم همه آن پیامدها و مفاسد و یا بعضی از آنها نباشد، احتمالش وجود دارد. همین احتمال سبب عدم جواز و حرمت نهی از منکر به مرتبه ایذاء، ضرب و هتک افراد است؛ برخورد فیزیکی با منکر به وسیله حکومت و قانون (یعنی قانون مصوب نمایندگان مجلس شورای اسلامی که حدود و ثغور و مجریان آن را معین نماید) به فتوای همه فقها جایز است. نمایندگان محترم قطعاً در تصویب قانون، رعایت همه جهات و جوانب را می‌نمایند. بنابراین همه آنچه مرقوم شد، غیر از برخورد قانونی و مصوب مجلس شورای اسلامی است.

صانعی، یوسف، **استفتائات فتاوی مورد نیاز افراد مقیم خارج از کشور**، قم: انتشارات فقه‌الثقلین، ۱۳۹۲ش، ۶۸-۶۹.

آنچه از کنکاش آیات و روایات و دلایل و بررسی لغوی امر به معروف و نهی از منکر به نظر می‌رسد آن است که: امر به معروف و نهی از منکر بر چیزی بیش از امر و نهی قولی و فعلی بدون استفاده از زور و قدرت دلالت ندارد

و هرگونه اعمال خشونت و ضرب و جرح را نمی‌توان تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر که یک وظیفه عمومی است پذیرفت، بلکه باید تحت عناوین دیگر نظیر تعزیر، انکار منکر، حدود و... گنجانده شود که از نظر ماهیت و شیوه اجرا و احکام و شرایط با این وظیفه متفاوت است و بخشی از آن مانند حدود و تعزیرات از وظایف حکومت صالح اسلامی است.

صانعی، یوسف، **امر به معروف و نهی از منکر، قم: فقه الثقلین، ۱۳۸۷ ش.**، ۵۳.

س ۸۶۰: آیا تعزیر در گناهان صغیره را جایز می‌دانید یا اینکه منحصر به گناهان کبیره است؟ تعزیر مالی چطور؟
ج- در گناهان صغیره، تعزیر نیست و با ترک کبائر، خداوند از آنها می‌گذرد و اختیار تعزیر، کمأ و کیفأ، در اختیار حاکم است، و می‌تواند با مال هم تعزیر نماید.
صانعی، یوسف، **مجمع المسائل استفتائات، قم: انتشارات میثم تمار، ۱۳۸۷ ش.**، ۳ / ۳۰۷.

س ۸۷۸: ملاک اصلی تعزیرات در حکومت اسلامی چیست؟

ج- سؤال تا حدی مبهم و کلی است، اگر مراد از تعزیرات، تعزیری است که شارع بدان حکم فرموده، موضوعش ارتکاب معصیت کبیره است و بر معاصی صغیره- که امید است با اجتناب از کبائر، خداوند از آن معاصی بگذرد- تعزیری نیست، و اگر مراد، تعزیراتی است که حکومت شرعیه برای برقراری نظم اجتماعی و آرامش و جلوگیری از مفاسد قرار می‌دهد، تابع جعل و قرارداد است، و به هر حال، تعیین مقدار تعزیر، کمأ و کیفأ به دست مسئول قانونی و بما یراه می‌باشد.

صانعی، یوسف، **مجمع المسائل استفتائات، قم: انتشارات میثم تمار، ۱۳۸۷ ش.**، ۳ / ۳۱۳.

س ۵۰۵: با توجه به اینکه قانون مجازات اسلامی موجود در کشور، فقط برای انواع خاصی از افعال حرام مجازات قائل شده است، بفرمایید طبق شرح مقدس کدام یک از افعال حرام یا کدام نوع از این افعال قابل مجازات می‌باشد؟ و آیا اصولاً مرز خاصی برای تفکیک افعال حرام قابل مجازات و غیر قابل مجازات، وجود دارد یا خیر؟ ضمناً گستره تعزیرات در افعال حرام را بیان نمایید.

ج- تعزیر در گناهان کبیره‌ای است که موجب اختلال نظام، مخلل امنیت و یا رواج معاصی می‌باشد و در شرع برای آن حدی معین نشده و اما صغائر از گناهان که خداوند وعده پوشانیدن آنها را با اجتناب از کبائر داده، تعزیر ندارد، و نمی‌توان گفت که خدا لطف می‌کند و شارع می‌پوشاند ولی ما تعزیر می‌نماییم، و اصولاً با پوشانیدن و وعده خداوند جرم نیست تا مورد مجازات قرار گیرد، و گناهان کبیره در کتب فقهیه مفصله بیان شده با مراجعه به آنها معلوم می‌گردد، و ناگفته نماند که حکومت جمهوری اسلامی می‌تواند برای حفظ نظم و تمشیت امور جامعه و امنیت اجتماع، مقررات وضع نماید و تخلف از آنها را موجب تعزیر قرار دهد که از این گونه تعزیرها به تعزیرات سلطانیه تعبیر می‌شود و به هر حال نیاز به قانون مصوب نمایندگان مجلس دارد.

صانعی، یوسف، **استفتائات قضایی، قم: انتشارات پرتو خورشید، ۱۳۸۸ ش.**، ۱ / ۳۴۷-۳۴۸.

آیه الله صانعی با تأکید چندین باره بر این نکته که زن می‌تواند به مقام ریاست جمهوری و رهبری در جمهوری اسلامی برسد و خود زنها باید برای گسترش فضای اجتماعی و سیاسی و حفظ حقوق خود تلاش بنیادینی انجام دهند در باب خواست زنان در خصوص انتخاب نوع حجاب افزود: انتخاب نوع حجاب بدست خود مردم است. اما نداشتن حجاب از نظر قانونی جرم است. البته چنین قانونی که خلاف موازین اسلام هم باشد نباید تصویب شود. حجاب ضروری برای جامعه ندارد. خود زنان هم به این قانون رأی داده اند.

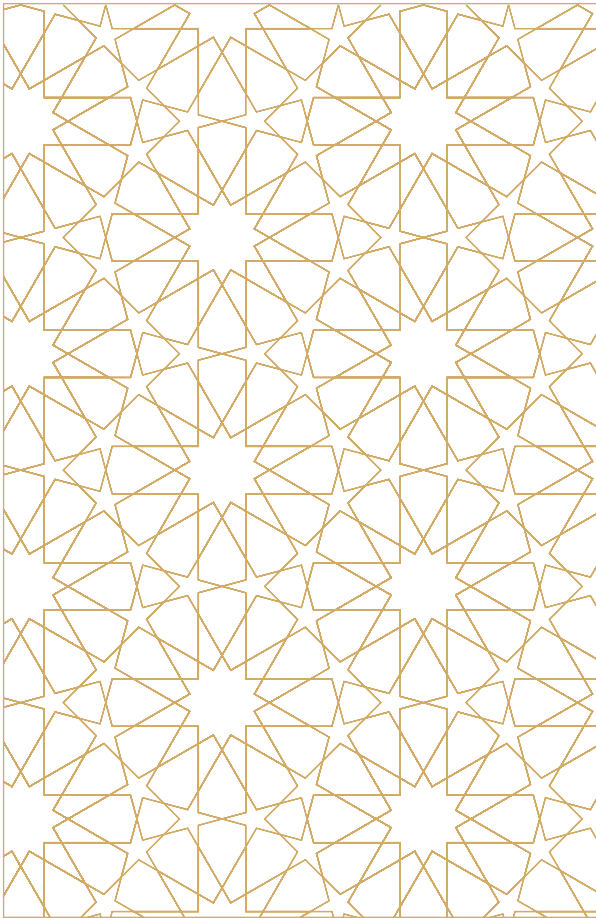
صانعی، یوسف، «گفتگوی خانم لیلی گروبر نماینده پارلمان اروپا و رئیس کمیسیون خلیج فارس و خاورمیانه با حضرت آیت الله العظمی صانعی در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۲»، **سایت رسمی، به نشانی:**

<https://saanei.xyz/?view=01,01,02,50,0>

این مرجع بزرگوار تقلید در ادامه این دیدار با اشاره به بحث مبارزه با بی‌حجابی در سطح جامعه فرمودند: «برای مبارزه با بی‌حجابی نباید جامعه را پلیسی کنیم بلکه باید فرهنگ سازی شود.»

صانعی، یوسف، «حضرت آیت الله العظمی صانعی در دیدار انجمن زنان مدیر کارآفرین در تاریخ ۱۳۸۵/۱/۳۱»، **سایت رسمی، به نشانی:**

<https://saanei.xyz/?view=01,01,02,66,0>



سید محمد باقر صدر

۲۵

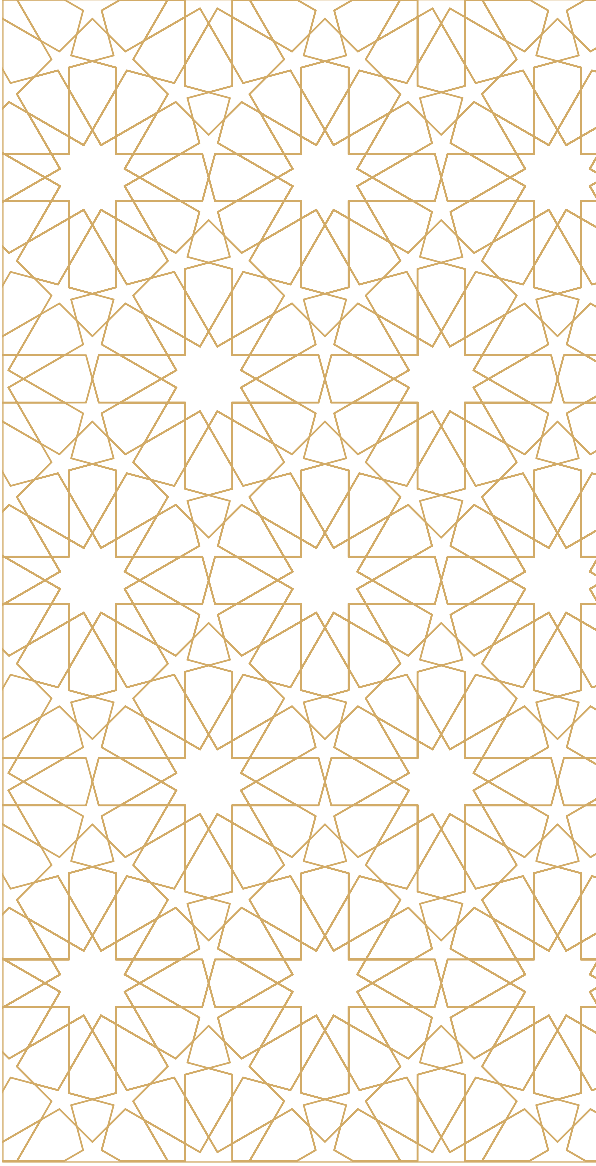
مستندات

[مراتب الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر:]

مسألة (۶): للأمر بالمعروف والنهي عن المنكر مراتب: الأول: الإنكار بالقلب، بمعنى إظهار كراهة المنكر أو ترك المعروف: إمّا بإظهار الانزعاج من الفاعل، أو الإعراض والصدّ عنه، أو ترك الكلام معه، أو نحو ذلك من فعل أو ترك يدلّ على كراهة ما وقع منه. الثاني: الإنكار باللسان والقول، بأن يعظّه وينصحه ويذكر له ما أعدّ الله سبحانه للعاصين من العقاب الأليم والعذاب في الجحيم، أو يذكر له ما أعدّه الله تعالى للمطيعين من الثواب الجسيم والفوز في جنّات النعيم. الثالث: الإنكار باليد بالضرب المؤلم الرادع عن المعصية، ولكلّ واحدة من هذه المراتب أخفّ وأشدّ، والمشهور الترتيب بين هذه المراتب، فإن كان إظهار الإنكار القلبی كافياً في الزجر اقتصر عليه، وإلا أنكر باللسان، فإن لم يكف ذلك أنكره بيده، بل المشهور

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت الله سید محمد باقر صدر مرتبه سوم نهی از منکر را مانند سایر حاشیه نویسان **منهاج الصالحین** می پذیرد؛ یعنی در صورتی که مرتبه قلبی و زبانی مؤثر نبود و همچنان شرایط نهی از منکر پابرجا بود، انکار عملی با زدن دردناکی که بازدارنده از گناه باشد، ثابت می شود. البته در صورتی که چنین کاری منجر به قتل یا جرح شود، شرعاً جایز نیست و امر و ناهی ضامن اند، مگر این که امام و نایب وی انجام دهند که ضامن نیستند، آن هم در شرایطی که مفسده ارتکاب گناه از جرح یا قتل فاعلش بیشتر باشد. مطابق جستجوی نگارنده، آیت الله صدر درباره تعزیرات و احکام مرتبط با آن سخنی نگفته است. آیت الله صدر ولایت مطلقه فقیه را با رعایت قاعده شورا و نظر بزرگان جامعه اسلامی امری مشروع می داند که روشن است با نظر امام خمینی در این موضوع تفاوت هایی دارد.



الترتيب بين مراتب كل واحدة، فلا ينتقل إلى الأشد في كل مرتبة إلا إذا لم يكف الأخرى، وهو أحوط.

مسألة (٧): إذا لم تكف المراتب المذكورة في ردع الفاعل ففي جواز الانتقال إلى الجرح والقتل وجهان، بل قولان، أقواهما العدم، وكذا إذا توقّف على كسر عضو من يد أو رجل أو غيرهما، أو إعاقة عضو كشلل أو اعوجاج أو نحوهما، فإن الأقوى عدم جواز ذلك، وإذا أدى الضرب إلى ذلك خطأ أو عمدًا فالأقوى ضمان الأمر والناهي لذلك، فتجري عليه أحكام الجناية العمدية إن كان عمدًا، والخطأية إن كان خطأً. نعم، يجوز للإمام ونائبه ذلك إذا كان يترتب على معصية الفاعل مفسدة أهم من جرحه أو قتله، وحينئذ لا ضمان عليه. صدر، سيد محمد باقر، منهاج الصالحين، قم: مركز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر، ١٤٣٤ق.، ١ / ٥٠٨.

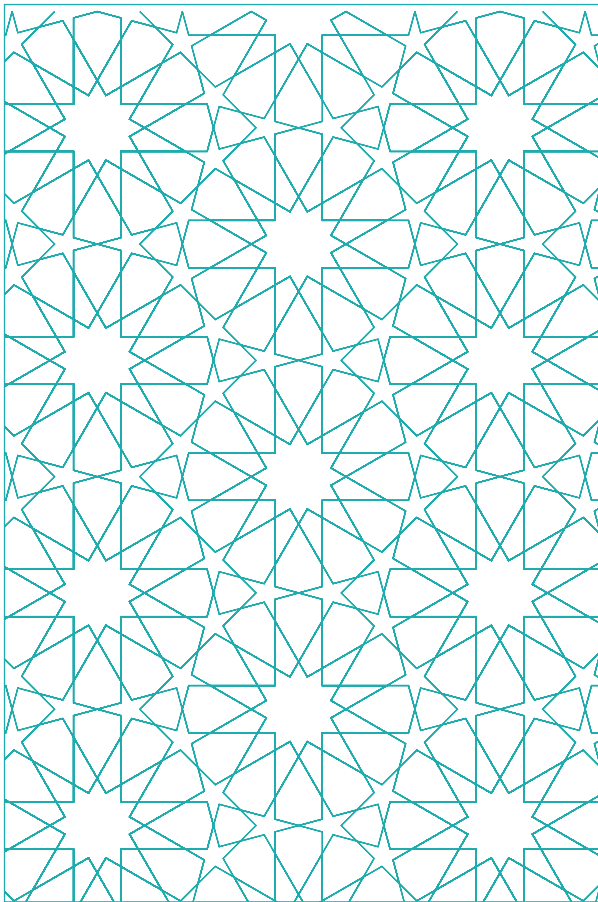
س: هل هناك روايات أخرى غير التوقيع الوارد من الإمام المهدي تستدلون بها على ولاية الفقيه العامة؟ ما هي؟ وهل تستدلون على الولاية العامة للفقيه بأدلة أخرى، ما هي؟

ج: هناك روايات أخرى عديدة، غير أنّ ما نعتمد عليه هو التوقيع خاصة في أثبات الولاية العامة. صدر، سيد محمد باقر، ومضات، قم: مركز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر، ١٤٢٨ق.، ٤٨٣-٤٨٤.

وتستطيعون أن تستخلصوا على ضوء ما تقدم أنّ الصورة التي أعطيناها تقوم على المبادئ التشريعية التالية في الفقه الإسلامي:

١. لا ولاية بالأصل إلا لله تعالى.
٢. النيابة العامة للمجتهد المطلق العادل الكفوء عن الإمام وفقاً لقول إمام العصر عليه السلام: "وأما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا فإنهم حجّتي عليكم وأنا حجّة الله.
- فإنّ هذا النصّ يدلّ على أنّهم المرجع في كلّ الحوادث الواقعة بالقدر الذي يتصل بضمان تطبيق الشريعة على الحياة؛ لأنّ الرجوع إليهم بما هم رواة أحاديثهم وحملة الشريعة يعطيهم الولاية بمعنى القيمة على تطبيق الشريعة وحقّ الإشراف الكامل من هذه الزاوية.

٣. الخلافة العامّة للأمة على أساس قاعدة الشورى التي تمنحها حقّ ممارسة أمورها بنفسها ضمن إطار الإشراف والرقابة الدستورية من نائب الإمام.
٤. فكرة أهل الحلّ والعقد التي طبّقت في الحياة الإسلامية، والتي تؤدّي بتطويرها - على النحو الذي ينسجم مع قاعدة الشورى وقاعدة الإشراف الدستوري من نائب الإمام - إلى افتراض مجلسٍ يمثل الأمة وينشئ عنها بالانتخاب.
- صدر، سيد محمد باقر، الإسلام يقود الحياة، تهران: وزارة الإرشاد الإسلامي، ١٤٠٣ق.، ١٦.



سید حسن طباطبایی قمی

۲۶

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت الله سید حسن طباطبایی قمی در رساله توضیح المسائل خود نهی از منکر در مرتبه عملی را می پذیرد، مشروط به این که مراتب قبلی پیش از آن مؤثر واقع نشود و البته مراعات خفیف تر به شدیدتر را نیز لازم می داند. همچنین در صورتی که مرتبه عملی منجر به جرح یا قتل شود، تنها برای مجتهد جامع الشرایط جایز است، آن هم در برخی موارد و با ملاحظه قانون تراحم و تقدیم اهم بر مهم. در واقع این مرتبه برای دیگران جایز نیست.

مستندات

مسئله ۲۸۴۹: اول مرتبه امر به معروف و نهی از منکر، امر به معروف و نهی از منکر قلبی است، بعد روتورش کرده و اظهار کراهت و انزجار نمودن از کار بد است، بعد دوری و بی اعتنایی

نمودن به کسی که کار بد می کند، بعد با زبان نرم نصیحت و موعظه کردن، بعد با خشونت و تندى و کلمات درشت سخن گفتن است، بعد با زدن مانند سیلی خفیف و اگر فایده نکرد زدن شدید به طوری که درد آور باشد و احتیاط آن است که تا مرتبه قبلی مفید باشد، مرتبه بعد را انجام ندهد و رعایت ترتیب را بنماید و چنانچه چاره منحصر باشد به مجروح ساختن و نقض اعضای او و مانند اینها و ناچار منحصر به کشتن باشد، بنا بر اقوی جایز نیست، فقط برای مجتهد عادل و جامع الشرایط در بعض موارد ملاحظه الایم فالایم ممکن است جایز باشد و بهترین طریقه برای امر به معروف و نهی از منکر خاصه از برای اهل علم و روحانیین آن است که با تهذیب اخلاق و اعمال و رفتار خود دیگران را به کارهای خوب و ادار نمایند و از کارهای بد دور سازند.

طباطبایی قمی، سید حسن، رساله توضیح المسائل، بی جا: بی نا، بی تا، ۵۱۵.

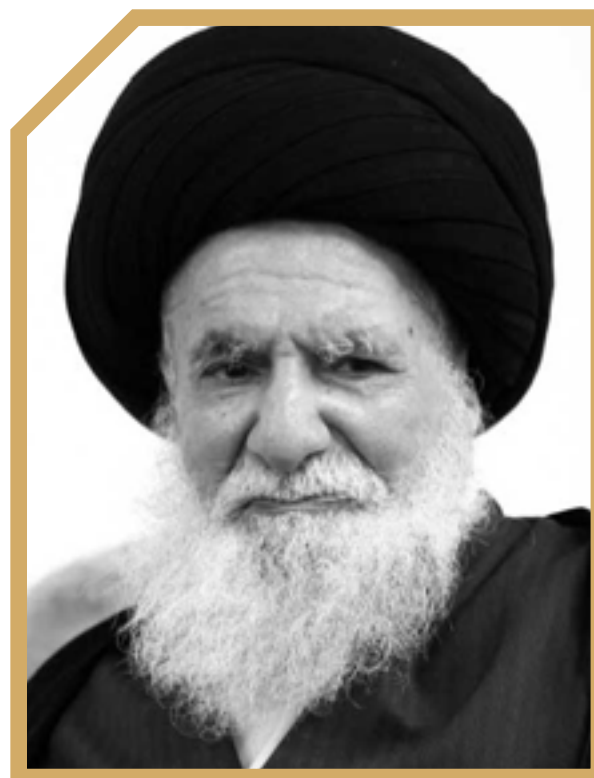
همچنین نمی‌توان گفت ادله اطلاق دارد یا هدف از امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد معروف و از بین بردن منکر است. البته ایشان این نظرات را در مقام استدلال و در کتابی استدلالی نوشته است؛ در نتیجه احتمال دارد در جایگاه فتوا دادن به دلایلی آن را کنار بگذارد. بر اساس جستجوی نگارنده، آیت‌الله سیدتقی قمی درباره تعزیرات و ولایت فقیه نظرش را علناً به صورت مکتوب بیان نکرده است.

مستندات

الثالثة: الانكار باليد بالضرب المؤلم الرادع عن المعصية، و لكل واحدة من هذه المراتب مراتب اخف و اشد، و المشهور الترتيب بين هذه المراتب، فان كان اظهار الانكار القلبي كافيا في الزجر اقتصر عليه، و الا انكر باللسان، فان لم يكف ذلك انكره بيده (۱) و لكن الظاهر ان القسمين الاولين في مرتبة واحدة فيختار الامر أو الناهي ما يحتمل التأثير منهما (۲)، و قد يلزمه الجمع بينهما (۳).

(۱) ان تم اجماعا فهو و الا فيشكل الحكم بالجواز مع عدم جوازه على طبق القواعد الاولى الا في مورد قيام الدليل على الجواز. و صفة القول ان المستفاد من الدليل اللفظي وجوب الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر، و هذا المقدر لا يكفي لجواز الضرب، بل لا يقتضي جواز الشتم و السب. و ان شئت قلت لا دليل على منع حصول المنکر في الخارج کي يقتضي جواز مقدماته على الاطلاق، بل الدليل انما دل على الأمر و النهی فلا بد من الاقتصار عليهما و الزائد عنهما يحتاج الى الدليل و لم نجده فلا بد من اتمام المدعى بالإجماع و التسالم بين الاصحاب ان تما و ما أفاده في الجواهر من أن المستفاد من الأدلة ان المراد بالأمر بالمعروف و النهی عن المنکر الحمل على ذلك بايجاد المعروف و التجنب عن المنکر لا مجرد القول الى آخر كلامه زيد في علو مقامه دعوى بلا دليل و الله العالم. (۲) قد تقدم عدم دليل على الترتيب كما أنه قد تقدم عدم قيام دليل على وجوب المرتبة الاولى. (۳) الظاهر انه لا دليل الا على وجوب الأمر و النهی كما تقدم.

طباطبایی قمی، سیدتقی، مبانی منهاج الصالحین، قم: منشورات قلم الشرق، ۱۴۲۶ق، ۷/ ۱۵۶-۱۵۷.



سیدتقی طباطبایی قمی

۲۷

تبیین اجمالی دیدگاه

از آثار فقهی فتوایی آیت‌الله سیدتقی طباطبایی قمی چیزی در دست نیست. بنا بر اطلاع چند تن از نزدیکان بیت طباطبایی قمی، او هیچ‌گاه **منهاج الصالحین** خود را به صورت عمومی منتشر نکرد و تنها رساله توضیح المسائل فارسی مدتی کوتاه منتشر شد که پس از پشیمانی ایشان از این کار، دیگر توزیع نشد و لذا اکنون دستیاب نیست.

از میان آثار فقهی استدلالی آیت‌الله طباطبایی قمی می‌توان دریافت که او علاوه بر اینکه دلایل وجوب شرعی مرتبه انکار قلبی را کافی نمی‌داند، به این نتیجه می‌رسد که مرتبه سوم نهی از منکر (زدن به صورت دردناک و بازدارنده از گناه) نیز پذیرفتنی نیست؛ زیرا معتقد است از دلیل لفظی وجوب امر به معروف و نهی از منکر، وجوب آن در حد انکار زبانی استفاده می‌شود که برای جواز زدن یا حتی دشنام کافی نیست.

اینجور که در خیابان‌ها برای حجاب کار کردیم و با بدحجابی و بی‌حجابی مقابله کردیم آیا با این اختلاس‌های عجیب و غریبی که اتفاق می‌افتد برخورد کردیم؟ ما باید برای مردم جوابگویی کنیم؛ اعتماد مردم سلب می‌شود؛ معنا ندارد در یک بیمه اجتماعی که این کارگر دارد کار می‌کند و روزانه حق بیمه پرداخت می‌کند، یک نفر این اموال بیمه را بردارد ببرد و اختلاس کند؛ نه این که آقایان برخورد نکردند و نمی‌کنند، آقایان برخورد می‌کنند اما به مردم بگویید چه جور برخورد می‌کنید؛ مردم در جریان باشند و بفهمند.

علوی بروجردی، سیدمحمدجواد، «بیانات آیت‌الله علوی بروجردی به مناسبت چهل سالگی انقلاب اسلامی در پایان درس خارج فقه چهارشنبه ۱۳۹۶/۱۱/۱۸»، کانال تلگرام رسمی آیت‌الله علوی بروجردی، به‌نشانی:

<https://t.me/alaviboroujerdi/130>

این روحانیت این حوزه و این مرجعیت. پدر نسبت به همه فرزندان تکفل دارد. چه آنکه خلف باشد چه آنکه ناخلف باشد. بچه ناخلف که با پدر دعوا کرده و از خانه قهر کرده و بیرون رفته و به پدر هم بدگویی کرده وقتی مریض شود و به بیمارستان احتیاج پیدا کند، پدر بالا سر او نمی‌رود؟ این پدر وقتی شب می‌خواهد بخوابد در فکر این نیست که بچه من امشب کجا می‌خوابد؟ و آیا وسیله راحت او فراهم است یا نه؟ چشم این پدر همیشه به در هست که این پسر کی سراغ من می‌آید؟ ما هم نسبت به آحاد شیعه همین جور هستیم. شخص گناهکار و فاسق باشد، خلاف بکند، منحرف عقیده‌ای شده باشد، رفته مسیحی شده باشد و هر چه شده باشد بچه‌های ما هستند یا نه؟ این دختر بدحجاب، بی‌حجاب است یا رفته بیرون خلافکار شده باشد بچه‌هاست. نمی‌توانیم نسبت به بچه‌های خود بی تفاوت باشیم. روش ما در شان مرجعیت، چه پایین‌تر، چه در حدیک روحانی عادی که در یک مسجد مساله گوست - تفاوت نمی‌کند - یک وجه مشترک داریم؛ باید این پدری را نسبت به مردم اعمال کنیم و داشته باشیم. روش‌های ما باید روش‌های جذب باشد، نه روش‌های دفع. بزرگان ما اینجور بودند.

علوی بروجردی، سیدمحمدجواد، گفتگوی آیت‌الله علوی بروجردی با جماران»، پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری جماران، به‌نشانی: <https://www.jamran.news/fa/tiny/news-1263844>

مثلاً در ترکیه، شیعیان که در منطقه هستند؛ ۴-۵ میلیون نفر جمعیت دارند و حکومت فعلی و قبلی هم فرقی به حال شیعیان نکرده است. بانوان برای دانشگاه رفتن، همیشه سر حجاب مشکلات داشتند. آنجا وقتی با مبلغان و بزرگان گفت‌وگو می‌کردیم. می‌گفتیم که اگر به خاطر مسئله حجاب نگذاریم خانم‌ها به دانشگاه بروند عملاً خانم‌ها را از دایره اجتماع حذف کرده‌ایم. آیا می‌توانیم نیمی از این جمعیت را از اجتماع کنار بگذاریم؟ رشته‌هایی که شما عزیزان تحصیل می‌کنید، رشته‌هایی هستند که مملکت ما چون ام‌القرای جهان اسلام است، به همه آن‌ها نیاز دارد. مدیریت بازرگانی و صنعتی را واقعاً در این مملکت نیاز داریم. باید جامعه خودمان را متحول کنیم.

علوی بروجردی، سیدمحمدجواد، «دیدار آیت‌الله علوی بروجردی با دانشجویان دانشگاه پیام نور واحد آران و بیدگل»، خبرگزاری رسمی حوزه، به‌نشانی: <https://hawzahnews.com/x5qFQ>



سیدمحمدجواد علوی بروجردی

۲۸

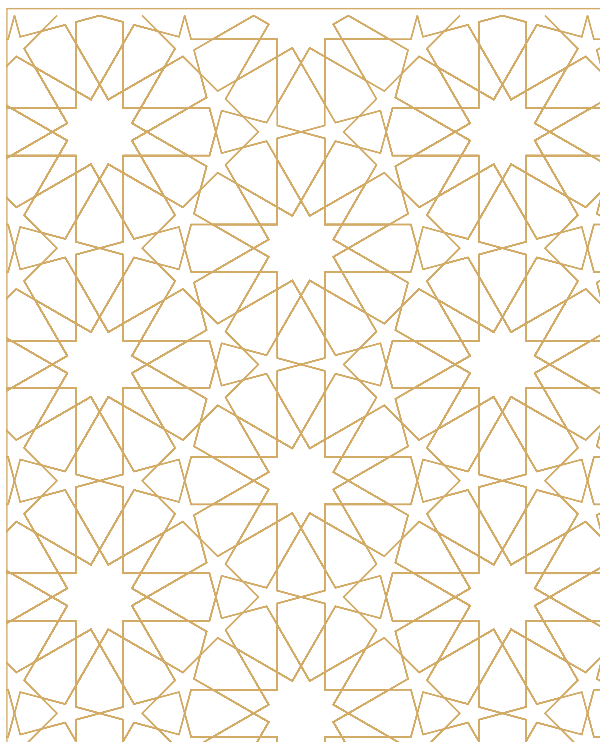
تبیین اجمالی دیدگاه

در رساله توضیح المسائل آیت‌الله علوی بروجردی اساساً احکام امر به معروف و نهی از منکر و تعزیرات ذکر نشده است. با این حال طبق اظهارات وی در مصاحبه‌ها و گفتگوها می‌توان گفت آیت‌الله علوی بروجردی الزام بر حجاب را با توجه به شرایط کنونی و حساسیت‌های اجتماعی که در پی آن ایجاد شده، جایز نمی‌داند.

با این حال طبق اظهارات آیت‌الله علوی بروجردی در مصاحبه‌ها و گفتگوها می‌توان گفت او الزام بر حجاب را با توجه به شرایط کنونی و حساسیت‌های اجتماعی که در پی آن ایجاد شده جایز نمی‌داند؛ بلکه با توجه به اظهارات شاگردان و منتسبین ایشان می‌توان گفت ظاهراً آن را به صورت عمومی ترو کلی تری نمی‌پذیرد. از طریق برخی مصاحبه‌ها و اظهارات شاگردان و اشخاص مرتبط با آیت‌الله علوی بروجردی می‌توان چنین نتیجه گرفت که ایشان ادله فقهی ولایت مطلقه فقیه را قبول ندارد.

مستندات

... سقوط تمدن‌ها به این است که ما مسائل اساسی را فراموش کنیم و به مسائل حاشیه‌ای بپردازیم؛ حجاب واجب است اما اینقدر که به حجاب پرداختیم و



سید محمد علی علوی گرگانی

۲۹

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت‌الله علوی گرگانی مرتبه سوم نهی از منکر که انکار عملی باشد را در صورتی واجب می‌داند که اطمینان حاصل شود راه‌های قبلی بی‌تأثیر بوده و تنها از این راه است که تارک معروف یا فاعل منکر، معروف را انجام می‌دهد یا از منکر پرهیز می‌کند. البته به نظر آیت‌الله علوی گرگانی، این مرحله در صورتی که در حد فاصله انداختن میان گناهکار و وسیله گناه باشد جایز است، ولی اگر بیش از این باشد و بخواهد به ضرب یا جرح برسد، تنها از وظایف حکومت اسلامی است. آیت‌الله علوی گرگانی درباره تعزیرات مطلبی ندارد. او از قائلان به ولایت مطلقه فقیه است.

مستندات

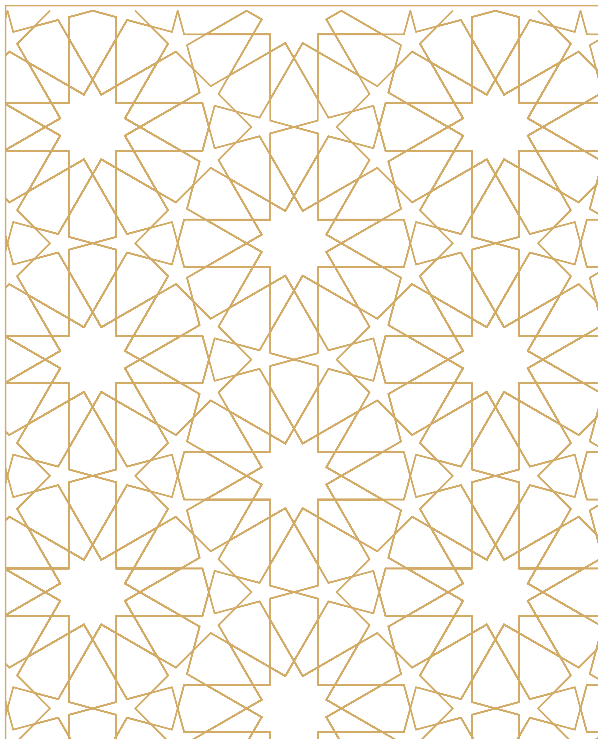
امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد که در صورت احتمال حاصل شدن مقصود از مرتبه پایین، اقدام در حد مرتبه بالاتر جایز نیست؛ و مراتب امر و نهی از این قرار است:

مرتبه اول به گونه‌ای با گناهکار برخورد شود که احساس کند ارتکاب گناه سبب شده با وی این گونه برخورد می‌کنند؛ مثل اینکه از او روی بگردانند یا با چهره خشمگین با وی ملاقات کنند و یا با او رفت و آمد نکنند. و اگر در این مرتبه درجاتی باشد و احتمال تأثیر درجه ضعیف وجود داشته باشد، به همان درجه ضعیف اکتفا کنند؛ مثلاً اگر احتمال داده شود که با ترک تکلم مقصود حاصل می‌شود، به همان اکتفا شود و به درجه بالاتر عمل نکنند؛ خصوصاً اگر طرف او شخصی باشد که این عمل موجب هتک او می‌شود.

مرتبه دوم امر به معروف و نهی از منکر را با زبان انجام دهد؛ پس با احتمال تأثیر و وجود دیگر شرایط واجب است گناه کار را از انجام گناه نهی کند، و به کسی که واجب را ترک کرده به انجام آن دستور دهد. مرتبه سوم استفاده از قدرت و زور؛ پس اگر انسان بداند یا مطمئن شود شخص بدون اعمال قدرت و زور واجب را بجا نمی‌آورد یا منکر را رها نمی‌کند، واجب است از قدرت و زور استفاده کند؛ به شرط آنکه از قدر لازم تجاوز ننماید.

مسئله ۲۸۸۵ - اگر جلوگیری از معصیت یا اقامه واجب بر مجروح کردن یا کشتن متوقف باشد، باید با اجازه حاکم شرع و با حصول شرایط آن صورت پذیرد و خودسرانه جایز نیست.

علوی گرگانی، سید محمد علی، رساله توضیح المسائل، قم: دفتر حضرت آیت‌الله العظمی علوی گرگانی، ۱۳۸۶ ش، ۵۰۵-۵۰۶.



س ۱: مراتب امر به معروف و نهی از منکر را توضیح فرمایید؟
ج- الف: شخص امر عملی را انجام دهد که گناهکار بفهمد کار او نزد امر زشت است. ب: امر و نهی با زبان. ج: انکار با دست مثلاً بین گناهکار و آلات گناه فاصله بیندازد.
 علوی گرگانی، سیدمحمدعلی، **أجوبة المسائل**، قم: دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی علوی گرگانی، ۱۳۹۳ ش، ۲۴۰.

س ۹: اگر بتوانیم از راه محبت امر به معروف و نهی از منکر کنیم بهتر است یا از قوه قهریه؟
ج- البته تا جایی که ممکن است با اخلاق خوش و ادب اسلامی امر به معروف و نهی از منکر شود و بیش از آن وظیفه حکومت اسلامی است.
س ۲: وظیفه شوهری که همسرش واجبات دینی را به جا نمی‌آورد چیست؟
ج- باید شوهر امر به معروف و نهی از منکر کند و نمی‌تواند او را وادار به نماز کند.
 علوی گرگانی، سیدمحمدعلی، **أجوبة المسائل**، قم: دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی علوی گرگانی، ۱۳۹۳ ش، ۲۳۸.

علوی گرگانی، سیدمحمدعلی، **أجوبة المسائل**، قم: دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی علوی گرگانی، ۱۳۹۳ ش، ۲۴۰-۲۴۱.

ولایت فقیه از زمان شیخ طوسی و قبل از آن بوده و سند آن، همان سخن امام زمان (عج) است که فرمودند: «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها إلى رواة حدیثنا فانهم حجتي علیکم و انا حجة الله علیهم» یعنی «در رخدادهایی که پیش می‌آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید زیرا آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنان هستم.»، این همان معنای ولایت فقیه است، این ولایت فقیه از بین نمی‌رود و بوده و خواهد بود تا به دست امام زمان (عج) برسد. ولایت فقیه یک مسئله اساسی و ریشه‌دار است و این‌گونه نیست که بگوییم خود امام خمینی (ره) آن را ابداع کرده باشد، بلکه امام مفهوم آن را روشن کردند. اکنون مراجع نیز ولایت دارند و می‌توانند در همه امور نظر دهند اما در زمان کنونی که آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری انتخاب شدند و مورد تأیید مراجع هستند، همه نظرات تابع ولایت فقیه است تا ایشان سرآمد همه باشند و مملکت یک‌صدا باشد، اختیار امورات هم به‌دست رهبر معظم انقلاب است و نظر ایشان را پیاده می‌کنیم.
 علوی گرگانی، سیدمحمدعلی، «مصاحبه اختصاصی تسنیم با مرحوم آیت‌الله‌العظمی علوی گرگانی»، خبرگزاری تسنیم، در:

<https://tn.ai/2682959>

س ۶: اینکه در روایات اسلامی این‌قدر در زمینه اهمیت امر به معروف و نهی از منکر تأکید شده است آیا از وظایف حکومت‌هاست یا از وظایف مسلمین و مردم؟
ج- مقداری که باید از قوه قهریه استفاده شود وظیفه حکومت اسلامی و آن مقداری که احتیاج به قوه قهریه ندارد وظیفه همه مسلمین است.
 علوی گرگانی، سیدمحمدعلی، **أجوبة المسائل**، قم: دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی علوی گرگانی، ۱۳۹۳ ش، ۲۳۹.

س ۲: اگر امر به معروف و نهی از منکر مستلزم ضرب و شتم باشد، آیا بدون اجازه حاکم شرع می‌توان اقدام کرد؟
ج- اگر موردی پیش بیاید که مستلزم ضرب و شتم باشد، لازم است که از حاکم شرع اجازه بگیرد.
 علوی گرگانی، سیدمحمدعلی، **أجوبة المسائل**، قم: دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی علوی گرگانی، ۱۳۹۳ ش، ۲۴۰.
س ۷: در برخورد با کسی که فساد می‌کند آیا می‌توانیم او را کتک بزنیم یا از وظایف دادگاه و حکومت است؟
ج- در موردی که احتیاج به قوه قهریه است حکومت باید انجام دهد به عنوان مثال فردی را می‌بینیم نعوذ بالله شراب می‌خورد نمی‌توانیم او را تازیانه بزنیم.

اطمینان داشته باشد که ترک منکر نمی‌کند یا واجب را به‌جا نمی‌آورد مگر با اعمال زور و جبر، واجب است، لکن باید تجاوز از قدر لازم نکند.

مسئله ۲۱۱۵: اگر متوقف باشد جلوگیری از معصیت، بر کتک زدن و سخت گرفتن بر شخص معصیت‌کار، و در مضیقه قرار دادن او، جایز است، لکن لازم است مراعات شود زیاده‌روی نشود و بهتر بلکه احتیاط لازم آن است که در این امر و نظیر آن اجازه از مجتهد جامع‌الشرایط گرفته شود.

مسئله ۲۱۱۶: اگر جلوگیری از منکرات و اقامه واجبات موقوف باشد بر جرح و قتل، جائز نیست مگر به اذن مجتهد جامع‌الشرایط با حصول شرائط آن.

فاضل لنکرانی، محمد، رساله توضیح المسائل، سایت رسمی دفتر آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی به‌نشانی:

http://www.lankarani.com/cmnbok/far/resale_far_pre/resala.pdf

صص ۳۴۰-۳۴۲.

سؤال ۹۳۰: مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.
جواب: چون مقصود از امر به معروف و نهی از منکر آن است که مرتکب فعل حرام و ترک واجب، این عمل را ترک کند، پس اگر به مجرد اظهار کراهت از این عمل - ولو به اعراض و ترک معاشرت و مراوده - مرتکب، مرتدع می‌شود و ترک می‌کند، کافی است و ادای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر شده است و حاجت به امر و نهی بیشتر نیست. و این، درجه اول از امر به معروف و نهی از منکر است.

درجه دوم از امر به معروف و نهی از منکر آن است که اگر مرتکب منکر، با اظهار کراهت، ترک معصیت نکرد با حسن خلق و کلام حسن او را امر به معروف و نهی از منکر کند و مصالح ترک منکر و فعل معروف و مفاصد عکس آن را بیان کند تا مرتکب، متنبه شود و ترک معصیت کند، و اگر به همین مقدار مرتکب، متنبه شد و معصیت را ترک کرد ادای وظیفه شده است.

درجه سوم از امر به معروف و نهی از منکر آن است که اگر معصیت کار، به زبان خوش و کلام حسن، ترک معصیت نکرد، با غلظت و کلام خشن و تعبیر و سرزنش، امر و نهی کند. با مراعات ترتیب درجات زبری و خشونت.



محمد فاضل لنکرانی

۳۰

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت‌الله فاضل لنکرانی مرتبه سوم نهی از منکر را می‌پذیرد، مشروط بر اینکه جلوگیری از معصیت توسط مراتب قبلی کافی نبوده و متوقف بر این مرحله باشد و بنا بر احتیاط واجب نیز برای انجام آن از مجتهد جامع‌الشرایط اجازه گرفته شود.
آیت‌الله فاضل لنکرانی در تعزیرات دو قاعده «التعزیر لکل عمل محرّم» و «التعزیر بما یراه الحاکم» را می‌پذیرد.
آیت‌الله فاضل ولایت مطلقه فقیه را قبول دارد.

مستندات

مسئله ۲۱۰۱: برای امر به معروف و نهی از منکر مراتبی است و جایز نیست با حاصل شدن مقصود از مرتبه پایین، به مراتب دیگر عمل شود.

مسئله ۲۱۱۰: مرتبه سوم توسل به زور و جبر است، پس اگر بداند یا

صورت نپرداختن جریمه از ناحیه محکوم، آیا می شود جریمه را تبدیل به حبس کرد؟

جواب: جریمه و جزای نقدی که بجای تعزیر بدنی است و حاکم شرع صلاح دانسته و تعزیر بدنی را به جزای نقدی تبدیل کرده دین نیست. و حاکم می تواند آن را به حبس تبدیل کند. فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل (فارسی)، سایت رسمی دفتر آیت الله العظمی فاضل لنکرانی به نشانی:

<http://www.lankarani.com/far/bok/view.php?ntx=037000>
1/498-499.

و الوجه في الثبوت مضافاً إلى ثبوته في المعصية مطلقاً أو في خصوص الكبيرة، و سقوط القصاص لا ينافيه رواية جابر، عن أبي جعفر (عليه السلام) في الرجل يقتل ابنه أو عبده قال: لا يقتل به، و لكن يضرب ضرباً شديداً و ينفى عن مسقط رأسه، بناء على حملها على كونه من مصاديق التعزير بما يراه الحاكم.

فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة (القصاص)، قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار، ۱۳۸۰ ش، ۱۵۳. و لكنّ الظاهر - كما يأتي في محلّه - ثبوت الولاية المطلقة للفقیه في عصر الغيبة، و أنّه يتمكّن من نصب المتولّي والقیّم كما يتمكّن الإمام علیه السلام من نصبهما.

فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة (الاجتهاد و التقليد)، قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار، ۱۴۲۶ ق، ۲۳۸.

س: هل ترون الولاية المطلقة للفقیه؟

ج: الظاهر بمقتضى العقل و النقل ثبوت الولاية المطلقة للفقیه الجامع للشرائط.

فاضل لنکرانی، محمد، أجوبة السائلین، قم: انتشارات اسوه، ۱۴۱۶ ق، ۱۳۴.

السؤال ۸۳۶: هل تجب طاعة حكم الوليّ الفقیه على الجميع، حتّى على الذّین لا یقلّدونه؟ الجواب: طاعته واجبة على الجميع.

السؤال ۸۳۷: هل تكون الأحكام الصادرة من وليّ أمر المسلمین في الجمهورية الاسلامیة الايرانيّة نافذة المفعول على مسلمي سائر البلدان؟ الجواب: الأحكام الصادرة من الوليّ الفقیه إذا كانت لمنطقة خاصّة فهي واجبة لتلك المنطقة، و إذا كانت عامّة فهي نافذة المفعول على الجميع.

فاضل لنکرانی، محمد، مجمع المسائل (عربی)، قم: امیر قلم، ۱۴۲۵ ق، ۲۰۵.

درجه چهارم از امر به معروف و نهی از منکر در موردی است که معصیت کار، از درجات مذکوره، ترك معصیت نکند و مصرّ باشد، در این صورت اگر بداند به زدن، ترك می کند و یا اقلّ احتمال عقلایی باشد که زدن، مؤثّر است و از ضرر به جان و مال و عرض خود یا مسلمان دیگری ایمن باشد، واجب است زدن به مقداری که ترك معصیت کند. به شرط آنکه منجرّ به جرح و قتل یا سرخی و کبودی که دیه دارد، نشود. فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل (فارسی)، سایت رسمی دفتر آیت الله العظمی فاضل لنکرانی به نشانی:

<http://www.lankarani.com/far/bok/view.php?ntx=037000>

سؤال ۹۳۴: زنی از نظر روابط و معاشرت با نامحرمان و پوشیدن لباس به شیوه نامناسب پروایی ندارد و در این باره به حرفهای شوهر اعتنا نمی کند و وظیفه شوهرش چیست؟

جواب: لازم است با موعظه و نصیحت یا به هر وسیله دیگری که ممکن است او را به احکام شرع ارشاد و از معصیت کردن جلوگیری کند.

فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل (فارسی)، سایت رسمی دفتر آیت الله العظمی فاضل لنکرانی به نشانی:

<http://www.lankarani.com/far/bok/view.php?ntx=037000>
1/232.

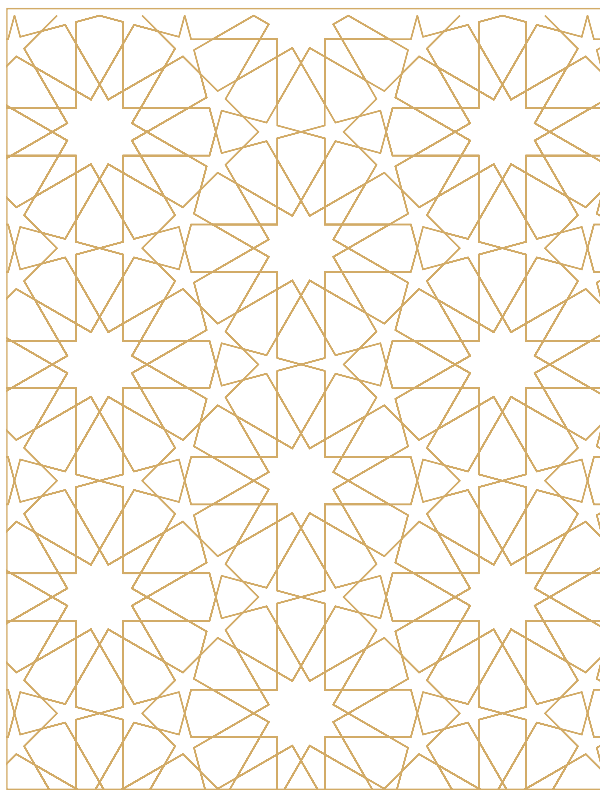
سؤال ۱۸۹۱: آیا صرف نگهداری نوار مبتذل و غیر مجاز، و نیز صرف نگهداری شراب، جرم و قابل تعزیر می باشد؟

جواب: خیر، صرف نگهداری چیزهای مذکور، موجب تعزیر نمی شود. بلکه باید معلوم شود که هدف از نگهداری آنها چه بوده؟ و بعد از طی مراحل امر به معروف و نهی از منکر، اگر قاضی مجتهد جامع الشرائط باشد، طبق نظر خود عمل کند. و الا تابع نصب است.

سؤال ۱۸۹۲: در مورد پوشیدن طلا توسط مردان و تظاهر به آن، با صرف مشاهده توسط قاضی می توان تعزیر کرد یا خیر؟

جواب: در تظاهر به گناه و حرام پس از طی مراحل امر به معروف و نهی از منکر، قاضی که مجتهد جامع الشرائط باشد، طبق نظر خود عمل می کند، و اگر منصوب است، تابع نصب است.

سؤال ۱۸۹۳: آیا جریمه و جزای نقدی، دین است یا مجازات؟ و در



مستندات

الثالثة: الإنكار باليد بالضرب المؤلم الرادع عن المعصية، و لكل واحدة من هذه المراتب مراتب أخف و أشد، و المشهور الترتب بين هذه المراتب، فإن كان إظهار الإنكار القلبی كافياً في الزجر اقتصر عليه، و إلا أنكر باللسان، فإن لم يكف ذلك أنكر بيده، و لكن الظاهر أن القسمين الأولين في مرتبة واحدة فيختار الأمر أو الناهي ما يحتمل التأثير منهما، و قد يلزمه الجمع بينهما، و أما القسم الثالث فهو مترتب على عدم تأثير الأولين، و الأحوط - لزوماً - في هذا القسم الترتيب بين مراتبه، فلا ينتقل إلى الأشد، إلا إذا لم يكف الأخر.

(مسألة ۱۹۱): إذا لم تكف المراتب المذكورة في ردع الفاعل، ففي جواز الانتقال إلى الجرح و القتل و جهان، بل قولان أقواهما العدم، و كذا إذا توقف على كسر عضو من يد أو رجل أو غيرهما أو إعاقة عضو كشلل أو اعوجاج أو نحوهما، فإن الأقوى عدم جواز ذلك، و إذا أدى الضرب إلى ذلك خطأ أو عمداً فالأقوى ضمان الأمر و الناهي لذلك، فتجري عليه أحكام الجنایة العمدية إن كان عمداً و الخطأ إن كان خطأ. نعم، يجوز للإمام و نائبه ذلك إذا كان يترتب على



محمد اسحاق فیاض

۳۱

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت الله فیاض مرتبه سوم نهی از منکر که زدن دردناک و بازدارنده از گناه باشد را می پذیرد، مشروط به اینکه مرتبه قلبی و سپس زبانی بازدارنده نباشد و مؤثر واقع نشود. با این حال نباید زدن منجر به جرح یا قتل شود و در صورت ارتکاب، آمر و ناهی ضامن اند، مگر اینکه امام(ع) یا نایب وی انجام دهد؛ در صورتی که مفسده گناه آن شخص مهم تر از مفسده مجروح یا کشته شدن او باشد.

آیت الله فیاض اگرچه در **منهاج الصالحین** به صورت کلی درباره تعزیر نسبت به هر عمل حرامی نظر مثبت دارد، ولی در استفتائی راجع به تراشیدن ریش، آن را موجب تعزیر نمی داند؛ در نتیجه ایشان در کلیت و عمومیت این قاعده تردید دارد، هرچند مشخص نیست تا چه محدوده ای را قبول دارد.

آیت الله فیاض از قائلین به ولایت مطلقه فقیه و حکومت اسلامی توسط فقیه به صورت محدود و با کمک نخبگان جامعه در عصر غیبت امام زمان(عج) است، هرچند معتقد است پس از پیامبر اکرم(ص)، امیرالمؤمنین(ع) و امام حسن(ع) تا امروز هیچ حکومتی مصداقاً اسلامی نبوده است.

فالتیجہ: ان المتفاهم العرفي من الرواية ان أمر الامام بافطار ذلك اليوم بعنوان الوظيفة على أساس الولاية كناية عن ان هذا اليوم عيد، و بما ان من بيده الأمر في زمن الغيبة هو المجتهد الجامع للشرائط فله أن يتصدى ذلك الأمر.

ومن ذلك كله يظهر ان نفوذ حكم الحاكم لولم يكن أقوى فلا شبهة انه أحوط، وتؤكد ذلك ان الحكومة الشرعية الاسلامية تمتد بامتداد الرسالة حيث أنها تعبير آخر عنها، ومن المعلوم أنها ليست محدودة بأمد معين كعصر العصمة بل تمتد إلى يوم القيامة. وعلى هذا فلا بد في كل عصر من وجود شخص يقوم بتطبيق الرسالة ان أمكن، وهو منحصر في عصر الغيبة بالمجتهد الجامع للشرائط، فإذا اتاحت له فرصة التطبيق كلاً أو بعضاً وجب أن يقوم به، ومن الواضح ان القيام به لا يمكن بدون الولاية، فاذن ثبوت ولاية التطبيق اجتماعياً وفردياً وسياسياً واقتصادياً وهكذا لا يحتاج إلى دليل خاص، بل هي امتداد للولاية العامة بامتداد الرسالة السماوية، ولكن في حدود ضيقة.

فياض، محمداسحاق، تعاليق مبسطة على العروة الوثقى، بی جا: دفتر آیت الله العظمی فیاض، بی تا، ۱۸۹/۵.

سوال: ما هي حدود صلاحيات الفقيه المتصدي؟ وهل إقامة الحكومة من ضمنها؟

الجواب: إقامة الحكومة الإسلامية على نهج الإسلام غير ممكنة في العصر الحاضر.

فياض، محمداسحاق، «استفتانات»، سايت رسمی اطلاع رساني دفتر آیت الله العظمی حاج شيخ محمداسحاق فياض، به نشانی: <http://ar.alfayadh.org/questions/57dff-31264ca4a610470c751>

ما المراد من المقولة المشهورة (لا فصل بين السياسة والدين)؟ السياسة المتداولة بين الحكومات والدول في العالم لا صلة لها بالدين لأنها تتبع في كل حكومة مصالحها الذاتية إقليمياً وعالمياً، نعم السياسة في الحكومة الإسلامية وهي الحكومة التي تقوم بكافة أجهزتها ومكوناتها على أساس الحاكمية لله وحده لا شريك له من الدين ولكن لا وجود لهذه الحكومة في الوقت الحاضر في أي بقعة من بقاع الأرض.

فياض، محمداسحاق، «استفتانات»، سايت رسمی اطلاع رساني دفتر آیت الله العظمی حاج شيخ محمداسحاق فياض (نسخه قديمي)، به نشانی:

<http://alfayadh.org/ar/#post?type=post&id=6045>

b%8c-%d8%a2%db%8c%d8%aa%e2%80%8c%d8%a7%d9%84%d9%84%d9%87-%d9%81%db%8c%d8%a7%d8%b6-%d8%af%-d8%b1%d8%a8%d8%a7%d8%b1%d9%87-%d8%ad%d8%ac%d8%a7%d8%a8/

(مسألة ۹۲۴): من فعل محرماً أو ترك واجبا إلهيا عالما عامداً، فعلى الحاكم الشرعي ان يعزّره دون الحد الشرعي، حسب ما يراه فيه من المصلحة، على اساس ان في تطبيق هذه العقوبة على كل عاص و متمرد، تأثير كبير في ردع الناس و اصلاح المجتمع و التوازن و ايجاد الأمن فيه الذي هو الغاية القصوى و الاهم للشارع، و يثبت موجب التعزير بشهادة شاهدين، و بالاقرار، و هل للحاكم الشرعي تطبيق تلك العقوبة بمقتضى علمه؟ و **الجواب:** نعم، له ذلك اذا رأى مصلحة. فياض، محمداسحاق، منهاج الصالحين، قم: دفتر آيت الله العظمی فياض، بی تا، ۳/ ۳۱۵-۳۱۶.

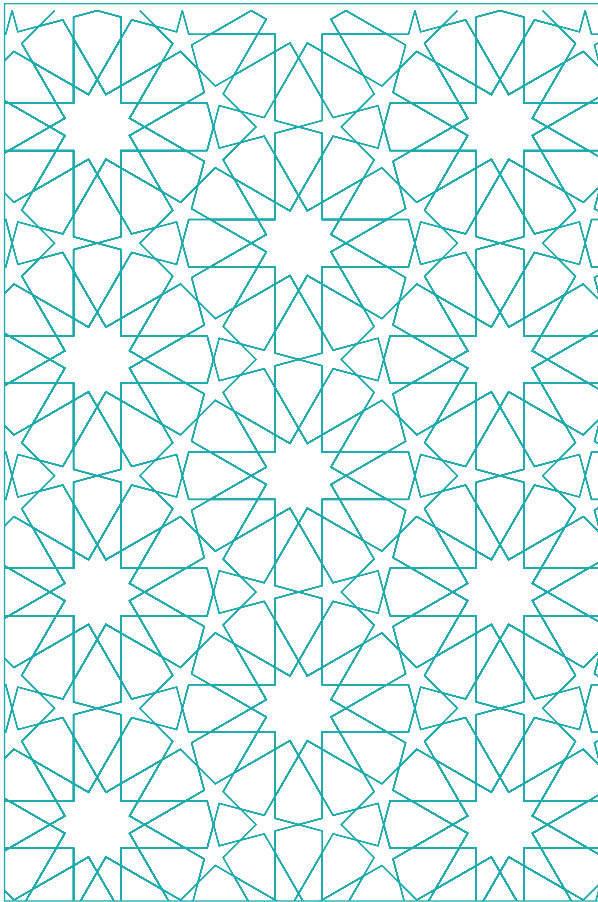
سوال: هل يوجب حلق اللحية التعزير؟

جواب: لا يوجب التعزير.

فياض، محمداسحاق، «استفتانات»، سايت رسمی اطلاع رساني دفتر آیت الله العظمی حاج شيخ محمداسحاق فياض، به نشانی: <http://ar.alfayadh.org/questions/57dff-31564ca4a610470cb09>

و أما في زمن الغيبة فهي ممثلة في الفقيه الجامع للشرائط: كالأعلمية و العدالة و الأمانة و الإخلاص و الصرامة في تنفيذ الأحكام الإلهية و تحقيق مبدأ العدالة و التوازن بين طبقات الأمة بدون مجاملة أي جهة مهما كانت و استعمال صلاحيته للتشريع بصفة ثانوية في حدود منطقة الفراغ حسب حاجة الوقت و ظروف البلد. و على هذا فإذا فرضنا أن الفقيه المذكور قادر على تشكيل الحكومة الإسلامية كما إذا كانت الظروف مناسبة و العوائق غير موجودة لا من الداخل و لا من الخارج و جب عليه شرعاً القيام أولاً بإنشاء مجلس الشورى المؤلف من العلماء البارزين و المفكرين و الخبراء و الأمناء المخلصين من كافة أنحاء البلد ثم المشاورة معهم بموضوعه حول تشكيل الحكومة من الأفراد ذوي الخبرة و الكفاءة و اللياقة و الإيمان و الإخلاص، لأنها الميزان و المعيار في الحكومة الإسلامية الشرعية.

فياض، محمداسحاق، الأنموذج في منهج الحكومة الإسلامية، بی جا: دفتر آیت الله العظمی فياض، بی تا، ۱۷-۱۸.



سید محمد رضا گلپایگانی

۳۲

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت‌الله گلپایگانی مرتبه آخر نهی از منکر که در آن از زدن و قوه قهریه استفاده می‌شود را می‌پذیرد، مشروط به اینکه مراتب قبلی مؤثر واقع نشده باشد.

آیت‌الله گلپایگانی دو قاعده «التعزیر لکل عمل محرم» و «التعزیر بما یراه الحاکم» را قبول دارد و در خصوص شخص فاقد حجاب شرعی در صورت اصرار بر این عمل، معتقد است می‌توان او را تعزیر کرد.

آیت‌الله گلپایگانی ولایت مطلقه فقیه را به معنای ولایت فقیه در اموری که نیاز به حکومت برای اجرای محض شریعت است می‌پذیرد.

مستندات

مسئله ۲۸۶۷ - درجه چهارم از امر به معروف و نهی از منکر آن است که معصیت‌کار، از درجات مذکوره، ترك

معصیت نکند و مصر باشد. در این صورت اگر بداند به زدن، ترك می‌کند و یا اقلاً احتمال عقلانی باشد که زدن، مؤثر است و از ضرر به جان و مال و عرض خود یا مسلمان دیگری ایمن باشد واجب است زدن به مقداری که ترك معصیت کند به شرط آن که منجر به جرح و قتل نشود.

گلپایگانی، سید محمد رضا، توضیح المسائل، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۳ق.، ۴۹۱-۴۹۲.

س ۱۵: زنی از نظر روابط و معاشرت با نامحرمان و پوشیدن لباس به شیوه امروزه، پروایی ندارد و در این باره به حرفهای شوهر اعتناء نمی‌کند وظیفه شوهرش چیست؟
ج- لازم است با موعظه و نصیحت یا بهر وسیله دیگری که ممکن است او را به احکام شرع، ارشاد و از معصیت کردن جلوگیری نمایند.

گلپایگانی، سید محمد رضا، مجمع المسائل، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۰۹ق.، ۱/ ۵۱۷.

س ۸۵- زنی را که بدون رعایت حجاب شرعی، در انظار ظاهر می‌گردد آیا بدون احراز اصرار وی بر گناه، می‌توان تعزیر کرد یا خیر؟

ج- با فرض این که بنا دارد ادامه دهد می‌توان او را تعزیر نمود.
گلپایگانی، سیدمحمدرضا، **مجمع المسائل**، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۰۹ق.، ۳/ ۲۱۰-۲۱۱.

س ۹۹- در گناهایی که برای حاکم شرع حق و یا وظیفه تعزیر است آیا تعزیر تنها به وسیله شلاق خواهد بود و یا این که به وسیله حبس و یا جریمه نقدی هم جایز است؟

ج- تعزیر به حبس در بعض موارد جایز است ولی دلیل بر جواز جریمه نقدی بنظر نرسیده.

س ۱۰۰- چه نوع کارهایی موجب تعزیر می‌شود آیا تخلفات قوانین حکومتی از قبیل قوانین راهنمایی و یا نرخیایی که برای کالاها تعیین نموده‌اند و یا تخلف از شرط در ضمن عقدی که عمل به آن واجب است موجب تعزیر می‌شود یا خیر؟

ج- تعزیر در معاصی کبیره‌ای است که حدّ معینی برای آنها ذکر نشده باشد.
گلپایگانی، سیدمحمدرضا، **مجمع المسائل**، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۰۹ق.، ۳/ ۲۱۳.

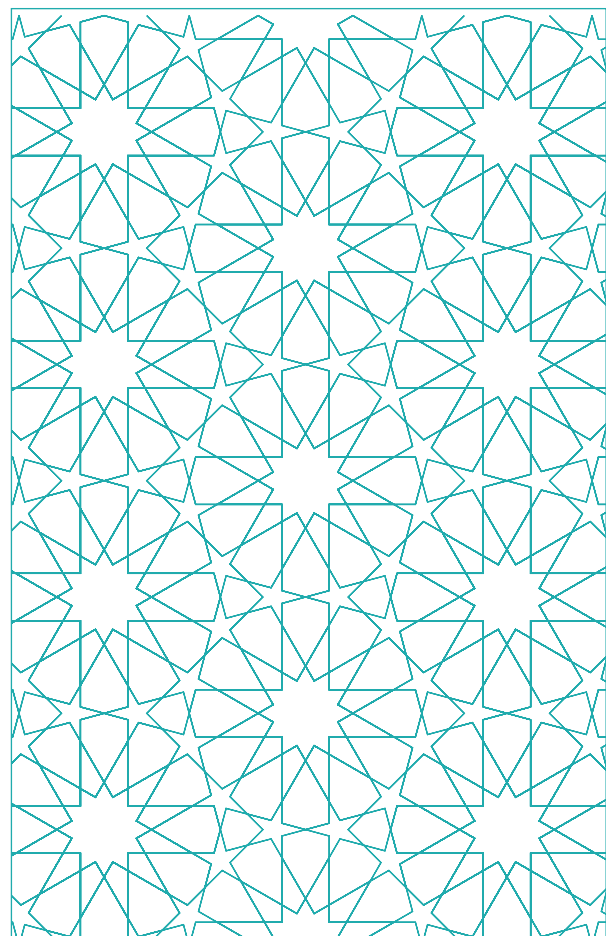
س ۱۰۴- در بعضی از روایات معتبره میزان تعزیر را بین ده تا بیست و یا کمتر از حدّ بیان فرموده است آیا تعزیر به کمتر از ده ضربه مشروع می‌باشد یا خیر؟

ج- تعزیر بنظر حاکم شرع جامع الشرائط است.
گلپایگانی، سیدمحمدرضا، **مجمع المسائل**، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۰۹ق.، ۳/ ۲۱۴.

... استفاده می‌شود که ولایت فقیه، بر تمام اموری که متولی آن باید حاکم و والی امر باشد ثابت می‌باشد.
گلپایگانی، سیدمحمدرضا، **مجمع المسائل**، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۰۹ق.، ۱/ ۳۹۶.

لا یبعد أن یقال إن حفظ أموال من لا ولی له والقیام بمصالحه من الأمور العامة المربوطة بسیاسة الاجتماع وحفظ المجتمع الثابت فیها ولایة الفقهاء ووجوب الرجوع إليهم فی أمثالها.

گلپایگانی، سیدمحمدرضا، **الهدایة إلی من له الولاية**، قم: المطبعة العلمیة، ۱۳۸۳ق.، ۵۲.

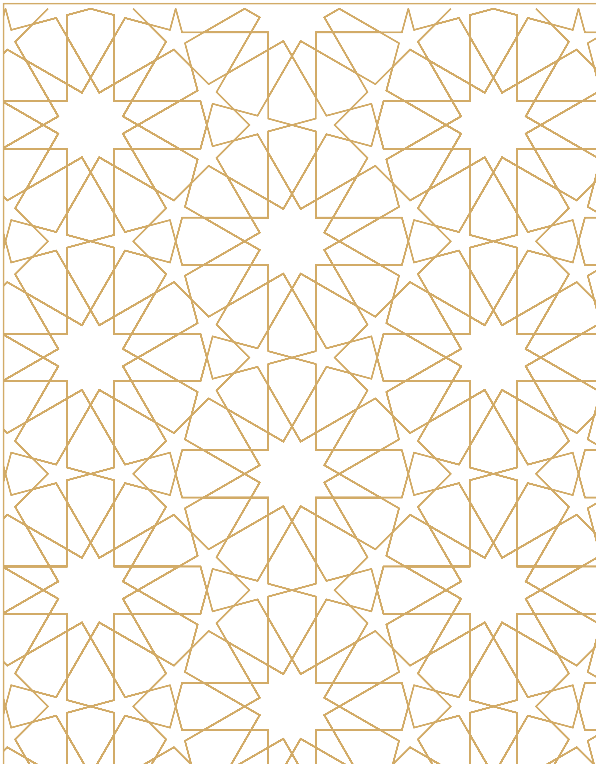


مسأله ۳۳- درجه چهارم از امر به معروف و نهی از منکر در موردی است که معصیت کار، از درجات مذکوره، ترک معصیت نکند و مصرّ باشد، در این صورت اگر بداند به زدن، ترک می‌کند و یا اقلّ احتمال عقلانی باشد که زدن، مؤثر است و از ضرر به جان و مال و عرض خود یا مسلمان دیگری ایمن باشد واجب است زدن به مقداری که ترک معصیت کند بشرط آن که منجرّ به جرح و قتل یا سرخی و کبودی که دیده دارد نشود.

س ۳۶- تنبیه دانش آموزان جائز است یا نه؟

ج- با اذن ولیّ در موارد نهی از منکر و جلوگیری از فساد، به نحوی که دیده وارد نشود اقتضار به مقدار ضرور، جائز است.

گلپایگانی، سیدمحمدرضا، **مجمع المسائل**، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۰۹ق.، ۱/ ۵۲۳.



مستندات

۶. وإذا لم يرتدع المخطئ باللسان أجاز الفقهاء استخدام القوة ضده، مع رعاية الأيسر فالأيسر، ويبدأ بالحيلولة بينه وبين المنكر كأخذ يده عن كأس الخمرة، أو عن الضرب بغير حق، فإن لم ينفع فبتحطيم آلة المنكر (إهراق الخمر وكسر آلة القمار)، فإن لم يرتدع فبضربه حسب الحاجة، ولكن الإحتياط الوجوبي يقتضي الرجوع في كل ذلك إلى الفقيه في تحديد الواجب في كل عصر ومصر، وعدم مبادرة المؤمن بهذه المرتبة رأساً وذلك درءاً للفتنة وحفاظاً على النظام في المجتمع.

۷. إذا كان المنكر من الفواحش؛ قتل النفس المحترمة، واغتصاب امرأة والاعتداء على المؤمنين، فالظاهر وجوب مبادرة كل مسلم إلى الإنكار بالقوة، حتى ولو التزم تجاوز بعض الحرمات؛ كاقحام بيت المعتدي أو التجسس عليه أو ما أشبه ذلك، إن خشى وقوع الجريمة في حالة عدم قيامه بواجب الإنكار.

۸. إذا لم يرتدع المخطئ حتى بالضرب، وكانت الوسيلة الوحيدة لردعه جرحه أو قتله، فقد رأى الفقهاء ضرورة الاستيذان من حاكم الشرع، وهو كذلك حسب التفصيل القادم. بلى لو كانت الجريمة كبيرة ولم يكن ممكناً



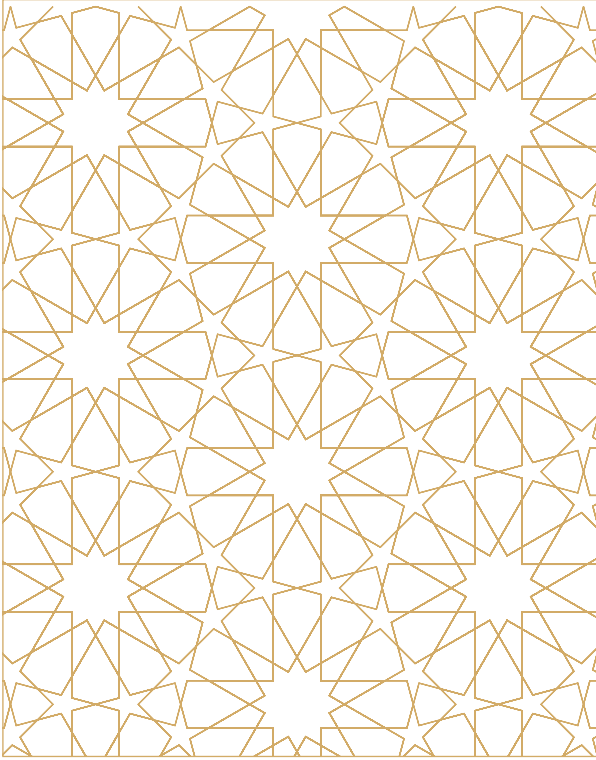
سید محمد تقی مدرسی

۳۳

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت الله مدرسی مرتبه آخر نهی از منکر که استفاده از زور و قوه قهریه است را می پذیرد، مشروط به اینکه مراتب قبلی تأثیر نداشته باشد و از آسان ترین روش شروع کند و بنا بر احتیاط واجب از مجتهد اجازه بگیرد. درباره حجاب در استفتائی تصریح می کند مطابق آموزه های قرآنی می بایست از حکمت و موعظه حسنه و جدال احسن کمک گرفت و در مرتبه استفاده از اجبار باید با اتخاذ تدابیر علمی و اجازه مجتهد عمل کرد.

آیت الله مدرسی ولایت فقیه برای اجرای احکام اسلام منوط به انتخاب مردم را قبول دارد. او لزوم احترام به قوانین کشورها را قبول دارد و معتقد است شخص با پذیرش اقامت یک کشور، در واقع تعهد می دهد که این قوانین را رعایت کند و باید مطابق لزوم وفاء به عهد به آن پای بند بماند.



الاستيذان وجبت المبادرة مع رعاية الأهم فالهمم كما سبق آنفأ في القتل والاعتداء.

٩. يجوز للفقهاء العادل التصدي للأمر والنهي في كافة مراتبه، وإقامة الحدود الشرعية إذا توافرت له شروطه الموضوعية؛ من التفاف المؤمنين حوله ومساعدتهم له، ومن الأمن من سلاطين الجور ومن فتن الزمان. وهكذا يجوز لمن يأذن له الفقيه وذلك في حدود الإذن.

مدرسي، سيد محمد تقى، الفقه الإسلامى (الرسالة العملية)، بيروت: مركز العصر، ١٤٣١ق، ١/ ٥٦٧.

الإجبار على الحجاب:

سؤال (٨٢٤): ما هو الأسلوب الأمثل في التعامل مع النساء اللواتي لا يرتدين الحجاب، فمن جملة الظواهر التي نشأت في الآونة الأخيرة في بعض مدن العراق هو إجبار النساء وحتى غير المسلمات على إرتداء الحجاب، والاعتداء على من لا تمتثل، ويصل الاعتداء إلى القتل تحت ذريعة الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، فترجو بيان حكم الاعتداء على تلك النسوة.

الجواب: قال الله سبحانه وتعالى: ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمُؤَدَّةِ الْحَسَنَةِ. إنكار المنكر بالقلب واجب، والنهي عنه باللسان (أو بكل وسيلة إبلاغية) واجب أيضاً حسب شروط الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، أما الإنكار باليد واللجوء إلى التدابير العملية فالإحتياط يقتضي الرجوع في ذلك إلى الفقيه في تحديد المرتبة الواجبة منه في كل عصر ومصر، وعدم مبادرة المؤمن رأساً وذلك درءاً للفتنة وحفاظاً على النظام في المجتمع.

مدرسي، سيد محمد تقى، الاستفتاءات، بيروت: مركز العصر، ١٤٣٣ق، ٢/ ٢٧٧.

(مسألة ٢٣): لو لم يكن الشخص بنفسه محارباً ولكنه أخبر المحارب للمحاربة يحد المباشر حد المحاربة ويعزر المخبر حسب ما يراه الحاكم الشرعي

مدرسي، سيد محمد تقى، الفقه الإسلامى تعليقات على العروة الوثقى و مهذب الأحكام، بيروت، دار القارئ، ١٤٢٧ق، ٤/ ٤٠٢.

رأيكم في ولاية الفقيه:

سؤال (٤١): هل ترون ولاية الفقيه؟

الجواب: نظام ولاية الفقيه الجامع للشرائط من أفضل أنظمة الولاية لو تم تطبيقه بالشكل الصحيح وانتخاب الناس.

مدرسي، سيد محمد تقى، الاستفتاءات، بيروت: مركز العصر، ١٤٣٣ق، ١/ ٤٧.

تطبيق ولاية الفقيه:

سؤال (٢٢): كيف هي الصيغة التي ترونها لولاية الفقيه ولو ببيان المعالم العامة أو بالإرجاع إلى كتبكم إن أمكن؟

الجواب: الأساس هو كون إدارة شؤون الناس تحت إشراف أو مباشرة الفقيه العادل الذي يحكم بما أنزل الله، أما الشكل التطبيقي لذلك فيعود إلى انتخاب الناس حسب اقتراح أهل الحل والعقد وخبراء الأمة، وقد يختلف الشكل التطبيقي من مكان لآخر.

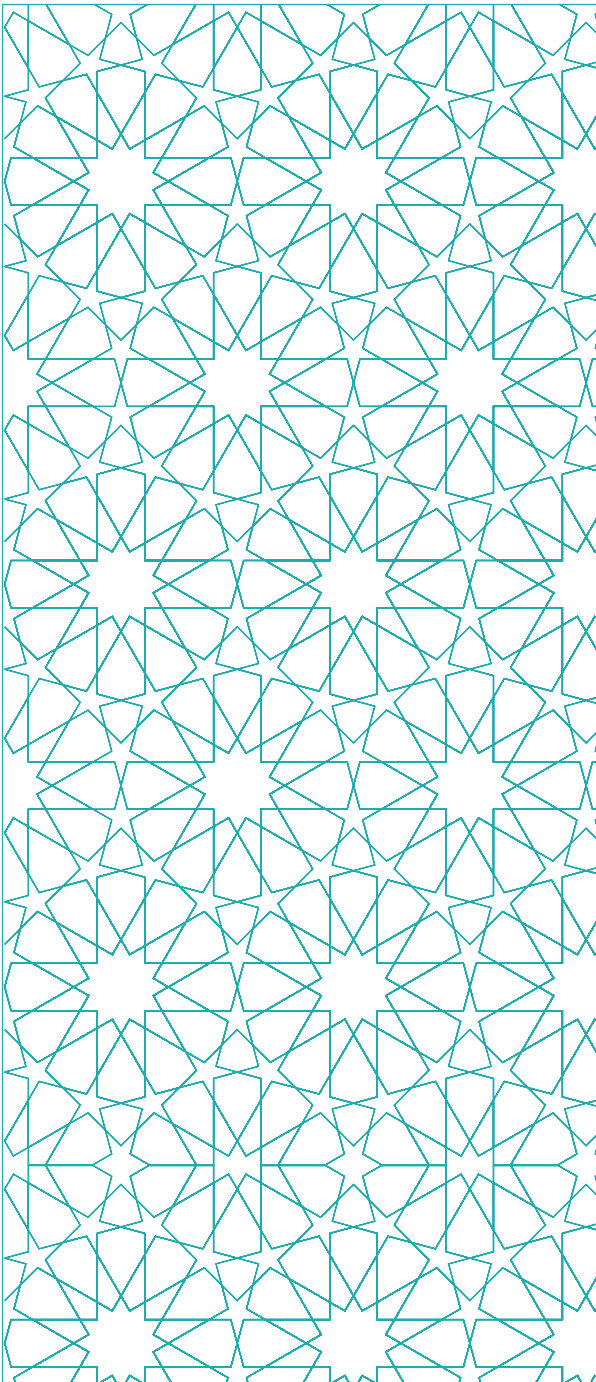
مدرسي، سيد محمد تقى، الاستفتاءات، بيروت: مركز العصر، ١٤٣٣ق، ٢/ ٤٦.

احترام قوانين الدول:

سؤال (١٣٤٤): هل يجب احترام قوانين الجمهورية الهندية؟ علماً بأن الهند دولة غير مسلمة واحترامهم للقانون يسبب لي خسارة مادية؟

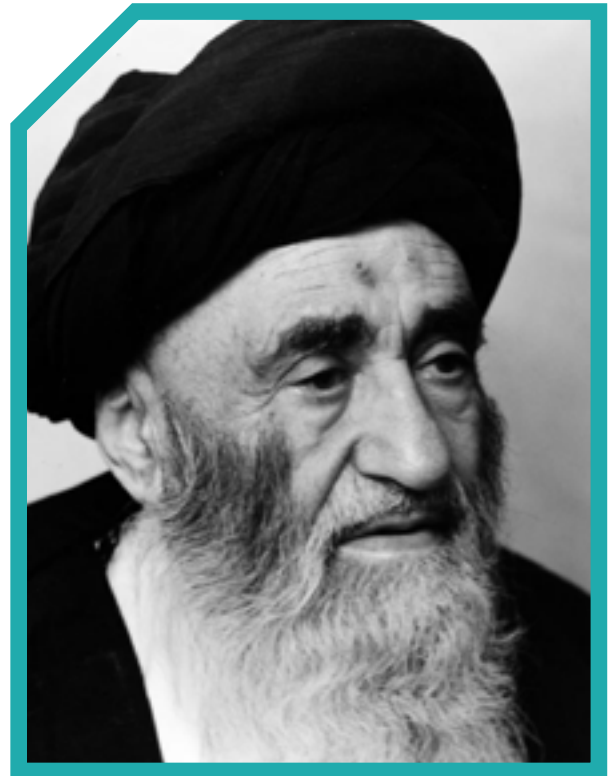
الجواب: إذا كنت دخلت البلاد بعد التعهد لهم باحترام قوانينهم (وهذا التعهد موجود ضمن تأشيرة الدخول التي تُمنح لك) فالمسلم ملتزم بعهده.

مدرسي، سيد محمد تقى، الاستفتاءات، بيروت: مركز العصر، ١٤٣٣ق، ٢/ ٤٤٣.



بالإقرار و بشاهدین عدلین، و کل من ترك واجبا أو ارتكب
حراما، فللحاكم الشرعي تعزيره، و هو دون الحد بما يراه
من مصلحة.

مرعشی نجفی، سیدشهاب الدین، **منهاج المؤمنین**، قم: کتابخانه
عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق.، ۲/ ۲۷۵.



سیدشهاب الدین مرعشی نجفی

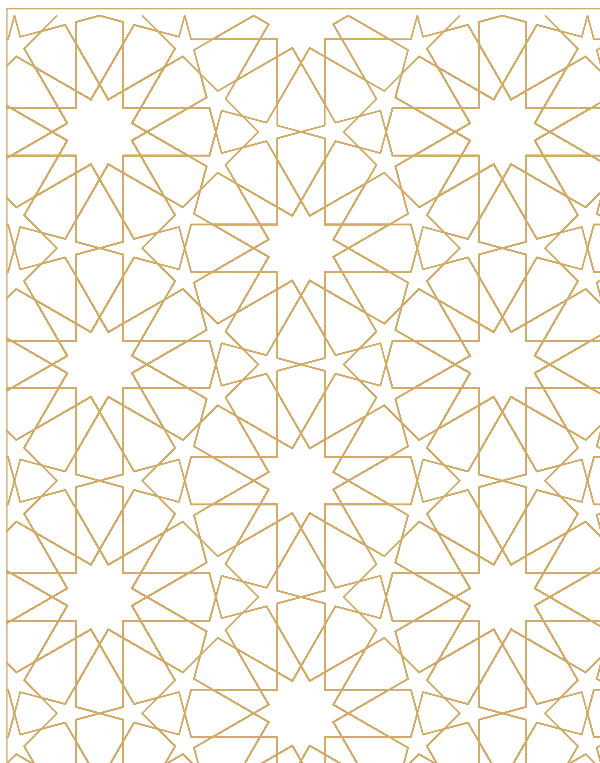
۳۴

تبیین اجمالی دیدگاه

نویسنده به رساله فارسی و استفتانات آیت الله مرعشی نجفی متأسفانه دست نیافت. از آیت الله مرعشی نجفی دو اثر فقهی استدلالی در باب سرقت و قصاص و همچنین دو اثر فقهی فتوایی؛ یکی رساله توضیح المسائل عربی وی به نام **منهاج المؤمنین** و دومی **حاشیة العروة الوثقی** نزد نگارنده دستیاب بود که در هیچ کدام به مقوله امر به معروف و نهی از منکر پرداخته نشده بود. در باب تعزیرات ایشان در رساله عربی قائل به قاعده «التعزیر لکل عمل محرّم بما يراه الحاكم» است؛ در نتیجه طبق این قاعده، گناهی مانند کشف حجاب می تواند مشمول تعزیر باشد، مشروط به اینکه حاکم شرعی او را به مقداری که مصلحت می بیند تعزیر کند.

مستندات

کل ما فيه التعزیر من حقوق اللّٰه جل و علا یثبت



ناصر مکارم شیرازی

۳۵

زور، به این طریق که جلو فرد گنهکار را بگیرد، یا وسایل گناه را از دسترس او خارج سازد، اقدام نماید ولی اگر برای امر به معروف و نهی از منکر لازم شود که متوسل به ضرب و جرح یا اتلاف اموال و بالاتر از آن گردد در این صورت هیچ کس بدون اجازه حاکم شرع حق اقدام ندارد، بلکه باید اصل کار و مقدار و اندازه آن طبق ضوابط اسلامی با نظر حاکم شرع تعیین گردد.

مکارم شیرازی، «رساله توضیح المسائل»، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی، به نشانی:

<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=30#20099>

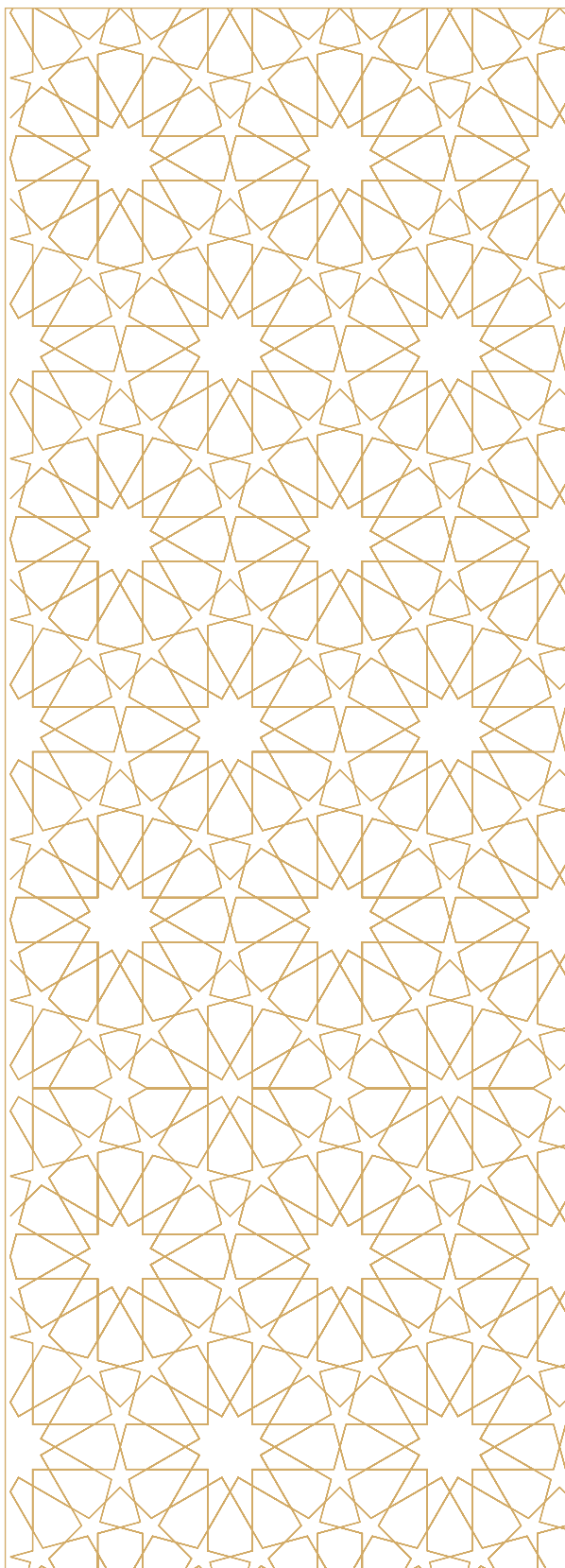
پرسش: آیا افراد می‌توانند در مقام امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان دفاع از کیان اسلام و حفظ نظام اسلامی از دستبرد افراد داخلی، و جلوگیری از تهاجمات فرهنگی یا سیاسی به دین، و همین‌طور منظور حفظ ارزش‌های اسلامی، مرتکب قتل یا جرح شوند؟ اگر شخصی در مقام امر به معروف و نهی از منکر مرتکب قتل شخصی شود، آیا قتل عمد به شمار می‌رود، یا مقتول مهدورالدم محسوب می‌شود و چیزی بر عهده قاتل نیست؟

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت‌الله مکارم شیرازی مرتبه سوم نهی از منکر را می‌پذیرد، مشروط به اینکه در مواردی که توسل به زور منجر به جرح می‌شود، اجازه مجتهد جامع‌الشرایط لازم است. در این موارد، حکومت اسلامی وظیفه مداخله و اقدام دارد. آیت‌الله مکارم ظاهراً قاعده «التعزیر لکل عمل محرم» را می‌پذیرد. او قائل به ولایت مطلقه فقیه است.

مستندات

مسئله ۲۴۱۹- امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد که بعضی از این مراتب، احتیاج به اجازه حاکم شرع ندارد و بعضی دارد، آنچه احتیاج به اجازه حاکم شرع ندارد همان امر به معروف با زبان و دل و نصیحت کردن یا اعراض و بی‌اعتنایی و ترک مراوده نمودن است و اگر تأثیر نکرد جایز است با کلمات تند و خشن که خالی از گناه باشد یا با توسل به



پاسخ: این مرحله از امر به معروف و نهی از منکر بلکه به طور کلی مرحله فیزیکی و برخورد با مجرمین بر عهده حکومت اسلامی است و افراد دیگر حق دخالت ندارند و هرگاه کسی خودسرانه این کار را کند قصاص دارد.

پرسش: چگونه حکومت و مردم می‌توانند از بد حجابی یا بی حجابی بعضی از خانم‌هایی که در این امر مهم کوتاهی می‌کنند جلوگیری کنند؟

پاسخ: مردم باید به نهی از منکر زبانی اکتفا کنند، و از هر گونه برخورد فیزیکی اجتناب ورزند، ولی حکومت می‌تواند وارد این مرحله نیز بشود.

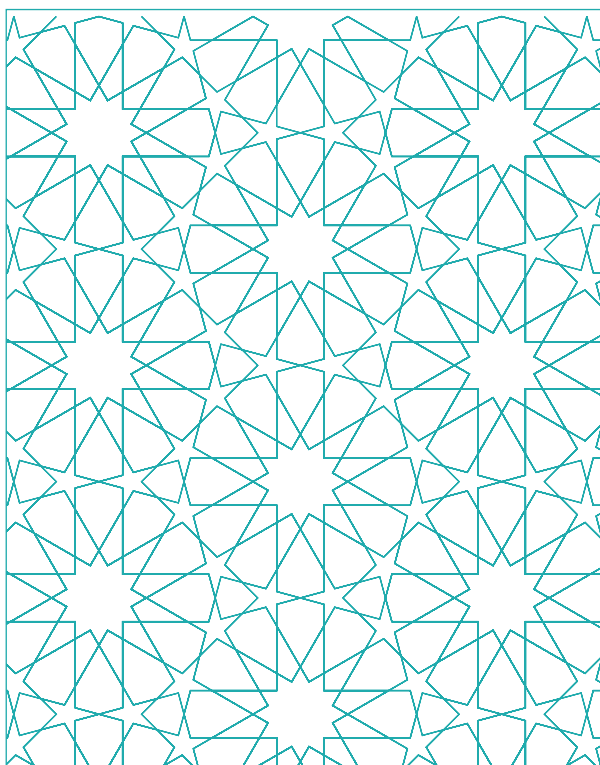
پرسش: آیا شلاق حدّی و تعزیری را می‌توان در ملأ عام اجرا کرد؟

پاسخ: در مواردی که منصوص است، یا تأثیری در امر به معروف و نهی از منکر دارد، یا مجرم، متجاهر است، اظهار آن مانعی ندارد، در غیر این سه صورت، در ملأ عام انجام نگیرد. مکارم شیرازی، ناصر، «استفتائات»، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی، به‌نشانی: <https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=21&catid=40235>

یک وقت کسی در خانه خودش اعمالی انجام می‌دهد ما مأمور به تجسس و ورود به حریم خصوصی افراد نیستیم، ولی یک وقت در ملأ عام یکی از چیزهای ممنوع را انجام می‌دهد. در اینجا هم حکومت موظف به نهی از منکر است و هم آحاد مردم مأمورند. مردم با زبان نهی از منکر می‌کنند و حکومت هم از موقعیتش استفاده می‌کند. اینکه حجاب اجباری نیست و کاری به زندگی خصوصی بقیه نباید داشته باشیم، این [اشتباه است؛ زیرا] این‌ها حوزه عمومی است. آیه «لا إكراه فی الدین» برای اصول اعتقادی است، ولی حوزه عمل را در بر نمی‌گیرد. عده‌ای عمداً برای تضعیف جمهوری اسلامی می‌خواهند محرمات را مجاز کنند تا این‌ها که از بین برود، نظام جمهوری اسلامی از بین برود. عده‌ای هم ناآگاهانه در این زمین بازی می‌کنند.

مکارم شیرازی، ناصر، «درس خارج فقه مورخ چهارشنبه

سایت اینترنتی مدرسه فقهت، به‌نشانی: <https://data.eshia.ir/feqh/archive/voice/makarem/feqh/96/961209.mp3>



رسمیت شناخته شود و از دین در حکومت سوءاستفاده نشود. آیت الله منتظری پیروی از مقررات اجتماعی دولت را در صورتی لازم می‌داند که رعایت نکردن آن موجب هرج و مرج شود.

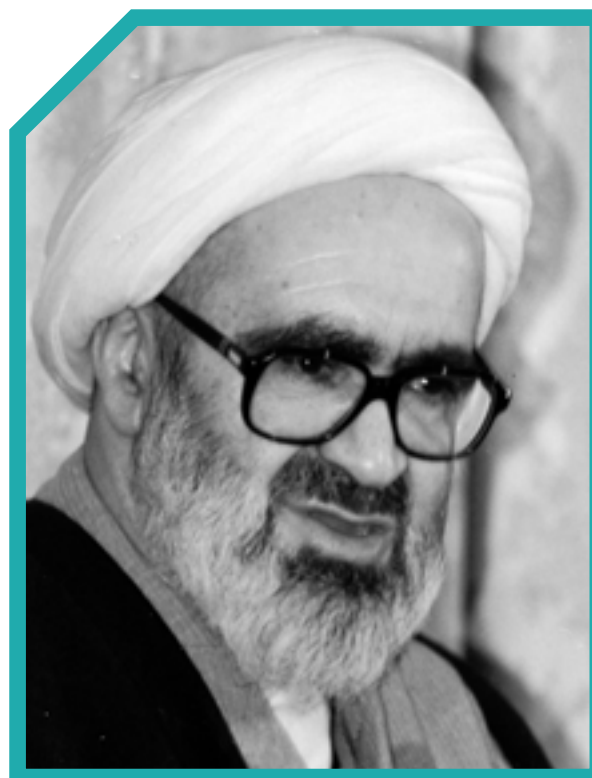
مستندات

مسئله ۱۹۹۰: اگر جلوگیری از معصیت بر کتک زدن و سخت گرفتن بر گناهکار متوقف شود جایز است، ولی باید زیاده روی نشود و بهتر است در این صورت از مجتهد جامع‌الشرایط اجازه گرفته شود.

مسئله ۱۹۹۱: اگر جلوگیری از معصیت یا اقامه واجب بر مجروح کردن یا کشتن متوقف باشد، باید با اجازه مجتهد جامع‌الشرایط و با حصول شرایط آن صورت پذیرد و خودسرانه جایز نیست.

منتظری، حسینعلی، رساله توضیح المسائل، تهران، سرایی، ۱۳۸۱ ش، ۳۵۲.

مسئله ۲۱۷۷: المرتبة الثالثة: استعمال القوة والإجبار، فلو علم أو اطمأن بأنه لا يترك المنكر ولا يؤدي الواجب إلا بالقوة



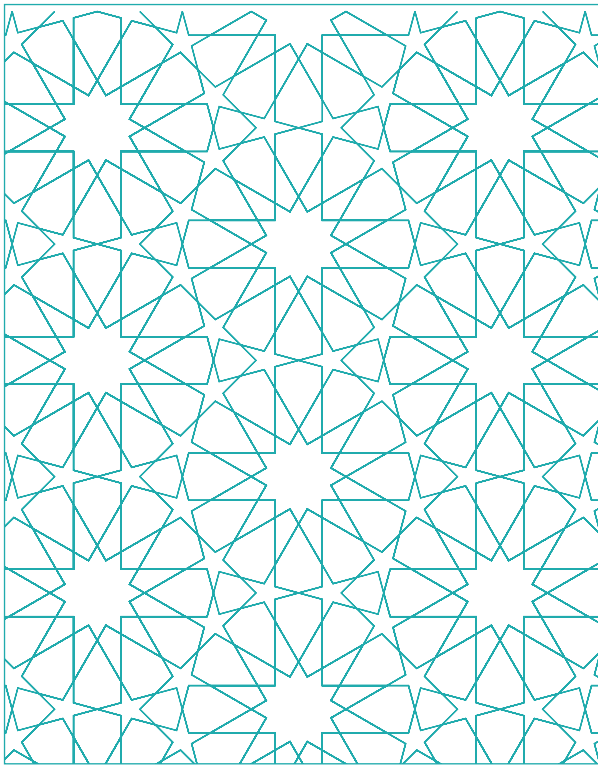
حسینعلی منتظری

۳۶

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت‌الله منتظری مرتبه سوم نهی از منکر را در صورتی که مراتب پیشین مؤثر نباشد و با اجازه مجتهد جامع‌الشرایط باشد و به حد قتل و جرح نرسد، جایز می‌داند که در این زمان، همین مرتبه نیز وظیفه افراد عادی نیست و از وظایف حکومت است که با شرایطش آن را انجام دهد. منتظری در کل، مراعات احکام امر به معروف و نهی از منکر را منوط به رعایت تدبیر و شرایط زمانی و مکانی می‌داند، به نحوی که موجب زدگی مردم از دین نشود.

آیت‌الله منتظری قاعده «التعزیر لکل عمل محرّم بما یراه الحاکم» را قبول دارد، مشروط به اینکه شرایط زمانی و مکانی و اجتماعی رعایت شود و با این همه، چه بسا حتی در مواردی که تعزیر ثابت شود، اجمالاً عفو و گذشت مناسب‌تر است. آیت‌الله منتظری ولایت فقیه را به نحو مقید می‌پذیرد که باید با انتخاب مردم و عقد بیعت باشد و آزادی‌های عمومی به



والإجبار، يجب ذلك، لكن يجب أن لا يتجاوز المقدار اللازم.
مسأله ۲۱۸۲: إذا توقف المنع عن المعصية على ضرب العاصي، وأخذه بشدة والتصديق عليه، فهو جائز، ولكن يجب أن لا يفرط في ذلك، والأفضل في هذه الحالة وأمثالها أن يستأذن من المجتهد الجامع للشرائط.
 منتظري، حسينعلی، الأحكام الشرعية، قم: تفکر، ۱۴۱۳ق.، ۳۷۳.

... هرچند امر به معروف و نهی از منکر دو فريضه الهی و عمومی می‌باشند، ولی به شرط این است که به حدّ جرح یا قتل نرسد، وگرنه برای افراد عادی جایز نیست و مربوط به خصوص حاکم شرع واجد شرایط است... اگر کسی -فرضاً- گناهی را مرتکب شود که کیفر آن اجرای حدی از حدودی الهی باشد، آن گناه باید در دادگاه صالح به تصدی مجتهد عادل آگاه به موازین اسلامی و حقوقی ثابت شود و شخص متهم امکان دفاع داشته باشد و هیچ گونه شبهه‌ای در کار نباشد؛ و چنین نیست که هر کسی حق داشته باشد حدود الهی را بر حسب تشخیص و سلیقه خود اجرا نماید.
 منتظري، حسينعلی، استفتائات، تهران: سایه، ۱۳۸۴ش.، ۲/۲۶۴.

بلکه اسلام در امور اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و حکومت و شرایط حاکم دستور و رهنمود دارد و طبعاً حاکم مسلمین باید موازین اسلامی را رعایت نماید. در این رابطه می‌توانید به کتاب «مبانی فقهی حکومت اسلامی» اینجانب مراجعه نمایید. البته ملت در برابر سوءاستفاده‌ها از دین و موازین دینی مقاومت نمایند.

منتظري، حسينعلی، استفتائات، تهران: سایه، ۱۳۸۴ش.، ۲/۲۵۴.

سؤال ۱۸۷۱: آیا تخلف از قوانین مصوب دولت حرام شرعی است؟

جواب: تخلف از قوانین مصوب دولت اسلامی که از طریق رسمی تصویب قوانین گذشته باشد جایز نیست و موجب هرج و مرج اجتماعی خواهد بود.

منتظري، حسينعلی، استفتائات، تهران: سایه، ۱۳۸۴ش.، ۲/۲۵۷.

سؤال ۲۸۴: آیا دولت اسلامی مجاز است حجاب را اجباری و به مردم تحمیل کند؟ آیا مسلمان‌ها در انتخاب نوع پوشش آزاد هستند یا خیر؟

سؤال ۱۸۴۸: حوزه فرمانروایی ولیّ فقیه تا چه حدی است؟ و با فرض این‌که ولیّ فقیه به نظر عده‌ای اعلم باشد آیا حکم او در مورد مراجع تقلیدی که آنان نیز به نظر عده‌ای اعلم می‌باشند نافذ و جاری است؟

جواب: به طور اجمال در غیر معصومین (ع) عقد بیعت با شرایطش مفید نوعی ولایت است؛ بنابراین حوزه ولایت بستگی دارد به این‌که در چه مورد و تا چه حد و در چارچوب کدام قانونی که میثاق بیعت است، عقد بیعت انجام شده باشد. برای اطلاع بیشتر به جلد اول کتاب ولایت فقیه اینجانب، باب چهارم و فصل پنجم از باب پنجم مراجعه شود.

منتظري، حسينعلی، استفتائات، تهران: سایه، ۱۳۸۴ش.، ۲/۲۴۸.

سؤال ۱۸۶۴: اینجانب به این اعتقاد رسیده‌ام که حکومت برای آزاد بودن و آزاد کردن ملت نباید دینی باشد. حکومت‌داران می‌توانند دین‌دار یا دین‌دوست باشند، ولی نباید دین را با حکومت آمیخت و از آن موجودی کم‌توان بسازیم. نظر جنابعالی چیست؟

جواب: از تتبع در کتاب و سنت به دست می‌آید که دستورات اسلام منحصر در مسائل عبادی و اخلاقی نیست؛

جواب: اصل حجاب و پوشش زن از احکام ضروری اسلام است و این هم در رابطه با ظرافت زن و ارزش والای اوست، که مورد طمع و تجاوز ناپاکان قرار نگیرد. البته چادر خصوصیت ندارد؛ بلکه نوع و شکل پوشش به اختیار و انتخاب خود زن وابسته است و کسی حق ندارد شکل خاصی را به او تحمیل نماید. و دولت اسلامی باید نسبت به کسانی که حجاب را رعایت نمی‌کنند با تبلیغات صحیح و اقدامات فرهنگی آن‌ها را به رعایت حجاب اسلامی ترغیب نماید؛ و اقدامات پلیسی و رفتارهای خشونت آمیز در این گونه موارد معمولاً اثر معکوس داشته است.

سؤال ۲۸۵: روایتی در «بحار» آمده: «لا دین لمن لا عقل له»؛ «کسی که عقل خود را به کار نمی‌گیرد، دین ندارد». بنده عاجز مانده‌ام که عقل را بر دینم راه بدهم یا سکوت و اطاعت کورکورانه در احکام دین را ترجیح دهم؟ آیا باید احکام امضایی از روز خارج شده را بپذیرم یا سخن زمان معاصر را گوش دهم؟ امام باقر (ع) از رسول گرامی (ص) نقل می‌کند که فرمود: «اگر روایتی از رسول خدا نقل شد، آنچه را قلب آدمی نسبت به مفاد آن واکنش منفی نشان می‌دهد (ما اشمأزت منه قلوبکم) نباید پذیرفت». حال، سؤال من این است که آیا پوشش سر برای زنان باید به اجبار و زور باشد یا با اختیار؟ ظاهراً در زمان پیامبر (ص) و امامان (ع) با این که حجاب، از واجبات و ضروری دین بوده، اما اجباری در کار نبوده است. آیا سزاوار است به زنان مسلمان بی‌حجاب، توهین شود و مورد تحقیر قرار گیرند؟ آیا عقل، این اجبار را پذیرا می‌باشد؟ آیا این اجبار تجاوز به حقوق آنان نیست؟

جواب: همان طور که مرقوم کرده‌اید اصل لزوم حجاب (نه کیفیت آن) یکی از ضروریات انکارناپذیر دین اسلام می‌باشد و بدیهی است اگر جامعه‌ای که اکثریت آن مسلمانند و دین اسلام را به عنوان آیین خود پذیرفته‌اند خواهان اجرای احکام آن از جمله رعایت حجاب و جلوگیری از تظاهر به زمینه‌های بی‌عفتی شده‌اند و بی‌حجابی موجب نقض حقوق آنان گردد، این درخواست از حقوق مسلم و معقول اکثریت مردم است؛ و برای تأمین حقوق اکثریت، هر حکومتی که عهده دار امر چنین مردمی می‌باشد باید تدبیر صحیح و اقدام مناسب را به عمل آورد. البته نباید اجرای احکام شریعت با زور و روش‌های غیر منطقی باشد که قطعاً اثر معکوس خواهد داشت، بلکه باید با منطق و تبیین فلسفه و ضرورت عقلایی آن و ارشاد و راهنمایی حکیمانه و رحیمانه انجام شود و مراتب امر به معروف و نهی از منکر با شرایط آن ملحوظ و رعایت گردد. به نظر می‌رسد وقتی برخوردها معقول و منطقی شود و فلسفه احکام اجتماعی شریعت و از جمله حجاب

به طور صحیح بیان گردد، دیگر عقل نه تنها آن را مورد انکار قرار نمی‌دهد بلکه آن را پذیرا می‌شود و به پیروی از آن حکم می‌نماید و حداقل در برابر آن سکوت می‌کند، نه این که - چنان که ادعا شده - دست رد به آن بزند.

گفتنی است در همه مکاتب و جوامع بشری یک سری امور لازم الاجرای وجود دارد که تخلف از آن نکوهیده و حتی پیگرد قانونی دارد. و این امر اختصاص به جامعه دینی اسلام ندارد. منتظری، حسینعلی، پاسخ به پرسش‌های دینی، قم: دفتر معظّم‌له، ۱۳۹۸ ش.، ۳۶۵-۳۶۶.

سؤال ۳۱۱: آیا به غیر از مراتبی که در رساله توضیح المسائل برای امر به معروف و نهی از منکر قائل شده‌اید، مراتب دیگری وجود دارد؟

جواب: به طور کلی در مسأله برخورد با منکر و امر به معروف باید از روش‌هایی استفاده نمود که بیش‌ترین تأثیر را داشته باشد و موجب عوارض منفی و زدگی از دین برای فرد و جامعه نگردد، و این امر علاوه بر داشتن آگاهی کافی از معروف و منکر و شرایط امر و نهی، مستلزم وجود تدبیر و شناخت زمان و مکان در امر به معروف و ناهی از منکر می‌باشد.

منتظری، حسینعلی، پاسخ به پرسش‌های دینی، قم: دفتر معظّم‌له، ۱۳۹۸ ش.، ۴۲۲.

سؤال ۳۸۹: آیا حکومت شرعاً مجاز است هر جا مصلحت بداند مجازات تعزیری وضع نماید یا موارد تعزیر شرعاً مشخص و منصوص است؟

جواب: تعزیر به معنای تأدیب در برابر گناه است. در مواردی که برای گناه از ناحیه شرع حد خاصی مشخص نشده، حاکم شرع واجد شرایط برای جلوگیری از توسعه گناه حق دارد گناهکار را ادب نماید و تأدیب و کیفیت و مقدار و مراتب آن بسته به نظر حاکم شرع صالح است؛ او باید مصالح جامعه و شرایط زمانی و مکانی و موقعیت گناهکار را در نظر بگیرد و چه بسا عفو و گذشت اصلح باشد و بسا لازم است به توبیخ و تهدید اکتفا کند. آخرین مرتبه تعزیر ضرب یا حبس یا تعزیر مالی و یا امور دیگری است که در زمان ما بتواند در اصلاح مجرمین مؤثر باشد.

منتظری، حسینعلی، پاسخ به پرسش‌های دینی، قم: دفتر معظّم‌له، ۱۳۹۸ ش.، ۵۴۱.

نمی‌کند یا واجب را بجا نمی‌آورد، این کار واجب است، لکن باید از مقدار لازم تجاوز نکند.

«مسئله ۲۲۳۱» اگر جلوگیری از معصیت با گرفتن دست گناهکار یا حائل شدن بین او و گناه یا خارج کردن او از محل ارتکاب معصیت یا گرفتن ابزار گناه ممکن باشد، واجب است بدان عمل شود.

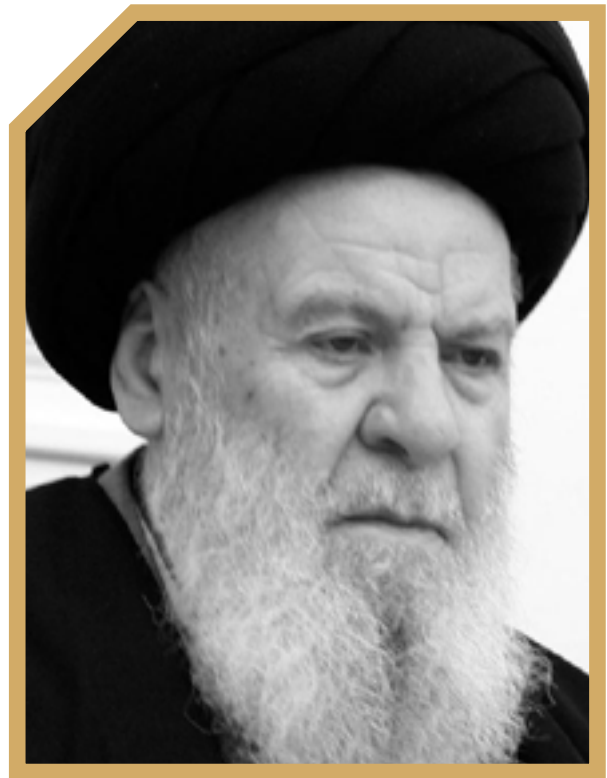
«مسئله ۲۲۳۲» جایز نیست اموال محترم گناهکار را تلف کند، مگر آن که لازمه جلوگیری از معصیت باشد که در این صورت اگر اموال محترم گناهکار را با اجازه حاکم شرع جامع شرایط تلف کند، ضامن نیست و در غیر این صورت، ضامن و گناهکار است.

«مسئله ۲۲۳۳» اگر جلوگیری از معصیت تنها با حبس نمودن گناهکار یا ممنوعیت ورود او به محلی ممکن باشد، با مراعات مقدار لازم و با اجازه حاکم شرع جامع شرایط واجب است.

«مسئله ۲۲۳۴» اگر جلوگیری از معصیت بر کتک زدن و سخت گرفتن بر گناهکار متوقف باشد، جایز است، ولی باید زیاده روی نشود و بهتر است در این صورت از مجتهد جامع شرایط اجازه گرفته شود؛ بلکه در صورتی که متوقف بر کتک زدن شدید باشد و یا موجب اغتشاش، بی‌نظمی و بلوا شود، باید از طریق قانون و در صورت عدم وجود نظام صالح، با اجازه مجتهد جامع شرایط و آگاه انجام شود.

«مسئله ۲۲۳۵» اگر جلوگیری از معصیت یا اقامه واجب بر مجروح کردن یا کشتن متوقف باشد، باید با اجازه مجتهد جامع شرایط و آگاه و با حصول شرایط آن صورت پذیرد و اقدام خودسرانه جایز نیست.

«مسئله ۲۲۳۶» اگر گناه از اموری باشد که جلوگیری از آن در نظر شارع مقدس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و گناهکار به هیچ وجه حاضر به رها کردن گناه نباشد، جلوگیری از آن به هر شیوه ممکن جایز بلکه واجب است. مثلاً اگر کسی قصد جان فردی را نماید که ریختن خون او جایز نیست، باید به هر شیوه ممکن از او جلوگیری شود، اگرچه به کشته شدن مهاجم منتهی شود و در این مورد اجازه مجتهد جامع شرایط لازم نیست؛ ولی



سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

۳۷

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت‌الله موسوی اردبیلی مرتبه سوم نهی از منکر را در صورتی که مراتب پیشین مؤثر نباشد و با اجازه مجتهد جامع شرایط باشد و به حد قتل و جرح نرسد، جایز می‌داند که در صورت نبود نظام صالح چنین است و در وجود آن، از وظایف حکومت است که با شرایطش آن را انجام دهد. آیت‌الله موسوی اردبیلی در کل، مراعات احکام امر به معروف و نهی از منکر را منوط به رعایت تدبیر و شرایط زمانی و مکانی و ایجاد انگیزه با اقدامات و فعالیت‌های فرهنگی برای بسط معروف و از بین رفتن منکر می‌داند، به نحوی که موجب زدگی مردم از دین نشود. درباره قاعده «عمومیت تعزیر در محرمات» نظری از او یافت نشد. او قائل به ولایت مطلقه فقیه است.

مستندات

مرتبه سوم: توسل به زور و جبر؛ پس اگر بدانند یا اطمینان داشته باشند که کسی جز با اعمال زور و جبر ترك منکر

در صورتی که جلوگیری به غیر از قتل مهاجم امکان پذیر باشد، باید به همان اکتفا شود و در هر حال اگر از حدّ لازم تجاوز کند، گناهکار است و احکام متجاوز بر او جاری می شود.

«مسأله ۲۲۳۷» در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر متوقّف به برخورد عملی با افراد و ایجاد محدودیت بر آنها و یا اتلاف مال و یا تعرّض به جان و آبروی آنها باشد، امر به معروف و نهی از منکر باید با اجازه مجتهد آگاه و جامع شرایط انجام گیرد و در صورتی که جامعه بر اساس قانون شرع و یا قانونی که مخالف شرع نیست اداره گردد، برخورد عملی با گناهکار باید با حکم دادگاه صالح انجام پذیرد، بلکه امر به معروف و نهی از منکر باید به گونه ای عمل کند که ظاهر و باطن این عمل موجب توهین به اسلام و یا هرج و مرج و خودسری نگردد.

«مسأله ۲۲۳۸» نیکویی رفتار، منش و حسن سلوک مسلمانان خصوصاً عالمان، فرهیختگان و سرشناسان از بهترین وسایل امر به معروف و نهی از منکر است و بر همه واجب است با روش و منش پسندیده خود عملاً جامعه اسلامی را به انجام معروف و ترک منکر رهنمون بسازند.

موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم، رساله توضیح المسائل، قم: انتشارات نجات، ۱۳۸۶ ش، ۴۰۳.

الأمر الرابع: في الإنكار باليد: وقد تحصّل من جميع ما قلناه أنّ الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر ببعض مراتبها يتمكّن منهما كلّ مسلم عارف بأحكام الإسلام، ويستوي فيه الحاكم والمحاسب وسائر الناس، وذلك كالإنكار بالقلب - بالمعنى الذي مرّ - وباللسان، فيجب على جميع الناس ومنهم الولاة فعل ذلك وإعانة من يفعله، ويبدء في الإنكار بالأسهل، فإن زال المنكر فهو، وإلا غلظت وشدّت.

وأما إذا استلزم ذلك الضرب الشديد والجراح وما فوقه يجب الاستيذان من الحاكم الشرعي وإيقاع العمل تحت إشراف حكمه، لئلا يلزم الهرج والمرج والاختلال، وهذا يسوقنا إلى كون المرحلة الأخيرة من الأمر والنهي، وهو الضرب المبرح والجرح وما فوقه، من شؤون الحكومة والإمامة، غاية الأمر قد يعيّن الحاكم أشخاصاً لأداء هذا الأمر، وهم المسّمون في كتب العامة بـ «المحتسب»، وقد ينتدب له سائر الناس، فيأذن لهم الحاكم بما يراه صلاحاً.

ثمّ إنّ لو فرض عدم وجود الحكومة الحقّة العادلة وجب

على الناس السعي لتحقيقها، حيث إنّ أدلّة الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر بإطلاقها وبمفهومها الواسع من أقوى الأدلّة على وجوب تأسيس الحكومة الحقّة حتّى يحصل التمكن من رفع الفحشاء والفساد وإراقة الدماء وغصب الأموال وهتك النواميس وسائر المنكرات، وبسط العدل والقسط وباقي المعاريف.

موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم، الرسائل الفقهية، قم: نشر آثار، ۱۳۹۶ ش، ۱۷۶-۱۷۷.

ثمّ إنّ المناكير التي توجد في المجتمع ليست على حدّ سواء، بعضها يكون بحيث يقدر الإنسان عن منعها وإعاقتها عند حدودها بالنهي، وبعضها لا يكون كذلك، بل يطلب الاعتدال والتهبّأ من قبل، وأيضاً أنّ بعض المناكير يتحقّق بشكل تنظيمي بسبب الشبكات الجنائيّة، وبعضها يتحقّق بشكل فردي، وبعضها يمسّ حقوق الأفراد والأشخاص، وبعضها يمسّ حقّ الله تعالى، وأيضاً أنّها قد تكون في قطاع الثقافة، وقد تكون في القطاعات الاجتماعيّة أو الاقتصاديّة أو السياسيّة أو العسكريّة، وهكذا. فعلى الأمرين بالمعروف والنهي عن المنكر - ولا سيّما الذين يتولّون هذا المنصب من ناحية الحكومة - ملاحظة جوانب المسألة، والمعاملة الصحيحة في كلّ مورد طبقاً لما تقتضيه الظروف والشرائط، والاجتناب عن التصرفات الصبيانيّة وغير القانونيّة. ثمّ إنّ كما اتّضح من خلال مباحثنا في هذا الكتاب، ولا سيّما بملاحظة ما ذكر من المراتب - لا خصوصيّة للأمر والنهي اللفظيين هنا، بل هما طريقتان من طرق إقامة هذه الفريضة، والمقصود الأصلي هو إيجاد الداعي في نفوس المكلفين حتّى يقبلوا ويتوجّهوا باختيارهم ومن دون أيّ إجاء وتعجيز إلى ارتكاب المحاسن والأفعال المعروفة واجتناب المعاصي والمنكرات إلى أن يصير مجتمعهم مجتمعاً سالماً يقلّ فيه ارتكاب الشرور ويكثر فيه الخير والصلاح، وتحقّق هذا الأمر كما يطلب الإقدام والأمر والنهي حين اشتغال العامل بالمنكر أو حين الهمّ بالاشتغال، كذلك يطلب الإقدام الأساسي، وهو قطع جذور المفاسد والمناكير ومناشئها.

ولا نعني بذلك أن نعجز العاصي عن فعل المعصية، بأن نقطع لسان الكذاب مثلاً حتّى لا يقدر على الكذب، وهكذا، بل المراد استكشاف مناشئ الفساد وتقصى عوامله الأصليّة، وبالتالي قطع دوايرها واستئصالها، وأيضاً بسط أرضيّة الأفعال الحسنة والأمر بالمعروف وتأمينها.

وفي الحقيقة أنّ هذا الأمر هو الذي يليق أن يسمّى بدفع المنكر، وهو الذي يحتاج أن يبحث عن جوانبه في مبحث الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر بنحو مبسوط.

وتحقّق الأمر المذكور وإحرازه يطلب عزمًا عموميًا وشاملاً من ناحية الشعب والسلطات، ولا سيّما المصادر الثقافيّة والعلماء، ونرجوا من الله تعالى التوفيق لذلك.

موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، الرسائل الفقهيّة، قم: نشر آثار، ۱۳۹۶ ش.، ۲/ ۲۱۳-۲۱۴.

پرسش: در اهمیت و فضیلت فریضه امر به معروف و نهی از منکر هیچ تردیدی نیست و تأکیدات آموزه‌های دینی ما در این زمینه به خوبی این مطلب را اثبات می‌کند. از آنجا که جناب عالی به عنوان یک عالم دینی بسیار بهتر و بیشتر از ما جوانان نسبت به این مسأله آگاهی دارید از ذکر مثال در این باره خودداری می‌کنیم حال بعضی سوالات مطرح در این زمینه این است که الف) برخی عقیده دارند با توجه به اینکه مکررا از بزرگان شنیده می‌شود که ترک محرمات اولی بر انجام واجبات است، پس نهی از منکر نیز نسبت به امر به معروف اولویت دارد همچنین این عده استدلال می‌کنند که چون در قرآن کریم در آیات مختلف، تزکیه مقدّم بر تعلّم آمده، و این آیات به نوعی جنبه تربیتی را بیان می‌کنند پس نشان می‌دهد که نهی از منکر باید مقدّم بر امر به معروف باشد. در حقیقت این طور می‌گویند که دلی که پاک نشده باشد ظرفیت پذیرش معروف را ندارد پس ابتدا باید نهی از منکر کرد بعد امر به معروف (ب) از طرف دیگر عده‌ای هستند که اعتقاد دارند امر به معروف مقدّم بر نهی از منکر است ایشان چنین استدلال می‌کنند که اگر فردی امر به معروف شود آن معروف می‌تواند وی را اصلاح کند و از منکر باز دارد. شاهد مثال خود را هم آیه شریفه «انّ الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر» می‌آورند همچنین اینان استدلال می‌کنند که آدمی با نهی شدن و انداز میان خوی ندارد و موضع گیری منفی می‌کند اما اگر معروف به او عرضه شود، جنبه شوق و رجاء در آدمی پروانده می‌شود و آن وقت بهتر و بیشتر پذیرای حق و معروف می‌شود

۱. با توجه به این توضیحات، اولویت در امر به معروف و نهی از منکر کدام است؟

۲. اگر فردی هم مرتکب منکر میشد و هم معرفی را متروک ساخته بود، باید در ابتدا به کدام پرداخت

۳. در جامعه باید چگونه عمل کرد؟ آیا اول باید امر به معروف کرد (مثلا درباره نماز یا زکات و...) یا اول باید نهی از منکر کرد (مثلا درباره کم فروشی، روزه خواری، حجاب و...) اما سوالات دیگری هم در باب امر به معروف و نهی از منکر

مطرح است که به استحضار می‌رسد

۴. با توجه به گستردگی دامنه معروفات و منکرات، اولویت باید امر و نهی به کدام معروف و منکر باشد؟

۵. با توجه به آیه ی شریفه ی «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّه يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» تفاوت و حدود دعوت به خیر و امر به معروف چیست؟

۶. آیا ارشاد جاهلان به معروف و منکر نیز مشمول امر به معروف و نهی از منکر می‌شود

۷. با توجه به فعالیت‌های ضد فرهنگی دشمنان اسلام و تبلیغات سوء آنان، آیا فعالیت‌های فرهنگی در حوزه‌های مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر، مشمول ادای فریضه مذکور می‌شود؟

پاسخ: امر به معروف و نهی از منکر تقدم و تأخر زمانی ندارد یعنی اینگونه نیست که مدتی به یکی پرداخت تا زمینه برای دیگری فراهم شود چنانچه معرفی ترک می‌شود باید امر به معروف کرد و اگر منکری انجام می‌گیرد باید نهی از منکر کرد و لویه طور همزمان البته باید توجه داشت که امر به معروف و نهی از منکر شرایط و مراتبی دارند که در رساله ذکر شده و این گونه نیست که همه افراد بتوانند همه مراتب آن را انجام دهند بعضی از مراتب آن از وظائف حکومت است یا اینکه باید با اجازه مجتهد جامع شرایط باشد در موردی که تنها بتوان یکی از دو امر را انجام داد باید توجه داشت که اهمیت و مصلحت معروف مورد ترک در نظر خداوند بیشتر است یا مفسده منکر مورد ارتکاب.

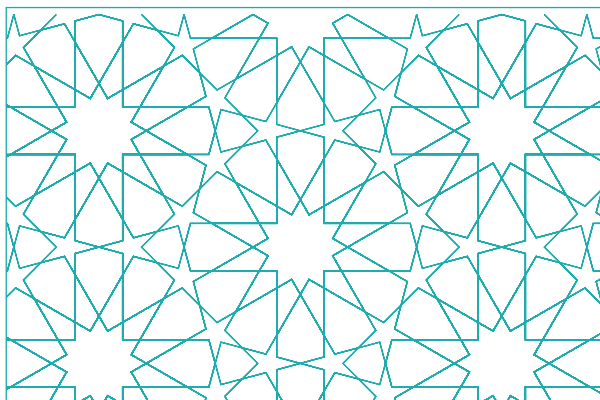
۵. دعوت به خیر سعه و گستره بیشتری دارد.

۶. ارشاد و راهنمایی جاهل به هدف ترک گناه و موعظه و نصیحت او می‌تواند مرتبه‌ای از مراتب امر به معروف و نهی از منکر باشد البته صرف بیان مسأله شرعی کافی نیست مگر دانسته شود که غرض حاصل می‌شود یا اینکه طرف از آن امر و نهی بفهمد.

۷. فعالیت فرهنگی مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در صورتی که از مصادیق اینها نباشد می‌تواند زمینه فراهم کردن و مقدمه باشد. جهت تفصیل و توضیح بیشتر به رساله توضیح المسائل مراجعه شود.

موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، «استفتانات»، سایت رسمی اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی، به نشانی:

<https://bit.ly/3BoD9ah>



مستندات

اول عالم بودن شخص آمر... دوم آن که فاعل منکر که معصیت کار است، بر انجام آن مصر باشد. سوم آن که آمر نسبت به جان و مال خود و همچنین نسبت به اشخاص دیگر مأمون از ضرر باشد. چهارم بداند که امر به معروف در طرف تأثیر دارد؛ پس اگر علم به عدم تأثیر داشت و سخن گفتن با او را بیهوده و بی‌اثر می‌داند، واجب نیست. این چهار شرط برای انکار به دست و زبان است.

میلانی، سیدمحمدهادی، دیدگاه‌های علمی آیت‌الله العظمی میلانی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶ ش.، ۲۷۷ و ۴۶۷.

حاکم شرع آن است که امام (ع) او را حاکم و قاضی قرار داده، و او مجتهد جامع الشرائطی است که خبیر و بصیر باشد به احکام شرعیه و موضوعات خارجیه.

میلانی، سیدمحمدهادی، دیدگاه‌های علمی آیت‌الله العظمی میلانی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶ ش.، ۳۰۵-۳۰۶.

ثم إن جهالة الراوي لا تضر في المقام، لرواية الكليني عنه، و تعدد روايات المشايخ عن الكليني عنه، و اشتهار هذا التوقيع، و العمل بمضمونه، هذا كله مضافا إلى أن الإطلاق في قوله عليه الصلاة والسلام: «هم حجتي عليكم». يقتضي عدم الاختصاص بقبول الرواية، و شموله للأمر التي كان الإمام مرجعا فيها، بحيث لا يبقى الناس حياري في الأمور العامة، و فيما يرجع إلى الأمور، و الحقوق للغائبين أو القاصرين، و غير ذلك. و كذا لا يبقى العذر لهم في ترك عدة من الأمور الدينية و الحقوقية استنادا إلى غيبة الإمام صلواته تعالى عليه.

میلانی، سیدمحمدهادی، محاضرات في فقه الإمامية (الخمس)، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا، ۲۷۷.



سیدمحمدهادی میلانی

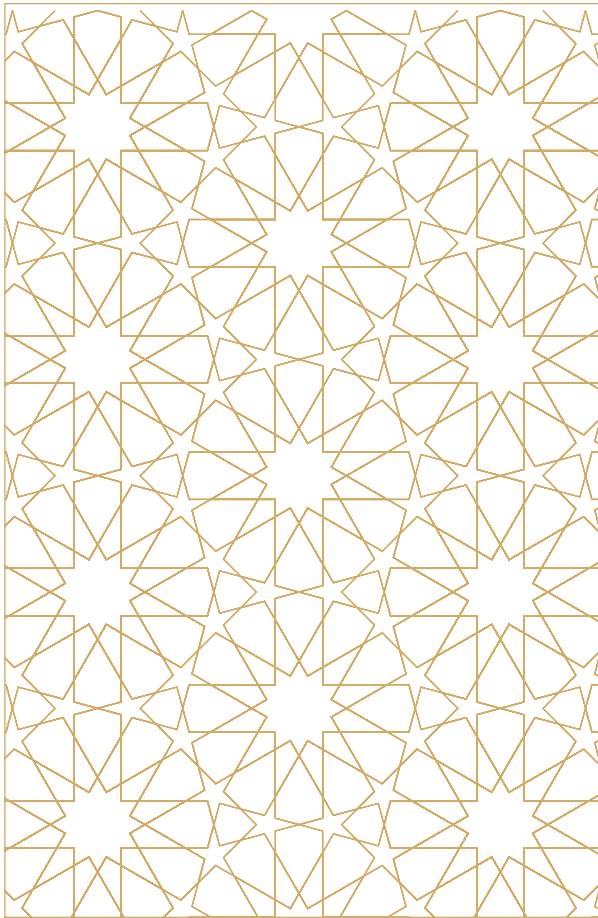
۳۸

تبیین اجمالی دیدگاه

به‌رغم جستجوی فراوان نگارنده، از آثار فقهی فتوایی آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی، رساله توضیح المسائل وی دستیاب نشد. در اثری که برخی استفتانات فقهی، تفسیری، کلامی و تاریخی را از آیت‌الله میلانی منتشر کرده است، می‌توان استفاده کرد که ایشان مرتبه سوم نهی از منکر که مرتبه انکار با دست است را می‌پذیرد. البته ایشان چیزی درباره مشروط بودن به اذن مجتهد جامع الشرائط در موردی که منجر به ضرب و جرح می‌شود، بیان نکرده است؛ اما ای بسا می‌توان گفت طبق نظر مشهور این شرط را مدنظر داشته ولی به آن تصریح نکرده است.

آیت‌الله میلانی درباره احکام تعزیرات سخنی به میان نیاورده است.

آیت‌الله میلانی ظاهراً ولایت فقیه در امور عامه (حسیبه) را می‌پذیرد، ولی در ادله ولایت عامه و مطلقه مناقشه کرده و آن را قابل اثبات نمی‌داند.



بشیر حسین نجفی

۳۹

مستندات

الثالثة: استخدام القوة لردع فاعل القبيح عنه ودفع تارك المعروف إليه، ثم إن المنع عن المنكر باليد له مراتب منها الحيلولة دون تنفيذ المعصية، ومنها مزاحمته باليد ثم الضرب المؤلم الرادع عن المعصية.

نجفی، بشیر، **منهاج الصالحین**، بی جا: مؤسسة الأنوار النجفیة، ۱۴۳۵ق.، ۱/ ۵۲۲.

السؤال: مراتب الامر بالمعروف والنهي عن المنكر هل تسري على الولد والديه بمعنى انه يجوز له ضربهما لو توقف فعل المعروف او ترك المنكر عليه؟

الجواب: بسمه سبحانه: لا يجوز للولد ضرب الوالدين مهما تعقدت الامور ومسالة جواز الضرب لاجل الامر بالمعروف انما هو لغير الوالدين والله العالم.

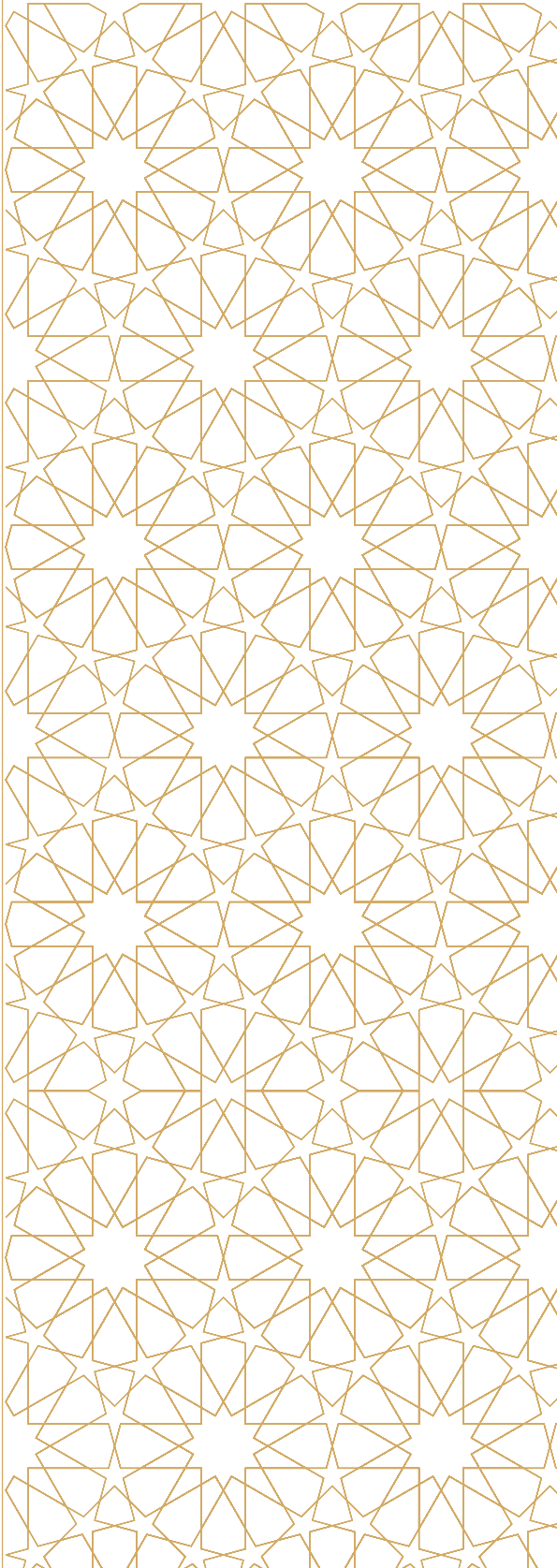
نجفی، بشیر، «استفتائات»، سایت رسمی، به نشانی:

<https://www.alnajafy.com/list/mainnews-1-677-236.html>

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت الله نجفی مرتبه سوم امر به معروف و نهی از منکر (عملی) که متوقف بر استفاده از قوای بازدارنده است را ثابت می داند که البته خود مراتبی دارد و باید مراتب را رعایت کرد؛ از به کار بردن حيله تا ممانعت با دست تا زدن دردناکی که سبب بازداشت شخص مرتکب از ارتکاب حرام شود. ایشان در یک استفتاء، امر به معروف در حدّ زدن را برای مرتکب حرام و تارک معروف (به جز پدر و مادر) ثابت می داند. از سویی در استفتائات آیت الله نجفی، در پاسخ به استفتائی درباره اجرای شریعت نوشته شده تنها راه اجرای شریعت، امر به معروف و نهی از منکر بدون استفاده از زور و وسایلی است که موجب هرج و مرج شود. به قرینه استفتائی دیگر، مقصود از وسایل موجب هرج و مرج، مواردی است که خارج از راه های شرعی مثل ارباب و تخویف به دنبال اجرای شریعت هستند.

آیت الله نجفی درباره تعزیرات مطلبی ندارد و البته ولایت فقیه را ظاهراً در معنای مطلقه پذیرفته است.



السؤال: كيف نطبق شريعتنا الاسلامية الان في بلادنا والآن توجد علمانية يمنعون تطبيق الشريعة؟

الجواب: بسمه سبحانه: الطريق الوحيد فعلاً هو الامر بالمعروف والنهي عن المنكر بعد اصلاح انفسنا وبدون اللجوء الى العنف والوسائل التي تخلق الفوضى قال الله سبحانه { ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ } النحل, ١٢٥ واللّه الهادي وهو الموفق.

نجفی، بشیر، «استفتائات»، سایت رسمی، به نشانی: همان.

السؤال: كثرت في العراق وفي مدينتنا ظاهرة التطرف الفكري الديني حتى وصل الامر انك اذا تكلمت عن شخصية دينية او تنسب نفسها للدين تهدد بالقتل وغيره من التهديدات ويكون ذلك من قبل أناس ملتزمين دينياً بظواهرهم على الاقل فما هي الطريقة المثلى للتصدي لمثل هذه الظاهرة وكيف يمكن لنا التعامل معهم؟

الجواب: بسمه سبحانه: لا بد من التعامل بالحكمة وبعدم إثارة الفتنة ويجب المحافظة على الدماء وهدوء البال واللجوء الى فتاوى الاعلام في حل المشاكل واللّه الموفق.

نجفی، بشیر، «استفتائات»، سایت رسمی، به نشانی: همان.

السؤال: ما هي حدود ولاية الرسول و الأئمة عليهم السلام؟ وهل لهم الولاية المطلقة في التصرف في شؤون الكائنات؟ وما هي حدود ولاية الفقيه؟

الجواب: بسمه سبحانه: - للرسول و للائمه (عليهم السلام) الولاية المطلقة التشريعية و السلطة التنفيذية شرعاً على جميع العباد و أما الشؤون التكوينية فلهم بعنوان الإعجاز القدرة على التصرف، حيث إن الإعجاز قد يكون فعل الله عز وجل على يد المعصوم، وقد يكون فعله لما منح الله تعالى له من القدرة. و أما الفقيه فله ما لكل حاكم مطلق من السلطة التشريعية في الأمور الإجتماعية والقدرة على تطبيق الأحكام الشرعية إن توفرت المستلزمات من حيث البلاد الإسلامية و تنظيم أمورها وإدارة شؤونها بالمباشرة أو بالإستتابة والدفاع عنهم و الله العالم.

نجفی، بشیر، «استفتائات»، سایت رسمی، به نشانی:

<https://www.alnajafy.com/list/main-news-5-1-677-412-1.html>

مگر با اعمال زور و جبر، واجب است لکن باید تجاوز از قدر لازم نکند.

(مسئله ۲۸۰۶) اگر ممکن شود جلوگیری از معصیت، به اینکه بین شخص و معصیت حائل شود و با این نحو مانع از معصیت شود، لازم است اقتضار به آن اگر محذور آن کمتر از چیزهای دیگر باشد.

(مسئله ۲۸۰۷) اگر جلوگیری از معصیت توقّف داشته باشد بر اینکه دست معصیت کار را بگیرد یا او را از محلّ معصیت بیرون کند یا در آلتی که به آن معصیت می‌کند تصرف کند جایز است، بلکه واجب است عمل کند.

(مسئله ۲۸۰۸) جایز نیست اموال محترمه معصیت کار را تلف کند، مگر آنکه لازمه جلوگیری از معصیت باشد، در این صورت اگر تلف کند ضامن نیست ظاهراً، و در غیر این صورت، ضامن و معصیت کار است.

(مسئله ۲۸۰۹) اگر جلوگیری از معصیت توقّف داشته باشد بر حبس نمودن معصیت کار، در محلّی یا منع نمودن از آنکه به محلّی وارد شود، واجب است، با مراعات مقدار لازم و تجاوز نمودن از آن.

(مسئله ۲۸۱۰) اگر توقّف داشته باشد جلوگیری از معصیت، بر کتک زدن و سخت گرفتن بر شخص معصیت کار، و در مضیقه قرار دادن او جایز است، لکن لازم است مراعات شود که زیاده روی نشود، و بهتر آن است که در این امر ونظیر آن اجازه از مجتهد جامع الشرایط گرفته شود.

(مسئله ۲۸۱۱) اگر جلوگیری از منکرات و اقامه واجبات موقوف باشد بر جرح و قتل، جائز نیست مگر به اذن [مجتهد] جامع الشرایط با حصول شرائط آن.

نوری همدانی، حسین، «رساله توضیح المسائل»، سایت رسمی دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی، به‌نشانی:

<https://noorihamedani.ir/term/category?id=607&sub=3073>

س ۸۹۲: آیا زنانی که بدون حجاب شرعی در خیابان‌ها



حسین نوری همدانی

۴۰

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت‌الله نوری همدانی مرتبه سوم اعم از در مضیقه قرار دادن و کتک زدن فاعل منکر یا تارک معروف را ثابت می‌داند، هرچند احتیاط مستحب می‌کند که از مجتهد جامع الشرایط اجازه گرفته شود. البته در اثر استدلالی خود پیرامون نهی از منکر کمی تفاوت با رساله توضیح المسائل به چشم می‌خورد؛ چرا که به این نتیجه می‌رسد که اقتضای جلوگیری از هرج و مرج و اقامه این فریضه با حفظ نظام اجتماعی این است که برای مرتبه عملی، فقیه اذن دهد که در واقع فتوا یا دست‌کم احتیاط واجب است. همچنین او لازم می‌داند نیروی انتظامی با بی‌حجابی‌ها و هنجارشکنی‌ها برخورد کند.

آیت‌الله نوری همدانی ولایت مطلقه فقیه را می‌پذیرد. درباره احکام تعزیرات سخنی از او دیده نشد.

مستندات

(مسئله ۲۸۰۵) مرتبه سوم توسل به زور و جبر است، پس اگر بدانند یا اطمینان داشته باشد که ترک منکر نمی‌کند یا واجب را بجا نمی‌آورد

و کوچه‌ها و محیط‌های خارج از خانه ظاهر می‌شوند، می‌توان آنها را به خاطر نداشتن حجاب تعزیر کرد یا خیر؟

ج: نهی از منکر مراتب دارد و اگر حاکم شرع در مواردی آن را لازم بداند، می‌تواند اجرا کند.

نوری همدانی، حسین، هزار و یک مسأله، قم: مهدی موعود، بی‌تا، ۱/ ۲۱۸.

و ثالثاً: انّ الفساد و الهرج و المرج اثمًا يلزم إذا كان ذلك فوضي و بلا نظام يعني إذا جوّزنا الجرح و القتل لأحد الناس من دون نظر للفقهاء الجامع للشرائط الناسب في زمان الغيبة، و أمّا لو قلنا بلزوم الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر و إن استلزم الجرح أو القتل مع لزوم إيكال ذلك إلي نظر الفقهاء فلا يلزم هذا المحذور أصلاً، و القول بذلك هو مقتضى التحقيق في المقام، لأنّ اهتمام الشارع المقدّس بالفريضة التي بها تقام الفرائض و تأمين المذاهب و تحلّل المكاسب و تردّ المظالم و تعمير الأرض و يتصّف من الأعداء و يستقيم الأمر، يقتضي أن تكون هذه المرتبة منها بنظر الفقهاء.

نوری همدانی، حسین، الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر، قم: مهدی موعود، ۱۴۳۴ق.، ۲۶۰.

ایشان در این دیدار مسأله حجاب را یکی از مسائل و احکام مسلم اسلام دانستند و ابراز داشتند: امروز دشمنان در تلاش هستند که این اصل مسلم را زیر سؤال ببرند. حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی با اشاره به کشف حجاب در زمان رضا شاه پهلوی خاطر نشان کردند: رضاخان در آن زمان حدود یک ماه به ترکیه سفر کرد و تحت تأثیر مواضع غرب گرایي آتاتورک قرار گرفت و پس از بازگشت به ایران جریان کشف حجاب را کلید زد.

مرجع عالیقدر جهان تشیع عنوان کردند: امروز با توجه به اینکه انقلاب اسلامی برای احیای ارزش‌های اسلامی برپا شده است، دولت و دستگاه‌های اجرایی همانند نیروی انتظامی باید برای ترویج فرهنگ حجاب در جامعه برنامه‌های مدون داشته باشند.

ایشان افزودند: همه بانوانی که در دستگاه‌های دولتی و ادارات مشغول به کار هستند ملزم به رعایت حجاب هستند. حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی با اشاره به

دسیسه‌های دشمن برای زدودن فرهنگ حجاب در شهرهای مذهبی همچون قم مقدسه ابراز داشتند: گاهی برخی از سوی دشمن اجیر می‌شوند تا با وضعیت نامناسب در شهرهای مذهبی حضور پیدا کرده و تا فرهنگ بی‌حجابی را در این شهرها نهادینه کنند، بنابراین مسؤولان باید توجه بیشتری داشته باشند.

ایشان با بیان اینکه حریم خصوصی به محلی اطلاق می‌شود که بیگانگان نتوانند آن را مشاهده کنند، تأکید کرد: ماشین را نمی‌توان حریم خصوصی نامید و در آن کشف حجاب کرد، زیرا نامحرمان به آن اشراف دارند.

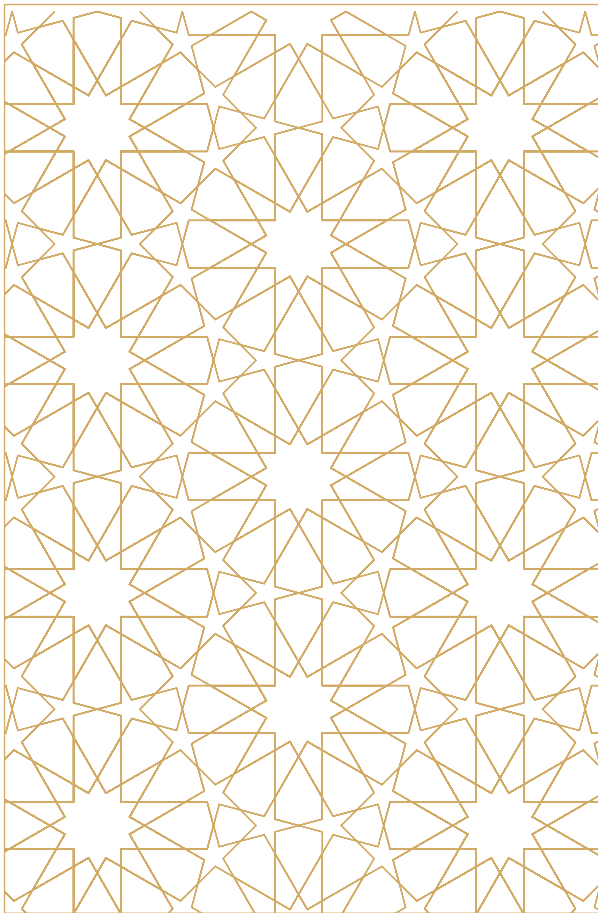
نوری همدانی، حسین، «دیدارها»، سایت رسمی دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی، به‌نشانی: <https://noorihamedani.ir/post/view?id=8462>

حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی با تأکید بر مقابله جدی نیروی انتظامی با هنجارشکنی‌ها ابراز داشتند: حجاب یکی از ارزش‌های مهم اسلامی است و باید با بی‌حجابی‌ها و هنجارشکنی‌ها برخورد شود. ایشان عنوان کردند: باید برای رعایت ارزش‌ها به ویژه حجاب فرهنگ سازی شده و دستورات اسلام اجرایی شود، بانوان دارای عفاف هستند اما باید حجاب را هم رعایت کنند و به دستورات دینی اهتمام داشته باشند، مراکز و نهادها باید متحد باشند تا با امر به معروف این اصل اسلامی رعایت شود.

نوری همدانی، حسین، «دیدارها»، سایت رسمی دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی، به‌نشانی: <https://noorihamedani.ir/post/view?id=9611>

حضرت آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی نخستین وظیفه حکومت اسلامی را احیای فريضة امر به معروف و نهی از منکر عنوان کردند و افزودند: دو سه سالی است درباره حجاب و بدحجابی صحبت می‌شود، اعتراض می‌شد که چرا علما و مراجع عظام تقلید حرفی نمی‌زنند، ما می‌گوییم اما اثری نمی‌بینیم، رعایت حجاب باید ابتدا از دولت و ارگان‌های دولتی شروع شود.

نوری همدانی، حسین، «دیدارها»، سایت رسمی دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی، به‌نشانی: <https://noorihamedani.ir/post/view?id=9579>



حسین وحید خراسانی

۴۱

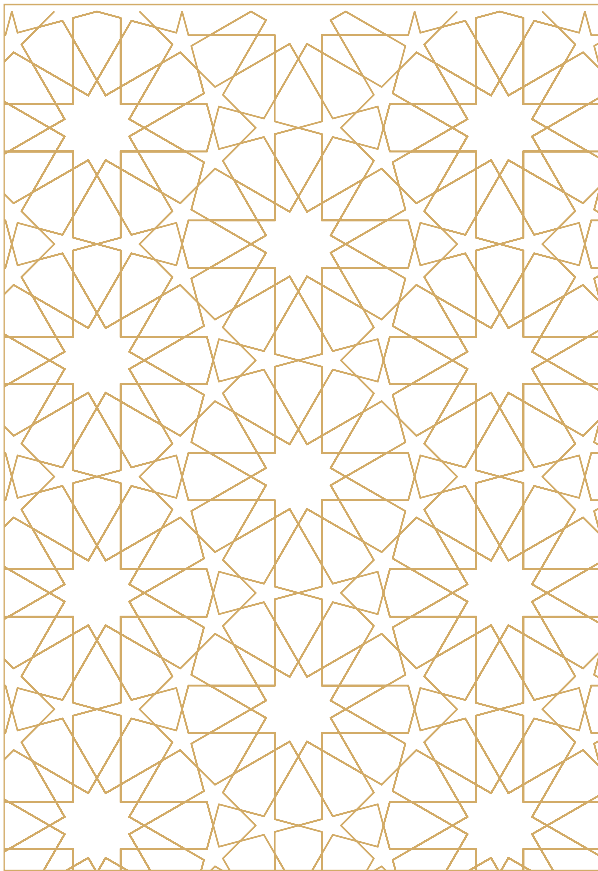
مستندات

(مسألة ۱۲۷۲): لا يختص وجوب الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر بصنف من الناس دون صنف، بل يجب عند اجتماع الشرائط المذكورة على العلماء وغيرهم، و العدول و الفساق، و السلطان و الرعية، و الأغنياء و الفقراء، و قد تقدم أنه إن قام به واحد سقط الوجوب عن غيره و إن لم يقم به أحد أثم الجميع، و استحقوا العقاب. للأمر بالمعروف و النهي عن المنكر مراتب: الأولى: الإنكار بالقلب، بمعنى إظهار كراهة المنكر، أو ترك المعروف، إما بإظهار الانزعاج من الفاعل، أو الاعراض و الصد عنه، أو ترك الكلام معه، أو نحو ذلك من فعل أو ترك يدل على كراهة ما وقع منه. الثانية: الإنكار باللسان و القول، بأن يعظه، و ينصحه، و يذكر له ما أعد الله سبحانه للعاصين من العقاب الأليم و العذاب في الجحيم، أو يذكر له ما

تبیین اجمالی دیدگاه

آیت الله وحید خراسانی مرتبه سوم نهی از منکر را با رعایت خفیف تر به شدیدتر می پذیرد و در صورتی که منجر به جرح یا قتل شود جایز نمی داند، مگر از ناحیه امام (ع) و نایب وی که در صورت اهمیت مفسده معصیت فاعل منکر نسبت به مفسده قتل یا جرح او موّجه می شود. به تعبیر وی لازم است امر و ناهی مانند طیب معالج به معالجه فاعل منکر یا تارک معروف بپردازند. او در احکام تعزیرات نظر استادش آیت الله خوئی را پذیرفته است؛ یعنی قاعده «التعزیر لكل عمل محرّم» را می پذیرد.

مطابق اطلاع نگارنده از شاگردان هیأت استفتاء و مقرران دروس آیت الله وحید خراسانی، ایشان به ولایت مطلقه فقیه قائل نیست.



أعدّه الله تعالى للمطيعين من الثواب الجسيم و الفوز في جنات النعيم. الثالثة: الإنكار باليد بالضرب المؤلم الرادع عن المعصية، و لكل واحدة من هذه المراتب مراتب أخف و أشد، و المشهور الترتب بين هذه المراتب، فإن كان إظهار الإنكار القلبي كافياً في الزجر اقتصر عليه، و إلا أنكر باللسان، فإن لم يكف ذلك أنكره بيده، و لكن الظاهر أن القسمين الأولين في مرتبة واحدة فيختار الأمر أو الناهي ما يحتمل التأثير منهما، و قد يلزمه الجمع بينهما. و أما القسم الثالث فهو مترتب على عدم تأثير الأولين، و الأحوط في هذا القسم الترتب بين مراتبه فلا ينتقل إلى الأشد، إلا إذا لم يكف الأخر.

(مسألة ۱۲۷۳): إذا لم تكف المراتب المذكورة في ردع الفاعل ففي جواز الانتقال إلى الجرح و القتل و جهان، بل قولان أقواهما عدم، و كذا إذا توقف على كسر عضو من يد أو رجل أو غيرهما، أو أعابه عضو كشلل أو اعوجاج أو نحوهما، فإن الأقوى عدم جواز ذلك، و إذا أدى الضرب إلى ذلك - خطأً أو عمداً - فالأقوى ضمان الأمر و الناهي لذلك، فتجري عليه أحكام الجنائية العمدية، إن كان عمداً، و الخطئية إن كان خطأً. نعم يجوز للإمام و نائبه ذلك إذا كان يترتب على معصية الفاعل مفسدة أهم من جرحه أو قتله، و حينئذ لا ضمان عليه.

و حید خراسانی، حسین، **منهاج الصالحین**، قم: مدرسة الإمام باقر العلوم (ع)، ۱۳۸۶ ش، ۲/ ۳۷۱-۳۷۲.

مسألة ۲۰۷۶ - بر هر مکلفی واجب است که به قلب خود، از منکر کراهت داشته باشد، هر چند نتواند از آن جلوگیری نماید. و در مقام امر به معروف و نهی از منکر، اول به اظهار کراهت قلبی، هر چند به ترک معاشرت با تارک معروف و فاعل منکر، و به وسیله زبان به موعظه و نصیحت، و بیان ثواب معروف و عذاب منکر، او را وادار به معروف نماید، و از منکر بازدارد. و اگر این دو اثر نکند، و جلوگیری متوقف بر زدن بود، باید به گونه‌ای باشد که موجب ديه و قصاص نشود، وگرنه، چنانچه - مثلاً - موجب به جراحتی شود، در صورتی که به عمد باشد، مجروح می‌تواند قصاص کند و اگر از روی خطا باشد، می‌تواند ديه بگیرد.

مسألة ۲۰۷۷ - وظیفهٔ امر به معروف و ناهي از منکر

آن است که در امر به معروف و نهی از منکر غرض شارع مقدّس را - که ارشاد گمراه و اصلاح فاسد است - در نظر داشته باشد، و این مهم حاصل نمی‌شود، مگر به آن که مبتلا به گناه را مانند عضو فاسد پیکر خود بداند، و همچنان که به علاج پارهٔ تن خود می‌پردازد، به معالجهٔ مبتلایان به مفسد و امراض روحی پردازد، و امر به معروف و ناهي از منکر نباید غفلت کند که شاید در صحیفهٔ عمل آن گناهکار حسنه‌ای باشد که خدا او را به آن ببخشد، و در دفتر عمل خودش سیئه‌ای باشد که او را به آن مؤاخذه کند. و حید خراسانی، حسین، **رساله توضیح المسائل**، قم: مدرسة الإمام باقر العلوم (ع)، ۱۳۸۶ ش، ۳۹۸-۳۹۹.

(مسألة ۲۸۲): من فعل محرماً أو ترك واجباً إلهياً عالماً عامداً عززه الحاكم حسب ما يراه من المصلحة و يثبت موجب التعزير بشهادة شاهدين و بالإقرار.

و حید خراسانی، حسین، **رساله توضیح المسائل**، قم: مدرسة الإمام باقر العلوم (ع)، ۱۳۸۶ ش، ۳/ ۴۹۴.

اطلاعات آماری به همراه دسته‌بندی
دیدگاه‌ها، مستندات و درجه‌بندی
انتساب دیدگاه به هر فقیه

علایم اختصاری جداول:

مقصود از «ن» نهی از منکر، «ت» تعزیرات، «و» ولایت فقیه، «مق» ولایت مقیده و «مط» ولایت مطلقه است. همچنین علامت «-» یعنی مخالفت فقیه مورد نظر با حکم و جای خالی یعنی نظر آن فقیه یافت نشده است.

درجه بندی انتساب دیدگاه به فقیه			نوع دیدگاه		مستندات		دیدگاه			جدول اطلاعات آماری
ضعیف	متوسط	قوی	فرا یا احتیاط	نظر استدلالی	غیر معلوم	معلوم	ولایت فقیه/ قانون	تعزیرات عام یا حجاب	نهی از منکر عملی	نام مرجع تقلید/ وضعیت
	*		*ن	*و	*ن/ات	*و	*مق		*	محمدعلی اراکی
	*			*و	*ن/ات	*و	*مق			سیدحسین طباطبایی بروجردی
	*		*ن		*ن/ات او				*	محمدتقی بهجت
		*	*ن	*ت او	*ن/ات	*وات	*مق	*	*	جواد تبریزی
		*	*و		*ن/ات او		*مط	*	*	عبدالله جوادی آملی
	*		*ن	*و	*ن/ات	*و	-		*	سیدمحسن حکیم
	*		*ن	*و	*ن/ات	*و	*مق		*	سیدمحمد سعید حکیم
		*	*ن/ات او		*ن/ات او		*مط	*	*	سیدعلی خامنه‌ای
		*	ن/ات او	*و	*ن/ات	*و	*مط	*	*	سیدروح‌الله خمینی
	*			*ن	*ت او	*ن	-		*	سیداحمد خوانساری
	*		*ن/ات او	*و	*ن	*ت او	*مق	*	*	سیدابوالقاسم خوئی

درجه بندی انتساب دیدگاه به فقیه			نوع دیدگاه		مستندات		دیدگاه			جدول اطلاعات آماری
ضمیمه	متوسط	قوی	فتوا یا احتیاط	نظر استدلالی	غیر معلوم	معلوم	ولایت فقیه/ قانون	تغزیرات عام یا حجاب	نهی از منکر عملی	نام مرجع تقلید/ وضعیت
	*		*ن	*و	*ن/ات	*و	-		*	سید محمد روحانی
		*		*ن/ات او		*ن/ات او	*مط	*	*	سید محمد صادق روحانی
		*	*ن/ات او	*ت او	*ن	*وات	*مط	*	*	جعفر سبحانی
	*		*ن/ات او		*ن/ات او		*مق		*	محمد سند بحرانی
	*		ن او	*و	*ن/ات	*و	*مق		*	سید علی سیستانی
	*			*و	*ن/ات	*و	*مط			سید محمود حسینی شاهرودی
		*	*ن/ات او	*و	*ن/ات او	*و	*مط	*	*	سید محمود هاشمی شاهرودی
	*		*ن		*ن/ات او		*مق		*	سید موسی شبیری زنجانی
	*			*ن او	*ت	*ن او	-	-	-	سید کاظم شریعتمداری
	*		*ن		*ن/ات او		*مق		*	سید صادق حسینی شیرازی
	*		*ن	*و	*ن/ات	*و	*مق		*	سید محمد حسینی شیرازی

درجه بندی انتساب دیدگاه به فقیه			نوع دیدگاه		مستندات		دیدگاه			جدول اطلاعات آماری
ضعیف	متوسط	قوی	فقر یا احتیاط	نظر استدلالی	غیر معلوم	معلوم	ولایت فقیه/ قانون	تغییرات عام با حجاب	نهی از منکر عملی	نام مرجع تقلید/ وضعیت
		*	*نات	*ت او	*ن	*ت او	*مط	*	*	لطف الله صافی گلپایگانی
		*	*نات او	*نات	*و	*نات	*مط	-	-	یوسف صانعی
	*		*ن او		*نات او		*مط		*	سید محمد باقر صدر
	*		*ن		*نات او		-		*	سید حسن طباطبایی قمی
		*	*ن	*ن	*ت او	*ن			-	سید تقی طباطبایی قمی
	*		*ن		*نات او				-	سید محمد جواد علوی بروجردی
		*	*نات		*نات او		*مط	*ت	*	سید محمد علی علوی گرگانی
		*	*نات او	*ت او	*ن	*ت او	*مط	*	*	محمد فاضل لنکرانی
		*	*نات او	*و	*نات	*و	*مط	-	*	محمد اسحاق فیاض
	*		*نات	*و	*نات	*و	*مط	*	*	سید محمد رضا گلپایگانی
		*	*نات او	*ن او	*ت	*ن او	*مط	*	*	سید محمد تقی مدرسی

درجه بندی انتساب دیدگاه به فقیه			نوع دیدگاه		مستندات		دیدگاه			جدول اطلاعات آماری
ضعیف	متوسط	قوی	فتوا یا اجنباط	نظر استدلالی	غیر معلوم	معلوم	ولایت فقیه/ قانون	تغزیرات عام با حجاب	نهی از منکر عملی	نام مرجع تقلید/ وضعیت
	*			*ن	*ن/او	*ت		*		سیدشهاب الدین مرعشی نجفی
		*	*ت/او	*ن	*ت/او	*ن	*مط	*	*	ناصر مکارم شیرازی
		*	*ن/ات/او	*و	*ن/ات	*و	*مق	*	*	حسینعلی منتظری
		*	*ن	*ن	*ت/او	*ن			*	سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی
	*		*ن		*ن/ات/او		*مق		*	سیدمحمد هادی میلانی
		*	ن/مط		*ن/ات/او		*مط		*	بشیر نجفی
		*	*ن/او	*ن/او	*ت	*ن/او	*مط		*	حسین نوری همدانی
	*		*ن/ات		*ن/ات/او		*مق	*	*	حسین وحید خراسانی

آقایان سیدکاظم شریعتمداری، یوسف صانعی، سیدتقی طباطبایی قمی و سیدمحمدجواد علوی بروجردی صریحاً یا ضمناً هرگونه نهی از منکر عملی را رد کرده اند که بر این اساس حجاب اجباری نیز از نظر آنان ممنوع است. ظاهراً می توان گفت آقایان حسینعلی منتظری، سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی و محمداسحاق فیاض به لحاظ فتوایی نهی از منکر عملی را می پذیرند، ولی با توجه به شرایط اجتماعی کنونی، اجرای آن را به مصلحت نمی دانند.

نتیجه اطلاعات آماری



■ ۴ از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۹/۷۵٪ نهی از منکر عملی را قبول ندارند.



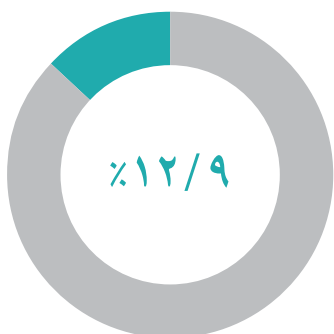
■ ۳ از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۷/۳۱٪ درباره نهی از منکر عملی هیچ سخنی در حد نظر استدلالی یا فتوا نگفته‌اند.



■ ۱۷ از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۴۱/۴۶٪ قاعده عمومی تعزیرات یا «التعزیر لکل عمل محرم» را می‌پذیرند.



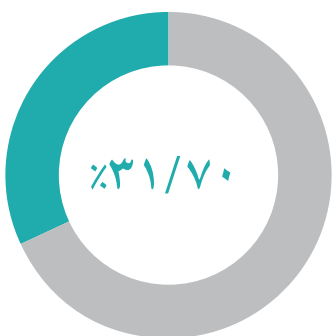
■ ۲۰ از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۴۸/۷۸٪ هیچ سخنی در حد نظر استدلالی یا فتوا درباره قاعده عام تعزیرات ندارند.



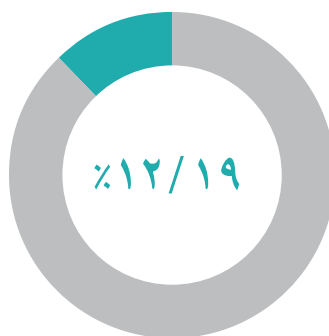
■ ۵ از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۱۲/۹٪ درباره ولایت فقیه یا لزوم پیروی از قوانین حکومت اسلامی سخنی در حد نظر استدلالی یا فتوا ندارند.



■ ۳ از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۷/۳۱٪ قاعده عمومی تعزیرات یا تعزیر در خصوص حجاب را رد کرده است.



■ ۱۳ از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۳۱/۷۰٪ ولایت مقیده فقیه را قبول دارند.



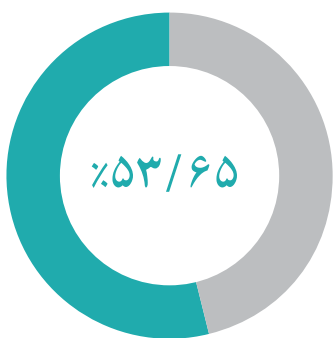
■ ۵ از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۱۲/۱۹٪ ولایت فقیه را حتی از نوع مقیده قبول ندارند.



■ ۹ از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۲۱/۹۵٪ نهی از منکر عملی را در قالب نظر استدلالی پذیرفته‌اند که از این میان، ۶ نفر آن را در قالب فتوا نیز پذیرفته‌اند.



■ ۱۸ از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۴۳/۹۰٪ ولایت مطلقه فقیه را قبول دارند.



■ ۲۲ از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۵۳/۶۵٪ ولایت فقیه (اعم از مطلقه و مقیده) یا لزوم پیروی از قوانین حکومت اسلامی را در قالب نظر استدلالی پذیرفته‌اند که از این میان، ۱۰ نفر آن را در قالب فتوا نیز پذیرفته‌اند.



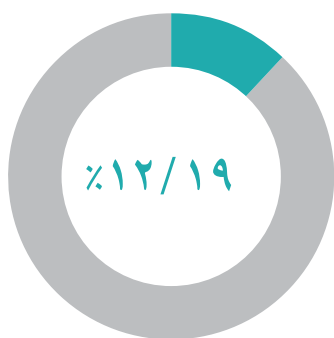
■ ۷ از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۱۷/۰۷٪ قاعده عمومی تعزیرات را در قالب نظر استدلالی پذیرفته‌اند که از این میان، ۴ نفر آن را در قالب فتوا نیز پذیرفته‌اند.



■ ۱۹ از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۴۶/۳۴٪ حجاب اجباری را قطعاً در مقام نظر استدلالی یا در مقام فتوا قبول دارند.



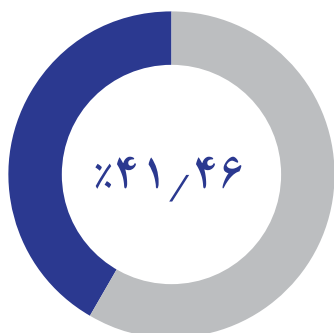
■ ۴ از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۹/۷۵٪ ظاهراً حجاب اجباری را قبول ندارند.



■ ۵ از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۱۲/۱۹٪ وجود انکار ولایت فقیه (اعم از مطلقه و مقیده) یا انکار لزوم پیروی از قوانین حکومت اسلامی، با احتمال ۵۰ درصد در مقام نظر استدلالی یا فتوا قائل به مشروعیت حجاب اجباری‌اند که به دلیل پذیرش نهی از منکر عملی یا قاعده عمومی تعزیرات است.



■ ۱۸ از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۴۳/۹۰٪ ظاهراً حجاب اجباری را دست‌کم با احتمال ۵۰ درصد در مقام نظر استدلالی یا فتوا قبول دارند.



■ ۱۷ از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۴۱/۴۶٪
 قاعده عمومی تعزیرات یا «التعزیر لکل عمل
 محرم» را می پذیرند.



■ ۲۲ از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۵۳/۵۶٪ هیچ
 سخنی در حد نظر استدلالی یا فتوا درباره قاعده
 عام تعزیرات ندارند.



www.mssinst.com | Contact@mssint.com

